

فصل تیمورک نسبی و ابتدای حالی بیانند در ۱	فصل تیمورک منزهت بیانند در ۴	فصل تیمورک قرشی قلعه دخول و واقع اولان خطبی بیانند در ۵	فصل تیمورک حاکم بدخشان ایلده اولان اتفاقی بیانند در ۵
فصل طایفه مغولک سلطان حسین افزینه خروجی بیانند در ۵	فصل تیمورک محل مذکورده نه وجه اوزره حرکت و سلطان حسین عسکر شکست ایتدو ۶	فصل تیمورک بدخشان طرفه غریبی بیانند در ۶	فصل تیمورک میشل خانک تیمور ایلده اولان محاربه سی بیانند در ۷
فصل علی شیرک تیمور ایلده اولان شورلوی بیانند در ۷	فصل بلده سمرقنده اولان مفسد لک هلاکی بیانند در ۸	فصل ممالک سمرقند وما بین الشطین بدخشان و جندی بیانند در ۸	فصل تیمورک استضعاف ممالک ایتدو کد نصکوه خوارزمه غریبی ۸
فصل تکرار خوارزمه رجوعی بیانند در ۹	فصل تیمورک هیرات پادشاهی غیاث الدینه غلبه سی بیانند در ۹	فصل تیمورک خراسان سمته عودت و سجستان تخریب ۱۰	فصل تیمورک ملک شیرازه غریبی بیانند در ۱۰
فصل تیمورک سلطان عراق شاه شجاع ایلده مراسلات ۱۱	فصل تیمورک دفعه ثالثه خوارزمه غریبی بیانند در ۱۳	فصل مازندران حاکمی شاه ولی و ابراهیم قوییه اولان نامه تیمور ترکمانیله اولان واقعه لوی ۱۴	فصل تیمور عسکرینک ابوبکر سنا سبانی و سید علی کردی و امت ترکمانیله اولان واقعه لوی ۱۵
فصل تیمورک عراق عجمه غزیت و شاه منصور ایلده اولان مخاصمه ۱۵	فصل شاه منصور واقع سند نصکوه اولان وقایع ۱۶	فصل اول غدارک اهل اصفهان اولان غذی بیانند در ۱۸	فصل تیمورک مغوله استیلا سی ۲۰

فصل تیمورک خراسان و فارس طرفه رجوعی بیانند در ۲۰	فصل قلعه سیرجانده کودر نام امیرک عصیان بیانند در ۲۲	فصل شاه شجاع برادری سلطان احمدک اوغلی سلطان مهدی و سلیمان خان وقعه لوی ۲۴	فصل حکایه سرگذشت زن شاه میر بیانند در ۲۴
فصل تیمورک عراق عجمه تکرار رجوعی ۲۳	فصل تیمورک برقاج کون سکونی و تمهید ولایت ایلده آرامی ۲۴	فصل تیمورک لرستان ملکتن تسخیر ایتدو بیانند در ۲۴	فصل تیمورک بغداده توچی بیانند در ۲۵
فصل صفت قلعه بخا سلطان احمد متعلق ۲۵	فصل قلعه مذکورده امیرنک سبب هلاکی ۲۶	فصل تیمورک دیاربکر و تکرید و موصل و ما ردین و دهاییه غریبی ایتدو ۲۸	فصل تیمورک قلعه مذکورده یعنی ماردین تسخیر ایتدو ۲۸
فصل تیمورک عراق عرب و عجمدن دشت قباچاق طرفه غریبی ۲۹	فصل تیمورک دشت قباچاق طرفیله اولان وقفه سنه سبب نه اولدوغی ۳۰	فصل صفت اهلای دشت مذکورده بیانند در ۳۱	فصل صفت دشت مرفوم بیانند در ۳۱
فصل صفت بحر کیلان بیانند در ۳۱	فصل صفت بلده سرای ۳۱	فصل تیمورک دشت مذکور طرفه غریبی ۳۲	فصل تیمور مستدرج الامور احوالی و توقفا میش شکست بولدوغی ۳۳
فصل آید کوانک تیموره اولان خدعه سی ۳۳	فصل نواحی شمالده امیر آید کوا ایلده توقفا میش خانک جد اللوی ۳۴	فصل سلطان ماردین الملك الظاهری اطلاق ایتدو ۳۵	فصل شام و قیصریه طرفلرینه اولان مکتوب لوی ۳۵

فصل صورت خطاب تیمور بمصر بیا نند در ۳۷	فصل صورت جواب مکتوب ۳۷	فصل تیمور قاصد لرینه سلطان برهان الدینک ترتیب آید و کی عذاب ۳۸	فصل در عقب امیر الامرای شام تنیم نام ادریجانی نهب آید و کی عذاب ۳۸
فصل تیمورک بلاد هند غزمتی بیاند در ۳۱	فصل پادشاه هند ملو تخت هنده استقرار بولد و غی بیاند در ۳۹	فصل تیمورک هند جنگنده اولان حیلہ سی بیاند در ۳۹	فصل سلطان سیواس برهان الدینک و ملک مصر الملك الظاهرک وفانلری ۴۰
فصل معنای مکتوب امیرانشاه به تیمور ۴۱	فصل تیمور و رود کتاب مذکور ایلہ تبریزه عنان تابا ولد و غی ۴۲	فصل سلطان برهان الدین احوالی بیاند ۴۳	فصل قره بلوک ایلہ برهان الدینک واقع اولان نزاع و منافرتلری ۴۴
فصل قره بلوک سیواسه غزمتی بیاند در ۴۱	فصل مشورت اهل سیواس ۴۶	فصل تیمورک ماردین طرفه تکرار غزمتی ۴۷	فصل تیمورک سیواس طرفه غزمتی ۴۷
فصل تیمورک حلب اطرافه استیلاسی ۴۸	فصل عسکر شام و حلب مشاوره لری ۴۹	فصل تیمورک عین تابدن نقل رکاب و حلبه و صولی ۵۰	فصل بووقعه فاقعه نک بروجر اوزره ایضاحی ۵۱
فصل تیمورک علماء حلب ایلہ مناظره سی ۵۲	فصل تیمورک حلبدن نهضتی بیاند در ۵۴	فصل تیمورک حلبه تکرار رجعتی بیاند در ۵۵	فصل شام واقعه سنک تفصیلی ۵۵

فصل الملك الناصرک مصر دن خروجی ۵۶	فصل معركة مذکوره نک تفصیلی ۵۸	فصل ذباب و کلایی یعنی عسکر مصر ایلہ تیمورک عسکر عی مقابلہ و مقاتله سی ۵۸	فصل تیمورک همشیرم زاده سی سلطان حسین تیمورک روکردان و مصره و ردوغی ۵۸
فصل اعیان عسکر سلطان بیستند واقع اختلاف ۵۸	فصل پادشاه مصرک غزمتی بیاند در ۵۹	فصل الملك الناصر فرارند نصرکه تا تارک شامه استیلاسی ۵۹	فصل اعیان دمشقک مشاوره لری و تیمور مراجعتلری ۶۰
فصل بعض ایا مدع علمای شام مجلس تیمور حضور لری ۶۰	فصل عبد الجبار ابن الفتحان ایلہ علمای شامک مباحتلری ۶۱	فصل احوال عبد الجبار مذکور بیاند در ۶۲	فصل اهل شامدن تحصیل مال ۶۳
فصل محاصره قلعه داخل بیاند در ۶۳	فصل بعض ارباب عقولک دفع مضرت تیمور الچون تدارکی ۶۳	فصل الملك الناصر تیموره کوند و ردکی نامه ۶۵	فصل الملك الناصر قاصدی نیستی تقریری ۶۵
فصل تیمورک بعد الاما اهل دمشق آید و کی غدر ۶۶	فصل تیمورک شامدن ارتحالی بیاند در ۶۶	فصل احوال مصریان بیاند در ۶۷	فصل اعیان شامک عاقبه الحاللری ۶۷
فصل اقلیم شامه استیلا جراد بیاند در ۶۸	فصل ترك محاصره ماردین وبغداد توجیه تیمور ۶۹	فصل شخیر قلعه مذکور ممکن اولمقدقه قره بلوک امیر عثمانی اول اماکنه والی نصب آید و کی ۷۰	فصل سلطان الشیخ اولیست طرف روم غزمتی ۷۰

فصل سلطان خلیل طرفین و خدا داد طرفین الله داده وارد اولان مکاتیب ۱۰۷	فصل الله دادک اشبارده بقا ایتدوکی جنودک ما بینلرنده واقع اولان اختلاف ۱۰۸	فصل الله دادک خدا داده اولان خدعه وارد اولان مکتوب ۱۰۹	فصل سلطان خلیل طرفین الله داده وارد اولان مکتوب ۱۰۹
فصل مکتوب سلطانی ورد و دند نصکره خدا داد تحصیل امن و امان ایچون الله دادک ایتدوکی موافق و عهد ۱۰۹	فصل الله دادک سلطان خلیله محوفی بیانند در ۱۰۹	فصل الله داد عزمیت ایتد کد نصکره خدا داد پشیمان اولدوغی ۱۱۰	فصل ممالک توراند و واقع اولان حوادث بیانند در ۱۱۰
فصل آید کوانک تاتار ایله ما و راء النهره غریبی بیانند در ۱۱۱	فصل پیر محمد بن جهانگیر دعوی ولی عهدی ایتدوکی بیانند در ۱۱۱	فصل سلطان خلیل سلطان حسینی چهریز و مقابله پیر محمد ارسالی ۱۱۳	فصل الله دادک سلطان حسینه ایتدوکی خدعه بیانند در ۱۱۳
فصل سلطان حسینک امرادن اخذ میثاق الله سلطان خلیل اوزرینه غریبی ۱۱۵	فصل بقیه حال پیر محمد بیانند در ۱۱۵	فصل عسکر خلیل دخی عسکر قندهار دت استقبالی لری بیانند در ۱۱۶	فصل عساکر عراق ما و راء النهر دت خروج و غریبی وطن ایتدوکلری ۱۱۷
فصل پیر محمد قندهاره وار و تکوار سلطان خلیل اوزرینه کلک ایچون تدارکی ۱۱۷	فصل پیر محمدک سلطان اوزرینه تکوار غریبی ۱۱۷	فصل پیر محمدک وزیر پیر علی خروجی بیانند ۱۱۸	فصل سلطان خلیل پیر محمدک دت کیدنه کند کده واقع اولان اختلاف ۱۱۹
فصل سلطان خلیلک خدا داد الشیخ نور الدین ایله خدا دادک اختلاف فلری بیانند در ۱۲۰	فصل الشیخ نور الدین ایله خدا دادک اختلاف فلری بیانند در ۱۲۰	فصل سلطان خلیل بلد ترمذ بناسن فرمان ایتدوکی ۱۲۰	فصل شاه رخ دخی حصن الهندی بنا ایتدو دوکی ۱۲۲

فصل اقلیم اندر حدوث ایدن فتر بیانند ۱۲۲	فصل بعض حوادث روزگار بیانند در ۱۲۳	فصل الله دادک خدا داده ارسالی ایتدوکی مکتوب ۱۲۴	فصل خدا دادک سلطان خلیل اولان کیدی بیانند در ۱۲۴
فصل خدا دادک سلطان خلیل ایله اولان عهدی بیانند در ۱۲۵	فصل خدا دادک شاه رخ و صولی بیانند در ۱۲۵	فصل خدا دادک سمرقند قدومند ظهور ایدن فساد ۱۲۶	فصل شاه رخک سمرقند و صولی بیانند در ۱۲۶
فصل خدا دادک سلطان خلیله اظهار خلوصی بیانند در ۱۲۷	فصل خدا دادک سلطان خلیل ایله اولان تکرار عهدی و وفوت ۱۲۷	فصل سلطان خلیلک سمرقند عودت بیانند در ۱۲۸	فصل تیمورک شکل و هیاتی بیانند در ۱۲۸
فصل قاضی قضاة مصر ولی الدین ابن خلدو نک تیمور اولان جیل ۱۲۹	فصل تیمورک حجب علما اولدوغی بیانند در ۱۳۰	فصل تیمورک تدبیرند بعید الفور و فکوند عمیق القعر اولدوغی ۱۳۱	فصل تیمورک فراست و بصیرتی بیانند در ۱۳۱
فصل تمورید بیانند در ۱۳۲	فصل تمورک قوت عزم و خرمی بیانند در ۱۳۲	فصل تمورک هیبت و بخوفی بیانند در ۱۳۴	فصل نواب تیمورک لعب نزد ایدر یحی ۱۳۴
فصل مربورک کونلردن برکون قصد شکار ایتدوکی ۱۳۴	فصل معادن خراسان و لعل بدخشان پشکشری تیموره کله و کی ۱۳۵	فصل تیمورک زوجاتی بیانند در ۱۳۵	فصل تیمورک اولادی بیانند در ۱۳۶

فصل تیمور اولاد و احفاد دینک غالبی منقرض اولوب الملق اولاد شاه رنج باقی ۱۳۱	فصل وزرا و امرای تیمور بیاتند در ۱۳۱	فصل کتاب تیمور بیاتند در ۱۳۶	فصل تیمورک زمانند اولان علما بیا ند در ۱۳۷
فصل مربورک زمانند اولان واعظ و متکلمین ۱۳۷	فصل مربورک خدمتند اولان خوشنویس و حکاک و شطرنج باز و مطرب و نقاشگر و غیره ۱۳۷	فصل سمرقندک کل و وزن حسابی و محمود خوارزم مینک تیمور احوالند اولان حکایه سی ۱۳۹	فصل سمرقندک مظنه خبر اولان لرودن ۱۳۸
فصل تیمور عسکرینک احوالی و سلوک کوی بیاتند در ۱۴۰	فصل قاضی برهان الدینک عسکر تیمور احوالند اولان حکایه سی ۱۴۰	فصل تیمور عسکرینک بعض احوالی بیا ند در ۱۴۱	فصل عسکر چغتای مابینند اولان اخیاس و رقم و قلم کوی ۱۴۱
فصل تیمورک عسکری مابینند اولان غلاظ و شداد و عالم تقی و شقی ۱۴۲	فصل دمشقده کوچیه عجمه اعیان و لایتند برینک حکایه سی ۱۴۳	فصل جمال الدین احمد القاری حکایه سی بیاتند در ۱۴۴	فصل طوایف مذکور بینند پنجه صلی و عبأ اولدوغی ۱۴۴
فصل الخاتمه ۱۴۷	فصل در بیان ماهو الواقع ۱۴۸	فصل تاریخ تصنیف بیاتند در ۱۴۹	فصل الذیل امیر تیمور و اولاد تیمور ۱۴۹
فصل ذکر اولاد معین الدین شاه رنج ۱۵۰	فصل ذکر اولاد جلال الدین امیرانشاه ۱۵۱	فصل ذکر اولاد مغز الدین شیخ عمر ۱۵۳	فصل ذکر اولاد غیاث الدین جهانگیر ۱۵۵



۷۴۴

MILLET GENEL KÜTÜPHANESİ	
KISIM :	M. Ali Paşa
ESKİ KAYIT No.	734
YENİ KAYIT No.	
TASNİF No.	



وقایع نامه عجیب دوران تاریخ امیر تیمور گورکان

بسم الله الرحمن الرحيم
قلاید شواهد حمید فراید نوادر تمجید اول معبود حقیق مالک الملک
علی التحقیق حضرت تیرینک بارگاه عالمیناه کبریا لرینه تقدیم اول نور که مقام
امور جمهور و عالوم نوال را د تلرینه مربوط و مجار تیارا عاصرو دهور
ینبوع قضا لرندن فضای قدر لرینه جاری و منوط در احمد خدمت
کان علی شفا حفره من نارها فانقذ منها واشکره شکر من ورطه
فیها عدله فانجاه ایا دی فضله عنها واشهد ان لا اله الا الله و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله و دخی خطه حد و دایره
عدون بیرون صله صلوات ذاکیات و مخف تخیات نامیات نبی
امین شاردع شرع متین صاحب اللوا سبها لار خیل انبیا جار بالش
نشین اصطفی محمد المصطفی الذی ارسله رحمة للعالمین وجعله خاتم
النبین فآخبر عن المستر المصون ونبأ بما کان فی الاذل و ما یتکون
واستعاذ من غلبة الدین و قهر الرجال و من فتنه النحیاء و الممات
و من فتنه المسیح الدجال النبی اکرم صلی الله علیه و سلم ما حرك الشما

دقایق الاغصان و تکرر الايام و امتد الزمان حضرت تیرینک عتبه علیه
وساحه فسیحه لرینه ابشار و نثار و لثیق سیاقند شرایف رضا و لظا
سنا سیول سیوف فتوحی قالیم ارضه افاضه و قنادیل ایمانی افطار ساهره
اناره ایدن آل و اصحاب کرام حضرت تیرینک پیشگاه خوابگاه فردوس
اشتباه لرینه اهدی قلوب بوملای خیر احتوا ایلد صد و رکت نوار رخ
آراسته اولدوغی کبی ان شاء الله تعالی یور جزاده ثمرات لطیفه سی دخی
اعلائی شماریخ نخل حسنا تندن اجتنا اولنق میدا و لنور اما بعد
ضمایر ارباب الباب و قرائح جهابذة اصحاب برستیر دکلدر که مناشیر نوایخ
ان فی ذلک عبرة لمن اعبر و تذکرة لمن تذکر مغر سنجه جماهیر کار دانا
حل و عقد قانون نامه ما حضر و سرآمد کان تدبیر امورده دستور
العمل معتبر اولوب قطان دهرک حضور و بوجس بر خظرون عبور و نه
اسلوبد تقدیر و امر و نهی و تحریب و تعمیر غلبه و قهر کسر و جبر و جمع
واحضار و تکرر و افتخار عبس بسیار ضحک و استبشار ایدوب محله ممدن
سند خد و درنجه نقلیات اطوار ایلد کاه الفت یارگاه تنفر اغیار ایلد فوج
و کدر و نرسمه مختطف محالیب شواهدین قضا و قدرا ولد قلرندن مخبر
اولوب خصوصاً بیت تمر آمد است نام یعنی جدید و من شانزیه
باس سندیده خول دجالی بیدای مجبرده حایر ایدر اعجب قضا یا بلکه اعظم
بلا یادن وقعه تیمور جایدرد که اقبال دنیا ایلد افطار ارضه استیلا و هلا
حرث و نسله اجترایدوب ظهور یله خال پاک تلویث و نجس حکمی مقامنه
تنزیل ایشیکن یتیم صعید و نجه مردان خدای آب پر تاب شمشیر ایلد غسل
و شهید ایتکین اول داهیه دهیانک قضیه بر عبری ایدک اکثر و اقر
العبر و لغله تفصیل احوالین فضلائی متقدمین و فصحاى سابقیندن
برالمعی سحر بیان استاد سخندان حنفی مذهب عجمی لقب دمشقی مولد سنی

جمع جهیز در حاذق
و مبصر معنا سته

عبس و بسیار
یوزا کشتنک

معتقد احمد بن محمد بن عبدالله الشهير بابن عرب شاه اكره الله ثابره و شوا
عربيه تصنيف وآب و تاب فصاحته جاسع لطايف وزن و سجع مستجمع
خوش ا و تاليف ايد و بحقا كه بلاغت بديعه سنه نسبت لسان حريري
عاجز و كليد و ترتيبا بيا تنده زبان متنبى عليه در منظوم عین عبرت
و محفوظ محفظه و ايتلرين يكان يكان سخن حرير تفرير و يادگار داربا
حسن تغير ايتكين حالاسنه تسع و مايره و الف تاريخده كلشن سراي
اولياي عظام ملكت احمديه و دار الخلافه خلفاي عباسيه بغداد دار السلطه
جاه عاليه والى و حامي مسلينه حامى جامع محاسن الاكارم صاحب اذيان
الكارم آصف قدسى نژاد نظام الملك در ویش نهاد مهر طلعت قرو جاهايت
عطا در فطنت ناهيد عشرت قريچ صولت كيوان رفعت چايك سوار ميدان
شجاعت سالك طريق شريعت غرا داعى مراسم صلاح و تقوى زين الوزر السلطان
زبد الوكلاء الخافيه دستور مشرتى را مشير جهان آرا الوزير على باشا امده
الله عمره مدى للهور و اعانه على تدبير الامور حضر تلى نيك معتد محرم مسكو
و امين تجمل مسبوک س سحر خدما ن اندرون خاص الخاص مقر بان صداقت
و استقامت مقر و نلى ستمای شهر الاسامى فخر عالم جود بر صديق عزيز الوجوه
معارف جزويه راغب خاصه اخبار سلف و خلف يعنى فن تاريخه طالب
اولفين تاليف مذکورک زبان مرصع کار ترکیه ترجمه سى بانبده گوشه ابروى
اشارت و زبان حال شاهد رغبتلى بوفير قليل البضا عه كثير الاضا عه يعنى
مرتضى المشير بنظمي زاده يه تعلق ايد و باملاسن استعدا ايتكم که اگرچه عده
اهليت معلوم و اسباب بسط انبساط معدوم و مکن ان لم يدرك کله لا يترك
کله اداى خواهش لرين متاير و ايجيلوب تحقيق ترجمه چون مؤلف مرحوم ممکن الايراد
اولان الفاظ و بيات و بعض عبارات اقتباس برله مثال مقال نقل بالمسطر ترجمه آغاز
اولوب درگاه ملهم القويد الهام صدق و صواب نياز اولوب فصل تيمورک نسي و ابتدای حال

اسمى تيمور ناي مثنات فوقه و باي ساکنه تخنيه ما بين مبم مضمومه و راي ممله
و اوساکنه طريق املا و وزن بوموال و وزه اولوب لکن لفظ عجمي لغت عربيه
استعمال و لنجه ما تنده کوي و صولجان کونه کونه کوردان اولوب کا هي نور و کا هي
تمر لنتک ديديلر تيمور ابن مرغاي ابن ابقاي شخه ترغاي مسقط راسي بلاد ما
وراء النهر دن سمرقند طرفدن کش نام مدينه اعمالندن خواجه ايلغار نام
قريبه اولوب نقل کرده ثقا تکر ليله مولدنده اوج آسمانده بر شخص بدید
و بر مقدار طيران ايله ساقط و دوی زمينده منبت و متفرق اولوب مانند
جمرات شراره آتشی باديه و بلاده منتشر اولدی بود خي روايتد که
اول سقطت وقت سقوطند کفني دم غليظ ايله ملوا اولدوغى مشاهد
اولوب قيا فان و کا هنان زمانه دن بو خلاف عادت استخبار اولدند قد
بعضيلر بومولود عسکس و بعضيلر حرامى خدا نارس و بعضيلر قصا ب سفاک
و بعضيلر جلاد بتان اولور ديو خبر و يرديلر و ايتد که مزبور و بددي صاحب
مواشيدن لقص قطاع و باديه نشين حشم دخاله و اباش بطلال دن اولوب
ما و راء النهر ما و اول ضواحي منشأ لرى ايدى روايتد که نيمودک بددى
بيند و نر و کند و زي برفقير جگر سوزا اولوب شده افلاسدن بعض ليا لده برأس
کوسفند سرقه ايتمکه شوبان بيدار خبر داز اولوب برسم مسموم ايله کيفن
ابطال و برين دخی سر عتله فخذينه ايصال بدی بوا سلوبده فقرى متوافر و لغله
فساد و اضار عباد ده اصرارى تکاثر بولوب ذکر حمدن اعراض ايتمکين عباس
و جهانشاه و قارى و سليمان شاه و آيدکوا و جاکوا و سيف الدين بومقول قرق
اربعين قوناء شياطينه قرين اولوب بوقدر تنک دستى و قلت عدد و عدد
و عدم مال و رجال ايله طالب ملک و مؤرد ملوک موارد هلك اولدوغين دخی
ايتد و کجه بومقوله دعواسن استماع ايدنلر حق و قلت عقلنه حل و بربرينه نقل
ايدوب غشخ ايدر لرايدى ع

کينر

تياک
قطاع

جمع ضا حرد
ناحيه مومنه

ربيه

اِنَّ الْمَقَادِيرَ اِذَا سَاعَدَتْ الْحَقِيقَةَ الْعَاجِزَ بِالْحَاجِزِ دِكْرُ اِنَّ الْقَضَاءَ
 الَّتِي شَهِدَتْ رَفْعَهَا تَمَوَّضَتْ اَنْبُوبًا فَاَنْبُوبًا وَ اَيْدِيَهُ كَمَا يَمُورُ مَا بَيْنَ عِزِّ
 مَوْهُومٍ وَ ذَلِّ نَاجِزٍ بِفَقِيرٍ عَاجِزٍ مَا مَلَكَ بِرِثْوَبٍ قُطْنِي اَوْ لُوبٍ بِلَدِّ كِسْفِ
 اَهْلِ بِلَدِّهِ مَعْتَقِدٍ وَ طَالِبَانِ دُنْيَا مَعْتَمِدِ شَمْسِ الدِّينِ نَامِ بِرِشِيخِ نُوْرٍ ^{بَنِيْدِ}
 خَبَرِ اَلْبَحْرِ تَوْبَنِي بَيْعٍ وَ ثَمْنِي اَيْلَهُ بِرِ كَيْجِي اَلُوبِ هَدِيَه طَرِيقِيْلَهُ كَيْجِي سِي يَابَنْدِ
 عَصَاسِي اَلْبَدِّ شَيْخِ مَشَارِ اِيْلَهُكَ زِيَادَتِي قُصْدِ بِلَدِّهِ مَجْلِسَنَه وَ اَرْدُو صَوْلِي
 شَيْخِ وَ مَرِيْدُ لَوْكَ حَالَتِ تَوْحِيدِ وَ ذَكَرِ وَ سَاعَتِ وَ جَدِ وَ فِكْرِ لَوْنِيَه مَصَافِ
 اَوْلَغِيْنَ خَائِفَةِ حَالِ لَوْنِيَه وَ اَرْبَحَه رِعَايَتِ اَدَابِ قِيَامِ كُوَسْرُوبِ تَمَامِ مَجْلِسِ
 دَوَقْتِ سَكُوْنِ وَ سَكُوْنَدِ نَظَرِ شَيْخِ تَيْمُورَه تَعْلُقِ اَيْدِي وَ كَيْجِي تَيْمُورِ اِيَاغَنَه
 دُو شُوبِ تَقْبِيلِ بَدَنِه مَسَارِعَتِ اَيْدِي شَيْخِ بِرِ مَقْدَارِ تَفَكُّرِ وَ تَأْمُلِدُنِ
 صُكْرَه دَرِ وِيشَانَه تَوْجِيَه خَطَابِ اِيْدُوبِ بُوْمَرْدِ نَا مَرَادِ عَرَضِيْنَ وَ عَرُوضِيْنَ ^{بِلَدِّ}
 اِيْدُوبِ جَنَاحِ بَعُوْضَه بِرِ دَكُنِ لَسَنَه اِيْجُونِ مَسْتَمِدِّ وَ نِيَا زَمْنَدِ اَوْلَشْتَدِ
 اَسْدَادِ اِيْدُوبِ مَحْرُورَدِ اِيْتِمَكِ مَنْظُورِ مَرْدِ دِيْمَكَلَه اَوَّلِ بَابِ بَدِ عَيْنِ
 جَمْعِ اَيْلَه رَفْعَه دَعَالِيْنَ مَرْفُوعِ بَارَكَاَه كَبِيْرَا اَيْدِي بِلَرِ بَعْدِ ذَلِكِ رَشْتَه
 خُرُوجِي نَمْرَتَبَه بِرِ كَشِيْدِ وَ سَلَمِ عُرُوجِي نَه پَا يَه رَسِيْدِ اَوْلَدُو غِي اِنْ شَاءَ
 اَللّٰهُ فِيمَا سِيَّاتِي بِيَانِ اَوْلُورِ بَعْضِ **وَ اَيْتَدِ** اَوَّلُ كِهْرَا دِهْرَنَكِ وَ اَدِيْسْتَدِ
 تَكِ وَ پُو اِيْدِ رَكْنِ كَمْ كَرْدَه رَا هِ اَوْلَغِيْنَ كُرْسَنَه وَ تَشْنَه مَرْتَبَه هَا لَكَه بِرِ هَفْتَه
 صَحْرَا كَرْدِ ضَلَالَتِ اَوْلُوبِ اَتْفَا قَاطِرِيْقِي پَادِشَاهِ زَمَانَه نَكِ چَرَا كَاهِ خِلَنَه دُو شَرِ
 خِرُورِ خَصَا يَصِ خِيْلِ وَ جَنَسِ وَ نَا جَنَسْنَدُنِ خِرْدِ اَرِيْطَارَا اَوْلَغِيْنَ مِيْرِ خِيْلَكِ
 مَعْلُومِي اَوْلُوبِ زِيَادَه رِعَايَتِ وَ عَلِي الدَّوَامِ صَحْبَتَنَه رَغْبَتِ اَيْتَدِي بَوَالْتَادَه
 طَرَفِ پَادِشَاهِيْدُنِ بَعْضِ اَتِ طَلَبِ اَوْلَغِيْنَ اَتَلَرِي تَيْمُورَه تَسْلِيْمِ وَ هَنْرِ
 وَ فُضْلِ وَ لَا يَنْقُ خِدْمَتِ اَوْلَدُو غِيْنَ تَرْقِيْمِ اِيْدُوبِ رَا هِي اِيْتِمَكَلَه وَ اَدُوبِ
 اَدَا يِ خِدْمَتِ وَ طَرَفِ پَادِشَاهِيْدُنِ اَلْبَاسِ خَلْعِ فَاخِرَه اَيْلَه سَرَا فَرَادِ وَ كِيْرُو

مخصوص الی بیت
بغیر تقطیر مساعداً و لیخبر عاجل و
افقاید در حکم سنبله ایستادن
ممالک بیت تان
و عجب تدبیر و تنبیل اولون
رفت

بیرمرقوم

4

میر مرقوم طرفه عودت و رجعت را آغاز ابتدای بعد زمان میر مزبور نادرک
دارغور را و ملغله جاه و اما رتيله تیمور مغرور مسرود اولوب تدبیر
بازدار استدراجی و واج بولارق همشیره پادشاهی به دهیاب ازدواج
اولوب مشار بالبنان و سرافوازا قران اولدی **نقلدرکه** یوما
من الا یا و بعض مقاوله و مباحثه لرنده همشیره شاهیه غضبناک
ایتمکین اولدخی تیمورک حالت قدیمه و فاقه سابقه سن زبازد و تقریر
ورشته کش تعبیر اتمکین اولدخی سئل سیف پر حیف و ضعیفه مذکوریه
حواله اید بخیر فقیر اگرچه فوار مسارعت ایتدی اما فایده مند اولوب
اولظالم سفاک شهزاده آغشته خون هلاک ایتدی بو حرکت ناسزا
ایله ادامه اقتدار ایلوب فرار و خروج و عصیان فرار و یردی بودخی
نقل کرده ارباب **روایتدرکه** شاه مرقوم پادشاه بلخ اولوب
تیمور محبوب خدمتده یوزباشی نامدار و مشهور ایدی اما اصح قوله
تیمورک پدری دکان دولت سلطانیه نک بری اولوب منتخب نام تاربخ
فارسی ذیلند دخی جایل الشیاطین شفاء طرفدن علاقه نسب تیمور
چنکیزه اتصال بولدوخی مصطفی مرحوم منظورم اولدی دیوشت اثر قلند
بواقوال جمله قابل توفیق و دفع اشکال ارباب نهاییه نمایاندر بودخی مروید
که فرمود ما و داء الله استیلا و تزوج بنات ملوک ایل نامدار اولوب
کودکان القابله دخی اشتهار بولدی **مخفی اولیکه** اترک دخی مانند عشا
عرب قبایل و شعب اولوب پادشاه مرقومک زیرنکین حکمند قبیله ارلات
و قبیله جلایر و قبیله قاف چین و قبیله ترلاس نام دودت قبیله اولوب
هر برندن برکنزیده محالک مقتدای مسالک دودت و زیر ستوده تدبیری
اولغله تیمور وزیر دابعک اوغلی بر شتاب لبیب جلد واریب اولوب مردان
کا ددان بینند نشو و نما و وزرا زاده لر ایلده هواره ذوق و صفا

فأوحى

ارپ
عاقل

ذات العیافه
یعنی کاهنه

ایدوب پیوسته عقد مجلس صحبت و نوشا نوش عیش و عشرت ایدر اید
بعض لیا له کرما کریم گفت و کوا یکن دفع استار اسرار ایدوب هم عشرت
اولان مخادیم کرما توجیه تقریر و ما فی الضمیر ندن تعبیر ایدر که جدّه
ضعیفم ذات العیافه و الکمانه حوادث عالم دن خبردار بر خاتون اولوب
بعض احلامدن استدلال ایله اعلام ایدر که اولاد و احفاد ندن بر
صاحب قران مذل ملوک روی جهان ظهور ایدوب ملک و مملکت متولی
بلاد و عباد مستولی و لورا و صاحب قران بوفقی و ملق جا بیکر
ضمیر مدر بوا مر بکا نصیب و زمان ظهور فریدن دستیار دی توفیق
ایله اولوقت رفیق و امور مد و موافق و معاهد و هجناح و معاضد
اولور میسر دیو عهد و میثا قلوبیه طلبکارا و ملغین سر حله اتفاق ایله
بند و رابطه میثا قایدیلر لکن احتمال بعید عد و مشاوره لرین مستبعد
د و نمغله کتم اینیوب نادى بنادی مجلس مجلس مذاکره اینیور ایله کل سیر جاو
الانین شاع مدلولجه مشهور عام بلکه معلوم ساکنان خطه مصر
و شاعر اولغین بو خبر شین کوش زده پادشاه اولوب دوجه ملکند غر
البین ظهور ندن با خبر اولجه عربیه **لا یسلم الشرف الرفیع**
من الادی **حتى یراق علی جوانیه الدمر** مدلولیله
علمه عازر و رفع فساد تیمور جازم اولدوغندن مزبور خبردار اولجه
اولکوندن زانوزن مقام خروج و بانها ده سلم عروج اولدی احتمالاً
رواندند که تیمورک الشیخ شمس الدین مشار الیهک دعا لرندن
استمداد لری بوانثاده اوله زیرا هر بار اولو خوارینلد و لت سلطنت
و فتح مغلقات مملکتی ده عالی شمس الدین الفاخوری و همت ذین الدین
الخوافی و برکت السید برکه یر نسبت ایدر ایدی و کاهی ابواب سعادتک
انفتاح و مالک عروس فوز و فلاح اولدوغن بختانده دوچار اولدوغی

محمود بن
اطراف بلده فان و کلک
اهل بلدک رفیع و شریف
آدمکن سار منله امین اولن

بلا و از درانک مکافاتیدر د بوا دعا ایدر ایدی ظاهر و اینده مغرور
مزبورک مبادی خروجی ید پیونردن صکره التمش ایله یتیمها بیننده
اولوب لکن نزیل دمشق عالم عامل کامل مکمل علاء الدین ابو عبد الله محمد
بن محمد بن محمد البخاری حضرت نوریست سکن یوزا و توزالتی تاربخنده مصنف
مرحومه اولان نقل لری و نزه تیمور مغرور ید پیوز یتیمها بر تاربخنده بلخ
پادشاهنک اوغلی سلطان حسینک ذورق وجودین غریق لجه عدو
ایتد و کدن صکره سر بر سلطنت و مقام استقلالده ثابت قدم اولوب
مدت سلطنتی او توزالتی سنه اولمشدر و ایتد کرکرا و ایل خروچنده
بغی و عدوان و اموال ناسه اطاله دست خسران ایله دعا یا به تضییق
اماکن ایتد و کندن ناشی جمعیت خاطر فقر امتلاشی و ملغین اکثری ترک
مسکن و جیو فی عبور و جلای وطن ایدوب ما و داء النهر خالی قالمغله بلاد
خره سانه استیلا خصوصاً ضوا حی بختستان و مغا و زاور دوما خانه
القا ایتد و کی نیران خسران کجایش پذیر حوصله بیان دکلا در اول حدو
افتان و خیزان سرکردان ایکن کند و واصحابنک آتش افلا سمری مله
و شرابین جوعلری مضطربا و ملغین یوما ما سواد بختانده مبتیت غنم
بر باغ کیروب سر قه غنم ایدر ایکن داعی بیدار خبردار اولوب ما سواد
دومصرع شاعرانه مضمون و ایکی تیر موزون ایلد کتف و فخذین زخمدر
وقید و بند ایله هیرات پادشاهی سلطان حسین حضورینه احضار ایتد
بعد الضرب صلبنه فرمان صدور ایتد و ایتد شیکن شهرزاده غیاث الدین شفا
ایتمکاله سلطان حسین تعینف ایدوب بورای عدم صلاح و کراه فلاح
اولد و غمکه دلالت ایدر بوبر ماده الفساد ابقاسی باعث هلاک عباد
و خرابی بلاد در دیو نصیحت ایتد و کجه غیاث الدین نصف آدمک فساد
ندر خصوصاً زخمناک بویله بر مشرف هلاکت مومنه انهمال معقول

نزیل
یعنی ساکن

دومصرع
شاعرانه

دکلردیو جواب اتمکین شفاعتی قرین قبول اولوب حتی تداویسنه دخی فرما
اولندی بعد ذلک خدمت بادشاهیده دامن درمیان عبودیت اولوب
استعداد و قابلیت ایلد ملتفت بادشاهی و مابین خدامه صاحب مقام
مسموع الکلام اولدی اتفاقاً اول شاده سجستان حاکمی دفع لواء غوایت
وسلب دبقه اطاعت اتمکین بجهیز عسکر و تیمور سر عسکر بقیین و راهی
اولدقن و ادوب کچه دفع مخدور و باغی مرقومی بر طرف و مجبور ایتدی
اما کبر و عروق فسادی متحرک و طریق بغی و خروجه سالک اولوب کالاول
اتباع و اعوانیلر ما و داء النهر طرفه عطف عنان ایتدی بعض قولده سلطان
حسین اختیار دار قرار ایتد و کدنضکره تیمور نمک بحر اسلطان غیاث
الذین خدمتندن خلع اطاعت و ما و داء النهر طرفه متحرک مہمین غنیمت
ایتدی کچه غیاث الذین طرفندن دفع شر و شرورینه کوشش اولندی
لکن هیہات فوت عدل سیف ایلد ما نند ضرب مثل ضیاع اللبن فی الضیف
اولوب فائده مندا و لما مغله ستا بر کزید حیفا اولدی **فصل**
تیمورک منہز ما عبور نہر چگون بیانندہ تیمورک نهب و غارت و افساد
مضرتندن اول طرفہ اولان فقرای رعیت شدت و عسرتہ اولغین
رفع از بتی اچون عساکر جراد بقیین و اسراع اولند و غی تحلیش سامعه سی
ایتمکین کند و اصحابیلہ جیچون طرفہ سرعت و عبورینه غنیمت ایدوب حکمہ
جیچونک وقت طغیان و تلاطم افواج امواج بیکرانہ مضاف اولغین
تیمور اصحابنہ خطاب برلہ ہر کس سبک سیر و آویختہ عنان خیل اولوب عبورہ
شتاب و مفقود و موجودین معلوم اولق اچون فلان محل جمعیتکاه اولسون
دیوتنبیہ اتمکله جملہ یکسر چون نہنک ہفت جگر غوطہ خورد ریای خطر اولق
بر بردن پیچرا ہوال موت و آثار فوق مشاہدہ ایدرک نہر مذکور عبورہ
توفیق ایلد بر فردینہ ضرر و قصور واقع اولدی بو تقریب ایلد اول طرف فقرانی

شر و شرور نہر غنودہ کھوارہ امنیت و سر نہادہ بالین راحت و لدیلر ازین
جانب تیمور بختسن اخبار و تتبع آثار ایلد نهب و غارت و عباد الہی اذیتدن
خالی و ملد و غندن غیری فکر نا فرجام ایلد مدینہ قرشی استخیرنہ اقدام
ایتدی **فصل تیمورک قرشی قلعه سندر دخول واقع اولان خطی بیانندہ**
تیمور پیشعور یوما ما عقد مجلس مشورہ ایدوب بو قریہ مدینہ مختب
کہ ابونراب مختب علیہ الرحمہ شہر بدر بر مدینہ مسورہ و بلدہ مصونہ و لمغلہ استخیر
میسر اولدایسہ بر خوش جای ملاذ و معاذ در و حاکمی اولان موسی استیصال
اولوب مال و منالند دست رس و ملودخی ممکن اولور ایسہ تقویہ خیل و عدہ
و فرج بعدالشدہ اولور ایدی و متحرک ایدن دخول مدینہ بر بر طریق سہل المنال
بیلورم دیوفتح کلام ایتمکین جملہ نیل مراد اقدام برلہ آت و اتفاقاً لڑین ہشترہ
ابقا ایدوب شہر ذیل ایلد ظلت لیلہ طریق معبوددن دخول و سیرای والیہ
القای پیچہ وصول ایدوب والی خارج بلدہ باغ و بقیہ سیرندہ بولنمغلہ
اسلحہ و امتعہ سن یغا و توابع و لواحقن سیف غد دایلد افنا ایدوب اتونہ
سوار و محفل مذکورہ ضبط ایلد استقرار ایتد و کلوندن اہل بلد خبردار
اولنجہ نفیر عام ایلد جمعیت و والی بہ فی الحال آدمو مسارعت ایتد و درملیلہ
در حال امداد دخی اقبال ایتمکین اشقیای مذکورہ بی تضیق و تقریق لڑینہ
کوشش ایتملیلہ فضای عالم دیدہ لڑینہ تنک و تار و ظاہر و باطن
تراکم بلد آشکارا اولوب اختیار ایلد شرک ہلاکہ گرفتار اولدق دیو مسلون
العقول مرعوب بالقلوب و لدقلوی تیمور جسورک منظوری و لجنہ یادان خوف
و ہراس محلی دکلردامتحان مردان و قید و اتفاق و اتصال تام ایلد باب مدینہ
ہجومہ اقدام کرک مقابلہ و مقاتلہ بر کسنہ نک قدرت و قوت اولمد و غی
جایکبر ضمیر و نتیجہ حسن تدبیر مدد دیمکله ہاندر دفع صوت و خوض غارت
موت ایدوب کلبنک زھر شکاف و ہجوم سینہ در مضاف ایلد باب

مدینه به مانند هجوم لیث نزول قطرات غیث متوجه اولاد و قلندر
 فی الواقع مقابل و مقاتله لربنه کسسه نک تاب و توانی اولاد مغله اول
 و رطه دن دخی تخلص کریبان جان ایتد یلر علی التدریج جمعیتلری بضای
 ثلثمایه واصل و فتنه و فساد لوی متواصل اولمغله دفع مضرتلری ایچون
 طرف پادشاهیدن تعیین اولنان عسکر دخی شکسته و سیلی ایدار
 ایله برکشته اولمویله شوکت و دفعتمور عالی و بوتقربایله اولقربده بر
 حصن حصینه مستولی اولوب جای پناه و داخل قبضه غدر لوی اولان امواله
 متذخرگاه ایدند یلر عربیه **لَا تُحْقِرَنَّ شَأْنَ الْعَدُوِّ وَكَيْدُهُ فَلَرَمَتْكَ**
صَوَّعَ الْأَسُودَ وَالْتَعَلَّبُ فصل تیموردک حاکم بدخشان ایله اتفاق
 بیان ایدر مدینه بدخشان پدردن بسره انتقال ایله ایکی برادر
 زیرنکین حکمرانده ایکن سلطان حسین زور بازو ایله مزبورانی حکومت
 ابعاد بعد تحت فرماننده اولق اوزره رهن اولاد لوی ایله کبر و کند و لسه
 استرداد ایدوب بوجه اوزره اسیر قهر اولمویله مزبورانه تیمور آدمی نصیب
 و عهدنامه تحریر ایدوب متابعته دعوت ایتمکله اجابت ایدوب شد و ثانی
 اتفاق ایتد یلر **فصل طایفه مغول سلطان حسین اوزرینه خروج ایتد کله**
بیاننده در طرف شرقیدن مغول غول نهضت شقاوت آمیز ایله دفع لوی
 عصیان فتنه انگیز ایدوب سلطان حسین ایله قصد ستیز ایتد و کلری کوش
 زد پادشاهی اولدقد پادشاه با انتباه تدات ادوات کیر و دار و تهیه
 عساکر جوایله قطع نهر ایچون ایدوب مقاتله اعدایه مقابل اولدقد حکم
 قضا و قدر عسکر پادشاهی داه کرای فرار و لمغین بیفایده تضرع دستمایه ایله
 سلطان حسین دخی رجوع مساعدت ایتدی فی الحال تیمور حیل کارسده ایدر
 مغول اولان قهرالدین خانده ارسال نامه و سلطان حسین اوزرینه کند و ایله
 اتفاقلرین سرزده خامه ایتمکین اولدخی دعوت اجابت و وعد مظاهرت

دخی غنی و کبر مصنف موم بوفضلک
 عنایتند مدینه فی ثانی از فایانهای کلام
 بلایه غنیش خیر ایتمکله نام ثانی اخایایله
 علی الذکر اولدیدی

دخی غنی و کبر مصنف موم بوفضلک
 عنایتند مدینه فی ثانی از فایانهای کلام
 بلایه غنیش خیر ایتمکله نام ثانی اخایایله
 علی الذکر اولدیدی

ایله دار و دیارینه رجعت ایتدی بونلرک دخی متابعتملری تیمورک
 شوکتن توفیر و رهبتن قلوب ناسده جایکبرایمکله بالضروری طغای
 نایره و تفریق دایره سی نداریکن سلطان حسین نصب عین ایدوب
 جمع مردان میدان برخاش ایله تیمورک اوزرینه تحریک رکاب عزیمت
 واقصای منزله لربن قاغلا نام محل مضربخیام کروون قیاملری اولد
 محل مذکور بر ساعت مسافه ایکی کوه آسمان شکوه مابیننده واقع و ^{سطنده}
 بر باب منیع اولوب بند و بست اولدقد بر حصن حصین اولور ایدر
 محل مرقومده طرفینک دخی نکمیان راسخ دم و مردان ثابت قدمی وار
 ایکن طرف پادشاهیدن در بند غریب و ضبط اولنوب تیمور و اصحابی
 نیل مرهنگ دور و طرف آخرده محصور و الدیلر فصل تیموردک محل مذکور
 نه وجه اوزره حرکت و سلطان حسین عسکرین شکست ایتد و کی بیاننده
 سلطان حسین در بند مذکور ی ضبط و مدخل و مخزن ربط ایتد و کی
 تیموری بحضور ایتمکین اعوان بیایماننه فتح کلاد و بونوع تدبیر دخی لقای بجه
 اعتصام ایتدیکه بومکانده طیر و طیران و بنی آدم گذران اتمش بر جاده غیر
 مسلوک و طریق صعب السلوک معلوم در آنلر بنزید کده لیله مظلمه و اروق
 دشمنی علی الغفله ترک و تا زانمک میسر اولور ایسه وفق مرام اوزره عروس
 نصرتدن کام آلق مقرر در دیمکله بوجه اتفاق اول لیله ایتدک قطع مسالک
 دخول هالک ایدوب شوق کریبان فجر و لرجه اورد و بیه وصول لری ممکن اولد و
 خواهشلری اوزره واصل مرام اولوب بکر قار دام آلام اولدیلر رجوع دخی
 امکافی اولمغله سر عتله دوان و طلوع خسر و آفتابده الحق اورد و نمایان اولد
 که اورد و خلقی دخی نیت رحیل و احوال و اتفاقلرین تمجیل ایتمش اصحاب تیمور اول
 مرتبه بیخورد و خواب ایکن حیل و مکر لوی دشمنک فی الحال معلومی اولور ایسه حال
 دیکر کون اولور ملاحظه سیله غیر تمیزین ندانته تبدیل ایدوب ناچار دایمزه کند

سعد بن حسن بن محمد بن ابراهيم بن ابي
 قز قلین کرامت علیهم السلام
 و اولاد علیهم السلام غفر الله لهم

اختیار بنزایله گرفتار اولدق دیو کفت و کولری تیمور جسدک مسموعی و لجنه تیمور
 یاران باس و یاس یوقدر آورد و بیر قریب مکانه بر مقدار نوم ایله استراحت
 و آنلری مرعایه صالوب راحت ایدک دیوتنبیه تمکین هماندم نزول و آنلرین
 او تلاغه صالوب نوم ایله مشغول اولدیله عربی
وَإِذَا السَّعَادَةُ أَحْرَسَتْ عُيُونَهَا تَمَّ فَأَلْخَاوَفُ كُلُّهُنَّ أَمَانٌ
وَأَصْطَدَّ بِهَا الْعَنْقَاءُ فَرَى حَبَابِلُ وَأَقْتُلِيهَا الْخَوْزَاءُ فَبِي سِنَانٌ
 طرز و طور فستین یکرنگ و دروا و لمغله آورد و خلقی مزبور لری کند و لردن
 قیاس ایله مغفول اولوب رد کید لرینه مشغول اولدیله آنلردخی راحت ایله
 خوش حال و شمنی بوضو رتده اغفال ایتد و کد نصکره بار کیر لرینه سوار و یکف
 نغره صاعقه کردار ایله دست بر شمشیر نیز آتش فروز ستیز اولوب آورد و بیر
 هجوم ایتد و کلری کی عسکر کیمی دامگیر دشت انهرام کیمی صحرانوردانغدم
 اولدوغی سلطان حسینده دغدغه بخشای اعلام اولدقده قزاقه اقدار کوشتر
 ساز و سلبرین برنده ابقا و بلخ طرفه عزیمت برله تحریک پا ایتمکله اموال و اناقا
 ضبط اولوب بقیه السیوف اولان عسکر دخی طوعا و کرها تیمورک ربقه مطاوعت
 تسلیم ربقه اطاعت ایتدیله بعد ذلک مستولی ممالک ما و داء التهر و جملة فی زیر
 قهر ایدوب قلاع کثیره بر دست رس اولدوغندن غیر ی سلطان حسین طرفدن
 سمرقند حاکمی اولان علی شیر ارسلار سایل و رسل ایدوب بضیقت اوزره ملکه
 شرکترین معاهدت و سلطان حسین ازاله سنده کند و سیله یکدل و کجیت
 اولمغه دعوت ایتمکله اولدخی شروط مذکوره ایله مظاهرت و دعوت اجابت
 ایدوب طرف تیموره تحریک دکاب عزیمت ایتدی وقت ملاقاته تکریم ایله
 استقبال و اکرامنده مبالغه ایله اجلال اولندی مابینده مخالف اولمغه
 مخالف ایله عقد و نفاق اتفاق ایتدیله **فصل تیمورک بدخشان طرفه**
عزیمت بیان ایدر تیمور علی شیر ایله بند رابطه اتفاق

ایتد و کد نصکر

ایتد و کد نصکر بدخشان طرفه تحریک مهمیز عزیمت ایدوب اولحدوده
 وصولند و بیلک مذکوره بر وجه شرکت پا دشا اولان اخوین اجلال
 ایله استقبال و تحاف هدا با و خدم و امداد جیوش و حشم ایدوب فرمانده
 دار و معالیخ طرفه اماله الکام سیرت و سلطان حسین محاصر سنده عزیمت
 ایدوب محل مذکوره وصول و مقابلده بر نزول سلطان حسین محصور دخی
 اخوین مذکورینک یا تده مرهون اولان اولاد لرین مشافهه لرند و بارجرم
 و جنایت کشته شمشیر عقوبت ایدوب هر چند دفع اعدایه سولسوتک و بو
 ایتد بیه چاره کرا و لیوب ضعیف حال و قلت رجال ایله دست قضایه تسلیم
 زمام اختیار ایدوب تسبیح دامن استیمان ایله تیموره منقاد و ربقه
 اطاعتنه تسلیم ربقه انقیاد ایتمکله کندوسی مضبوط و اموال مقبوض
 اولند قد نصکره تیمور بدخشان پا دشا هله بر تکریم ایله دارالحکم لرینه
 ارسال و سلطان حسین آلوب سمرقند طرفه عزیمت فی ممال ایتدی **فصل**
توقنا میش خانک تیمور ایله محاربه لر بیانند در سلطان
 حسینک واقعه فاقعه سی دشت ترکستان پا دشا بی توقنا میش خانک
 مسموعی و لجنه سلطان حسین ایله اولان رابطه نسب و حق جوار ی
 رعایت برله شر این غیرت و حمیتی مضطرب و آتش غضب و بخوفی ملتهب
 اولوب تدارک عساکر کیر و دار و تهینه مردان کارزار ایله جخند و سمرقند
 قریبده نهرین سیحون و جیحون بیننده التقای صفین و اقامه بازار محاربه
 فستین اولوب نائر رزم اناره و آسیاب پر خاش استداره اولند بخره عسکر
 تیمور مانند دانه گندم نطین و مثال برف و باران تحلیل ایله تقلیل
 بولمشیکن السید بکر نام بر مرد غریب تیموره قریب پیدا اولمغه تیمور
 عسکر بر کشته و ابواب نصرت بسته اولدی دیود عالوندن مستمد اولمغه
 سید خوف اتمه دیدی و مرکبندن نزول و بر کف حصا ایله تکرار سوار فرس

الصحیح
طلب امداد ایل
رفع صوت

الهیجوع
التکون

شهباء اولوب روی دوشمنه مقابل نافع و باغی فاجدی آوازه سبله رفع صوت
عباسی ایدوب تکرار صانع و تنابع صوت ایله تیمور دخی اول شیخ بخدی تابع
اولوب بوصوت و صریح کوش کذار عسکر مشتت اولدوغی کبی سر جمله مانند
شتر مست و بقره ضالته الولد هجوع و میدان جنکه رجوع ایدوب همت متعا^ه
و نهم متعا ضده ایله دیرانه هجوم شیرانه ایتد و کلری کبی عسکر توقفا میش
سیلی خوراد بار و دامنگیر دشت فرار اولمیر یله عسکر تیمور تعقیب و اکثرینک
سرای وجودین تحریب و اغتنام مال و مواشی و اسیر اعیان و حواشی ایدوب
ضبط امور جمهور ترکستان و بلاد خجند ایل رجوع بلد سمرقند ایتدی سید مرقو
حائده اختلاف اقبال اولوب بعضیلر بلد مصرده حجام بر مغزی اولوب سمرقند
کلنجه سیادت اذعاسیله صاحب عز و سعادت اولدی و بعضیلر مدنی و قول آخده
مکی ایدی دیدیلر علی کل حال ما و داء النهر و خراسانده اکابر اعیان دن اولوب موا^{فقت}
قضا و قدر ایله تیموره باعث نصرت و نجحت اولغین تیمور مصاحبین جانمشت
بیلوب کند و سیله معاملفت اتملرین نیاز ایتد و کده سیدای امیر حرمین شریفینک
اقالیم ارضه اوقا فکیره سی اولوب از جمله وقف ملک خراسان در خطه خراسانده
اولان و قفک ضبط و ریطنه و صرف مصارفه و تدبیر و تعمیرینه قدرتم وارد
اقطاعه بوفقیع احسان بیوریلور ایسه بنم و اولاد و احفاد مک و وقف
حرمیندن حصه سی بوندن اقل دکلدر دیو سلسله جنبان طلب اولغله و قف
مذکور مضافات و قرا و اعماله موجی الیه افطاع ایله احسان ایتدی الی^{الک}
وقف مذکور مرقوم اولاد و احفاد و اسباطی ضبطنده اولدوغی وایت اولور
فصل علی شیر ایله تیمورک واقع اولان شورلری بیکنده در
بعض اسباب نفرت ایله علی شیر و تیمور مابینده نفرت و عداوت ظهور اتمکین هر
برینه بر طایفه تابع و صرصر خصوص متتابع اولوب بالآخره انواع مکر ایله علی
شیر تیمورک جباله احتیالند و شوب اول داهییه دهیانک دست غدرندن

صهباکش

صهباکش پیمانه فنا اولغله ممالک جمله مسلم تیمور و عالم طوعا و کرها امرینه مایه
اولدی **فصل بلد سمرقند ده اولان مفسد لرت هلاکی بیاندند در**
بلد مذکوره ده فخل طبع ولایت اشرا و مفسدان بی پروا اولوب مزبور لری
طایفه و هر برینک سر چشمه لری و مابینده عداوت ازلیه لری اولوب لکن بر
مرتب استظهار و اعتضا دلری و ارایدیکه تیمور بوقدر شوکت و هیبت ایله
آلردن دل امن دکل ایدی بر طرفه غریبت ایتدیکه سمرقند ده ایقا ایتد و کی قائم
مقامنک خلاف امرینه جمع و حکومتدن خلع ایله نظام مملکته اختلال
و بر لر ایدی تیمور عودت ایتدیکه مجددا تمهید و قتل و عزل ایله بخدید و نشید
ایدوب تکرار بر طرفه سوق بکران غریبت ایتدیکه علی المعاده فساد لری اعاده
ایدولر ایدی بونوع حرکتلری طفق ذکره به بالغ اولوب هر مرتبه کوشمال اولندیلر
ایسه رعایت شروط ارب اتملری ایل اولکروه مکر و هک استیصال لری بچون
تیمور کیر و ترتیب حیل به مباشرت و نوشین وان ابن کیعبادک عز دکن و ملاحده به
ایتد و کی ندر که مبادرت ایتدی یعنی بر سر ای مسویره ترصین و بعض اطرافنده جلا^{دان}
بیامان در کین ایتد کد نصکره ترتیب رسم دعوت و تنسیق استیضافت عام ایدوب
اصنافی صنفتند اضاف ایله محبت و طایفه مذکور بی دخی کند و امثالبله عزیز ایدوب
هر تصنف کلوب کند و کجه الباس خلع ایله تکریم اولوب نوبت طایفه مذکوره
کلد که احتراملرینه مبالغه و کند ولر ایله کرما کرم مجالسه و الباس خلع فاخره
ایلده کند و کاسن یدابید و بروب تنزه و استراحتلر بچون کیمینکاه طرفه نوجملرین
اشارت اتمکین هر بری و اریقه در کین اولان آهنکران جلا دت آزما بیضه
وجود لری کوفته مفرغه فنا ایدوب قطع دابر لر یله ملک و مملکت تیمورده بلاد
منارن اولدی **فصل ممالک سمرقند و مابین الشطین بدخشا و خجند**
مخفی و لمیه که اقالیم ما و داء النهرک اعظم بلادندن بری سمرقند اولوب
ایالتندن مقدما طفق تو مان هر قومانی و ن بیک نفر اعتبار اولغی و وزره

مردان میدان کارزار جمع و پیدا اولوب بعد تنزل ایلدی تو مان شمارنده
چوب تعداد اولدوغی نقل کرده ثقات در بلاد مذکوره اماکن معتبره و مشهوره
اولوب زعم روات و زره سوری و آن یکی فرسخ مسافه ایدی بعد طرف
غرب پسند نصفه منزل مکانه تیمور بر شهر بنا و دمشق نامیده مستی اتمکین
اهل بلد دفع انتقال و شهر جدید انتقال ایدوب سمرقند عتیقه الی الآن
کوفی خط ایلد مسکوک درهم و دینار و فلس نحاس بولوب انتفاع ایدوب بوی
دخی پای تخت ایلک خان بلد **مرغینا** که صاحب هدایه برهان
الدین عبدالرحمن بوشهره منسوبدن و دخی بلد **بخند** و شهر **مردد** که ساحل
جیحون سایه انداز حسن و بهادر و خشب قرشی اوزرند و واقع اولوب بوند
ماعد و لایت کیش و عمارت بخارا و سواد و اندکان و ایالت بدخشان و ممالک
خوارزم و اقالیم صاغان و بومقوله اطراف و اُسمر و اکاف شایعه اولوب عرفلندن
ماوراءالنهر نوزان و طرف غزنی ایران ایلد شمیمه و لوب کیکاؤس و افراسیاب
تقسیم ممالک ایتد و کلزنده توران افراسیاب و ایران کیکاؤس و سه تعیین ایلد اصلاح
و ما بیندن دفع نزاع و کفاح اولندی **فصل تیمور استضعاف ممالک ایتد کدن**
ایتد و حرکت و خوارزم غزنی بیاتند تیمور مغرور تمام استیلای ماوراءالنهر
و قهرامراء دهر اتمکله استخلاص بلاد و استرقاق عباد و اصطیاد سلاطین
و مالک مملکت روی زمین و ملق سودا سنده و شوب تقویت بازوی شوکت و شد
عصب قدرت و قوت همچون مصاهرت مغوله مبادرت ایدوب سلطان مغول
قمرالدینک دختر سعداخرین تزوج ایلد طرف شرقدن طائفه مذکور ایلد
همسایه و مظاهرت و ضررتند همپا به پیدا ایدوب علت جنسیت و توافق ملة
چنکین خان بنده بجهت اولوب بونقری ایلد مغول غایله سندن در حضور مصاهرت
و مصالحه ایلد سندن نفور اتمکین تصمیم غزو و مملکت خوارزم پادشاهی و لا
سلطان حسین صوفی زاله سنه حزم ایتدی مملکت مذکوره نل اعظم بلدانند

مدینه جرجان اولدوغندن غیر مداین عظیمه و بلدان جیمیه
محیط اولوب مجمع فضلا محتط رجال علما مقترظا و شعرا و معدن
رجال اعتزال و ینبوع بحار اهل هدا و ضلال اولوب نعم کثیره و خیرات
غزیره و وجوه فضایل مستنیر و اهل البسی اهل سمرقند ما تدا صاحب
نظافه بلکه ادراک و ظرافت دخی زیاده اشعار آبدار و آداب و آثار
خاصه علم موسیقارده و آغازه و انعامه اشتراک خاص و عام اولوب
بلدان بر برینه قریب و بنالری لیلن و آجرا یله ترتیب اولنش مملکت اولوب
تیمور غدار محل مذکور پازده ستور عسکر جوار ایتد و کد سلطان حسین
آخر طرفه بولنفین کامران اولوب حوالیسن نهب و غارت ایلد مملکت
رجعت ایتدی **فصل تکرار خوارزم رجوعی بیاتند** در بود فعه توفیر مرد
رزم ایلد خوارزم غزم ایدوب استعداد تام و عدد و عدد مالا کلا ایلد
محل مذکور و اروب شخیریه اقدام کوستور دکه بود فعه دخی سلطان حسین
حاضر بولنما مغله مسالک و مخارجن سدد و طریق آیند و دروندی بند ایلد
محاصره ایتد کد سلطان حسینک ندهای جهان کردیده و ولایتک اعیان
کار آزموده لوندن حسن سورنج نام بر تاجر سعداخر تیموره مراجعت و
مصالحه با بند حلقه جنیان در شفاعت اولدق تیمور بر محل ستر نفرة
خالص العیار ایلد صلحه قرار و یردی مزبور تکرار مراجعت و ملاطفت ایلد
بهر حال ربع طلبیله فصل ایدوب کند و مالندن ادا و دماء و مال مسلمینی
چنگال غدرندن رها ایدوب تیمور دخی بوقدر له اکفا و سمرقند طرفه تحریک
پا ایتدی **فصل تیمورک هرات پادشاهی غیاث الدین غلبه سی بیاتند** در
مقدمه تیموره باعث حیات و صلب و سیاستدن سبب نجات اولان هیأت
پادشاهی غیاث الدین ارسال نامه هیبت خامه ایدوب تقدیم هدایا و
خدم ایلد دائرة اطاعتنه وضع قدم ایلد سن اشارت و الادیار و دمارینه

غریبین اشعارا یتیمین غیاث الدین دخی سنی صلب و سیاستدن خلاص
 و زمره خواص خدامده اختصاص و ممتاز و پنجه کونا احسان ایلده سرافراز
 ایتیشکن بوقدر رتق و فتق و قتل و سفک ایلدر تکاب ایتدکک شنا بعدن حجاب
 ایتیموب شمدی بزم مله بواسطه حریکته شتاب ایدرسن انسان لایعرف الاحسان
 ایست باری کلب و فادارا و لغه قرار و یدر دیور جواب اتمکین بومقوله کلا پریشا
 ایلد تیمورک حطب غضبی سوزان اولوب قصد غیاث الدین ایلد عبوجیون
 و بلای آسمانی کبی هیرانی بنجون ایتدی غیاث الدینک مقابله و مقاتله
 تاب و توانی اولما مغلله اطراف بسایتن و بیوت فقرا و مساکینی خندق
 عمیق ایلد تحصین و کندوسی داخل قلعه ده مکین اولدی اول و آخر کاکت
 رای و قلت عقل و جمود فریج و انعکاس فکوه مبتلا اولوب بوقدر تندرکله چکال
 تیموردن خلاص کیربان ایدر ملا خطه سیله فارغ البال اولدی عربیه و اذا
اتاک من الامور مقدّر و هرب منه فهو توجه هرکیم سعدی مساعد
 اولیه تدبیرینه مانع اولورد آتما تدبیرینک تیسیرینه تیموردخی باز کارزاره
 چندان رواج و برمیوبانچو اربعه دن مداخل و محارج بلدی سدره ابناء سیلی
 قطع و بند ایدوب مجرّد تضیفه اقدام و کندوصفا سنده ارام ایتدی محصور اولان
 اعیان و حواشی حوالی متلاشی و زحام تام و هلاک خاص و عام ایلد جمله نک حالی
 متساوی و مغلله بالضروری طلب امان ایلد سلطان غیاث الدین تیموره مصلون
 اصدار و حقوق سابقه یی تذکار ایدوب تاکید امان اچون طالب ایمان دخی و مغفین
 تیمور طرفندن حفظ زمام قدیم اولوب و اراقه دم و غرق آدیم اولما مق
 اوزره ایمان مغلظه صادرا و مغفین قلعه دن نزول و پیشگاه تیموره واروب
 کیر و غیاث الدین ایلد تیمور شهره دخول و دارالسلطنه یر وصول بولدیلر اول
 انشاده عسکر هیرات مقام خدمتده قیام کوسور مکه توابع پادشاهیدن
 بری سلطان غیاث الدین تیمورک قلن اشارت ایدر اولدخی کند و مال و جاننی

ایک مغلله ایلد
 ایلد و طرینه اولوب

غیر ملوک خلاصچون فدا اتمکک معناسی بوقدر د بوقبول ایتیموب
 ناچار تیمور غداره گرفتار و بدیری مرحومک مقدما اولان نصیحتن
 تذکر ایدوب **لا مفر من القضا ولا محيد عما قدر الله** دیوب قضایه رضا
 و پردی بوجه اوزره تیمور ملک هیرانی جانب جانب ضبط و طرف طرف
 نواب و تعیین حکام ایدوب قضبات خراساندن قصبه خوفده اکابر
 مشایخدن عالم عامل فاضل کامل صاحب کرامات ظاهر مالک ولایات
 باهره و کلمات زاهر مقامات طاهر الشیخ زین الدین ابوبکر علیه الرحمه
 حضرت تلمینک خبرین آلوب رغبت ایلد قصد زیارت ایتیمکین تیمورک قصدی شیخ
 مشار الیه عرض اولند قد اصله تقوی و تلفظ و رفع لخط ایتدی اما قدم
 تیمورده رعایت قیام ایتیمکله تیمور پابوسه مبارک دخی دست مبارکن
 ظهر تیمور وضع ایلد روی شفقت کوسور دی تیمور بومجلس نفیسی نقل ایتد
 کویا آسمان و زمین مانند حجرین دخی منطبق و بن بومابینده مشفق اولق
 مرتبه دلتنک اولدم دیونقل ایدر ایدی بعد تیمور دفع سر و ملاطفه طریق
 استغفار ایلد شیخ فتح کلزم ایدوب بنجون ملوک زمانه یر عدل و انصاف ایدق
 میل جود و اعساف ایتیمکله یو بونیه بیور من سز دیدی شیخ دخی مزبور لری امر
 حکومته تقدیم و عدل و انصافی تنبیه و طریق تعلیم ایتدک متنبیه اولملر ایلد
 اوزر لوبنه تسلیط ایتدک دیور جواب ایتیمکین تیمور شیخک بوکلامن کندون
 کتابیر اولدوغنه تاویل و دست رس اقالیم اولاجغنه دلیل ایدوب سرور ایلد
 مجلس شجندن منفصل اولدی بعد ذلک سلطان غیاث الدین ایلد معاسر قند
 طرفنه امانه اکام عزیمت ایدوب بلده مکه یر وصولند سلطان غیاث
 الدینی محبوس و حفظ ایمان سابقه اچون اراقه دم ایتیموب شدة جوع ایلد نعت
 چاندن مایوس ایتدی **فصل تیمورک خراسان سمتی عود و نجستانک**
 غریب بیاندده در و تیمورک مقدما بجستانده چکد و کجقارت و از در انتقامنه

خراسان طرفه اماله عنان برله سجستان ممالک القای آتش رعب و هیبت
 امکان اها بسی صلح و صلاح رجاسیله استقبال و عفو و صفح تمنا سیله
 تخمید نائز جدال ایتمکه کوشش ایتد کلرند سلاح مقوله سن جمله تسلیم اتمک
 شرطیله تیمور جیله ما نور ضله رضا ویرمکین تسلیم سلاح و عذر و رجای
 فرج بعدالشد ایتدیلر احضار ایتد کلر اذوات بیکار دون ماعدل برده اخفاده
 برسنه لری قالمد و غنیمین ایتدرب تحصیل یقین ایتد کد نصکره رفیع و ضعیفه
 امان ویرمیوب قتل عام فرمان و بر مرتبه تخریب ولایت اقدام ایتدیکه نام شجر
 و مددرو خانه و خاندانن اثر قالمدی سکن یوزا و توزا و چ تارنچند دمشق
 شامه مدرسه جفقیه سا کلرندن الشیخ الفقیه ذین الدین عبداللطیف
 ابن محمد بنی الفتح الکرمائینک مصنف مرحومه اولان نقل و تحقیقی اوزره
 واقعه فاقعه تیمور ظالمدن خلاص کریان جان ایدن بقیه اهل سجستان کم
 کوده دو زجمعه اولملریله کرمانه کوندروب تحقیق مسئله ایتدیلر **فصل**
تیمورک ملک شیراز غریبی بیانده تیمور دفته ظهور دستخیر ملک شیراز
 رخساران غرور و مغله عراق عجم شاه اولان شاه شجاع طرفدن شیراز حاجی
 حسن جوری اولجا مانک تو جهن استماع ایدنجه ربقه اطاعتنه وضع ربقه نقیاد
 غیری مجالی اولما مغله قدر الاستطاعه هدایا و خدم ایلد استقبالنه سرعت و مایه
 یدی تیموره رومال جبین مطاوعت کوستور مکله رعایتن توفیر و امارتن کما فی
 الاول تقریر ایتدی دباب نهاییه نهان اولمیه که عادت مستقره تیمور سیر و سیاحت
 برکسنیه مسافرا و لدیفه صاحب خانه نک اسم و رسم و نسب و لقبن سوال ایلد
 ضبط ایدوب یا اردولت و هنگام سلطنتدن خبردار اولدقد ملاقاته استیجا
 ایدرسلت خیر جزایه نایل و منزل مرامه واصل اولور سن دیوتبینه ایدردی بوسلویه
 نام و نشانی انتشار بولدقد رجای موعود ایلد اقطاع ارضدن ملاقاته انواع
 خلایق و فود ایتدیکه انجازه و عد و نیل و هر کسی استعدادی مرتبه سنه تنزیل ایدردی

کذلک بر صاحب حال و مظنه خیر اولان رجالک خبرین الدیفه زیارتنه اقبال ایدردی
 بنا برین مدینه شیرازده اذعای سیادت ایدر سر ابدال لقب الشید محمد نام کمنه
 سر ابدالیه ایلد تسخیمه اولور بر طائفه قساوت انجام ایلد ساکن اولوب امیر موی
 ایلد مائر جلیله ایلد مشهور و فضایل کثیره ایلد مذکور اولغین تیمور صحبتنه
 مشتوق و فزون و علومدن مستفید اولغنه مشتوق اولوب احضارینه امر ایتد
 ستید مرقوم حضور تیموره قدوم ایتد کده ادای رعایت قیام و معانقه سیله
 دخی احترام و قربنده مقام کوستور و بانشای مصاحبتده ایستد ممالک خراسان
 و اقصای بلاد و قصبائک استخلاصیه نه وجه اوزره ممکندر دیومشا و بر طرفه
 استخبار ایتد کده ستید ای امیر بوفقیه بواصل مصاحبت کلام و بویا بد اجاله
 کنت کلام ایتمکه محال یوقدر اگر چه شریفیم لکن دخول موارد هلاک و تعاطی صالح
 ملکه ضعیفم ترزد و نفرض ملوک جمع بحرین و منطرح کبشینده سکنا اتمک کیندر
 دیوتر جواب امکان تیمور عدم قبول ایلد ذم مقال ایدوب سنده فراستم علم
 البقیین بلکه عین الیقیندر لا بد بوسیلده دلیل اولور سن دیو الحاح و تلج اتمکه
 من قرع الباب و تلج و تلج مدلولنجه امیر مرقوم بوجه اوزره تفسیر مسئله مشکل
 دقوم ایتدیکه مقامی استماع و جاده مشا و بره اتباع ایدر میسر دید کده تیمور
 سیر میسر اتمک الا که سوز بکنه سامع و صواب دیدیکر اولان اثره تابع اولد
 دیدی ای امیر ایدر ممالک خراسانه مالک و بلدی و باد یسی طریق اطاعتکده
 سالک اولملرین مراد ایدرسلت خواجه علی بن مؤید الطوسی اولا قبلمد قطب
 ممالک و دائره مرکز مسالکدر ظاهر ایامداد ایدر سه باطنی خلاف ایتد سزدن
 روکردن اولور ایه غیر بدین درمان اولور استیجاب خاطر نه شتاب اتمک
 شاهراه صوابدر اطاعت خلایق آنک اطاعتنه مربوط و جمله نک حرکت سکونی
 آنک اشارتنه منوطدر تر و لیلده حل جبال انقال ارنجا بلبله شد شریطه احوال
 ایدرلن شیخ مرقوم اگر چه اختیار مذهب شیعه و ائمه اثنی عشر نامنه قنوت

خطبه ایدر اما عیون اعیان ناسده هیبت نصاب و موافقت عین صواب
بیلور نامه محبت خامه تحریری ایلده متابعته دعوتایت حسن قبول ایلده اجابت
ایدرسه انواع تیجیل و منازل ملوکده تنزیلایت که اکا اولان تعظیم جامع جملہ
خدمت دولته که راجع در دیو ختم مدعا و اجازت برله خانه سی طرفه تحریر ایلد
در حال خواجه علی به نامہ تحریر و واقع حالی ترتیب سلک تقریر ایدوب قاصد تیمور
و ارنجہ بلا توقف دعوتنه اجابت اتملین ناکید ایتمکله خواجه دخی بنوید مسرت
بدید ایلہ مسرود اولوب قدوم برید تیمور احضار اسباب استعداد اچون نام نمود
ضرب سکه و قرأت خطبه ایتد مکملہ دیدن بان راه انتظار ایکن قاصد تیمور وارد
اولوب انشراح صدر و تقویض امر و توفیر بر و تکثیر توقیر مشتمل نامہ سن بداید
ایصال ایتد و کی ساعت خواجه نهضت و دعوتنه اجابت برله طرف تیمور غریبه
سرعت ایتدی خبر قدوم خواجه تیمور فرح اقزای وصول و لیجی اجلال ایلد ارباب
دولتی استقبال ایدوب هنگام تلاقه دخی مقام توقیر و تکریمه تنزیل و خلع
فاخر و تحف متکاثره و ظرایف ملوکیه و ظرایف خسرویه ایلہ تیجیل اولوب ولایتک
حکومتی کند ویرانعا و ایلہ خود کام مرام اولنجہ جملہ امر و ما وراء التہن و لان
حاکم ما وده امیر محمد و حاکم سرخس و سایر لرلی بر بر کلوب ربقة اطاعت تیمور
وضع ربقة انقیاد ایتدیلر بو تقریر ایلہ دخی سطوت و هیبتی منتشر آفاق و کو
نوبخانه اشتهاری و لولہ انداز ما زدنک و کیدان و بلاد دی و آذربایجان و عراق
اولدی بوجملہ ازمنه قصیر و ایام قلیلده و افغ اولد و غی بغل کرده ثقاتند **فصل**
تیمورک سلطان عراق شاه شجاع ایلہ اولان من اسلافی است در مغرور مذکور
ممالک خراسانی و قوم مراچی و زن نصرت و دفع دغدغه مخالف ایتد کد نضکره پاد
شیراز و عراق شاه شجاعه نامه هیبت خامه و ایلجی دعوت جامه ارسال ایدوب
فحوی خطابند حضرت مالک الملک بی زوال جی و قوم لایزال ظلم حکام و فسقه
ملوک انامہ بو قولی مسلط و زمام اطاعتدن کرد نکش اولانرا و ذرینه دایات

بختی منصور و مظفر آید و کی سموع کوش هوشک او لشدر اید
سعادت و باشد دولتک و ارایسه تقدیم مال و خدم ایلده بجوحه
ساخت اطاعت و انقیاد و وضع قدم ایدر سن و الا اول طرفه جوش دریا
خروش ایلده مرود و قدوم باعث خراب مملکت و سبب پامالی ملک و مملکت
اولوب و بال عظمه و کناه جسمه سی سکا نسبت و لنورد یولقای حسنا
شواهد ترغیب و کاه روی زشت و درشت ترهیب کوستور میکن شاه
شجاع نمسک ذیل مهادن و مهادات و نوشل عروقه الوثقای مصاهر و مصا
غیری جای ملاذ و مأوای معاذ بولما مغله دختر سعداخرین تنورک او غلنه
عقد نکاح و بند رابطه صلح و صلاح اینکه مبارت ایدوب بو مضمون
مکاتیب محبت اسالیب تحریر و رد جواب اینمکن بوادی حکمانه ایلده دفع ضرر
تقید و وساده تو سدا یندی عربیه **ان انتخب لا امر عز واسطه**
فاخذ زدهاها و کن منها علی و جل و اعلم بان طباع الانس قد جلبت
من الجفاء و من مکرم و من دغل فلا تنق ابدا منهم بواسطه و اشرع
بنفیسک فی غیر متکمل **فانما رجل الدنيا و واجدها من لا يقول في الدنيا**
على رجل مدلول بخره نفاق و واسطه لر ایلده اگر چه امر مصاهره نتیجه پذیرا و ملدی
لکن مابینده ریاض محبت زاهر و مساحه مودت عامره و ملغین قوافل مرسله
و مصادقه بینلرند متردد و مستمر اولوب فوت شاه شجاعه دن بسط
بساط صلح و صلاح و طی کهنه پلاسن نزاع و کفاح اولندی شاه مرقوم عالم
و فاضل تفسیر کشافی تقریر شافی ره قادر صاحب اشعار رایقه و مالک آداب
فایقه اولوب خواجه حافظ علیه الرحمه نکت بو غزل دکن ایلده حمد و جید غزل
قسم بچشم جاه و جلال شاه شجاع :: که نیست باکسم از بهر مال و جاه نزاع
شراب خانیکم بس می مغانه مد :: حریف باده رسید ای رفیق توبه و داع
خدا را بیم شست و شوی خرقه کنید :: که من نیمش نوم بوی خیر ازین اوضاع

مکتوب فی امر انتخاب واسطه انبیکان اول واسطه ناک
مکرند از امین اوله و در حق بلکه طایع ناس جفا و جلیه
محبولاد بر بنه اعتماد بنیمین ابشکی کند و الک ابیکه می مک
سعی ابیکه تحقیق انبای زمانه در دنیا و اصل اولاد کم
امور این آخرین متوکل اولیکه

بین که رقص کنان میرود بناله و چنگ کسی که رخصه نفرمودی استماع سماع
 بیارحی که جو خوردشید مشعل افروزد : رسد بکلبه درویش نیز فیض شعاع
 بعاشقان نظری کن بشکر این نعمت : که بن غلام مطیع تو پادشاه مطاع
 بغیض جرعه جام تو نشنایم ولی : نمیکنم دلیری نمیدهم صداع
 هنر نمیزد ایام و غیر ازین نیست : کجا روم تجارت بدین کساد متاع
 جبین و چهره حافظ خدا جدا مکن : ز خاک بار که کبریا ی شاه شجاع
 پادشاه مشارالیه محمد بن مظفر نام بر میر پادیه نک او غلی و لوب پدري حشم
 نشین ویزد ضواحي سنده ساکن صاحب باس شدید و تحویف قریب و بعید ایدر
 بر مرد دلیرایدی بعض حیانه شیراز ایلد یزد ما بیننده عرب طائفه سندن
 خفاجه عشیرتندن جمال لوک نام بر حرامی مشهور ما تندرک عقورده مسکینه
 ظهور ایدوب قطع راه و اموال مسکینی تباه ایتمکین میرم قوم بعض بقعه ده
 در کین ایلوب انتها از فرصت ایلد شقی مزبوری بالمواجهه مقابل و فی المشاهقه
 مکافحه ایدوب بر حله صاعقه اثار ایلد مصرع خاک ایدبار و بیقید صید ایدوب
 سر مقطوع ایلد شاه شیراز کلوب ادا ی خدمت و اظهار عبودیت ایتمکین الباس
 خلعت ایلد تکریم اولند و غندن غیر خدمت امور پادشاهی به تقدیم و اما کن
 متعده نک زمام تصرف اقطاع ایلد بیاختیار نه تسلیم اولندی حکم قضا ایلد
 بلای مذکور شاهنک تدبیر امور سلطنت و حفظ و حراست مملکت قادر
 خلفی اولما مغله وقت احضارده موچی ایلد محمدی ولی عهد تعیین ایتمکله باز نزع ممالک
 عراق مالک الوقوع دولت آست که بخون دل اید بکنا ع مصداقه وصف حال صادق اولدی
 مزبور دل شاه مظفر و شاه محمود و شاه شجاع نام اولادی و پنجه احفادی
 هریری رئیس کامل و تدبیر امورده مستعد و مکمل اولوب انجی شاه مظفر حیات
 پدیده رختکش دارا آخرت اولوب جاهیلده او غلی شاه منصور تجلیل اولندی
 بعد ذلک الملك عقیق مغر اسفند شاه شجاع ایلد پدري محمد بیننده سازید

آهنگش

آهنگ شور مضطرب و آتش سا ما نشوز خصومت مله لب اولوب قاضی قاطع
 الحکم سیغه متر افغان اولد قلرند شاه شجاع طرفی غالب کلکله رعایت
 حقوق پدري ایتوب **حافظ** آنکه روشن بد جهان بینش بدو میل
 در چشم جهان بینش کشید مدلولیخه اخذ و میل آتشین نوتیا ایلد دیده لرین
 نابینا و امر سلطنت و ضبط ممالکده مستقلا پیرو اولدی بعد ذلک عمر
 مستعار سریع الزوال اکادخی یا ایدار اولوب مرض اجل مستی ایلد محض اولد
 جمع اولاد و احفاد و تقسیم مال و بلاد ایدوب او غلی زین العابدینه شیراز اولد
 دیگر شاه احمد ولایت کرمان و برادرزاده سی شاه یحیا یه بلای یزد و شاه منصور
 شهر صفهان تعیین اولوب بحر و صیت نامه و اشهاد شهوددن غیر نظر
 و صایتن تیموره اسناد ایتدی شاه مشارالیهک نوادر اشعار و اثر طبع
 نزاکنکار دند در عربیه **الان عهدی فی الغرام بطول و انصا صبر**
لا نزال تزول اصون هواها کلمات و شارف و لکن ما بی قدیم تحول
ومن که یذوق صرف الصبا یز فی الصبا علمت یقینا انه تحول نظم فارسی
 ای بکار عاشقان کاردت جمیل : کی کنیم دیگری بر تو بدیل : کوزیادت غافلیم
 عیشم حرام : و ربغیرت دم زخم خونم سبیل : هر کسی تدبیر کاری میکند
 مادمها کردیم بانعم الوکیل : بعد ذلک شاه منصور ایلد زین العابدین
 بینلرند ظهور اسباب فتور ایلد اشجار تنور متاع و مت و عناد و ایقان اثره
 داد و ستاد د نصکره منصور غلبه ایلد شاه زین العابدینی اخذ و تذلیل و دیدن
 میل آتشین ایلد تکجیل ایدوب شیرازی ضبطندن غیر عمو سنبله دخی طرح نقوش
 مختصمت و او غلبه دخی موجب بغیرت اولور حرکت ایتدی و کی تیمورک مسموعی
 اولغله دیده بان هنگام فرصت اولدی فصل تیمورک دفعه ثالثه خوار
 غرق بیاندک تیمور پرفتور تجدید حزم و بلاد خوارنمه استرا با د طریقتدن
 عزرا ایدوب محل مرام مضرب و تا دخیار اولد قدره تغیر آینه پادشاه و لا

محصول بیت
 بوانه دن عشقون عیدم زیاده اولد در
 اما صبرک اسبابی طورده اسلام در
 اولمجبوبه عشقی علی الدوام صیانت ایدرم
 هر کیم صیون و فنی عشقون دن الما شند
 یقیندار اولجا هلد
 محصول بیت فارسی
 ایجا اولمجبوب که عشاق حالده کوزلد
 سندن غیری سکا پنجه بدل ایدیم کوسنی
 یاد اتمکدن غافل اولونم عیشم حرام
 و اکوسندن غیر سبیله مصاحب ایدیم فام
 سبیل اولسون هر کیم سکا د تدبیر ایدرم
 یا الهی بی کاری سکا سبیل ایتدیم

غیری طرفه عزیمت ایشان بولمغله تیمور کند و طرفندن تعیین والی و ولایتی ضبط
 لایبالی اتمک مراد اتمکله مارالذکر حسن تاجر تکرار شاه راه شفاعتدن تیموره
 مراجعتا بدوب انشای گفت و کوی ولایت تیمور مرادین ایراد اتمکین بودخی
 سوق مطیقه حسن جوابا بدوب آلان صاحب حل و عقد مملکت غایب ایکن تعیین
 نایب بدر سکن کرجه اهل ولایت محبت کرده مجبول و لمغله خدمتکنی حسن رضا
 ایلد قبول ایدوب بلا نزاع فرمانکر مطاعدر لکن صاحب مملکت کلده کده لا محاله
 آتش جنگ و جدال و نارتق قتل و قتل اشتغال بولوب بوفقیه دخی اصابت
 اذیتدن غیری مابینکرده واقع اولان داد و ستاد باعث ضرر عباد و سبب
 بر باد دی بلاد اولوق مقرر در همان حسین صوفی یکنند و طرفکردن قایم مقام
 عدا ایدوب هتک سر پرده مال و اعراض انام اتمک کون سکر باعث اجر خیر
 و جالب خبر کثیر در بواسلو بدو لطف منطوق ایلد حکیمانہ نصیحت اتمکین شفاعت
 بذیرای طبع تیمور اولوب رحیمه فرمان و کبر و کلده و کوی طرفه روگردان اولدی
 ازین جانب حسن مذکور کون بر ولد نا خلفی اولوب حسین صوفینک بعض
 مثالب و مساویسن سر زده زبان اتمکین کلام نافر جاحی افواه ناسده
 شایع و السنه جهل زایع اولمشیکن حسن فقیر مال و جانبله حسین صوفی
 اولان خدمتنه استناد اچاره و اخفا سنه نک و پو اتمیوب پادشاه
 بوقدر جرمه بزی مواخذ اتمن بلکه عفو و صفح ایلد مقابلده ایدردی
 نامقید اولمغین پادشاه مغول سفرندن قفوله قضیه مذکوره مسووعی
 اولمغله اِنَّ شَرَّ مَنْ اَخْسَنَتْ اِلَيْهِ مَدْلُوْلُجْه رعایت حقوق خدمت
 اتمیوب بدر د لکین و پسر فقیری دست بسته تخیل وجود لیرین شکسته ایدوب
 کشته لیرین طعمه اسود قهر و خانه لیرین خراب و مال لیرین مقبوض دست صیرفی
 غدر ایتدی بودای و خیمه و حرکت شنبه به غیرت الله متخیل اولما لمغله
 قریبا حسین صوفی دخی دوحه عمر دن کلچین مرام اولیوب دارالعدل

مجازات و مکافاته مباشرت سر هتک اجل ایلد احضار اولوب اولی
 یوسف صوفی سر بر سلطنت ایلد مسرور اولدی دودمان حسین
 صوفیدن ذات قدر کثیر صاحب اصل خطیر خا تزاده ایلد مسماة بر
 دختر سعدا دختر تیمور زاده جهانگیرک زیر نکا حنده بانوی حرمسرای
 دولتی اولمغله اقتران سعدین ایلد سلطان محمد نام بر ولد ارجند
 کوبک وجود سعیدی فوق عالمده بدیدا ولوب شما بلند مخایل سعادت
 ظاهر و ناصیه بخا بتند آفتاب اقبال زاهر اولمغین تیمورک عین
 قبول ایلد منظوری ولوب جمله اولاد و احفادینه تقدیم و نرمام ولایت
 عهدی قبضه تصرفه تسلیم ایتدی لکن تقدیر ملک قدیر مساعدا و لیل
 بلاد رومدن آق شهرده ترک دار غرور و متوجه سرای سرور اولدی بو
 تقرب اوزر تیمورک حسین صوفی ایلد علاقه مصاهرت و رابطه قریبتر
 و ارایکن حسن مذکورک واقع فاقعه سی آتش تهورین ایتقاد و اعصاب
 صعوبتنه اشتداد و بر مکله واقع رابعه خوارزم طرفه سوق لشکر صبر
 رهبر ایدوب تسخیر ملک و یوسف صوفی طعمه شمشیر هتک اتمکله بقعه و رباع
 و حدیفه و ضیاع لیرین هدم و تخریب ایدوب حجر و مدردن انرقومدی
 ممالک خوارزمی تمام تسخیر و طرفندن حاکم جدید تقریر اتمکله ممکن التقل
 اولان اموال احرار و سمرقند طرفنه نقل ایدوب تاربخ تخریب دمشق
خراب ^{سنه ۸۰۳} ولد و غی کبی هدم خوارزم تاربخی دخی عذاب
 اولدی ^{سنه ۷۷۳} فصل ما زندران حاکمی شاه ولی و ابراهیم قبی
 نامه تیمور پیا تنده حکومت یالت ما زندران شاه ولی و ابراهیم قبی
 و اسکندر جلای کبی امراء مستقله نک زیر نکین تصرفلرند اولمغله
 تیمور غدار خوارزم ایشان بتور و بخراسان رجعتند شاه ولی و ابراهیم
 قبی نامه مصیبت خامه تخریر و قاصدان خشونت جامه تصدیق ایدوب

اتباع و اطاعتنه دعوت اتمکین بالضروری ابراهیم قی قبول طاعت
 برله رد جواب و شاه ولی اظهار روی جلادت و نفرت ایلده خطاب
 ایتد و کندن غیری سلطان عراق و کرمان شاه شجاع و عراق عرب
 و اردبیلان پادشاهی احمد جلایریه ارسال رسل و تیمور بدخوایلده واقع
 اولان گفت و کولون سرزده کلاک بیان ایدوب فحوی نامه سند تیمور پر
 شورک مدافعه سنه جمله دن مقدم بذل مقدور ایدوب امرم منتظم
 اولودایسه سیزک دخی ملک و ملتکن مستقیم اولور بکالاخا اولان
 سرور و اگر شور سزله دخی لاحقد رعایت اندیش اولوب بو عفر پیش
 نیشک دفع ضررند بکا امداد ایلده مساعد ایدرسکن بعون الله تعالی
 کفایت ایدوب بلاد و عبادی چنگال بلاسندن رها ایدرم اگر جبات
 و ذلی قبول ایلده یا تابع هوای غریزه و مغله بوباید قصور ایدرسکن من خلقت
 بخیته جار که قلیسکب الماء علی الخینه مدلولجه بکون بکایسه یارین
 سینه دردیو ختم کلام ایتدی اما شاه شجاع تیمور ایلده بند رابطه دوستی
 اتمکین مقید اولدی اما سلطان احمد تیمور تعرض ایلده اولاشل و اعرج
 شین نه ممکن اتمک خیال عراقین خراسان قیاس اولمشکر عراق صاحب
 باس شدید و بزم رزمده فارسان فرید اولوب عربیه سخن رکت یلخن فی
 زبی نایس فوق طیرها سخن ص الجمال مدلولی صفت کاشفه لیدرد
 مغرورانده رد جواب اتمکین بونک بو حرکتدن شاه ولی غضبناک و شاه شجاع
 و ابراهیمک عدم حمیتلرندن دلشک اولوبان شاء الله نفس مطمئنه و عزیمت
 صادقانه ایلده میدان مصارعده شد کمر همت ایدرم تیمور ظفر بولق مقدرایسه
 سزله دخی فیض مصادق ایلده عبرت اولولابصار ایدرم و اکو باد مراد و فو مراد و
 وزیده اولورایسه غم بلا سزله دخی عام اولور دیرک قضایه رضا کوستور
 تیمورک مقاومتنه رخساران غیرت ازما اولدی چمن تلاق جمعان

مجلس
 اولدی ایسمک و بی دخی
 اصل و باب

مجلس
 اولدی ایسمک و بی دخی
 اصل و باب

و هنگام نصادق فریقانه اگر چه شاه ولی دعوا سنده واسخ دم و تلفی ده
 اعداده بر مقدار ثابت قدم اولدی لکن کوفه و کیرا کیر عسکر تیمور باعث
 تنزل پای جهدی و لغین دهلیز کر بیه شتاب و ملکندن توقفه دخی رهنا
 اولوب ری طرفنه واروب حاکمی اولان محمد چوکاره البخا اتمکین اولان امر
 غیرت اتمیوب تیمورک سطوت و هیبتی خوفندن هنک استار حمیت و مزبور
 مسافر دارا خیرت ایدوب سر مقطوع عن تیمور بد حضور حضورینه احضا
 ایلدی فصل تیمور عسکرینک انوبکوسا سبانی و سید علی کردی و امت
 تر کمانده اولان و قهر لری بیاندند در و ابند ر تیمور پر شودک بازار
 استدر ایچی و واج بولد و غی کوندن کساد متاع لجاجنه و ارنجه اویج نفی
 مرد جسورک انده عاجز و بی مجال و رفع محذور لرنده غریق لجه ملال
 ایدی بری ما زدن دان قریه لرندن ساسبان قریه سنه منتهی ابوبکر در کمر
 میدان خرویده مانند شیر زیان مراد اوکرا ارا عسکر تا تارای سنبصا
 و پریشان ایدوب جبال شاهقه و براری سراب بار قرده ابطال دجال ایلده
 سکنا بی اعتیاد و انتهاز فرصت ایلده عسکر تیموری صطیبا داید ایدی جلالت
 و مهابتی بین الملل و الخل ضرب المثل و لمشیدی نقلد رکه یوما ما فرورد
 عسکر جغتای بر در بند صعب المرورده محصور ایدر لرا و لدخی سو بسو جای
 مفر جست و جوا ایدر کن طریق مانتد مغاک قیر محائل قعر سیر سکر ذراع
 بر جرف عمیق و دشمنکن هماندم آتندن نزول بو قدرجه و جوشن ایلده شتاب
 و اول خندق و سیمی پهلوان پر تاب ایدوب باصحابنه وصول و اعدادن اخذ
 مرام ایلده تحصیل مامول ایتدی لکن بعد تعلبات روزگار ایلده عاقبت لکس
 نه حاله قرار و آهنگ ساز املی نه مقامده استقرار ایتد و کی معلوم اولدی
 بری دخی السید علی کردید در مزبور امیر بلده کوفه ایکن استیلای تیمورده
 اختیار براری بی امان و اعتنائی صحاری و سنکستان ایدوب فولد جال

ستر طریق و مرود و عبور لرین تضیق ایلد بجز لرینه اقدام و از حاکم ایلد
 عدم نیل مرملینه بذل اهما ایدیم و ان شاء الله تعالی ایام شدت و عسر
 موسایر اولان و عدد رب العالمین یعنی نصاب ایام اربعیندن اقل مدتده
 منقل اولور ایلدی ای احرار و ای نمور فقار و نشور نقار سز لردن ضبط
 اسوار و حفظ دار و دیار ایدوب عدم حضور مدد دیکد اعدایه بذل
 اقدار ما مولد و فیکم الکفایه و استود عکم الله و هونعم الوقایه دیوب
 تدارک خروج مباشرت ایلدی بوندیر دلیذیرا و ذره اول مرد میدان
 شها مت اشهب سوار غریمت اولوب باب مدینه دن مرورده میشو
 عجزا عجمدن برسلیطه بدلقا زبان فارسی ایلد پرده درجیا اولوب
 دهان زشتندن کلام دُرشت ایلد شاه منصوره بوسیاقده حرف انداز
 تعبیر اولور که نظر ایدک بو تیر کش حرام مال و جائزه حکم ایدوب شمدی
 بویله تنک زمانده بزی مخالف چنگال اسالیب اعدایه صالوب کیدر سلاح
 کندیه حرام و علی الدوام محرم حرم مرام اولسون دیود شنام اید بجز بوساخه
 دل ربود صماخ منصوره و دوا اید بجز بنض غیر تن لرزان و آتش غضب کداس
 تدبیرین سوزان اتمکین عقل و رای مسلوب و غیرت جاهلیه مغلق اولوب عنان
 رجعت و ابطال غریمت ایدوب یرندن بر دم متحول و حفظ و لایندن بر نفس
 مفصل و لما مق با بنده ایمان و انقرا ایدوب بزم رزم شهرده ترتیب ایتکه
 جزم و حزم ایلدی بعد ذلک تیمور رنجور اطراف شیرازه تنزیل اجمال
 و هراس ایلد که شاه منصوره محصور دخی مزین لوای جلال و ترتیب ابطال
 رجال ایلد نصب کا دکاه جنگ و طرح نقوش و نکاد نک ایدوب مقابله
 اعدا ایلد با زار جانبازی کرما کرم ایکن مابین عسکر منصوره و محمد بن
 زین الدین خراسانی نام بر بد بختک تیمور ایلد اتحاد با طینسی و لغیر انتهای
 کیر کیده لوای سر نکون ایلد تیمور زینور طرفه عبور اتمکین نصفه زیاده

عسکر اتفاق برله سالک طریق نفاق اولدی بو حال ناما سول اگر چه حیرت
 افزای شاه منصوره اولدی لکن بوقدر ضعف و فتور ایلد میدان مجاهد
 و نصادره مخصوصه قصور ایتیموب سوبسوجست و جوادیدک طرفه طرف
 حمله بشیرانه و هجوم رستمانه ایتیمکه نائره سستین نکاژ و شراره سهام تناثر
 و کوچیه رؤس صولجان سیف ایلد نظایر ایدرکن اقبال جیش لیل ایلد لشکر
 نهارد تشمیر ذیل اتمکین هر کس دارا حزن مسکنه عودت ایلدی اول لیلده
 برویلد شاه منصوره جبال لطایف الحیلده بو طرز القای کند تدبیر ایتدیکه
 برجامع و راح فرس جفول یعنی لگد زنده و دمنده مادیان واجب
 القتل مابین خیلدن انتخاب ایدوب بر پلاس اچنده بر مقدار پاره نخاس
 ذیلده بند و احکام و ظلام لیلده اوردوی تیمور سوق بی آرام اتمکین
 اولهنکامه عجیب و غلفله غریب ایلد اوردوی دشمنه و لوله رعب افزا
 و غوغای هیبت فراد و شتمکین اسب و استر لری خیمه و خرگاهلرین پامال
 ایدوب ایتت الساعه دن کتابه و ناقور صور قیامه دن حکایه اولغله بر بر
 کشته شمشیر خلاف و اکثری از دحام خوف و هراسدن زهره شکاف
 اولدوغندن ماعدل شاه منصوره کتاره اوردوده نکمبان فرصت اولوب
 دو تدوغن اسیر و بولدوغین کوفته کویال تدبیر ایدوب با حاصل اولیلده
 بر هولده اون بیکه قریب آدم لری حیوانات درنده و پرندیه نصیب اولوب
 عربیه **اللیل دایج و الکجاش یسطح** **نطاح جدما آرها نصططح**
فقایم و فاعد و مسطح **فمن بخایر اسیه فقد ربح** مدلولی کاشف
 حال لری اولدی پس ازان چون سلطان لیل دفع خیام و خیر و نهاریض
 اعلام ایلدی تیمور بیشعوره حاله دو چار اولدوغندن خبردار اولوب تضیق
 شاه منصوره کوشش ایتیمکه تکرار اولیکه تاز شجاعت قلت رجال و
 حالی مهم ایتیموب بشیوز مرد نبرد انتخاب و میدان جنکه شتاب ایدوب خوض

جامع یعنی چاش
 راح یعنی دپه کن
 جفول یعنی ورکلا

حکایتی که در این کتاب مذکور است
 و این کتاب در این کتاب مذکور است
 و این کتاب در این کتاب مذکور است

غمرات موت و بنم شاه منصور دبود رفع صوت ایلدیمین و بساره اجاله
 طریقی اذ در نهاد ایدوب جمله کوه افکن ایتدیکه رمله دشمن مانند حمر
 مستنیر قوت من قسوی مقابله به افتد اوستور مرز لایدی حتی تیمور فتنه
 صدودک اولدوغی مکانه رخساران بیامان اولدق تیمور خوفدن محرو
 اولوب مابین زنانه فرار ایتدیکه شاه منصور اولساحه بیجست و جوایدکن
 متکاده لوفریاد ایدوب بزور حریم ایزهتک سر پرده حره سره حرامدد
 بطلوبکن اول طرفه در دیو جمعیتکاه تاناری شارت اتملرله اولخدیو
 دلیبر تصدیق برله جمع عسکره سوق اسب صرصره وان ایتدی ته در القایل
 عربیه **وَمَا جَزَاءُ عُنَاقِ الرِّجَالِ سِوَالنَّاسِ وَأَيُّ بَلَاءٍ مَّا لَهُنَّ بِلَاءٍ
 وَكَمْ تَارَتْ حُرُوقَ كِبْدَانُورِی وَكَمْ يَكُ إِلَّا مُكْرَهُنَّ هَا أَصْلًا**
 مدلولنجه اولجاذولک جباله مکینه دوچار اولوب مابین کثرت تاناردکن
 دازه دوشمکه ناچار جولان بین و بسار کاه نبع کزادی و کاه دمی سهار
 آتش کار ایدوب فرس سوجی دخی اولبحر سیکرانه شناوردی ایلد مانند
 نهنت انتها زو پیش و پسدن اعدایه ایصال زخم جان کذا ایدر ایدر اول
 اسد صایل عربیه **يَدُ اللَّهِ قُوَّتِي فَقُلْتُ يَدَهُمْ وَهَذِي يَدِي فِيهِمْ كَسِيفِينَ**
 مدلولن پیش و ایدوب هر طاقفه قصد ایتدیکه بر برینه اطباق و اصحاب
 شماله الحاق ایدر ایدی لکن عربیه **إِذَا كُنْ عَوْنُ اللَّهِ لِلْفَتَى
 فَكَثُرَ مَا يَخْطِي عَلَيْهِ إِجْتِهَادُهُ** حکم قضا و قدر ایلد نصرت مقدور اولد
 طوایف تانار و جغتای مانند مار و مور با شنه و شرب حاطه و محصور
 ایلد شاه مذکور ترا کمر ضرب و طعن بر طرفدن تغیر حال و تنزل احوال بر
 طرفدن حتی حرارت عطش ایلد مدهوش و بی تاب اولوب بر جرعه آب دهیا
 اوله مدی تا بوقدر شدت مضایق و تخمید بوارق و قلت بیارق ایلد جناح
 پرواز مشدود و شاهد ظفر مفقود اصحابدن منفرد و مظاهر و معین

محمول
 نسادن غریب کسب در حال غنا فتنه
 قطع اندی قنقی باز در کمر آنک ایتدیکه شارت
 باز سب و کلبه ز قدش و کمر خلق کلین با قوی
 و اولنرتن اصلی نوت مکی اولدیک
 محمول
 حضرت الهلک بد قدرتی بدی قوت ایتدیکه
 دشمنک بدی علی و لای شانه ایتدیکه ایتدیکه
 سب ایتدیکه دشمن زخم آورد
 محمول
 حضرت الهلک بد قدرتی ایتدیکه ایتدیکه
 ایتدیکه ایتدیکه ایتدیکه ایتدیکه

متبا عدا ولدوغن مشاهده ایدنجه بالضروری بزم رزم دن طرفیکه
 و کندوی پشته کشتکان میانند سیر ایدوب اسب وفادارین
 اطلاق و فی امان الله ایلد همراه ایتدی ارکان دولت شاه منصوردن
 توکل صهاکش پیمان شهادت و فخر الدین یتیم زخم ایلد نجاه و بالغ
 عمر سبعین اولدوغی پیرایه اثر در ایزین طرف انکسار زور بازوی منصور
 ایلد تیمور غدر مانور مسرور اولوب غایله سندن فارغ البالی ایتدیکه
 استیصاله تقید بی همال و لفق داعیه سیله هر چند حیات و یاممانند
 تفحص ایتدی ایه اثر پیدا اولمدی منصور اول حال ایلد مستور الحال
 ایکن سپر آفتاب در بغل حجاب و حسام نهار متواری بطن قراب اولوب
 قواش فلک جو سماره نشر بساط ظلام و نقاش قدرت اوج آسمانده
 نرکواکب خوش نظام ایتدیکه اتفاقا مرده جغتای بدرایدن برنامرد
 مردودک مروزی شاه منصور اوزرینه واقع اولمغین **الْفَرِيقُ يَتَشَبَّهُ
 بِكُلِّ حَشِيشَةٍ أَمِيدُ نَجَاتِ أَيْلِهِ أُولُ بَدِجَتِكَ دَامِنُ أَمَانَةٍ تَعْلُقُ وَتَرِينَ**
 افشا و انواع وعد و بوجه پیشین بر مقدار جواهر دخی عطا و یروب
 اصحابنه ایصالن رجا ایتدی اول دیور جیم مستحق نار جیم اصلا التفات
 ایتیموب مانند بلای آسمانی چار پای غدر پها سندن نزول و اول
 محرو الکبد شجاعی تیزاب شمشر ایلد سیراب شهادت و سر مقطوع
 پیرایه حضور تیمور پیشه و ایدوب شاه منصورک سرگذشتن رشتنه
 تقریر کشید قلدی تیمور ایتدیکه تصدیق ایتیموب بعد تحقیق اهل خیر
 ایلد تحصیل یقین ایدنجه اول حرا غزاده دیونهادی آس و اشتغال ایلد
 کشته شمشر انتقام ایتدیکه و کندن غیری دار و دیارینه حکم اصدار
 اهل و اولادین و احفاد و داماد و اعوان و انصارین افنا و خانه و خاندان
 برباد ایدوب عبرت پیر و برنا ایتدی بعد ذلک اطراف و اکثاف بلاده فتح نامه

تحریر و شاه منصور غیورک رستمانه حرکت و قهرمانه صلابت ایلر راسخ
دم و غمرات موتنه طریقدن وضع قدم ایتدوکن و بومعکه دکیرده
واقع اولان تلاش اعلام و رایات و جولان صافات الجیاد و کوفت
عادیاتی یکان یکان عبارت فایقه و فصاحت رایقه و لغات بارقه
والفاظ شارقه ایلر پیرایه مناسیر تقریر و شرق و غرب برصدیر اتمکین مشاهیر
و مواردده قرائت و لنوب نیت کتاب و دستورالانشاء کتاب اولدی **فصل**
شاه منصور و قهرسندن صکره واقع اولان وقایع بیاتنده در شاه
منصور ترک دارغور و اینمکه تیمور عاقبت ندیم مالک ممالک فارس و عراق
عجم اولوب قارب شاه شجاع و سایر ملوک و اتباعه استمالت نامه لر اسی
و تطیب خاطر بادی و حاضر ایدوب دار السلطنه شیرازه انتقال و ندای
خوش نوای مانی قاصی و ادانی به اعلام و ایصال اتمکین ملوک اطراف
دعوتنه لبتیک کویان اجابت و حاکم کرمان سلطان احمد و حاکم یزد
شاه یحیا کلوب رسم ملاقاتی دعایت ایتلری ایلر شایسته التفات
اولدی لر انجق سیرجان حاکمی ابواسق قبول اطاعت ایتدی لکن بود فیه
قبول نقیاد ایدن لر خلع فاخره ایلر اکرام اولنوب سالت طریق عناد
اولا نلرت مواخذ سنه اقدام اولمندی بعد ذلک تیمور پرجو ربله شیراز
واطر افند اولان بلاده مال امان دیوبرمقدار مال سالیانه و بعد الاستیفا
جنود و رجال بلدی تعیین و نصب حاکم و تمهید قواعد و آیین ایدوب
پسر شاه شجاع زین العابدینه احترام و کفایت مقداری و ظایف و رتبه
ایلر اکرام ایدوب طرف اصفهان اماله کلام غزیت ایتدی **فصل اول**
غدارک اهل اصفهان ایلر اولان معامله سی بیاتنده در بلده اصفهان
اکبر بلا د عراق عجم و کثرت خلایق ایلر جمله دن اعظم افاضل و اماثل ایلر محلو
والسنة ثلثه حس و بها ایلر متلو اولوب تکانتدن خاصه علما اسلام و سادات

ابواسق
معنا ابوالفتح

اعلامدن بالغ غایه علم و عمل و مجتهد کامل و مکمل صاحب ثامن مذکور مالک
محاسن و کرامات مشهوره معتقد مسلمان الشیخ امام الدین نام بر عالم
دبانی اولوب مذکوره شور تیمور اولدقچه مادام مصباح جان فانوس بدغه
نا باندان شاء الله تعالی دفع مضرتنه بوفیق کفایت ایدرم اولایده سنده
بالین امن و راحت اولک اتمکین اجل کریمان کیراملم اولور ایسه تشبث دامن
احتیاط ایلر کوشش ساحل نجابت اتمکین کرسند بونتنیه ایدرمی حکم فضا ایلر تیمور
رنجور بلای آسمانی کیمی اول حوالیه سوف ستود ایتدوکی کچمه ده شیخ مشارالیه
تارک دارغور و اولغین شهر مذکور نور علی نور ایکن ظلمات بعضها علی بعض
اولوب اهل سینک آتش اه حشر لری متضاعف و غمور و غمور هموملری ترک
و مترادف اولوب قول حضرت ابی هریره **رسم عربی**
لِلثَّائِسِ هَمٌّ وَلِي فِي الْيَوْمِ هَمَّانٌ فَقَدْ اجْرَابَ وَقُلَّ الشَّيْخُ عَثْمَانُ
مدلولی وصف حال لری و لدی عیان ولایت و کار دانیان مملکت حضور تیمور
و ادوب بر مقدار مال ایلر صلح و صلاحه قرار و برملریله مال مرقومک استیفا
و تحصیل چون طرف تیمور دن مباشران بی امان تقدیم و خانه و خانلره توزیع
تقسیم اولغین حواله لر خانه لر نزول ایدوب تحصیل مالده تشدید و تفسیر
و صاحب خانه لرین استخدام ایلر تحقیر ایتدکلرندن غیر هتک استار جرم حرم
واهل بیت مسلمینه اطاله دست نامحرم اتملریله اهل اصفهان بو حرکت ناسیبه
محتفل اولوب ریسلرینه دفع شکایت و بویاید موئی جیانه تقدیم ایدوب
دعایت مراسم غیرت و حقیقی تصیم ایتدکلرین معرض عرضه انها ایتدکلرند
دینس بدر ایلری دخا ایتدی بویله بر و یله طبل زن آشوب اولورم اولهنگام
ملالت انجاده هر کس کند و خانه سنده اولان او باشد لخر اشک خوشه و جوی
در دیده داس اندر اس ایتسون دیونتنیه اتمکین بوا مر منکوسده انتظار سقیم
و تدبیر و خیمه لری قاصرو دای و فکر لری خاسر اولوب بخت معکوس و طالع مخوس

توضیح
خالقک الجانی ایسه بنام
شیخ عثمان بن علی بن
خالد بن عثمان بن قسطنطین

ایله کلمه واحده اوزره اتفاق ایدوب هر کس و بران خانه سنه رجعت ایتدی
اول وعدنا مبارک اوزره غراب البین لیل نشر ذیل و نفق شامت و وبل ایدوب
مهتر نوحه کر چاشنیکی طبل بل کستر اولدقه هر یی خانه سنده اولان مباحثین
کوفته مفرغه فنا و مسافر ایدوب عدد لری التی بیک ذبانی بی امان اولدو
مضبوط دفتر و اتدر علی الصباح روضه عصیان غرس غصان خلاف
و طریق نخل و اصطبار دن انحراف لری شایع اولوب بوجرت شوم فتنه شعبت تیمور
لشک با عث تنفخ خیشوم غضبی و لمغین قتل عامه فرمان اتمکله مار مشربان
تاتار و جغتای کج رای سل سیفا آتیشین و نرسهام قهر و کین ایدوب ارقه
خون پیرو برنا و هتک پرده عصمت زشت حسنا و هدم عمران و قطع بسنا
و حرق زروع و خرق ضروع و نهب اموال و قتل اطفال و طی بساط مرحمت
و نشر مسوح نقت و افقای اجسامه اقدام ایدوب کبیرک کبرنه صغیرک صغیرنه
عالمک علمنه فاضلک فضلنه شریفک شبنه منیفک حسبنه غریبک غریبنه
قریبک قرابنه مسلمک اسلامنه ذمینک ذمتنه ضعیفک ضعفنه جا هتک
دکاکت عقلنه نظر و لغیوب داخل بلده نفس مستفسر قالیوب استیصال
اولنق امر مقرر اولدوغی اهل بلدک معلومچی اولوب جداله مجال و قبول اعتذار
مجال و مال بنون ریب المنوندن و شفاعت شافعون قتل و اسردن فایده اتمده
دخی عین الیقین لری و لجنه حصن اصطبارده تمکن و درع توکلک محضن ایدوب
برکش قضا دن بران ایدن سهام منایا پی سپر تسلیم ایله التقا و سبل سیوف
حقوفا عناق نفویض لرین مخرج اتمکله اولمردده بر فردینه رحم ایتوب
سرتاپا کشته حسام قور و مقابرین بطون زین و ضباع و سیه کوش و سباع
و حواصل طیور ایتدی لر و ایتدیر که بوهنگام بلا ارسامده بر فقیر مبتلا رؤس
امرادن برینک دامن عاطفته النجا ایدوب یا امیر التقیته فی البقیته و الوعایه
فی الرقیه دیو حلقه جنبان در شفاعت و لمغین امیر دخی قبول مسؤل ایدوب

بر مقدار اطفال بر پیشان حال ایله مودره تیمورده نکهبان اولک شاید مظهر
مرحمت اولاسرد بو تنبیه اتمکین اول فقیر دخی امتثال امر ایدوب بر مقدار
کودک شیر خوار و اطفال صغار ایله طریق تیمورده ایتدنجات ایله منتظر
اولمشلرا لکن تیمورده لکورا ایله امیر مذکورک مروری جمعیتلرینه واقع
اولغین امیر مرقور اطفاله اشارت و تیمورده شفاعت ایله فتح کلیم ایدوب
یا محروم بو محروم و مر حومله نظر مرحمت ایله نظر اتمک لازم و سلسله
جنبان در شفاعت اولدقه اول جبار خوشخوار بونلر اول شقیانک بیچه
و نتیجه لری دکلیدر دیورده جواب اتمکین امیر دخی بو فقیر لری والد لری
کشته و طالع امل لری بر کشته صفر سن و یتیم کلرین وضعف و ذل و نزول
قدملرین شفیع ایدوب عواطف ملوکانه و مراحمه پادشاهانه رجاء ایدوب
دیمکله تیمورده مر حومر در جواب ایتوب بالذات جمعیت اطفال طرفه امله
لکام ایدوب جنود مرد و دی دخی متابعت بر لره اولضعفای بیگانه سر
تا پا طعمه سنابلک الحیل قهر و بلا ایتدی لر بواسطه ایدوب اوزره اصفهانک
بنای فاخره و عمارت زاهره سن خرابه تبدیل و اها لیس قتل ایله تقلیل ایتدیر
صکره جمع اموال و تقصیل احوال ایدوب سمرقند طرفه غریب ایتدی بووقعه
هایله ده دخی واقع اولان بلایا و مجتهد سرایا عزل و نصب اطلاق و جذب
تغیر غامر تحریب عام هرزل و جند قصر و مد رفع جهلا وضع شرفا
تمهید قواعد تقریب باعد تفصیل قابل حصر و ضبط دیوان و دفاتر اوق
عديم الاحتمال در فصل تیمور پرزور **مفول استیلا سی بیانده در**
اصفهان دن رحلت و سمرقند القای نقلت ایتدیر که نواده سی سلطان
محمد بن جهانگیر امیر سیف الدین ایله طرف شریقیدن و رای سیچوند
واقع افصای ممالک و منتهای حکمی جاری اولدوغی مساکله کوندوب اقلیم
خراسان دن برماه منزل و مسافره واقع ممالک مغول و جتا و خطا

خطه لرین احاطه ایله اقصای ملکند اشبارده نام شهرده مال غنیمت
محرز منیع اولقاچون بر حصن وسیع بنا ایتد و رب تمهید بقاع و تاسیس
حصار و قلاع ایتد و کندن غیری سفارت طریقله سیفا الدین مرقومک
برادر ای الله داد نام امیرین ارسال ایدوب بنات ملوکدن ملکه کبری
و ملکه صغرا نام ایکی خانزاده خطبه انمکین اولغا لور سفاکت بلاد اسلامیته
اولان وقایع شنیعه سی اولطر فلرده دخی شایعه اولغله رده قادر اولون
طلبه اجابت و ربقه اطاعتنه تسلیم ربقه مطاوعت ایتد کلرندن
غیر عاقلیم مغول و خطا متزلزل و دیار شرق سرتا یا متخلخل اولوب
اکثرین زیرنکین تصرفه کورد کد نصکره ساحل سیچوند بر مدینه عظیم
بنا و استوار و نهر مزبور و وزره مرآسی و مرکب ایله بر جسر قوی قرار ایتد و
شاه رخیه نامیله بنام ایلدی سبب شمیمه دخی بوا و لمشید که مدینه
مذکوره بنا سنه فرمان ایدوب بعد عادت جاریه سی و وزره بعض حوائج
لعب شطرنج مشغول ایکن انشای داد و ستاده تیمور رخ شاهه سور
خصمی الزام خصم دخی چاره ایله دفعنه اقدامه ایکن مدینه مذکوره
اتمام و تیمور تازه بر ولد دخی مولود اولد و غی بشاد ریتله مبشران ورود
بولغین فرزند جدیدین شاه رخ نامیله بنام و بلد مذکوره شاه رخیه
ایله شمیمه ایتدی **فصل تیمورک خراسان و فارس طرفلرینه رجوعی**
بیاننده در تیمور مغرور ترکستان طرفلرینه تمهید قواعد و توطین
مصالح ایتد کد نصکره خراسان طرفنه ذهبت افزای عودت اولد قده هر
طرفدن ملوک ممالک و حکام مسالک راجل و راکب دعوتنه اجابت
و خدمتن غنیمت بیلوب فرمانته راغب و زجرندن مجتنب اولقا و وزره
تفویض حکم قضیات و بقاع و تسلیم ضیاع و حصون و قلاع ایدوب
عاصی و مطیع سر جملة امرینه ممثل و طرف رضا سنه منتقل و نطق

عبود بنی اخلاص ایله عافد و ولا و اختصاص تقرینه مجتهد اولوب سیرجا
حاکمی سلطان ابوالفتح دخی کورد زنا م کمنه برنده قایم مقام تعیین
و غطا قاربا و وزره سالک و تیموره کلوب دفع شروع ممالک ایتدی سحر
طرفدن سلطان ابواسحق دخی رابطه اطاعتنه منعقد اولوب انحق
شواحق جبال و فوازل ایله ملوک ما زنده انداز اسکندر جلای وادشوند
و ابراهیم قی کیم بعضی اسود غضبان عدم انقیاد ایله ثابت قدم اولد
حاصل کلام ملوک ما زنده ران وادشوند و ابراهیم و ملوک خراسان
ما عدا یا لکن ملوک عراق عجمدن مانند برادر شاه شجاع سلطان احمد
اون یدی نفر سلطان و سلطان زاده مجلس تیمورده صاحب مقام
و رساده اولوب اتفاقا بوما من الایام ملوک ما زالذکر جمله تیمورفته
ظهور ایله خیمه واحده مجتمع اولوب هنگام فرستدر ملاحظه سیله
بر برینه اشارت و تیمورک قتلله کافه عالمه ایصال بشادت ایتد مرا
ایدنجه بو حرکت بعضینک پذیرای طبع شجاعت آزماسی اولوب بعضینک
عروق جبانن متحرک و نامقبول خاطر خوف انماسی و لغین بوکفت و کو
و ایمای موافقت و مخالفتلری بر مقدار ممتدا و لغین ناقبول اولنلری
اصحاب قبول لرینه بو حالدن مستمع اولور سنر و الایمور بی انتباهی اکاه ایدم
دیکله بو فکر حصین و رای متیندن فارغ اولد لکن بو حرکت و سکون
و اوضاع کونا کونلرندن تیمور کویا ما فی الضمیر لرینه تحصیل اطلاع ایدوب
لکن عدم اظهار ایله دفع نزاع ایتدی بعد ایام دیوان عام و لباس سرخ
ایله صدر نشین جمعیت انام اولوب ملوک سبعة عشر فی دیوانه دعوت
و اول ساعت جمله سن علف شیر شمشیر حقارت ایدوب بلاد و قلاع لرین
علی المراد ضبط و طرف و تلید لرین جمع و اولاد و احفاد لرین قمع ایدوب
جاه و منصب لرینه کند و اولاد و احفادین تقدیم و زمام امور لرین

تیمور اعرج شامدن قفولک جنود مرد و دی بیند زنانشامدن بر
 ضعیفه اسیر لری ولوب فقیره مرقومه نک ایا دی نوایب حوادث کشف است
 عصمتن ایتد و کندن غیر ی سرچشمه لیستان مادر دن هنوز تازه دفع سر
 و اول یاس ایلد جوعه کش خونابه جگر بر دختر معصومه سی ولوب بلده حمایه
 قریب ملال غریب و غبار کربت ایلد طفل مرقوم بکا و این و کویه و خینندن
 خالی اولما مغله غلظت و قسا و تدن معمول شقاوت و جهالتک مجبول
 بغدادی بر ساربان مجهول افله ده همراه اولمغین طفل مذکور دی والد سند
 طلب ایدر اول درد مند دخی مرجه تسلیم سیله مقید اولور ملا خطه ایدر
 جگر پاره سنی تسلیم ایدر اول ظالم جهول دخی بر مقدار تا خرا ایلد انداخته
 سنکستان ایدوب والد کوفتاره دست خالی و تمسخر و فیهقه عالیله ایلد
 کلد و کی ضعیفه ظهر جلدن خاک سیاهه دوشوب هزار تک و پو ایلد جست
 و جونه حال ایلد اولور ایسه جگر کوشه سن بولوب کیر و شتر سوار اولور کیر و
 حرا خنده معهود کلوب اغذار با طله ایلد آلوب عادت اولی سن اعاده ایدر تکرار
 والد پیچاره بولوب سوار اولور بو کره ایمان حاشه ایلد آلوب بر کونه ضایع
 ایدر که نابید و نایاب و ضعیفه به داغ بر بالای داغ اولوب الناس علی
 دین ملوکهم سا لکون طریق سلوکهم معناسی بوند دخی نمایان اولور
فصل تیمورک عراق عجمه تکرار رجوعن بیان ایدر عراق عجم طولا و عرضا
 دست غدر تیمور مستلم اولوب کترو فرما سم وصیت و صدای مظالمی
 سرایت ایلد عراق عرب دخی ایراث رهبت و غم ایتمکین فرمان فرمای خطم
 دار السلام بغداد سلطان احمد جلا برینک آتش غیر تن ملتیب و شرابین
 حمیتن مضطربا یتکله بجهیز عساکر جرار و سنبای نام وزیر نامدارین
 سردار ایدوب جیش جغتای طرفه ارسال ایتدی بو خبر تیمور اشته رسیده
 اولدقه مسرور اولوب ابواب مها و شه کشاده و اسباب مناقشه و مناوشه

آماده اولدی دبو منشرح الصدر اولوب اولدخی مردان ملاحم جیش دریا
 تالطم مقابله یه کوندروب قنای بلده سلطانیه ده تصادم صفین و تصاد
 فتین ایلد آتش حرب و سنبه بالا کیر و شتر دیز و عفاریت شمشیر زخم زد
 کیر و صغیر اولدقه دریای جغتای مانند افواج امواج مضطربا اولد
 کبی چند سنبای منهنزم اولوب عازم بغداد و منتشر باردا اولدیلر سردار
 مرقوم دخی هزار ندامت و شرمساری ایلد بغداده وارد اولدقه سلطان
 احمد ضرب مولد نصکره الباس معجر و مقنعه ایلد اسواق بغداد ده مزبور
 لشیر و انواع نقدیر ایلد تذلیل و تحقیر ایتدی تیمور دخی بو قدر ایلد اکتفا
 و عودت بر نه تحریک لوا ایتدی **فصل تیمورک عراق ایتام سکون و تمهید**
ولا یتیمه ارام ایتد و کن بیان ایدر مفرور مرقوم حد و دسر قند نواحی و ضوا
 کشت و کذار و ایکی قصبه دخی مجددا آباد و کبار بلادنا میله شمیمه و اشته
 و پردی بود فعه سمر قند تما ماضا فائیلد و محالک ما و راء النهر عینی ایلد
 و ترکستان جمله متعلقا یتله و خوارزم و کاشغر و بدخشان و خراسان
 و غالب محالک ما زندران و البستان و طریشان وری و غزنه و استراباد
 و سلطانیه و عراق عجم و فارس و شواحق رفیع و جبال منیع ده اولان
 قلاع و بلاد حکامی بلا نزاع امرینه مطاع و بلا مانع خدمته اسراع ایتیلر
 هر برینه تعیین نایب ایلد تحصیل ماربایدوب سمر قنده اشته بسایتین
 و اسعه و تأسیس قصور عالیله اشتغال ایتکله اقالیم بلاد و عامه عبای
 اولداهیه نک غایله سندن بر مدت فی الحمله امن ایلد مرقه البال و آسوده حال
 اولدیلر **فصل تیمورک لرستان مملکتن شخیری بیاننده در قاعده**
 مستقر مزبور علی الاتصال غرض مجار امور و خوض مهالک شرو ایدوب
 اما هر بار سمت غریبتن اخفا ایلد بر طرفه سوق ستور و آخر طرفه ظهور
 ایدر دی طرفه شرقه علم کشا ایکن جانب غربیه بوارق بیار قلری پیدا و طول

و طنبوری حصار عراق و اصفهان و شیراز و نغمه طراز ایکن بوقات مخالف
 سازی مقام رها و راسته آهنگ جازا بدری بنا بران سمرقند غرس
 بساتین و تاسیس قصور بقیه صور اولدقه میدان سمرقند جمعیتگاه عساکر
 جلادت ماثرا و لقا و وزن سوق عسکره مباشرت تعیین اولوب بعد
 الاحتشاد امتیاز ایچون عسکری طایفه سنه لباس مخصوص امر و ایجاد
 ایتدکد نصکره طبل زن رحلت و قاصد بخند و بلاد ترکستان اولدوغن
 اشاعت ایتدی لکن مانند سیرکواکب ساری و مثال جری مرکب جاری
 اولوب دریایه منغیش زیر خاکه مندرس اولور شکل نه ستمه منقطع و نه
 جانبی مختطف اولدوغن خیاال عالو خالی ایکن بغداد سنورنده لرستان
 الکا سنده ظهور ایتدی یالت مذکور اراضی عامره و مشتمل بسایتین زاهر
 حاوی خیرات و فواکه و افره اولوب حاکی ملک عزالدین العباسی ایلد بنا بر
 بر مرد خرد مند اولوب اگر چه قلعه سی فی الجمله منیع و برج و بدین هما
 امکن رفیع ایدی لکن تیمور بلا ظهورک نزولی علی الغفله اولوب قلت
 عدده و عدد و نایابی معاضد و مدد ایلد تشبث دامن اما ندن غیری
 پناه و دار الامن انقیاد دن ماعد اگر بزکاه بولما مغله پیشکش قلعه
 تقدیم بعد حضور تیموری نوره واروب وضع جبین تسلیم ایتدی اول
 غذا رحله کا رخز بودی محبس سمرقند ارسال و تضیق نفس و نفس ایلد
 اذلال ایتدکد نصکره بعد ایام تشبیه ارکان انقیاد و تقویه رابطه
 اتحاد ایچون اخذ ایمان و اشفه و بر مقدار اسب و استر هدی ایلد کیر و
 ولایتنه فرستاده و حکومتن اعاده ایتدی ازین طرف تیمور مغرور
 مملکت مزبور یی ضبطند نصکره تحریک لوا و انغال شدت و احوال نقلن
 اولقریه بلده همدان القا ایتدی بلده مزبوره ده ساکن خوش سلوک ^{بسته} شایسته
 مصاحب ملوک سید مکرم علوی محتشم مجتبا نام بر شریف عالی مقام

تیموری استقبال و مقام شفا عنده قیام کوستورب ملایمت برله بسط
 بساط رجا و اهل بلد بذل مال و منال ایلد تخلیص جان و عصمت اهل و عیال
 انمکد اوزره صلح خواسته و لمغین شفا عنی چیز قبوله واقع اولوب تعیین
 اولنان اموال توزیع و استیفا دنصکره اول غدر عاده تکرار سالیانه اراده
 انمکین کیر و اول امیر حلیل واروب مقام التماسه مانند باش و ذلیل
 قیام و تمتی و ترجیده الحاح و ابرام انمکین طلب ثانی انعام و ارجال ایلد
 بلده مرقومه دن دفع غم ظلام ایتدی **فصل تیمورک بغداده توجیهی**
بیانند در تیمورک لرستان و همدان اولان باس و ضروری بغداد
 مقام پادشاهیده قیام ایدن سلطان احمد جلایری به باعث تلاش
 دخر اش اولوب مقدمه بلا اقتضا تیمور اولان معارضه و بلا وجه فتح
 ابواب محاصره سی البته حرکت سبب اولور ملاحظه سن ایدوب هر چند
 کندوسی دخی پادشاه ذی باس ایسه اما **اِذَا جَاءَ نَهْرُ اللَّهِ بِطَلِّ نَهْرِ عِيسَى**
وَلَا مُقَابَلَةَ لِسِحْرِهِ فَرَعُونَ مَعَ عَصَا مُوسَى عَرَبِيَّةً
السَّيْلُ يَقْطَعُ مَا يَلْقَاهُ مِنْ شَجَرٍ بَيْنَ الْجِبَالِ وَمِنْهُ الصَّخْرُ يَنْفَطِرُ
حَتَّى تَوَافِيَ عِيَابَ الْبَحْرِ تَنْظُرُهُ قَدْ اضْمَحَلَّ فَلَا يَبْقَى لَهُ أَشْرٌ
 مدلولجه مقام و منه اقتدار و ولدوغن فهم ایدوب هر غمته چاره و تدبیر
 باینده فرعه زن لوحه فکر و تأمل اولدی ایسه فراددن غیره طریق نجات
 بولما مغله بسیطدن وجیره و چیزدن ناچیزه راضی اولوب هر غمت ایلد
 ساحل نجاته ایجا و ظاهر نام اوغلین اهل و عیال بلده شیر و انه قریب قلعه
 نجا نام حصن منیع ارسال و تیمور دخی قاصدان سبک سیر استیصال
 ایتدرب عربیه **لَنْ كَانَتْ بَدَى فِي الْحَرْبِ شَلَا فِرْجَلِي فِي الْهَرَبَةِ**
 غیر عرجا مضمون دخی افاده برله یدینوز طقسان بش تار یخنده بغداد
 نهضت و بلاد شامیه طرفه غرمت ایدوب پادشاه ملک مصر و شام

بغی الله تعالی انک من غلظی کل شیء بطال اولدی
 نه غلبه ایتد و جوجی فالجی و بطال اولدی
فصل تیمورک لرستان
 تیمورک لرستان کلان نیمی طاعل ارانسن
 سمرقند و نوره و اول سبیل ایلد
 آیدوب و اراغرا اما در باب کل شیء
 ازین قالم

فصل تیمورک لرستان
 مدد بدم شکر سیر فرارده
 رحیم اعرج کل شیء

الملك الظاهري سعيد برفق سايه سنه النجا ايتدي تيمور آتش ظهور دخی خدمت
 سابقه او زره حرکت و بلد تریزه القای دهب ایتد کده اول شهر مشهوره
 آتش دیز و نهیب ذلیل و غریز ایدوب سلطان احمد ک محرم مال و منال و ملجأ
 اهل و عیالی اولان قلعه بخا طرفه تجهیز ارباب سبزی ایتدی **صفت قلعه**
 قلعه مذکور جبل قافدن امنع و سحابه سحابدن ارفع سماک سمایه برابر اوج
 افلاک هسرق صحره شرفه مرتفعه سنده کویا آوخته بر سپر دژین و مصباح
 قمر باب د فیغه معلق بر قندیل بلورین اولوب طایر و هم اوج برجند دهیاب
 اولق محال تیرا فکر کنکه اذکانه بر تاب اتمک عدم الاحتمال ساق خدامنه
 خلخال خیالی بر مز و معصم عصمتنه عساکر سوار کیر مز بر حصن منیع و سلطان
 احمد طرفندن آلتون نام امیر حاکم بنیعی اولوب ارباب بخدت و اصحاب شدت
 او چو ز مقداری مردان میدان ناورد ایلد خدمت محافظه بند کمر حیت
 ایتندی عسکر جفای پیرامن قلعه مذکور به وصول و ضرب خیام و کار
 محاصره به اقدام اتملر یله امیر آلتون شهامت مقرون دخی همواره سواد لیل
 متراک و ستراق شباطینه تعیین رواج اولد قلعه دن نزول و خیال خواب
 کبی اجسام اعدایه دخول و شحم لحم آتش فحه سرایت ایدر کبی سیر ایدوب ابات نصر
 و طلسمات اغفالی تلاوت ایدر ک آورد و عی اعدای نهیب و سلب ایدوب کوسالم
 و فرغانم ایلد قلعه به شتاب ایدر دی بویا بده عسکر تا نار عاجز و بیقرار اولدخی
 تيمور نابکاره اخبار اولمغین قتلغ نام امیر کبری اوج نفر امیری اتباعی ایلد
 امداده ارسال ایتد کده عسکر جدید و رودنده اتفاقا امیر آلتون خارج قلعه
 بعض نهیب و غارتده اولد و غنک خبرین اتملر یله سدره و مسکنه اقدام و بر
 نوعله اصطیادینه تدارک دام اهتمام ایدر کن میر مذکور مصادف کلوب
 احاطه به غزم و مصارعه سن جزم ایتد و کلوی و لشر د لیرک منظوری و لجنه
 لا ملجأ من الله الا اليه دیو اصحابه خطاب ایدوب متفق الکلمه متحد الشکمه

قلب اعدایه ضرب واحد اتمک کرک یا بنل مرام یا ظهور خیلد موت کوم ایلد
 بنام اولور ذبولدن خلاصه طعن صاد قدن غیر مناصر یوقدر **عریته**
کرمی ایت و الایمت لیما **فما والله بعد الموت موت** دیوب نیت
 صادقه و لطف اهدن اعانت و انقه امید یله قلب اعدایه شن الغاره اتملر یله
 بعنایه الله تعالی اول ملحه تنک مجالد قوعه دن لوحه ساحه مصادمت
 اولد قلرند مساعده حیوان اقبال و قبض داخل بخت و انکسر طالع حل عقده
 اشکال تمکین نسیم عنبر نسیم نصرت التون طرفنده فایح و آثار ظفر و قوس مرام
 اوزر لایح اولوب امیر کبیر قتلغ لوی حیاتی سر نکون و برامیر دخی آغشته
 خال و خون اولمغین امیر التون متعلقا ایلد اول مضیق دن دهیاب و قلعه
 طرفه شتاب ایتدی بو خبر ملائت اثر نموره دزد سر ویرمکین بالنفس محاصره
 قلعه به مساعده ایتدی **فصل میر مذکورک سبب هلاکی بیاتده در**
 بومنوال بخدت اتصال ایلد امیر آلتون قلعه مذکور محافظه سنده اون
 ایکی سنه اظهارد جلادت ایلد تحسین کرده ارباب بسالت اولوب بعض ایلد
 علی العاده شخونده ایکن برادر ناد در برابرینک والدۀ ظاهر ایلد علاقه
 شیطانیه و معاملۀ جاهلانۀ لری ظاهره ظاهر اولمغله ناثره غضبی ملتهب
 و حرارت حقیقی مضطرب اولوب اکیسنک دخی تکه قبا و وجود یعنی سر
 دولترین بریده مقرض غیرت ایدوب جزای خیانتلرین ویرد کد نصکره
 امیر التون سفرندن قفول و باب قلعه به وصول بولمغین برادرینک
 کشته سن بالای قلعه دن خرق خندقه القاء واقع بر غصه فی امیر آلتون
 اعلام و انها ایتد یلر امیر پاک سیر به جزاکم الله احسن الجزا بوقضیه
 راضی دکلم خبر دارا ولیدم جزا رینه بالفعل مباشرت و ولی نعمه خیانت
 ایدلری عالمه عبرت ایدر در دیوب فتح باب به طلبکارا ولدی صفا
 اولمغوب دورباش ایلد رد جوابا ولمغین تکرار عرق الوثقای اعتذاره

محققان و اندویشگران
 بر او دخی یوقدر
 محبان و فیض داخل و آکس و عقده نعل
 اشکال دزدند در بوند استعاره طریقیه
 ابرار و انصاف

تمسك برله اما برادره مراقبه جنايتن اذاقه ايتدي بوفقيرولى نعمتلك
او غوردنه فدائي جان اتمش ايكن ولا تزر وازر و زر اخري مفراسخه
غيرك كناهيله مواخذ اولنق سزا دكلدر هر چند رد ايد رسكز بنه ملازم
سز سز و هر نقدرد و دوايد رسكز عاقبت پناه هم سز سز ديوانوع تذلل
وايمان و انقبه به نوسل ايتدي ايسه ظاهر فتح بايد تعلل ايدوب شايد نار
حيت و اقضاي قرايت ايله اظهار مخفي و تكدير صافي ايد سز **عربيه**
و يَتَكُنْ وَصَلَ الْحَبْلِ بَعْدَ انْقِطَاعِهِ وَ لَكِنَّهُ يَبْقَى بِعَقْدَةِ الرِّبْطِ مَفْرُوجَةً
اول عقد ايله خل رابطه عهد ايد سز ديود جواب اتمكين اول دردمند
دخي جرعه كش كاس يا س اولوب خذ مننه نادم و قدرني بلزله خادم اولدو
ستابه كنيد حيف اولوب دوستاندن جفا و فلكدن عدم وفا ايله اخماس
اسد اسنه ضرب ايدرك اماله رأس فرس ايدوب ناجارا و لقرده مدینه مرد
نام بلده يه توجيه ككام ايتدي بلده مذكوره ده تيمور طر فندن تارك مال
و ولد لابس خرقة و غدر حاكم درویش نهاد اولوب لكن مير مر قومك و درود
ملاحظه و قلت رجال و عدم غده و عدد ايله متجبر سودای جيانست
ايله متفكر اولوب بالاخر مير مر فوجي استيصال و سر مقطوعن تيموره ار
ايتدي مزبودك بو حرکتدن تيمور بحضور اولوب عزل ايله تخذيل و طرد ايله
تذليل ايتدي ازين جانب ظاهر دخي ايتد و كي حدث ايله آلوده چركاب خشت
و خباثت اولوب قلت جیش و تكدير عيش ايله غذای عصمت پیرای قلعه
اطاله دست اجنبیدن احصانه قادرا و لما مفین استصحاب اهل و انسا
ايله خانه کوچ جالی و قلعه مذكوره بلا منازع خالی اولوب تيمور ضبط و حاکم
تعیین و شروان حاکم ايله عدم مخاور و به مجادله لرین تنبيه ايدوب
بغذا و طرفه حرکت و علم افزاز مسارعت اولوب مقدما نكاشته يراعه
براعه اولدو غي و زره سلطان احمد شام طرفه اولمغله يديوز

بش سنی شوالینک اون برنجی کونی یومر السبت بغداده دخول و اهل بلد
شدت ايله کوفتار ضیق بی داد و پنجه خانه و خانه دانی بر باد ایدوب دیار بکر
طرفه عنان تاب اولدی فصل نمودک دیار بکر و تکرید و مادرین و مرهایه
غریبی **بیگانه** در مغرور مزبور بغدادن رفع غم ظلمت و دیار بکر طرفه
غریبته ابتدا تکرید قلعه سن یدییوز طقسان بش ذی الحجه سنک اون
در دنجی کونی تضیق و حواشی و مواشی سن دست زده غارت و تفریق و محاصره
قلعه به تسلیط سواریت و تعیین مرده عفاریت ایتدی حاکمی اگر چه بر مقدار
ثبوت قدم مقاومت و اظهار روی جلالت و بخت ایتدی لکن بویله
برفولا د پنجه ايله پنجه کیری ساعد سیمین رنجه دن غیری فایده سی اولدو غن
تحقیق ايله طلب امان و اطفالن در آغوش و کفن بردوش ایدوب
پیشگاه ظلمت اشتباه تيموره و مال ضراعت اولدغه اول اعرج و افلج مان
و یرمیوب استیصال و قتل رجال و سبی نساء و اطفال ايله یدییوز طقسان
التي صفر نیک یکرمی برنجی کونی بلده موصله آتش انداز و صول و لوب دار
و دیوارین هدم و آثارین منعدم و اها لیس غارت بعد رأس العینه
غریب آتی دخی نهب و غارت رجال و اناش سلب ایدوب سنه مذکوره نیک
غرّه ربیع اولدو رهای ترک و نازا تمکله درون و بیرونه آتش انداز و لوب
علی العاده فساد نمودی و عادیسن اعاده ایتدی ماه مزبودک اون ایکنی
کونی دیار بکر سمتنه عنان تاب اولوب اطراف یعقوب یا قوب جنود مردود
قصد ما دین ایتدی بو حدوث ملالت مودوث بلده مذکوره ملکی الملک
الظاهر ظاهر اولدغه جمع خیر اندیشان دولتی ايله عقد مجلس مشاوده
ایدوب بو سوال و زره شیخ کلام حکمت نظام ایتدی بکر بوظا لر غدار اکثر
اظهار روی نقیاد ایدنلره روی دل و التفات کوسورب نوای استیمان
ايله سماع فی نزاع ایدنلره آهنگ مخالف ایتمز واروب کر میت با زارم هاند

بش سنی

بش سنی شوالینک اون برنجی کونی یومر السبت بغداده دخول و اهل بلد
شدت ايله کوفتار ضیق بی داد و پنجه خانه و خانه دانی بر باد ایدوب دیار بکر
طرفه عنان تاب اولدی فصل نمودک دیار بکر و تکرید و مادرین و مرهایه
غریبی **بیگانه** در مغرور مزبور بغدادن رفع غم ظلمت و دیار بکر طرفه
غریبته ابتدا تکرید قلعه سن یدییوز طقسان بش ذی الحجه سنک اون
در دنجی کونی تضیق و حواشی و مواشی سن دست زده غارت و تفریق و محاصره
قلعه به تسلیط سواریت و تعیین مرده عفاریت ایتدی حاکمی اگر چه بر مقدار
ثبوت قدم مقاومت و اظهار روی جلالت و بخت ایتدی لکن بویله
برفولا د پنجه ايله پنجه کیری ساعد سیمین رنجه دن غیری فایده سی اولدو غن
تحقیق ايله طلب امان و اطفالن در آغوش و کفن بردوش ایدوب
پیشگاه ظلمت اشتباه تيموره و مال ضراعت اولدغه اول اعرج و افلج مان
و یرمیوب استیصال و قتل رجال و سبی نساء و اطفال ايله یدییوز طقسان
التي صفر نیک یکرمی برنجی کونی بلده موصله آتش انداز و صول و لوب دار
و دیوارین هدم و آثارین منعدم و اها لیس غارت بعد رأس العینه
غریب آتی دخی نهب و غارت رجال و اناش سلب ایدوب سنه مذکوره نیک
غرّه ربیع اولدو رهای ترک و نازا تمکله درون و بیرونه آتش انداز و لوب
علی العاده فساد نمودی و عادیسن اعاده ایتدی ماه مزبودک اون ایکنی
کونی دیار بکر سمتنه عنان تاب اولوب اطراف یعقوب یا قوب جنود مردود
قصد ما دین ایتدی بو حدوث ملالت مودوث بلده مذکوره ملکی الملک
الظاهر ظاهر اولدغه جمع خیر اندیشان دولتی ايله عقد مجلس مشاوده
ایدوب بو سوال و زره شیخ کلام حکمت نظام ایتدی بکر بوظا لر غدار اکثر
اظهار روی نقیاد ایدنلره روی دل و التفات کوسورب نوای استیمان
ايله سماع فی نزاع ایدنلره آهنگ مخالف ایتمز واروب کر میت با زارم هاند

افغانستان من دینی بوق
عقبات و اسلستان
مضبوط و ایجاب و ایجاب
دخی و بدخی دهان بری
مغنی

و مصاحبه سعي ایدرم اگر شدت اید و بطلب قلعه ده اصرار اید بر ایست
اولیاده نفوذ حکمی انکار اید و ب زمام مهام قلعه سرتک بد تصرف کنه
اولد و غن اعلام ایدرم سزدن طلب ایدرسه سزدخی دورباش ایدرد
جوابا تمک کر کنر هلاکله دخی سزی تخویف ایدرسه الحکم لله اتلافه
حفظ قلعه بی تلافی ایدر سز بعض بلا بعضدن اهون اولغله دوستا
او غوردن جان فدا تمک مصیبتلرین مشاهله دن اسهلدر دیوب
برادرزاده سی المک الصالح بن شهاب الدین احمد بن ملک السعید اسکند
بن صالح الشهیدی ولی عهد ایدوب تمنای مصالحه ایلد اول اعرج طالحه
متوجه و یوم الاربعاء خامس عشر ربیع الاول سنه سبعه و سبعه و تسعین
تاریخنده هلال نام مکانه استقبال ایتدی خین ملاقاته تیمور طوقند
عدم مجامله بلکه تحقیر و از در ایلد معامله اولند و غندن غیر تسلیم
قلعه تکلیف اولندی ملک ظاهر قلعه اصحابک زیر حکنده اولوب فقیر
انجو بنفسدن غیریه قادر اولما مغله خدمت عبودیتته تقدیم ایتدم
دیو تواضع وانکسار ایلد رد جواب ایتدی مزبور استصحاب ایلد تیمور محل
مرقومدن رحلت و قرب ماردیند ضربا و نادا قامت ایدوب طلب قلعه
ایلد اهل قلعه تهدید اولند قلندر صورت امتناع ایلد آدملی تردید
اولمغین مشافیه لرند ملک ظاهر بدجلان بی امانه تسلیم و نطع
اهلاکه تقدیم اولند قدینه شاهد مرام جلوه کمرآت کام اولما مغین
ملک ظاهر دن بدل امان یوز تومان که هر تومان آلتش بیک دره در
طلب اولندی اولدخی فوق الطاقه و ما لا یطبقه الاستطاعه اولغله ملک
ظاهرک قید و بندی تحکیم اولنوب بر قاج کوندن صکره شمشیر ذیل فساد
و مابین موصل و ماردین و نصیبین ده نهب عباد ایلد ترویج اصحاب و شتمین
دوابا چون مکث ایدوب تحصیل تاب و توان ایتد کد نصکره مرده جغتای

یکدست ماردیند یور ویش اتمک با بند حکم تیموری صدور اتمکین ماسند
سابق طبر تلاحق سیر ایدوب انهار ی نهاده سیلی لیلده قطع ایلد جبال
منیع و قلل رفیعری قول گندی و ذره عربیه **سَمَوْتُ إِلَیْهَا بَعْدَ**
مَا نَأَمَّ أَهْلُهَا سَمَوْتُ حَبَابِ الْمَاءِ حَالًا عَلَى حَالٍ مغز اسنجه ماه مذکور
اون ایکنی کوفی لیلده نلانداده من غیر مهله علی غفله بلد مذکور باص
حسام صبح صلوة فجر اید و طایر غراب دجا پرواز بالکشا اولنجیه دک
شیاطین جغتای سئل سیوف خوف ایلد سفک دما محرم و هتک سر پرده
حر در ایدوب عنوة ضبط بلد ایتدی لر اول ورطه هلاکدن تخلص کر بیان
جان ایدن لر قلعه اندرونر پناه ایلد سا حل نجاة القای پنجه اعتصام
ایدوب باقی ذکر و انات معبر سیفدن عبور دار حضور ایتدی تکرار
عقاب لیل شربال و باز سفید نهار افق غربیه استعجال ایدنجه منادیان
دخراش تحریص بغما و تحضیض برخاش اتمکله اشد عصر و حصرا ایلد
وقت ظهره دک هدم سور و تحریب دور ایدوب وقت عصرده انز قویون
اول شهری بر باد ایتدی لر طر فیندن قتلا لایقده و لایحی اولوب لکن
اکثری مرده جغتای بدرای اولد و غنی مقید اثر در فصل تیمورک قلعه
مذکوره لشغری با بند ایتدی کی حمله بیانند در چون تیمورک فتح
مغلقات قلعه ده زور بازو سی علبل اولمغین لشغری مکر و مجتهد
فکر ایلد ترک شدت و اهل قلعه به ارسال نامه استمالت ایدوب مفهون
ماردین قلعه سندن محصور اولان اغنیا و فقر و عجز و ضعفانک
معلوملری اولاکه صحیفه جرم و جنا یملری خط الامان عفو ایلد راسته
و محر زمال و جانلری قفل حرمت ایلد بسته بدل امان بذل نفوذ دعا و
دنا یرننادن غیر تکلیفلری اولیوب اطمینان بال ایلد مکتوبی خط
الامان ایدر لردیو اعلام ایتد کد حرسه قلعه شیاطین ماردین اولوب

مجلس
اهل باب ایتد قلعه سکن اول باب اید و ذنب
جغد حبابک صوفی زنب جغد و غی کج

عدم قبول ایلده قاصد تیموری رد اتملری ایلده تکرار تیمورک آتش غضبی نور
و جهة غروری طغیان ایدوب تکرار زور بازو به رجوع و علی الصباح
جیوش طاقه و نفیر عامه امیر محمودی سرچیلک و تضییق قلعه به بحر بصل اید
و اروب هانتد مار و مور صعود قتل و دخول لغور ایدوب بش کون
لیل و نههار آتش افروز جنگ و بیکار ایلده هر چند تلک و پوایتدی ایلده
فایده مند اولوب تیموردن مستند اولغین بود دفعه بالذات نفس خسیله
و اروب بلای آسمانی کبی نزول ایلده محاصره به اقدام و جنود مردودی
نوده آتش نادرده افتحام اتملریله عقل و ستایی از پس آید مصداق
اهل قلعه لباس غیرت و حیتی سالب و ذل و ذلت امانه داغ و مللریله
تیمور ملزم عهد و لماق ایچون و زیری طرفندن امان و بر دروب
طریق حیلده به سالک اولدی اهل قلعه بو حالده مختال اولدو قلرندن
بخیبر اولوب فتح باب ایدو کیری کبی تیموری امان قتل عامه فرمان
اتمکن شیا طین جفتای باب التل نام دروازه دن ازدحام اقدام
ایدوب افنای جمیع و قتل عاصی و مطیع و اسر کنیزک و کودک و پرده
عصمت محصناتی هنک ایدوب ایکی بیک مقداری ساجد و راکع التل
جامع ایشکن اول کافر کیشلر انلری دخی سرتا پاشهید و قبه و رواق
جامعی برابر صعدا تدیلر بعد ذلک تیمور تبلیس دالت ابلیس ایلده تسخیر
قلعه ارجیش ایدوب در عقب ارنیک قلعه سنه مخط و حاکمی اولان قوه
محمدرکمانی به مسلط اولوب یدیز طقسان الی شوالی غره سنه قلعه
مذکوره دخی امان ایلده تسخیر و درون قلعه ده اولان عسکری مقوله
افنای تیغ تدمیر ایدوب یدیز طقسان الی ذی القعدة سنک یدخی
کونی سمرقند طرفنه اماله لکام شور اندام ایتدی المملک الظاهری امیر
رکن الدین و عز الدین و سلیمان و اسبوغا و ضیاء الدین نام اهراسیله

معا کوندر علی الطريق سلطانیه ده بند زندان عقوبت و کندوسی
دشت قیاق طرفنه توجیه لکام عزمت ایتدی فصل المملک
الظاهر و اتباعی بر سنه تماماً شدت و غسرت عظیمه ایلده کوشه بجنده
منسی اولوب احوالی نیه منجر اولدو غندن اهل و عیالی بخیبر ایکن مملکه
کبر سلطانیته به قدوم و کویا اشارت تیمور ایلده مملک ظاهر ترفیه وید
و بندن تخفیف ایدوب اطاعت و خدمت تیموره دعوت ایتدی اول
اثناده یعنی یدیز طقسان سکون شعبان سنه تیمور طریق سلطانیه دن
بلکه همدان سمتنه عبور ایدوب بلکه مذکوره ده اون اوج کون
اقامتد نصکره مملک ظاهر قاصدان همایون قدم و مبشران
فرخنده دم اصدار و رفع قیود و فوق المقصود اکرام ایلده احضاری
سیار شاولیغین المملک الظاهر ماه رمضان المبارکک اون بشنده
روز پنجشنبه سلطانیه دن نهضت و ماه مذکورک اون یدخی کونی
روز شنبه ده اوردوی تیمور و وصوله امرای جفتای جلال ایلده استقبال
ایدوب تیمور ایلده جن تلاقه رعایت مراسم قیام و تعاقب ایلده دخی احترام
اولوب تیمور دفع غنوم دهشت و بذل لوازم الفت ایلده معذرت خواه
اولوب شش روز نشر خوان ضیافت و ترتیب بزم صحبت ایلده لباس حلل
ملوک عظام و عطایای جزیله ایلده احترام ایتد نصکره یوز راس فرس
جنسدار و اون راس ستردهوار و الی عدد شتر موزون قطار و بعض
زرکشیته مکملله و پنجه مخف مکمله احساندن غیری حد و دیا ربکون
سنورادربجانه وارمنیه یه وار بنجه الی الی لوا و حکومتک مناشیر
حکومتلرین نامه ترقیم و اول حدودک امر او حکامی زیر حکومت و صواب
دیدیا وزره حرکت ایدوب اموال خراجیه و عشریه لری خزینه سنه نقل
و تسلیم ایتلرین تنبیه ایتد کد نصکره هر نه وقت تیمور طرفندن طلب اولنور

طاعت وادی خدمت اتمک اوزره اخذ نمود و انقه و تکرار معانقه ایل
 تشیع اولوب عیش راضیه و حاله بهیه ایلد راهی اولدی ابتدا دارالمصیبه
 اولان سلطانیه عزیز و محترم بعد تبریزده امیرانشاه ابن تیمور ایلد
 همدام اولوب اولدخی تکریمده مبالغه و زوادی سفر تیرسنه مساعده ایلد
 منزل بمنزل قطع مراحل ایدرک یدینوز طقسان ^{سکونت} شوالک اون برنجی کوفی
 روز جمعه ماردینه سرود افزای و رود اولدقه ولی عهدی اولان
 الملک الصالح سابق و حایز شرف استقبال بعد سایر اعیان ولایت
 تقبیل ایدای ایلد مسرور البال اولوب طالع سعید و دولت جدید ایلد
 دارالحکومه لوبنه قدوم و ابتدا مدرسه حسام الدینیه زیارت
 والد ماجد و سایر گذشتگان لوبنه فاتحه خوان اولوب بعد کرسی نشین
 حکومت و اکابر و اصاغر بیعت جدید ایلد کامران مراد اولدی
فصل تیمورت تکرار عراق عرب و عجم دشت قحاق طرفه عربیت
 بیان ایدر ممالک دشت قحاق بلاد فیحیه و صحاری و مفاوز وسیعه
 اولوب تیمور خور ایلد مقدما عقد عقد عداوت و حکم قضا ایلد دهکیر
 دهلیز هنرکیت اولان توقا میش خانک زیرنکین حکمنده اولوب دشت برکه
 ایلد دخی مذکور اولد و غنه باعث بودر که اول صحرانک سکان و قطانی جمله
 عبده او ثان اولوب دین و دیانت نادان ایکن برکه خوان نام بر باد شاه نیک
 بخترینه توفیق ربانی بدرقه طریق هدایت اولوب شرف اسلام و دولت
 دارین ایلد مفتخر و بنام اولدقه متابعیه اکثر دشت مزبور خلا بقتل
 مشکوه قلوبی نور مصباح پرفلاح ایمان ایلد منور اولوب اول شهریار
 سعد اختر کسر اسنام و اعلاای اعلام توحید و اجرای رسم اسلام ایتمکین
 اراضی مذکور مزبوره نسبت اولندی تیمور قصد ممالک مذکوره ایدوب
 رشته نسبی نوشیروانه منتهی شیروان حاکمی الشیخ ابراهیم مملکتی مرور

ایله طرف دشته عبور اتمک مرادی اولدوغی الشیخ ابراهیم کوشنگذار
 اولغین حکیمانه حرکت و قطب فلک سلطنت و دستور حکومت و قاضی
 مملکتی اولان ابا یزیدی دعوت و بوغایله دفعنک تدبیری اچون عقد
 مجلس مشورت ایدوب سمت کریر یا محاصره و ستیزه طرف معقولدر دیکله
 قاضی ستیزه راضی اولوب شواهو جبال و نلال صعب المناله فراری استیصال
 ابتدای الشیخ ابراهیم بورای عین خطا درکند و نجاتم فکرنده اولوب
 فقرای عباد اللهی محالیه اعدایه القا ایدنجه بود الحساب نه جواب ایلد
 خلاصه دهیاب اولق ممکن اولور یا سدت غفور و حفظ رعایایه شد خرام
 ایدوب دفع محذوره بذل مقدور اتمک کرک یا خود حرکت بین بین ایلد
 اول ظالمک استقباله سرعت و قبول انقیاد و خدمت اتمک کرک ابقای
 حال ایدر سه فهو المراد و اگر غدر ایلد حرکت عزل یا حبس یا قتل ایدر سه
 قناعت ایدوب حاکم جدید تعیین اتمکله فقر و مساکین دار و دیار منزل
 و ما والزند امین اولور لرد بوب استقبال طرفن ترجیح ایلد ابتدا قدوم
 تیمور اچون شادمانی کوستور بوب ترویق و تزیین شهرستان ایدر بوب بعد
 تحقیق طاعت و انقیاد اچون نام تیمور ضرب سکه و قرائت خطبه ایدر بوب
 نقل هدایای تحف و تدارک انواع غریب و ظرایف ایلد استقبال سریع
 ابتدای قاعده جفنایده پشکشلوی هرچنسدن طقوز عدد اولق رسم
 اولغین الشیخ ابراهیم دخی رعایت مراسم اچون هرچنسدن طقوز
 کتور بوب پیشگاه بارگاه تیمور تقدیم انجق مما لیکدن سکونفر لایق خدمت
 ملوک مملوک کتور مکلاه سببی تخلص و حکمتی تجسس اولندقه طقوز بنی
 نفس فایمدر دیو ظریفانه جواب ایتمکین بو خوش آمد غریب طبع نموده
 موافق و عجیب کلمکین استخسان ایلد سن بنم و لدم و بودیارده خلیفه
 و معتمد سن دیوب الباس خلع فاخره و التفات و حسن معاشره ایلد ابقای

حکومت و بلوغ امنیت ایله دارالحکمه عودت آیتدردی بعد ذلک تکمله
پیشکش آیتدوکی اطعمه و آشوبه و فواکه لطیفه مانند ریک و حصا اولان
عساکر جغتایه توزیع و تقسیم اولندقدنصکره بوقدر دخی برنده باقی قالدو
تحقیق کرده رواندر فصل تیمورت دشت قجاق طریفیه اولان وقعه سنه
سبب نه اولدوغن بیان آیدر امراء دشت قجاقدن امیر آید کوا منکعت
با خود فرنگرات قبیلہ سندن اولوب خدمت توقتا میش خانده رؤس امراء
میسره واد باب رای و مشوره دن ایکن بعض خدمته خلاف رضای
مخدوم ایله زلّه سی واقع اولوب توقتا میش ملک ذی باس شنیدیا و منفله
آید کوا هواره صول با سندن محترزا اولوب اتفاقا بعض لیا ل سرورده نجوم
کوس افلاک طریقه سیر و سلطان خرم ملک عقله اجرای امر تمکد ایکن
توقتا میش آید کوا به توجیه کلام آیدوب سنده بنم برکونم وارد که سنی مائده
حیا ندن صایم و محکمه خاموشانده نایم آیدردیو خطابا تمکین آید کوا مفا
آیدوب حاشاکه مولانک عبیدینه حقدی و تعمیر کرده دست همتی اولان
اساسک اندر اسنه جهدی وله دیورد جواب آیتدی لکن مقدمات اولان
ملاحظه سن تحقیق و لازمه وقت خشوع و خضوعند دقیق آیتد کد نصکره
پادشاهی اغفال و قضای حاجت آیدر یکی سالت حواسیدن انفصال و اضطراب
توقتا میشه سرعت و حرا سندن غفلت ایله ایام شده به معده برنجینه هنر منجه
فرس مسر وجه به سوار اولوب بعض توابع خیر اندیشنه کتم سرو بی استیانت
بادگاه یتورده تفتیش استون دیوتنبیه آیدوب طبق طباق مسیر و طی انوال
سهل و عسیر آیدک ساحل سلامت سرعت آیتدی ازین جانب توقتا میش
با خبر و بلخه اگر چه عقبه خیالان خیال جولان تعجیل آیتدردی لکن اثر غبار
واصل اوله مدیله فردی مرقوم تیموره وادوب رعایت آداب ملاقاتی تقدیم
وسر گذشتن بکان بکان سالت تقریر تنظیم آیتد نصکره ستر نو سیم ملک

ایچون قطع ققار ققار و طی اسفاد اسفاد آیدوب طلب بلاد خالیه و قصد
اماکن جالیه آیدر ستر دشت قجاق مغانم بارده و مشارب هینه اولوب
نصب العین اولان فواید و عواید دن سبب توانی و تقاعد ندر سن
رده قادر عسکر دافعه و قلعه مانعه اولوب و سبعة الحاشیه بر
خرینه ماشیه در دیوا و لطفه تخریص آیتدی **صفت اهالی دشت**
مذکور صحاری مرقومه تا تار قبیلہ سنه مخصوصه محفوظ الاطراف معمور
الاکفاف فیصح الارجا صحیح الهوا قلیل القلاع کثیر الانتفاع رجالی حسام
جنودی سهام اناثی مهر طلعت ذکوری بدر منقبت لجه لری فصیح
وجیمله اعضا لری مرتبه و مکمله از کما مهجه احسن الوجه اکثری ریش
بلا تلبیس اولوب علی الاتصال دأب لری نزول وارتحال آیدی خوف و وجلدن
خالی نهیب و غارتدن متخلی مقدمات خوارزم طرفدن قوافل متعدده
استغنه متنوعه ایله اوج آیلوق مسافه دن قریبه سفر فی خطر آیدوب نقل
زاد و زواده و رفیق و علیقه بلا احتیاج میان عشایر و قبایلک مغرور
و محترم و ضیا قتلایله مکرم اولملریله **عربیه** **مستکنفی جلی عکاظ**
کلیهما یدعوا ولیدهم بها عرعار ماصدق وصف حال لری آیدی
صفت دشت مرقوم مملکت مذکوره طولا بحر کیلان و بحر سیاه ما بینی
دشت مذکورک طرف جنوبیسی اولوق اوزره مبتدی شرق طرفنه امتداد
ایله بلاد خوارزم و ترکستان و چنا و خطا و چین و بلاد مغوله منتهی جانب
غربیدن بلاد روس و بلغار و تاتار و عرضا طرف شمالیسی جبال رمال
کثیر المها لک ممتنع المسالک غیر مسکونه صحاری و براری ققار اولوب
عربیه **وبلک لیس بها انیس** **الا الیغافر والا الیس مدلولی**
صفت کاشفه سیدر **صفت بحر کیلان** استعمال اعجامده قلزم ایله غلط
مشهور در طرف شمالده واقع بحر سیاهه قریب المسافه اولوب انجی چراکسه

عکاظ مذکورک طریفیه
یعنی موضع مذکورک یکی جبلک اولادی طریفیه
مخصوصا بر اویندنیک اسفیدر

مخصوصا بر اویندنیک
برایان اشکندرت
غیر انسی بوقدر

جالی ما بینند سید سید اولمشدر طرفند بلاد کیلان و بلاد مازندران
 و شهر استرآباد و شروان و پنجه بلاد عجم واقع بر بحر محصور ایکن انهار
 متعدده بلاد روسدن متوجه واعظم انهار دین شط ایل و نهر جیحون
 و نهر سیحون و پنجه مانند نیل و فرات سقوط جاریه و انهار وسیعه بحر
 مذکور منصب و ناید ایل و لوب زیاده و نقصان اثری بدید و لمز
صفت بلد ساری بلد مذکور نهر ایل مرقومدن مستشعب سنگلاخ نام
 نهر جاری و زرنده سلطان بزرگ علیه الرحمه دشت مرقومه بنا و دارالملک ایدو
 اهم دشتی حمای سعادت پیرای سلام و خون کثیر الجیرایمان بجات انجامة
 دعوت ایتمکله اکثر خلایق اجابت و شرف اسلام ایلد سالک طریق هدایت
 اولمغین پادشاه مرحوم شهر مذکورده ضرب نوبت دولت محمدیه و رفع
 اصوات اذان احذیر و تأسیس جوامع و مساجد و تشیید مدارس و معابد ایدو
 تعلیم معالم دین و طریق شرع متینی تبیین همچون علماء اطراف افاق و کثافی
 مواعید صلاه و تعهد تکریم و عنایات ایلد طلب و وفالینه افاضه همچون انعام
 و بذل بقود احترام اید و ب تکریم علماء و تعظیم شرایع انبیا ایتمکله قطب الدین
 علامه رازی و الشیخ سعد الدین التفتازانی و شارح حاجیه السید جلال
 الدین و حافظ الدین البزازی و احمد الخندی و بومقوله بنی فضلای حقیقه و علماء
 شافیه و معتزله و اشعرا و ظرفا زمان سلطان بزرگده اول بلدده مجتمع اولوب
 علوم نافعه بعد اوزی بیک و جانی بیک زمانلرند دخی بسط فون جامع ایدوب
 انوار علم و عمل ایلد بلد مرقومه مجمع العلماء و معدن الفضلا و عظم بلد زنده و غیر اولو
 مداین عالم حسن و بهاسنه مدانی اولمزدی نقلد که اعیان بلد دن بریند برملوک و فرار
 و شهرت بر طرفند کسب و کار همچون دکان آجوب یکری سینه قریب خرید و فروخت ایدو
 کثرت خلایق و از دحام طریق سببی ایلد مولاسی خبر داد اولمز و قس علیه الباقی هر که آمد
 عمارت نو ساخت دفت منزل بدیکری پرداخت و ان دیکر که دهچنین هوسی

این عمارت بسرنبر کسی مدلول پنجه حوادث روزگار و تغلب لیل و نهار
 ایلد مفاسد ظهور خاصه بنموری نورت و اید کوانک دور و دراز محاربه
 و مقاتله و هب و غارت و فتنه و شدت و افشای کجاء و اسر صغار ایلد
 دشت مذکورده اولان احم اصابت عوارض ایلد منقرض بقیه سی دخی
 جالی اولوب اول اراضی متحرک و ساکندن خالی اولمغین انقطاع طریق
 و اختلال خلایق ایلد مدینه مذکورده دخی خراب و آثاری نایاب اولدی
 ابتدای عمارتندن انتهای خرابنده دك التمش اوج سنه اولمشدر مصنف
 مرحوم سکن یوز فرق تاریخنده بلد حاجی ترخنده رئیس العلماء سمرقند
 خواجه عصام الدین ابن سلطان خواجه عبد الملک ملاقی اولوب
 انشای کلامده دشت مذکور احوالی مذاکره اولمغین خواجه عصام الدین
 سکن یوزاون دورت تاریخنده بر تقریب ایلد دشت مرقومه مرور ایدوب
 شدت حال و تعب و زحمت و نکال ایلد عبور ایدو کن نظم رشتنه تقریر
 و اول حدود دك خرابنه ایما ایدوب عربیه **فَدَكُنْتُ أَسْمَعُ أَنَّ الْخَيْرَ**
يُوجَدُ فِي صَحْرَاءَ يُقَرَّبُ إِلَى سُلْطَانِهَا بَرْكَةً بَرَكْتُ نَاقَةً تَرْتَحِلُ بِحَائِشِهَا
فَمَا رَأَيْتُهَا فِي وَاحِدٍ بَرْكَةً كَذَلِكَ اولهنگامده دشت مذکور اعیانندن
 حافظ الدین بن محمد بن ناصر الدین الکردی البزازی الخوارزمی بر تقریر
 ایلد عربیه **مَتَى يُحْفَظُ النَّاسُ فِي بَلَدٍ مَصَالِحُهَا فِي يَدِي حَافِظٍ**
مُحَافِظُهَا صَادِرُ سُلْطَانُهَا وَسُلْطَانُهَا لَيْسَ بِالْحَافِظِ ایبارن فی المشافه
 انشاد ایتمکین مصنف مرحوم خواجه مشار الیهدن سما غار وایت
 و پیرایه اثر قلمشدر فصل تمیوزک دشت مذکور طرفنه غریبی بیاندو
 بوندن اقدام سرزده یراعه تقریر اولندوغی و زرده آید کوانک تحریص
 و ترغیب ایلد بنمور شدت محصور اصحاب سهام طیاره و سیوف تبار و
 دماس خطاره اسود نصاره و نمود کراره مانند بچون زخاره امواجی

مختصر بنی سلطان بزرگ منسوب اولان
 استماع ایلدم سلطان بزرگ منسوب اولان
 مکرده خبر بنمور مکرده خبر بنمور
 ایلد او غاردم بر کینه ده بکت بولدم

مختصر بنی سلطان بزرگ منسوب اولان
 بنمورده خلق بنمورده خلق
 شهرت مصالحی حافظ بدین اولد و حافظی
 سلطان اولد و سلطان حافظ اولد

تیاره لُج حریف غماره عساکر جلادت ماثرا یله غریمت و دشت مذکور^{الف} ی
آتش رهبت اتمکین پادشاه دشت توقنا میش دخی زعمای حشم و عظمای
احم و سکان اطراف و قطان اکفاف و دوس عشایر و وزرای میا من
و میاسره و سایر اصحاب کمر و فرقه اصدار و رسل و مقابله و مقاتله و عت
اتمکین طرف طرف شعوب قبایل فارس و راجل ضارب و نابیل مقبل و مقاتل
سرعت بی سکون ایلده ما صدق و هم من کل حدب ینسلون عساکر کونا
کون ما تند مار و مور منال شور و غور میدان احتشاد عامه ضرب
اوتا دخیام ایندک^ن توقنا میش دخی اول جیوش دریا خروش ایلده نهوض
و حاضر باش مقاصد و محاصره اولدی حکم لوح و قلم ایلده آیات نصرت
و اجلال تیمورت پیرایه رایات اقبالی و لماغین حین توافق صفین و اتصال
جمعینده اهرام توقنا میشدن برامیرنا سزاخروس بی وقت کبی بی محل
نغمه سرا اولوب میر آخردن طلب دم و نثار و قتلند اصرار ایتدی توقنا^{میش}
بلی سوالک اجابت و خاطرک رعایت اولور لکن حاله طاری و دو خرمال
و ملکه جاری اولان سیول فنا و طوفان بلا منظور در بوغایله اند فاعند^{نصکره}
خصمی میدان جزایر تقدیم و قبضه نصرت که تسلیم اتمک مقرر در اول
وقت ادرال نثار و قضای و طارایت دیو نصیحت ایتد که میر معاند بو^ع
اولق کمرک و الاسکا سمع و طاعتم و فرمانکه اطاعتم یوقدردیمکله توقنا^{میش}
عناد و تعصب ایلده شد نطق و تکلیف مالا یطاق اتمه شمدی بزل صباح
فلاحی مدبر و لیلله شدتی مقبل بر طایفه ایزبوا مرشدید بند کمر موافقت
و تاکید موافقت مرافقت محتاج دردی که میر خیانت مسیراق اف نام قیلده
عاق و جمیعت کینه نک اتفاق ایلده عسکر دن انفصال و روم نخور روم
ایدوب شد راجل ایلده ادرنه ضوای و صحار یسند احمال لرین تنزیل ایدوب
اول طرفلری مسکن و ما و ایتدی بونقریب ایلده عسکر توقنا میش مختل

و عزم حریفی متلاشی و مختل و لشیکن ینه بهر حال مقتضای غیرت ایلده
ترتیب خیل و رجال و تصفیف مردان ابطال ایدوب تیموره مقابل اولد
فصل تیمور مستدرج الامورک حالی مفهوم و عسکر نیک جلادت
و شها متلری مستغین عن البیان و معلوم اولوب سطور نصر و تمکن رایا
حرکت لرنده مرسوم و نقوش فتح و ظفر اعلام غریمت لرنده مرقد و املغین جیش
ما تند مجمع البحرین تقادیم ایلده متلاطم و ناره حرب متضارم اولوب کمردن
کردن کشان لطفه ذبردست سیفدن روگردان و نخور خیره سران زخم
خبر تراندن کریزان اولوب ذیاب ضراب متناثر و غور تها دش متنافر
لوامع سیوف سحاب خوفده ما تند برق جوال و ارباب الخیل پرده غبارده
مثال ظل و خیال عفاریت سهام آتش افشان و ضراغیم منایا صایل جسم
و جان اولوب نیجه قیام الساعه دن نشان بدیدا و لمغله جباه جبار و درو^س
اکاسره محراب حربه سجود و مدعیان غره نشان مقام تسلیمده قعود اید^ن
جیش توقنا میش مصرع کشتی کیراد بار و صدمه خور صرصر انکسار اولوب
دهکیرای فرار اولملریله جنود مردود تیمور ما تند کوره زنبور منتشر و ممالک
دشتک مستقر اولوب استیلا ی قبایل و ضبط اوخروا و ایل و قبض ناطق
وصامت و نصرت ساکن و متحرک ایدوب باحت قتل و افنا و رخصت اموال
رعایا و برابا ایتد کد نصکره تقسیم غنائیم و اسر کرایم و تغییر قواعد و تبدیل
مراسم ایلده سرای سلطان برکدی و بلد سر ایچی و شهر حاجی ترخانی تخریب
واهل دشتی کمال اوزره متلاشی ایدوب ایدوب شد احمال و رفع انقال پرله
عودته سرعت ایتدی بونقریب ایلده ایدکو منظور عین رغبت تیمور اولوب
سمرقند طرفه معار و انه اولدی لر **فصل** ایدکوانک تیموره اولان خدعه^س
بیانده در ایدکو مرافقت تیمور ایلده طرف سمرقند توجهده علی الطریق
تیمور پشعوردن اخفا ایلده عشیرت و اقارب و یاران و مصاحبینه سفیر

چاپک مسير کوندر با ولد قلری ممکنه دن رحلت و بر منزل ايك کون اقامت
 ايتوب سرعت ايله صعب المسالك کثير المالك فلان موضعه نزول لير ايشا
 ايتد و کندن غيری تیمور بر عقب کورد رکند و لره ظفر بولور ايسه نشتر نيشند
 و ضرر پيشندن خلاص لری عديم الاحتمال اولوب آخر کار نشنيت شمل لرينه سا
 و اموال وارذا قلرين دست برد غدد و تعدي ايد چکن نخر بر اتمکين قبيله
 مذکور امثال اهر ايدوب در حال رحلت و ايد کوانک تعين ايتد و کی ممکنه
 منيعه بر سرعت ايله کلوب اقامت ايتد و بعد ذلک يوم ما ايد کوانک ايتد و فتح
 کلام و بور سمه عرض مرام ايتد بکه بادشاهم فقيرک اقارب و عشيرتي جم غفیر
 اولوب معاضد و مظاهر مدد لر صلاح حالم صلاح لریله و آنلرک دخي امن
 و راحت معيشت لری بنم اصلاحه در توقا ميش بنم اولان عداوتک انتفا
 اقربا و حشم مدن آلوب بکا اولان آتش غضب و نازع حيف پر لهن آنلرک
 اطفال سيله سکن اتمک فکر لره اول فقر ايه ابصال مضرت ايد چکی عين
 اليقينم در اول غايه نک سدي بنم تدبير حکمانه مه مربوط و امور مشکله لرينک
 فتحي بنم فکر عاقلانه مه منوط در اقارب و قبيله زير دست دشمن سخت کرده
 امباح سهام و مطمئن حساب و اولنج هوار عيشم مکدر و هر آينه خاطر مغير
 اولوق مقرر در عواطف عليه بادشاهيدن مسؤلدر اقتضای رای صواب
 پيرالری و زره طائفه مذکور به استمالت خاطر و تطيب قلب غائب و حاضر
 اولور مرسوم شريف و فرمان منيف تحریر و بر معتد بنده لری ارسال اولوب
 رحلت و ظل سعادت آسوده مه در راحت اولملرين تبنيه بيور سز که اولد شت
 زشتدن خلاص و بقیة عمر مستعاری زیر سایه حمايت بادشاهيد کچر و ب
 خدمت عليه ده شد میان اختصاص ايد لوباقی رای شريف لری اعلا و تدبير
 ملکه نظر عاليلری اولد در ديو ختم کلام ايد بجه تیمور بيشعور بوجه
 سندن اولی تر و بومذعانتک حصوله سندن بهر کیم وارد ايدی بواحرک

اجراسنه بالنفس اهتمام و بوجه خصوصت حصوله بالذات اقدام اتمک کرک
 ديدکده ايد کوانک استر حال ايجون مرسوم شريفه حامل بر امير دخي معا اولوق
 لازم در ديمکله بر امير و استمالت نامه لرايله ايد کوانک طرف مرامه سوق مطيئه
 عزيمت ايتدی بعد تیمور حباله مکرا ايد کوانک کرفتار اولد و غن اشعار ايدوب
 استردادی ايجون آدم اسراع ايتد ردی ايد کوانک رسيد سر منزل مقصود
 اولد قد نصکره قاصد مرقوم قدوم و تبليغ مفهوم ايد بجه ايد کوانک در فوق طريقي
 اولان امير و بعد کلان سفیري حضار و ما فی الضميرندن بور سمه اخبار ايتد بکه
 تیمور اهلاک حرث و نسيله ساعی بر ظالم بی ماند خوف الله ايله صحتندن بيزارم
 ايدی تبليغ حال ايجون صا جکره بر کون مقدم لوقه استعجال ايدک ديمکله
 مزبوران دخي سیر تا تارای ايله عزيمت و حضور تیموره کلوب تبليغ رسالت ايتد بکه
 تیمور تصور و تصور ايله بخرج خوانبه ندامت ايدوب غيری تدارک امکافی
 اولما متغله تغافل ايله معامله و سمند عزيمتن سمرقند طرفه اجاله ايدوب
 بوند نصکره دشت مذکور طرفه امر و نهی قالمدی روايتد که تیموری مدت
 عمر نده ايد کوانک قاضی القضاة ابن خلدون اتی الذکردن غيری خدعه غریبه ايله
 کرفتار حباله قریب ايتمش کيسنه اولما مستدر فصل نواحی شماله امير ايد کوانک
 توقا ميش خانک جدال لری بيا نند در امير ايد کوانک تیمور بجه سندن
 خلاص و حواشی و غواشی سی بینند برو فوق مرام اختصاص بولد قد توقا ميش
 احوالندن و حرکت و سکونندن هوار محترز و مفتش اولوب يوم شت ايجون
 احضار عدد و عدله ايله روز پر خاشه حاضر باش اولد و غندن غيری
 دعوی سلطنته لياقت و استعدادی اولما مغلله نصب سلطان جدید
 و دارالملکده بادشاه نوبته ايدوب رؤس قبایل و امرای عشایری دعوت
 اتمکين سمت سمت قبایل سمع اجابت ايله طرفه سرعت ايدوب احتشاد و
 مقاومت توقا ميشه تحصيل استعداد ايتدی توقا ميش دخي تیمور بجه سندن

هنوز خلاص گریبان اید و بهر حال کسب راحت ایتد کد نصکره عسکر تازه
جمعیتنه مبارکت و تهته ادوات جنگ و بیگان مبارکت اید و بید کوانک
اذاله و قطع جبل الورد حیاته مساعده ایتدی مابیند مکررا ابرق
براق شمشیر آتش ریزستیز و محاصرت دورادور فتنه انگیز اولوب گاه مشا
نسیم نصرت بونلت برجم طوغنه آرایش و گاه غایله سالی صبا ی فرصت
انک کره طره مرمانه کشایش و پروب حاصلی اون بش بونلت بزم و زمره لب
شمشیر تیراب ایلد مباسه و باع کرز و کند ایلد معانقه اید و بآخر کار اید
کوانک آب و تاب فرو شوکتی مکرر و مرآت تاب و توانی غبار انکسار ایلد مغیر
اولغین بیسیوز مقدار ارباب خیل ایلد صحرا طرفنه دوان و غوطه خور بحار
ریک دوان اولوب اول نواحی و ضوا حیده نابدید و نه دایره ده مخفی و نه قطره
مخفی اولدوغی ناشنید اولغله ممالک و مسالک دشت مستلم دست نصرت
توقنا میش اولدی لکن پیوسته اید کوا طرفن ملاحظه و اخبارینه مشتوق
و نه طرفه اولدوغی آثارینه مشتوق ایدی مابیند نصف سنه مقداری
ایام مرور اید و باثری آغیندن و خبری السندن منقطع اولغین توقنا
فی الجمله خاطری توقنا شوب بغین هلاک اید کوا ایلد امین اولدی ازین جانب
اید کوا اولطر فلک مهالک و مسالک و مداخل و مخارجندن باخبر اولوب ستر
حال ایلد اولطر فلکی کشت و کذا عربیه **أَرَقِبَ الْقَصْدَ وَارْتَقِبَ قِصَا**
وَأَنْتَزِ وَقْتَهَا إِذَا مَا جَا وَأَخْرِجِ الصَّبْرَ فَيَسُوفَ تَرَى وَرَقَ النَّوْثِ
صَادِرًا مِنْهَا جَا مَدْلُوبُهَا مَرَقِبُ فَحُصَّتْ اولوب توقنا میش طرفن هواره
نفتیشدن خالی اولمز ایدی عاقبت سر نهاده بالین امنیت و عسکر بندن
منفرد اولدوغنک خبرن آلدوغی کبی آخه خیلده سوار و اسنار لیل ایلد
استنار حال اید و بجال سیری بر برینه توصیل و خواب خوری شهر و جو
تبدیل اید و بمانند برق خاطف آرمکاه توقنا میش علی الغفله مختطف

مختطف
نصف سنه مقداری
ایام مرور اید و باثری آغیندن
و خبری السندن منقطع اولغین
توقنا فی الجمله
خاطری توقنا شوب بغین
هلاک اید کوا ایلد امین
اولدی ازین جانب
اید کوا اولطر فلک
مهالک و مسالک و مداخل
و مخارجندن باخبر
اولوب ستر حال ایلد
اولطر فلکی کشت و کذا
عربیه **أَرَقِبَ الْقَصْدَ وَارْتَقِبَ قِصَا**
وَأَنْتَزِ وَقْتَهَا إِذَا مَا جَا وَأَخْرِجِ الصَّبْرَ فَيَسُوفَ تَرَى وَرَقَ النَّوْثِ
صَادِرًا مِنْهَا جَا مَدْلُوبُهَا مَرَقِبُ فَحُصَّتْ

اولدی توقنا میش لیا نبتاه اول وقت اکاه اولدیکه سواریت وجل
وعفاریت اجل میاننه دوشمش هر طرفدن ضرب حسام و طعن نهام
ایلد طریق نجات ملنر و هر جهتدن توجه و نزول قضای مبرم مشاهد
اید و بهر چند مجادله و مزاوله ایلد مجال خلاصه جد و جهد ایتدی
ایسه فایده مند اولما مغین آخر کار جرعه کش صهای حرکت اولوب
غوغای سلطنتی ترک ایتدی بووقعه فاقعه ایلد عدد محاربه لری اون
القی اولوب فوت توقنا میش ایلد تولیت دشت اید کوا به مستلم اولغله
توقنا میشک اولادی متفرق و جلال الدین نام ولدار جمندی رؤس
و کربال طرفنه و سایر برادر لری سفتا طرفنه متشت اولدیلر بعد
ذک اید کوا تولیت و زمام سلطنتی مراد ایتد و کینه ضبط ایتد در اولد
از جمله قوتلیغ تیمور خانه بعد برادری شادی بیکه بعد ذک فولاد خان
ابن قوتلیغ تیمور بعد برادری تیمور خانه ضبط ایتد رمکله تیمور خرموم
اید کوا به تسلیم زمام انقیاد اتمیوب سالک طریق محاصره و عناد اولغین
تار بود شقا قلوبی التهام و دام نفا قلوبی انتظام بولوب ظلمات فتن مابیندن
محببت و نجوم شور لیالی محاصره لرنده مشتبت ایکن سکونوزاون دورت
تاریخنده مشرق سلالة توقنا میشدن بلاد دوسدن بدالدوله جلالتیه
ظهور و میدان جلالتیه دعوی ملک پد ایلد صدور اید و بتفاهم شور و ثر
وتلاطم بجور فورا ایلد کشتی اقبال اید کوا بر کشته و تیمور کشته اولوب ملوک قجاق
بیننده استمرار مصاف و استقرار استنکاف ایلد اید کوا دخی جبر و جاهر سچوند
هلاک بعد جنازه سی اخراج و سر ابقه سوازی زیر خان اولدی بو تقریب
ایلد قبایل دشته نقص و شتات طاری و سیل خلل و اختلال مسکن و مأوالینه
جاری اولوب تیمور وقعه سنده لایق و لایحی طوایف مقبور و ماسوا اولد
ماعداد بونلک بونلک رای معکوس و حرکت منکوسلوی ایلد دخی کبر قبایلدن

قرا بغداد نام قبيله و نچه قطعه و شعبه روم و دوس طرفلرینه جالی کیمی اسیر
 مسلم کیمی مرید مجرم اولوب قلت ترده و کثرت برف و باران و غلج ریک
 روان ایله بوللری مسدود و آثار جاده لری نابودا و لغین اول خدودک
 جالی پریشان اولدی آید کوی مرقوم شدید السمر مرتجع القامه شجاع و
 و مهیب متبسم و صاحب رای مصیب سهام فکری ثاقب افکار و مکاید
 غالب محبت علما مقرب صلحا نهاده صایم لیالده قایم شریعت غریبه مقتد
 سنت و کتاب ایله مهندی اولوب بکرمی مقداری اولادی جمله مطاع اصحاب
 جنود و اتباع اولغله بکرمی سنه مقداری دشت مذکورده روی یام
 اقبالی مهر دولت ایله مجتلا و چهره لیال اجلالی بدر سعادت ایله مطرا اولون
 حکایات عجیبه و اخبار و نوادر غریبه سی تفصیلی بو مختصرده کجایش پذیر
 اولما مغله اختصار اولندی **فصل** بوندن اقدم نکاشنه کلک
 چایک رفهم اولدوغی اوزره تیمور سلطانیه به مرور و بلد همدانه عبور
 ایدوب سلطان مار دین الملك الظاهری قید محبسدن اطلاق و تولیت
 ما بین شام و عراق ایله دارالملکته ارسال ایتد نکشکره معا اولان حواشی
 و مواشی و احم متان شتی دشت ایله ممالک تنک مسالک عجمه اقامت ممکن
 اولما مغله سمرقند طرفن قصد و واروب تنزیل احوال و تخفیف انقال ایدوب
 من غیر توانی حرکت فتهقر ایله قطع جیچون سریع الجریان و طی منازل
 خراسان ایدرک ادر بیجانه وصولنده ادر بخان حاکمی اولان طهرتین مراسم
 تیموره اذعان ایدوب طوق اطاعتن پیرایه جید مطاوعت اتمکین مداین
 و قصبات و قراسنه طاله دست خسادت اتمیوب بقای حکومینه اجازت ویر
 بعد ذلک تشمیر ذیل و ماردین طرفنه سوق خیل ایدوب قراسنه بلا ضرر مرور
 و بلد رها اطرافن فرسوده سنابلک الخیل و ستور ایدوب طرف شام غریبت
 ابتدی فصل تیمورک شام و قیصر تبر طرفنه اولان مکتوبلری بیاننده در



تیمور مغرور ماو دیندن نهضتد بلده روهایه آتش انداز دهبث اولوب
 قصد نهب و غارت ایتمکله اعیان و لایتدن الحاحی عثمان نادر مرد
 مبارک قدم فرخنده دم استقبال و سلسله جنبان تضرع و ابتهال
 اولغین بر حمل حمل مال ایله مصالحه ایدوب توزیع و تقسیم و جمع و تحصیل
 و خزینه خزانه تیموره تسلیم ایدوب خلاص کر بیان ایتدیلر بعد ذلک
 مغرور مرقوم قیصر تبر و توقاد و سیواس حاکمی قاضی برهان الدین ابی عجا
 قاصد نخوست مراد صادر و نامه شدت خامه سن تهیدید و تشدید
 ایله مشغون و رعب و تحویف ایله مقرون ایدوب ارسال و مفهومده خطبه
 و سکه ولایت و ایالت محمود خان یا خود سیور غاتمیش خان و کند نامه مسکوک
 و مسبوک اولغی استدعا اتمکین برهان الدین رسل و رسایله اعتماد و عهد
 و پیماننه اعتقاد ایتیبوب رد جوابه تقید اتمد و کندن غیری قاصد لرین
 کشته و سر مقطوع لرین خدا ملری کرد نه آویخته و شهره شهر و تذلیل
 و قهر ایتد کد نکشکره لاشه لرین ایکی قطعه برین شهنشاه روم سلطان
 بایزید مرحوم بارگاهنه و برین سلطان مصر الملك الظاهر استانه سنه
 ارسال ایدوب قصه بر غصه تفصیلا املا و مضمون مکتوب تیموری دخی
 انها ایتد و کندن غیری سلیک عرض حاله بود سه نظم لای مقال ایتدیکبرو
 فقیر کرد پای سمند کوردون نوردیکردن ذره و بخار بخار همتکوردن فطره
 اولوب ملک و مال و سرت ملک و مالک و جمعیت خاطر مرد و ام عیش و رفاه
 خاطر کردن بو قدر ضعف حال و قلت مال و رجال و ضیق دایره و عدم
 حاشیه ایله تیموری استهوا و قاصد لرین افنا ایتد و کوسرت اقامه اعلام
 دولت و نشر ریایات صولتکرا چون اولوب حمیت ملوکا نکره اعتقاد و امداد
 مظاهر تکره اعتماد ایله در د و لکوره سپر و مقدمه عسکر جلالت اثر
 و بشرو طلائع و طلایعه و قایعکرم و الا بو مرتبه جرات و تیمور ایله مقاو

روشن اولد که بو مختصر اصل اولان لغتک عربی
 عبارتی آن خطیبی باب اسم محمود خان آویستور غاتمیش
 خان و بایر و بایر یون الشکره علی طهر ذلک بونوال
 اوزره اولغله سناده سکه تیمور ایله مسکوک بعضی
 لکن نیر بوا سنده لا اله الا الله تحت رسول الله و
 ال کربوب بر طرف لا اله الا الله تحت رسول الله و
 اسمی چهار یا کونین ایدر تحریر و طرف آخری سلطان
 محمود بیلغی امیر تیمور کوردن ایدر مسکوک اولوب
 اما منظور اولان توارینجی تیمورده فوت
 سلطان محمد اولوب بر خجری و لی عهد ایتدیلر
 اولغله برادر بر خجری و حفیدی اولما مغله توفیق
 محمود نازند اوغلی و حفیدی الله الحق تیمورک
 و تطبیق لری مشکلی اولمشد الله الحق تیمورک
 ولی عهدی اولان سلطان محمد محمود ایدر بعد
 اولمش و لدا اما سکه مذکور به نظر ایتدیلر
 السلطنة اسم محمودی اختیار ایتدیلر اولمش
 یاقه اولما مغله ایراد کرده اصحاب توارینجی اولمش
 والله اعلم بحقیقه الحال و بای خود تیمور حال جانشین
 حفیدی سلطان محمود بن الخانی شهرت و عام ایتدیلر
 سکه ایتدرد و کونین صکره خاص و عام ایتدیلر
 ایتد و بر سکت طهرتین عصیان اولمش چون اولمش
 روگردان و سالت طهرتین محمودی تیمور کوردن اوزدینه
 اولد و سکه دخی و بیچ چون اولمش
 تقدیم ایتد و کونین محمودی تیمور کوردن اوزدینه
 معنای تحقیق ایدر

اقتدارم اولم و غیظ ظاهر در ظالم مذکور نه پاییده مرتکب جرایم و اسیر
و کسر کرایم و اهلک ملوک و تقدیم ملوک و هتک استاد و ادا قه
خون احوار و نهیب اموال و حمل انقال و حل و عقد و هزل و جدایدوب
مانند باد سموم عالم و عالمیانی نوجمله مسموم و نه جگر لکباب و نه خانه
خراب آید و کی مسموعن و لمسند در بویله بر سیل طوفان و قیل و دمان ایله مصاص
و محاصره بوفقیه نیجه ممکن امداد و مظاهره ایله تقویر رسان بازوی
تاب و توانم اولور سکن متکای راحتده کامران سلطنت اولور سز
و اکراهال بی مثال ایله معامله ایدرسز بوفقیه ثانی او نور سز نفوذ بیا لله
بوحقیه اصابت ضرر و جمرات فتنه سندن لحوق شر و اولور ایسه
واسطه حوادث ایله اول فعل قویک مفعول ثانی و ثالثه تقدیمی مقرر
عربی و الشکر کالنا اید و حین تقدحه شراره فاذا باد زلزله خدا
وان توانیت عن اطفائیه کسلا اردی قبایل یسوی القلب و الکبد
فلو جمع اهل الارض کلهم لما افادوک فاطفائیه ابدا مفهوم
اعلامند نصکره یتوره رد جواب اولم و غنچه دخی باعث نرا سلوبده طرح
اندازا اساس تدبیر ایدرسکوزا کامناسب وضع بنا ایدوب اثریکه اقتفا
ایتمکده باقی الدعا مکتوب سر بمرز بهان الدین سلطان دوم سلطان
بایزید غازی مرحومه وصول و مطالعه برله معانی غیرت شناسنه
تحصیل اطلاعده اظهار روی بشاشت و هشاشت برله هزار
آفرین و دست زن زانوی تحسین اولوب جواب نامه ده حفاکه
مردانه حرکت و دلیرانه بخت کوسنودمش سز بوباید بند خرام حزم
ایدوب اول مرد و دل رد کیدینه و کف و صدینه تدبیر حکیمان و تدبیر
عاقلانیه کوشش اتمک کسرا اقتضا ایدرسه والله اعلمی الاعلی
فلنا یتنه یجنود لا قبل لیهما مقابله به اقتداری ولد و غیظ جوش مانند لیل

محمود بیگ
نشانده بکدر من اقتداره شاره
ظاهر اولور اطفائیه مبادرت اینک
منجلا اولور و اطفائیه توانی و تکامل
اینک اول فیلد و شکر قلبی و جری
کتاب ایدر اهل ارضی حاکم
اطفائیه فایده لوی اولور

وخرکاهن فرسوده سنابلک الخجل انتم مقرر در همان مقابله سنده اقدام و حسن
بصیرت و خلوص نیت ایله دفعه اهتمام ایدوب کثرت جود مرد و کمال خطه سی
حایل طریق مقصود اولسونکه کم من فتنه فکله غلبت فتنه کثیره ماضی
اوزره و فرت خار و خنس اعدا ستده راه مدعا اولور اگر صواب دید رای
سدید و فکر سعید کز اولوب مجاهدین و غزاه ایله بالذات نفوذ احکام
بیکار اچون سئل سیف انش بار ایدرسکزدست در عروس نصرت و لکزد منظور
چشم فرستد ردیو نامه شریف و خطاب منیف ارسال و منتظر جواب اولدیلر
اما ملک مصر الملک الظاهره وجه اوزره رد جواب اید و کی کرچه تواریخ اجا
و کتب آئوده منظور دیده مطالعه اولما مشدر لکن اکثر احتمال سلطان غازی
بایزید مرحوم ایله علی کله واحد و علی قلب متحد اولمدری ایله بجمیل اولمطو اول
سیاقه سوق عبارت و رد جواب ایددی بو مصنف مرحوم ظاهر حاله حواله
ایتمشدر بعد یتور مقهور پادشاه مصر الملک الظاهره صحبت برید شدید
ایله ارسال نامه تمهید ایتکیکن مصنف مرحوم نامه مرقوم بخط جامه جواب
مستطاب مسکت خامدی عینیه نقل ایتکیکن تتبع اثر و بیان رد و بدل و حفظ
اصل اچون نقل بالمسطر ایله برایه اثر قلمشدر صورت خطاب یتور قل اللهم
فاطر السموات والارض عالو الغیب والشهاده انت محکم بین عبادک فیما
کانوا یخلفون اعلوا انا جنود الله مخلوقون من سخیطه مسکونون علی
من یجل علی غصبه لایزق لسانک ولا نرحم عبرة بالک قد نزع الله الرحمة
من قلوبنا فالویل کل الویل لمن لم یتمثل امورنا فاننا قد خربنا البلاد
واهلكم العباد و اظهرنا فی الارض الفساد قلوبنا کالجبال و عددنا
کالرمال حیولنا سوائق و رماحنا خوارق ملکنا الارام و جارنا لایضا
فان انتم قبلتم شرطنا و اصلحتم امرنا کانکم مالنا و علیکم ما علینا
وان انتم خالفتم و ابیتهم و علی بقیکم ثماریتهم فلا تلونوا الا انفسکم

نیجه نامه یتور قل اللهم
باینک اولور اطفائیه مبادرت اینک
منجلا اولور و اطفائیه توانی و تکامل
اینک اول فیلد و شکر قلبی و جری
کتاب ایدر اهل ارضی حاکم
اطفائیه فایده لوی اولور
اوزه متمادی اولور سز کسند دن بلوب

فَالْحَصُونُ مِنَّا لَا تَنْتَفِعُ وَالْعَسَاكِرُ لَدَيْنَا لَا تَرُدُّ وَلَا تَدْفَعُ وَدُعَاؤُكُمْ عَلَيْنَا لَا يَسْتَجَابُ وَلَا يَسْمَعُ لَا تَكُمُ أَكَلْتُمْ الْحَرَامَ وَضَيَعْتُمْ الْجُمُعَةَ فَابْتَسِرُوا بِالذَّلَّةِ وَالْجُرْعِ فَالْيَوْمَ يُخْرَجُونَ عَذَابُ الْهُونِ فَقَدْ ذَعَمْتُمْ أَنْتَ كَفَرًا وَقَدْ ثَبَتَ عِنْدَنَا أَنْتُمْ فَجْرًا قَدْ سَلَطْنَا عَلَيْكُمْ إِلَهَ الْأُمُومِ مُقَدَّرَةً وَالْأَحْكَامُ مُدَبَّرَةٌ كَثِيرٌ كَرِهْتُمْ عِنْدَنَا قَلِيلٌ وَغَيْرُكُمْ عِنْدَنَا ذَلِيلٌ وَقَدْ مَلَكَتْ الْأَرْضُ شَرْقًا وَغَرْبًا وَأَخَذْنَا مِنْهَا كُلَّ شَيْءٍ غَضَبًا وَأَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ هَذَا الْكِتَابَ فَاسْرِعُوا فِي رَدِّ الْجَوَابِ قَبْلَ أَنْ يُنَادِيَ عَلَيْكُمْ مُنَادِي الْفَنَاءِ يَا غَضَبًا لَسَوْ قَدْ بَلَّغْنَا الْمُنَادِيَ قَدْ أَنْصَفْنَا إِذْ أَرْسَلْنَاكُمْ وَنَزَّلْنَا جَوَاهِرَ هَذَا الْكَلَامِ عَلَيْكُمْ وَهَذِهِ صُورَتُ الْجَوَابِ قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمَلِكُ تَوْفِي الْمَلِكُ مِنْ نَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلِكُ مِنْ نَشَاءٍ وَتَغَيَّرُ مِنْ نَشَاءٍ وَتَبْدُلُ مِنْ نَشَاءٍ يَسِيدُ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حَصَلَ الْوُقُوفُ عَلَى كِتَابٍ مُجْتَمِعٍ مِنَ الْخَصَرَةِ الْأَيْلَانِيَّةِ وَالسُّدَّةِ الْعَظِيمَةِ الْكَبِيرَةِ السُّلْطَانِيَّةِ قَوْلَكُمْ إِنَّا مَخْلُوقُونَ مِنْ سَخَطِهِ مَسْلُطُونَ عَلَى مَنْ يَحِلُّ عَلَيْهِ غَضَبُهُ لَا يُرَقُّ لِنَايِكَ وَلَا نَرْجُو عَمْرَةً بَايَكَ قَدْ نَزَعَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنْ قُلُوبِنَا فَهَذَا أَكْبَرُ عَيْبِكُمْ وَهَذَا أَقْبَحُ مَا وَصَفْتُمْ بِرَأْسِكُمْ وَبِكَيْفِكُمْ بِهِذِهِ الشَّهَادَةِ وَأَعْظَا إِذَا وَقَعْتُمْ قُلُوبُ الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ فَفِي كُلِّ كِتَابٍ ذِكْرُكُمْ وَبِكُلِّ فَيْحٍ وَصِفْتُمْ وَذَعَمْتُمْ أَنْتُمْ كَافِرُونَ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ مَنْ تَشَبَّهَ بِالْأَصُولِ لَا يُبَالِي فِي الْفُرُوعِ مَنْ تَحَنَّنَ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَا يَصْدُبُ سَاعِيَتٍ وَلَا يَدْخُلُنَا رَيْبُ الْقُرْآنِ عَلَيْنَا نَزَلَ وَهُوَ رَجِيمٌ بِنَا وَكَمْ نَزَلَ وَقَدْ عَمَّا بَرَكَةً تَأْوِيلِهِ وَخَصَّنَا بِتَرْكِيَةِ تَحْرِيمِهِ وَخَلِيلِهِ إِنَّمَا النَّارُ لَكُمْ خُلِقَتْ وَبِجُلُودِكُمْ أَصِيرْتُمْ إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَقَتْ وَمِنْ أَنْجَبِ الْعَجَائِبِ تَهْدِيدُ اللَّيُوثِ بِاللَّيُوثِ وَالتَّبَاعُ بِالْبِضَاعِ وَالْكَفَا بِالْكَرَاعِ مَنْ خَوَّلْنَا جَرِيَةً وَهَمَّ نَا عَلِيَّةً وَقَاتْنَا شِدْبَةً الْمَضَارِبِ

کند و فکری لوم این سزای قانع مانع و تزد
عسکر دافع و بلیغ اولان بدعا کن محل خجاده
واقع اولی و این اکل حرام و صلیق جمع بیضایع اتحد
ایله حقارت و ذل و خج و فرج عذاب بدین
ماضی و کز عکزه نبی کفر نسبت بدین
اقتانیر فحیح اولد و عکس شنبدر امیر مقتدر
وا حکام مدبر تکریم بی زوری و زور کنه تسلط
اتمسدر و قدر تکریم بی نسبت قلیل و غیر تکریم
ذلیلدر و بی زور و بی شرفا و غیر با نیک و بی
سفیلین غصبا مالک اولد و انصاف ایدوب
سز مکتوب کوندردن امدی منادی فنا و زور
ای صبر سو و اصل مناد اولد و بوند اتسدر
اقدام رد جوابه سرعت ایدک ترجه نامه الملك
الظاهر قل اللهم مالک الملك الایه طریق
حضرت ایلخانیه و سده عظیمه کبیر سلطانیه
میسول ولان مرسوم وارد و مرسوم معلوم
اولدی غصبا ایدین مخلوق و غصبا ایدین
اولدو مسلط و ناک برقت و بای بر جنت ایز
اولدو مسلط و ناک برقت و بای بر جنت ایز
الله تعالی قلوبی بزدن نزع رحم ایدک بدین
ایدوب عظیم عیوب و فحیح اوصاف ایدک بدین
وصفا ایدین سز ایدک نصیحت بدین اولد و کافرون
شهادت و اعطای کافیر کما بلوده مکتوب و مرسوم
لا اعبد ما تعبدون کما بلوده مکتوب و مرسوم
ایله موصوف اولد و عکس در غیر کد کبری کافر

ذکرها فی المشارق

ذِكْرُهَا فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنْ قَتَلْنَاكُمْ نَغِمُ الْبِضَاعَ وَإِنْ قَتَلْتُمُونَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْجَنَّةِ سَاعَةٌ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ هُمْ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ وَقَلْتُمْ قُلُوبُنَا كَالْجِبَالِ وَعَدَدُنَا كَالزَّمَالِ فَأَجْرَارُ لَا يُبَالِي بِكَيْفَةِ الْغَنَمِ وَالْكَثِيرُ مِنَ الْخَطْبِ يَكْفِيهِ قَلِيلٌ مِنَ الضَّرْفِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيهَا كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ الْفِرَارُ الْفِرَارُ مِنَ الرِّزَالِا مَنْ مِنَ الْمُنِيَّةِ فِي غَايَةِ الْأَمْنِيَّةِ إِنْ عَشِنَا عَشِنَا سَعِيدًا وَإِنْ مَتْنَا مَتْنَا شَهِيدًا أَلَا إِنْ خَرَبَ اللَّهُ هُمُ الْغَالِبُونَ أَبْعَدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَلِيفَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَطْلُبُونَ مَنَاطِعَهُ لَا تَسْمَعُ لَكُمْ وَلَا طَاعَةَ وَطَلَبْتُمْ أَنْ نُوَضِّعَ لَكُمْ أَمْرًا وَنُظْهِرَ لَكُمْ يَتْرُنَا هَذَا الْكَلَامُ فِي نَظْمِهِ تَرْكِيكٌ وَفِي سِلْكِهِ تَفْكِكٌ لَوْ كَشَفْنَا لَبِيَانَ قَبْلَ النَّبِيَا أَكْفَرُ بَعْدَ إِيْمَانٍ أَمْ اتَّخَذْتُمْ رَبًّا نَانٍ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرُونَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا قُلْ لِكُلِّ نَبِيٍّ الَّذِي رَضِعَ رِسَالَتَهُ وَرَضِفَ مَقَالَتَهُ حَصَلَ الْوُقُوفُ عَلَى كِتَابٍ كَصَهْرِ بَابٍ أَوْ طِينٍ ذُبَابٍ كَلَّا سَنَكْتُ مَا يَقُولُ وَنَعُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَذًا وَمَا لَكُمْ عِنْدَنَا إِلَّا السَّيْفُ بِقُوَّةِ اللَّهِ تَعَالَى يَتَوَرَّ إِلَهُ الْمَلِكِ الظَّاهِرِ مَا بَيْنَ لَدُنْكَ حَالًا وَاقِعًا أُولَانِ مَكُوبِينَ مَذْكُورِينَ مَقْدَمًا نَضِيرُ طُوسِيْنِكَ تَسْوِيدَ وَاشْتَا سِيلَهُ هَلَاكُوطُ فَرْدَنَ أُولَهُنَا سُلْطَانِ مَصْرَ كِلَانِ خَطَابِ وَأُولَانِ مَانِ فَضْلَانِ سَنَكْتُ تَسْوِيدَ وَاشْتَا سِيلَهُ أُولَانِ رَدِّ جَوَابِكُ كَمَا هُوَ بَعِيْنُهُ صَوْرَتُ لَرِي وَلَدُ غِي مَصْنُفٍ مَرْحُومٍ بَعْضُ نَحْنُ مَرُورَاتِيَامِ أَيْلَهُ أَصَابَتْ كِبَرُ وَتَكَرَّرَ عَصْرُ أَيْلَهُ سَوَادُ خَطِي غِبَارِ شَيْبِ أَيْلَهُ مَكْدَرُ أُولَشْ صُورَتِ قِيدُ لَرِي مَنْظُورِ دِيدُ خَرْدِ بَيْنُ لَرِي وَلَدُ وَغْنِ ثَبَتِ ائْزُ قَلَمُنْدَرِ فَصْلِ تَيْمُورِكَ قَاصِدُ لَرِيْنِهِ سُلْطَانِ بَرَهَانَ الدِّيْنِكَ تَرْتِيبِ ائْتِدُوكِ عَذَابِ مَغْرُورِ مَقُومِكَ مَعْلُومِي وَلَدُ قَدَمِ مَضِيْقِ تَهْرُودِهِ مَخْتَقِ

زعم اینهم که اصل تشبیه ایدین فروغ
مسلات اینهم که اصل تشبیه ایدین فروغ
مؤمنین اینهم که اصل تشبیه ایدین فروغ
عظیم و تخریم و تحلیلی من مخصوصه بدین
منصوص و تخریم و تحلیلی من مخصوصه بدین
ایچون مخلوق و جلوه کبر الیه کما فی کرام الیه
آمال ایدین ایدین ایدین ایدین ایدین ایدین
ایده من ایدین ایدین ایدین ایدین ایدین ایدین
ذکر البضاع و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله
ساعتد و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله
بل آحياء عند ربهم يرزقون و قلتم قلوبنا
قيل كالجبال و وعدنا كالزمال فاجرار لا
يالي بكيفية الغنم و الكثير من الخطب
يكفيه قليل من الضرر كمن فتنه قليلة
غلبت فيها كثيرة باذن الله و الله مع
الصابرين الفرار الفرار من الرزالي
من من المنيّة في غاية الامنيّة ان عشنا
عشنا سعيدا و ان متنا متنا شهيدا
الا ان خرب الله هم الغالبون ابعد
امير المؤمنين و خليفة رب العالمين
تطلبون منا طاعه لا سمع لكم و لا طاعه
و طلبتم ان نضع لكم امرنا و نظهر لكم
يترننا هذا الكلام في نظمه تركيك
و في سلكه تفكك لو كشفنا لبيان
قبل النبيّا اكفر بعد ايمان ام
اتخذتم ربانا نان لقد جئتم شيئا
اذا تكاد السموات يتفطرون منه
و تنشق الارض و تخير الجبال هدا
قل لكل نبي الذي رضع رسالته
و رصف مقالته حصل الوقوف
على كتاب كصهر باب اوطين
ذباب كلاسك ما يقول و نعد
له من العذاب مذا و ما لكم
عندنا الا السيف بقوة الله تعالى
يتور الى الملك الظاهر ما بين
لندن حالا واقع اولان مكيوبين
مذكورين مقدا نضير طوسينك
تسويد و اشتا سيله هلاكوط
فردن اولهنك سلطان مصر
كيلان خطاب و اولان مان فضلان
سناك تاسويد و اشتا سيله
اولان رد جوابك كما هو بعينه
صورت لري ولد غي مصنف مرحوم
بعض نحن مروراتي ام ايله
اصابت كبير و تكرر عصر ايله
سواد خطي غبار شيب ايله
مكدرا و لش صورت قيد لري
منظور ديد خرد بين لري
ولد و غن ثبث ائز قلند
ر فصل تيمورك قاصد لرينه
سلطان برهان الدينك ترتيب
ايتدوكي عذاب مغرور مقيمك
معلومي ولد قدم مضيق تهرو
ده مختق

ذکرها فی المشارق

و کرد با غضب ایل جمعیت حواسی پریشان و متفرق اولوب لکن زوایا ده
 خبا یا و پس پرده ده جنود اسلامیه دن سرایا و لیوت مسلیندن بقایا
 اولدوغی معلومی و لغله اذاقه صبر تلخ کام ایدوب ترقب فرصت ایلد رجعت
 قهر ایتدی **فصل** در عقب امیر الامراء شام تنم نام امیر دلیر کفایت
 مقداری کزیده عسکرا یله در بجان طرفین بازده سنابلک الخیل کما شیر
 حرکات ایدوب بلا ضرر و ضریر مغتنم در و بی ابر و لری ماصدق نور علی نور
 اولان اسرای محتشم ایلد رجعت ایتدی **فصل** تیمورت بلاد هند
 غزیمتی بیانند در سلطان هند وستان فیروز شاه ترک تحت و مسند
 و سر نهاده و سارده لحد اولدقد تدبیر ملک و ملت نشایسته و امور
 جمهور سلطنتی حل و بسته لایق خلفی اولدوغی تیمور کم فرصتک مسموعی
 اولغین محلولدن تولیتنه طالب و وظیفه حکومتنه راغب اولدی لکن اهل
 هند فوت بادشاه ایلد مترج و بحر بیکران سیند متموج اولوب بعضیلر غالب
 بعضیلر مغلوبا و لغله تخمید آتش فتور اچوز لاید تعین سلطان لازم کلکین
 سلطان مرقومت و ذری صاحب تدبیری ملونام مرد عاقل اتفاق وجوه
 ناس ایلد تحت سلطنت هند وستان جلوس ایتدی مرقوم تمهید و تنظیم ملکه
 مبادرت و ادب با استحقاقی ترغیب و ناستحقاقی تبعید اتمکده ایکن
 بعض اسباب تناظر ظهور یله مولتان حاکمی اولان برادری سادک خان
 نوازنده ساز بد آهنک و نعره مستانه عنا دایله اوج مخالفه نقشبند
 اولوب مابینده واقع اولان خلافت ایلد طوایف متفرق و ترجیح ایلد هریری
 بر طرفه متعلق اولدوغی خبری تیموره فرح افزا و وصول امر سبب مهیا اولدی
 عربیه **و تَشَتُّتُ الْأَعْدَاءِ فِي أَرْبَعِهِمْ سَبَبُ الْجَمْعِ خَوَاطِرُ الْأَجَابِ**
 مدلولنجه جمعیت خاطر ایلد نهضت و مولتان طرفه غزیمت ایدوب
 سادکنی محاصر و تضییق و کارد حصاره لازمه سی اوزره جهد و تدقیق

مجموع
اعمال
ایمان
و تقوی
و طاعت
و غیره

ایتدی اما سارنکک عسکری جم غفیر و کتاب موآکی مردان دلیرو
 حتی سکن یوز فیل دمان امراء هند وستان ایلد حاضر باش برخان اولدقد
 روایت اولنور نزاع و خصام لری سکنزای ممتد اولوب بیک بلاد ایلد یدندن
 قلعه خلاص قلمدیلر **فصل** ملوای ما را لکرت تحت سلطنت هند در استقرار
 و امور جمهور سندن ده برقرار اولدقد تیمورت قصد ممالک هند ایلد
 تدارک و احتشادی خبری کوش گذار و باعث تلاش و افکاری اولغین
 رد کیدینه چاره جو و سوبسوج جمع عساکره جست و جوا ایدوب سندن
 نفور و تمهید امور و بوم شده ایچون احضار عده و تقویه مدین و تمکین
 کما بن و تشبیه بروج و تخکیم امکانه دخول و خروج و جمع اخیال و توفیر ابطال
 رجالد ایکن تیمور سرعت سیر و سوق خیلد تسابق طیرا ایدوب سینگ
 سدیینه قادر و بند طریقنه جاسر کمسنه اولما مغله طوفان بحر جنود
 نامحدود ایلد حدود هند الفای آتش و رود اولدقد اهل هند دخی
 مابین مسلم مبارک و مجوس مخوس مختلط عساکر مختلفه الما اثر اولوب
 مهمما کان تقدیم خیالان روین تن و ترتیب اخیال آهین بدن ایدوب
 هر فیلک ظهیرند وضع بروج کف و کفاح و حشو کما برسلاح ایتد کلرند
 غیر یچ و راست تعلیق درای هولناک و خرطوم لری بنده شمشیر بتال
 و آینه با آتش ریزلرین تیز ایدوب مانند صیاصی راسخه و سواد غیل
 ماشیه و افواج امواج بحار جاریه و ظل غما ساریه ترتیب و در عقب
 فارس الحرب ابطال جنود سندن پیشه زار و ماح خطی و شمشیر
 هندی ایلد قلب ترک و غزم قوی و ضرب رضی برله حاضر باش برخاش
 اولدیلر **فصل** تیمورت بویا بده اولان حیلده سی بیانند در تیمور مکر
 ما نور هند یلرک بومرتبه کتوف و ترتیب جوش و عسکر لری مشاهده ایدق
 شقه تدارک لری بومرتبه اوزره منسوج و بوارق بیار قلری اوج آسمانه

عروج آیتدن مدنظر آیتدکه الحرب خدعه مسلکته سالک و جباله
 احتیاله متسلک اولوب قلع دام مصید الات نادیده وادوات ^{شینه}
 احضار و جبل جدید ایلد مثلث الاطراف مستبعدا لوصاف مانند تثلیث
 نفاق اصحاب اوافق اصطناع شوکات حدید امر ایتمکله فی الحال حدادان
 انشبار و آهنکران آهن کداز اول شکلده هزاران هزار مانند خار حسک
 خرده وات حدید اعمال و احضار اتملریله ظلمت لیلده خار مردار مذکور
 مسالک اقیاله القا و پریشان و حدود و اول و آخرین اصحابنه اعلام
 و اعلان آیتد و کندن غیری میمنه و میسر بر مقدار کلمات دعات دخی
 مرصاد نشین یعنی در کین ایدوب هر تذکر مهتیا و لجنه سلطان سیتا
 جوانب آفاقه نشر خیل و میر جیش جیش انجم ایلده هنرمته تشمیر ذیل ایدوب
 مصباح صبح تابان و دوست و دشمن نمایان و لجنه تیمور جسور
 تهذیب خیل و رجال و تمهید قواعد ضرب و قتال ایلد سوار و خار حدید
 ایلد محدود اولان طرفه سوق عساکر جزا آیتد و کی منظور پهلوانان دهند
 اولمغله جمعیت ثقیل فیل در پش و اصحاب شمشیر و خنجر و ارباب
 تیر و تبر در قفا مانند سیاهی غمام تیمور طرفن قصد ایدوب تمام
 محل معهوده رسید اولد قلند تیمور صورت انهرام کوسرور مکی
 طایفه بی انتباه بیت هر پشه کمان مبرکه خالیست شاید
 پلنگ خفته باشد مدلولندن آگاه اولوب حسک آتشناک اوزینه
 سوق فیل فادرات اتملریله نوک شوک مانند سوزن دلدوز و مثال
 بیکان سرتیز خونریز خلیده ساز پای اقیال و اول خار عقارب سان
 قوایملرینه زخم رسان و لجنه در ساعت اول حرارت جگر سوزا ایلده
 رجعت قهر ایدوب در قفا اولان جنود همدک اکثرین پامال
 و از دحام بی آرم ایلد زحف و جل اثر و مصادف اولد قلی انشعاصی

زیر و زبر آیتد و کلرندن غیری کینکاهده اولان ارباب رصد دخی بدر
 اولوب اولترین آخره و اخرین اوله استیصال ایلد ایصال اتمکین فقرای
 هندک قتلاسی مانند جیل لبنان و نهر خونلری مانند سیحون جریان
 ایدوب بی تاب و توان بادیه حیرتد سرگردان اولدیلر بوقصه غریبه
 بو وجهله دخی زبان زد ثقات و آیتد که بلاد همدده شتر مقوله سی
 اولوب عدم الفتدن ناشی فیل جسورک جمله مقوله سی منفوری
 اولدوغی تیمورک معلومی و لمغله بیشیز مقدار بعیر جفولک و احله
 و کتیبه لرینه خشوفتیلد مدقنه و بعض خطب و عطب ایدوب تلاقی
 جمیع و تقادم فریقیند فیلد لراشغال و مواجهته اقیاله سوق بی اهل
 اولندقد جمال احساس کر میت آتش ایلد اضطراب و صوت و رغا ایلد جلوه
 و رقص بیتا باید بجه فیلد بوضع نادیده و ناشیند یر تعلق نظر و آلی
الابلی کیف خلقت مغز اسبجه اول ترکیب بوالعجب ایلد مدهوش حیرت
 اولوب مانند فیل آبره بر تافته رو و در قفا اولان جنود همدوی
 پامال و از دحام بی آرم آیتد کلرندن غیری برده کیندک مستور اولان
 اصحاب تیمور دخی ظهور و طیارا بایل نباله پرواز و یرملریله اهل هندک رای
 معکوس برله دیات تاب و توانلری منکوس اولدی لکن هنوز ارباب غیرتدن
 بقیه مثال لیل مظلم ملابس حدیدا ایلد مبارز مقدملری اولمغین تکرار
 احتشاد ایدوب تا تار ایلد تقادم و تقارع و دمی سهام و ضرب حسام
 ایلد تنازع و تدافع و ضرب مختلف و هجوم و تلف و حول و صوللری متمد
 اولوب لسان قضا کریمه ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار
 تلاوت و غراب لیل نشر جناح ظلمت اید بجه صحبت باقی و هر کس فکر فردا ایلده
 کلبه اخراشته دفع با آیتدی علی الصباح قافله لیل ارحال اید بجه هتوک مزاج

رغا دوه آوازی
 معناسن در

قدرت و قوتلری اختلال و عقود اعصاب توان و تابری اختلال بولمغله
 پریشان و نابیدا و سلطان مملو ادخی ذلت فراره مبتلا اولدی بوقریب
 ایله سلطنت هند دخی دست تصرف تیموره مسلم اولوب فرادیرک فیلترین
 جمع و ساز و سبلرین ضبط ایتد کد نضکره اولهنگامه پای تحت مملکت
 هند اولان دهله نام بله شخیرینه متوجه اولدی بله مذکور جمع
 ارباب فنون و فضل و معقل تجار و معدن بهار عظیم السواد اولغین
 تیمور مانند مار و مور عسکرنا محصور ایله احاطه یر قادر اولوب هزار
 مزاوله و محاوله ایله بر طرفین فتح ایدوب طرف آخری اوچ کون دخی
 مقاوم ایله انجق ناچار تسلیم مدینه یر قرار و یر دیر فصل سلطان سیواس
 برهان الدینک و ملک مصر الملك الظاهرک و فاتلری بیاتند در تیمور
 برفور کرسی نشین سلطنت هند اولوب اقطار و اعماق و اغوارینه مستولی
 و مال و منال و تحف و طرفین مخوی و لمغله بزا و بحر و شرقا و غربا نشر
 جنود و ضبط حدود اتمک و زره ایکن سلطان برهان الدین سیواسی
 و الملك الظاهر برقوق مصرده ترک غوغای بی مثال دنیا و عازم دارالخلد
 بقا اولد قلری خبر یله مبشران تیموره ورود اتمکین الشراح تام و افراح ما
 کلام ایله شام طرفه نشر جناحه تصمیم نیت ایدوب تمهید امور هند
 استعجال و تعیین نایب علی الاستقلال و نقل نفود و جنود و حمل نفایس
 اموال و تحمیل تحف و ظرف اقبال یل جمع اقبال و استصحاب رجال هند و اعیان سند
 ایدوب قریب العین سکر یوزایکی تارخی اوایلند سمرقند کلوطوفان عسکر ایله حیوند
 عازم خراسان اولدی صورت ظاهرده سلطان برهان الدینک مقدما قاصد لرینه
 ایتد و کد نضکره کوشش ایتد و کد نضکره و یر مش ایدی لکن عربیه
 و آتی یخنی الشمس صوم علی الابصار فی ضحو النهار و کیف یسیر
 ذفر المیشک یخشی خیاسیم الوردی فی یوم حار و آتی یخنی للطلیل

مختصر
 ضابطه
 یاغور و نیم حازه ده خلقت و زینت
 طوله و غنی و قدام صوفی و لا غلدرن
 اولور و بیعی اولور

صوت عن الاستماع فی وقت النفاذ مدلولیحه قصدی عام اولدوغی
 ظاهرایدی لکن ابطال ایدردی ذرا اضمارا بتدوکی سفر طویل الامد بعید
 المدد اولوب مانند غزوه بتوک عسیر السلوک ایدما ول واند نبریز
 و اول طرفه فرمان ران اولان امیرانشاه طرفدن تیمور نصایح و یر
 زنده مشتمل نامه ارسال و سلطان احمد جلایری نکور بغدادده رجوع ایتد
 اخبار ایتدی فصل معنای مکتوب امیرانشاه ابن تیمور تیمور مغرور
 کار هندی رسید سر منزل تمام ایتد کد فرزند فروزند اختری امیرانشاه
 طرفدن نامه وارد اولوب زعم بعض روات ایله اثناای مقاوله و محاوره
 بو طریقده سوق کلام صدق انجاء ایتد کد ای پدر کبر سن و فخور حواس
 و ضعف بدن ایله اقامه شعایر ریاست و تحمل زحمت سیاست یالند
 عاجزا ولد و غکر ظاهرد زامدی اصحاب تقوا و ارباب همدان ایسه کز
 اولی ولد که زوایای مساجده قاعد و عبادت الهیه ده هوار رکع و ساجده
 اوله سزادای خدمت پدری ایدر اولاد و ضبط مملک و مملکت ایدر اخفاد کز
 بالغ نصاب کفایتد در قریب تصور هملک ایله فکر و در و مملک عافانه حرکت
 دکلدر عربیه قبض من القطین من حله و شرب ماء فراج و قوت
 ینال بر المرء ما یرتجی و هذا کثیر علی من یوت کرعین بصیرت
 و چشم عبرت ایله نظر حقیقت ایدر سکزد نیایه تارک و عمل آخرت طریقته
 سالت اولور سزد و تالور مالک ملک شتاد و حایز تحف عمالقه و عاده
 نصر و عون ایله بالغ مقام هاما و فرعون و احتوای خراج ربع مسکون ایله
 مالک خزائن قارون و خرابی بلاد و هلاک عباد ایله بخت نصر و کوکبه
 و دبدبه ده مانند قیصر اولدک نه فایده مترجمه الفقیر نظر
 سلیمان جاه اولوب بخت چهار و از فردک طوت مراد کائنات انکشت فوفیه
 کچودک طوت یاز ارقام و اعداد مطالب لوح عالمه تمام انش و جان شخیرینه

مختصر
 یاغور و نیم حازه ده خلقت و زینت
 طوله و غنی و قدام صوفی و لا غلدرن
 اولور و بیعی اولور

وفقت دوشوردك طوت: قالو برينك نام الخق شها بوكم نه منزله: مرصع تاج ايله ايوان كسراده او توردك طوت: غرض بربخ باقي بوسفردن بوخسره حاصل: جهان ممالك اولدك سلطنت ديواني سوردك طوت: ايكي عالمه راحت استرسيك مرتضى مردم: ايدوب ترك انانيت عبودت يوردك طوت: رجعتا الى ما نحن فيه وبالجملة صانكه بالغ سلطنت اقطا وديان مراد اوزن قضاي وطار ايدوب عمر ك اطول اعمار وخدامك ملوك امصار و جلالتك نسبت قياصه قاصه و اكاسر منكسر و حواشي تبّع و نجاشي و خاقان و فغفور فتراك شها منكده ماسور و سلطان مصر مقهور و سكان اقاليم زير حكمت مجبور اولدي عاقبت نطا اول فصورك مابل قصور و نهايت كمالك نقصان و مسكنك قبور اولق دكليد رعرته **فَعِشْ مَا عِشْتَ فِي الدُّنْيَا وَادْرِكْ بِهَا مَا شِئْتَ مِنْ حَيَاتٍ وَصَوِّتْ خَيْطَ الْعَيْشِ مَوْضُوعًا بِقَطْعِ وَجَلِّ الْقَمَرِ مَقْقُودًا بِمَوْتِ** اي پدر حضرت نوح عليه السلام طول عمر و قومي او ذره نوحه و حسن عبادت و شكرين و حضرت داودك عليه السلام فصحت ملك و ذكر و تسبيح بعد حضرت سليمانك عليه السلام انش و جن و وحش و طيور و ريحه حكم و تجيد و تهليلن و ذوالقرنينك تشييد سدين صدين و ملك مشرقين و مغربين تذكر و تفكر انتم مين خاصه سيد الانبيا خاتم الرسل و الاصفيا المرسل رحمة للعالمين اكابر نبيا و آدم بين الماء و الطين محمد المصطفى و احمد المجتبى عليه افضل التحايا كه نصرت با بنده حضرت فاعل على الاطلاق انبيا عظام مدن اخذ ميناق ايدوب مشارق و مغارب جهان ديده حق بيننده نمايان و خزائن ارض و غايب و شاهد خدمت نصرتنه تقديم و جنود ملائكه مقام نصرتنه دامن درميان تسليم

مقصود بديست
دنياده نقد رعره
اول عاقبت رسته عيش قطع موقوع
و عمر رسته عيش موقوع در

و النور

و انش و جن و وحش و طيور و هوام نبوتنه ايمان و ملك جبال زير فرمان و شيم صبا طريق نصرتنه و زان و ريح ديوار هلاك اعداسنه پويان مسافه يك ماهه دن يد و لسان جباره رابطه هيبتيه مقيد و خدمت مهاجرين و انصار و كرمه ثاني اثنين اذهما في الغار ايله مؤيد راكب براق عارج سبع طباق علت موجودات خواجه كايينات صاحب معجزات سلطان جم غفير قانع قرص شعير بينوع الخير اصابع كرميه سندن كرده هزار نشنه لب جليل النسب قرة العين جد و اب بدر ليله شق القمر مسلم سلام و تسليم ضبي و حجر مظهر كرامات مخلص مصدر عنايات باقيه يعني جلوه كاه انوار قرآن مجيد الذي لا ياتيه الباطل من بين يديه و من خلفه تنزيل من حكيم حميد و مبشر و نذير خير لك من الاولى و لسوف يعطيك ربك فترضى نيجه دعوت ابراهيم الخليل و سيله موسا و بنى اسرائيل ممدوح نورته و انجيل حامل لوى الحمد يودر القاسايه انداز اولاد آدم و خواصا ج مقام محمود ممالك حوض مورد مظهر نداي سعادت پراي قل شمع اشفع شفع سل تقط حضرت تلوينك و ساير بنايع الخير مفاتيح السعادات انبياي عظام حضرت تلوينك دنياي دينيه رغبت دكل بلكه حقارت ايله نظر ايند و كلوين و نغظيم امر الله دن غيري و شفقت عباد الله دن ماعدا مهملري و لمد و غن و خلفاي راستدين و ائمه مهدييندن ميان امتد قمرين منزله سنده اولان عمرينك نصفت بعد امامين عليين و خليفين مكرمين حضرت تلوينك معدلت و ساير ملوك كامل و سلاطين فاضلك رعایت شرایط حقوق الله و رحم و حمايت حامي عباد الله ايله تمهيد قواعد خير و طريق هدايه احسن سير ايند و كلوين و الى الان سعيلى مشكور و ذكر لوى لسان صدقه مذكور اولد و غن بغير يا د خاطر انكله

تابع مائز لری و لیوب واعظ شیب ایلہ دخی متعظ اولی سر عربیه
فَكُنْ حَدِيثًا خَيْرًا ذِكْرًا فَإِنَّمَا النَّاسُ آخِذٌ بِعِبَادَةِ اللَّهِ مُسْلَطُونَ
 اموال و خدم و حشمترین حمایت بدک تقدیر چه قلوبلین کباب و فتنه
 ساما نسوز فتح باب ایتدک عروج سبع شداد و بالغ منزله فرعون
 و شداد اولوب دفع قصور شاخ البینا دایدرسک دخی مضاهی ادر
 و عاد اولی سن سندن اقدم اولان ناهی و امر ماضی و غابر و طامی و فاجر
 اولانلر عین عبرت ایلہ نظر ایدوب بو خطاب جامعدن جوابه قانع اولون
عربیه اعطی القوس بآیهها و انزل الدار بانها مدلولیحه و وضع
الشیء فی محله ایدر سن و الاساعی بالفساد لدردن اولور سر و ادوب ضرب
یدین ایلہ سنی متساوی الرحیلین ایدرم و التلاد فصل تیمور و دود و دکتا
 مذکور ایلہ تبریزه عنایتاب و محرک دکاب اولوب سنه مذکور ربع الاق
 بدیخی کوفی قره باغه ملالت رسان و وصول ولد قد امیرانشاهک خدمت
 صحتلرند معارف اتحاد بعض مدعی فسادنها اولوب از جمله قطب
 مواصل نام که استاد علم موسیقار و فن ادا و ارده اعجوبه روزگار اولوب
 استنطاق ایلہ اسکات عود اسحق و اغانی یه آغاز ایتدکجه ادا و اچه غنا
 بخشای غوانی و مرزماره نفخ روح ایتسه شغای قلب مجروح و مداوا
 فواد مقروح ایدردی سماعنه دیده عراق مشتاق کار و نقشنه اسماع
 جهان عشاق خطا بنده عود خطا ایتسه قولا غن بودردی دوزخ دایره
 قصور ایتسه سینه سن و کردی و نقوب نیدن جمله انقام و شعب
 و اصولی ادا و فن مذکورده مصنفات کثیره املا ایدوب امیرانشاه مجتهد
 محظوظ فرید عصر و وحید دهر بر مرد ظریف ایدی لکن تیمور لهو و طرب ایلہ
 نه چندان مشغول اولوب امیرانشاهک افسادی تهمتی نسبتی ایلہ مرقوم
 و بعض و بعض اهل بغی و فساد طعمه شیر شمشیر تیموری ولدی قره باغده

محمود بن سید
 یعنی ذکر کوفی کلام
 زبانی نامی همان کلام مدبر یعنی آدمی که
 فو فی کلام ایلد در بیضا افراشته انسان
 کلام اولی اولی ایدی کوفی کلام اول
 دیک کوفی اول آدم اول دیک

رفاج کون

بر قیاح کون کسب راحت و ترویج دواب و استراحت ایتدکد نصکره سکن یوز
 ایک سنه سی جامادی الاخرینک ایکینی کونی روز پنجشنبه محل مرقومدن حرکت
 بسیر و اول قریده قلعه بلقیس نام حصن رصینی فتح و تسخیر و کر جستان
 طرفه اماله تکام مسیر ایتدی واروب مستولی اولدوغی قلاع و بغایع
 تحریب و ظفر بولدوغی کبیر و صغیری قتل و اسیر ایتدکد نصکره طرف
 بغداده عنایتاب عنادا ولدی تیمور غدارک تکرار بغداده توجیهی سلطان
 احمد باعث خوف و هراس و مغله سنه مذکور ماه رجب المرجب
 اون ایکینی کونی تحریک لوا و قره یوسف سایه سنه الحجا ایتدکی تیمور
 کوش کذارای و لغین عنان کش عزیمت و نماهل و تکاسل ایلہ نزول و حلت
 ایدوب عربیه **أَمْرُهُ سَعْدِي بَعْلَوِي وَأَنْتُمْ مُرَادِي فَلَا سَعْدِي أَرِيدُ**
وَلَا عَلَوِي مدلولیحه تیمورک تماطل و تغافلن مشاهده و کر جستاندن
 عدم خروجنه قرار داده اولوب سودای باطل و فکر عاطل ایلہ سلطان
 احمد و قره یوسف نهضت و مدینه دارالسلامه عودنا ایدوب جلسه
 خفیفه اتمشیکن تیمورک کر جستاندن چقوب بو طرفله تحریک دکا
 ایتدکی تکرار باعث اضطرابلری و مغله عزیمت روم ایدوب
 شه نشینلرین نشیمنگاه غراب و بوم ایتدیلر بعد ذلک تیمور بلا ظهور
 وقت صیفه مصیف ترکانه عطف عنان ایدوب اغاد سیف ایلہ
 کمسنه مبتلای بیداد و حیف ایتدی لکن بهر حال حرکت بی برکتی ایلہ
 احوال عالم متلاشی و خبط حواشی و مواشی اولوب خاصه حامی حمای
 مصر و شام الملک الظاهرک فوق و نکمبان حضیره سیواس برهان
 الدینک موتی و بر برینه متقارب زمانده بعض ملوکک اهلکی ایلد عامه
 انام مانند کوسفندی شویان سرکردان اولوب اولکرتک دندنه فکرینه
 دوشدیلر فصل سلطان برهان الدین احوالی بیاننده در سلطان

محمود بن سید
 علوی نام موضعک سعدی کمال ایلد پنجشنبه
 کوفی نام اتمشیکن ایدم نه علوی و سعدی در بغی کندی
 استار مافی الضمیر همچون بر بغی حاله
 کوفی نام

خلفه
 جاد و کله و غای معجزه ایلہ
 فوین و دوه باغی

مرقومک بدر سعد اختری قیصریه ملکی ارتشا نام کسسه نک زمان
حکومتند قاضی شریعت غرا و صدر نشین محکم قضا و لوب منظور
عین رعیت پادشاهی و امراء قرمان بینند محترم و صاحب منزله
عالی ایدی پسر ارجمندی برهان الدین احمد عنفوان شبابه طلب علم
راغب و مجتهد و تحصیل فضایل مجاهد و منفرد و لوب قنای علوم
منطوق و مفهوم همچون طرف مصره عزیمت ایتدی مزبور صاحب فطنت
و قاده و مالک فرجیه نقاده و لمغین مدت قلیته ده تحصیل علوم کثیر
ایله قایق الاقران مشارب البنان اولوب یوما ما مسالت مصره سیر
ایچون سالت ایکن سر راهده بر فقیر دل آگاه ملا فی اولوب کسر و فقر
مرحمت سدا فاقه و باعث افاقه سی اولود بعض صدقه و بر مکیں فقیر مرق
برهان الدینه توجیه خطاب برله بوند مکث لایق دکلد رسر سلطان
روم سر دیو کشف مکوم اتمکین بو کلام ایلد برهان الدین مصر دن قطع
علاقه اقدام و صحبت رفقا ایلد سیواس طرفه وصوله اهتمام ایتدی ایلد
مذکور به قدوم بهجت رسو ملندن پدر عالی کمر لری قریب المعین و حایز فراح
واعیان ناس سر جمله الشراح صدر ایلد متروح الادواح و ملر ایلد ملجا
و ملاذ کبر و صغیر اولوب نصب درس و مدرسه و تعلیم علوم نقلیه
و تفهیم رسوم عقلیه به اشتغال دن غیر ذاتند صاحب خصال رضیه
و نفس ذکیه و یدکریمه و شمایل مرضیه اولوب تقریر وافی و تحریر شایسته
و تحقیق کازم علما و تدقیق منقولات فضلا ایلد منقول و معقول مصنف
کثیر و شعر رقیق و نثر و نظم دقیق اولوب بو قدر فضل و دانش ایلد اندک
پذیر و بسیا رنجش و شعرا به کثیر العطا یا ایدی مع ذلک لباس عسکری ایلد
صحبت سلاطین و معاشرت امرا و خواجینه مایل و ملغلر با مرالله تعالی
پادشاه ما را لذر دار الضیافه عقبایه مسافر اولوب محمد نام فرزند

صغیری اتفاق ناس ایلد سریر سلطنته اجلاس اولمغین اعیان امر و روس
و زرادن غضنفرین مظفر و فریدون و ابن مؤید و خج کلدی و الحاجی
ابراهیم و برهان الدین مذکورند بیز امور جمهور بلاد و اصلاح مصالح
عباد ایدر لرایدی پدر برهان الدین دخی اول و اندر سلب عرف و اضاف
قضا ایلد سبکبار محکم عقبایه لمغین وراثت ایلد برهان الدین مسند قضایه
ایدوب اضاف حکومت ایلد مابین امراده سرفراز و حسن سیاست و علم
ریاسته جمله دن ممتاز اولدی بواشاده برهان الدین تفریق مناصب ایدوب
ابن مؤید و خج کلدی و حاجی ابراهیم بر رجاء عالی ایلد پای تختدن دور نمکله
امور مملکت کند و بر و غضنفر و فریدون محصور اولدی با مرالله تعالی
سلطان محمد دخی سر نهاده بالین لحد و لمغین تولیت ملک بواج کسسه نک
بر وجه اشتراک تکلف و حکم و نصر فلرینه منوطا اولوب اتفاق ارا ایلد خدمت
مصالح و لایق ایدر لکن بیست هزار درویش در کلمی نجسیند
و دوبا شاه در اقلیمی نکند مدلولیجه شرکاء قبا اولوب مابینلرند مناصبه
و مناقشه ظهور اتمکین برهان الدین هوس عروس سلطنت هوا سبله بقرار
اولوب شریکلرینک اصطیادینه بوجه اوزر نصب شرک اجتماع
ایتدی که تمارض ایلد خانه ده رصد نشین و پس پرده ده برقاج او باشد در کین
ایدوب مترقت دم فرصت اولدی ایزن جانب رفیقین مذکورین الیاده عبا
خواجی کلوب کیف الحال دیونقخص احوال ایدر کن در کین اولان جلادان
امان ظهور و غضنفر و فریدون کشته شمشیر فتور ایدوب قاضی برهان
الدین سریر پادشاهیده منفردا صاحب تمکین اولدی بو خبر و حشت اثر
اطرافه اولان امرایه دغدغه رسا و ملغلر مکون دل و مرکوز خاطر اولان
حسد و عداوتلرین اظهار و دعوی ریاست ایلد مقام مناطحه ده استقرار
ایدوب جمله مرسله سیواسه منتقمی و حسب و شجر امر و ملوکه منتهی

ایکن برهان الدین اجینی نه سند ایلده شایسته تاج و تخت اولوردیو حاکم
 توقاد الشیخ نجیب و حاکم اما سینه خجی کلدی بود عواده ثابت قدم و فتح
 ابواب معاد انده راسخ دم اولد قلزندن غیر سی سلطان علاء الدین دخی
 برهان الدین ایلده تغلب و فرمانه تغلب ایتدی برهان الدین دفع دعوی
 نسب بچون اثبات حسب و نسب سودا سنده و شوب تواریخ سلفه قصص
 خلفدن نقل ایلده اجدادی ملوک نصفت سلوک اولد قلزین روایت و اجبا
 ایدوب استخلاص بلاد و غارت اهل عناد اتمکه مبادرت برله از جمله توقاد
 حاکمی الشیخ نجیب و زرینه و اروپ قلعه مذکور دن قلع و اخراج و طوعا
 و کرها استصحا با ایلده از عاج ایتدی بواشاده جم غفیر ایلده نادر و م
 سیواس طرفه هجوم خسارت لزوم ایدوب محاربه و مجادله لری مقامی اولنج
 صحرای سیواسده حشم نشین اولان امرأ ترکمان بر تواندن قره بلوک ایلده
 ملقب عثمان نام امیر برهان الدینه تسلیم زمام اطاعت و شد وفاق
 اتفاق ایلده تقدیم پیشکش و خدم ایدوب زیر فرمانده نزول و رحلت
 واجتنای ثمره شجره امن و امنیت ایتدی **فصل قره بلوک ایلده برهان**
الدینک واقع اولان نزاع و مناظره لری بیانده در سلطان برهان الدین
 ایلده قره بلوک شد موافق اتفاق و سد باب منازعه و نفاق ایتمشیکن
 بعض اسباب ظهور ایلده بنیزنده آتش فتور مله تب و حلیه دوستی جید شاهد
 یکجهتیدن منسلب اولوب کش مکش جباله تقابل و منازعه لری نظا و ل
 بولمغله قره بلوک رجال حشم و توابع و خدمتله اماکن صعبه به الجا اتمکین
 ادنای ناسدن اولمغله برهان الدین مبالات اتمتوب بقید اتمدی طائفه
 مذکور دخی کاه سیواس و کاه ادریجان صحرا و ضوا جلزین مشت و مصیف
 و مرعای ربیع و خریف ایدوب اوقات گذار ایکن سیواس قرینده ظریف منظر
 نظیف تراب لطیف هوا خفیف آب عیون جاریه و ازهار احرار و صفر ایلده

مانند فرد و کوثر عربیه **علیه شفیق قد زها فکانه** **صحن**
عقیق اترکت بالعبا بر ماصدق بر بیلا ی خوش هوا اولمغله قره بلوک
 جای مذکور دی آدزو و اول طرفه توجیه و ایدوب سیواس و زردن
 مروری خبری دغدغه رسان برهان الدین اولمغین حمل و حمل برج اسده
 تقرب و اظهار توان و نصیب اتمکه نه اقتداری وارد ردیو بوجه غضبی
 نمود و نه تور غیظی نکثر اتمکین عسکر و توابعله رخساران نهب و غارت
 و استیصال و قتل لورینه عزیمت ایتدی شدت حرصندن عسکری تساق
 انجق حواسیلده اعدایه متلاحق اولق هوا سیله کیدر کن هر چند خیر اندیشلر
 برهان الدینه بر مقدار صبر له انتظار عسکر بیورسکن معقولدر اکر چه
 جناب پادشاهی بومهمه کافیدر کن قره بلوک دخی بر مرد دها مکار پر
 دغادر لا قیدانه معامله مناسب دکلدر دیو تبیین طریق سلامت ایتدی
 ایلده اصفا اتمتوب شتر سر مست کبی هجوم و مانند شیر شتره قدوم
 ایکن عساکر روز شیر ذیل و توجه ظلام لیلده قره بلوک بر بلوک
 رجال حشم ایلده برهان الدینی استقبال و در ساعت اخذ و بند فقرات
 اذلال ایتدی بعد ذلك برهان الدین مرد صالح و کند و به خیر اندیش اولد
 ملاحظه ایلده قره بلوک ارکان صلی تشیید و روابط عهده بتجدید
 ایدوب سد باب مصاف و قلع غراس خلاف اتمک فکرنده ایکن مقدما
 حاکم توقاد اولوب برهان الدینه مقهور اولان الشیخ نجیب انتها فرصت
 ایلده قره بلوک ملاقاتنه سرعت و مقام خیر خواهیده زانوزن مشورت
 و نصیحت اولوب بوجه اوزر سوق کلام عداوت انجام ایتدی که العیاذ
 بالله که عقلک زایل و فهمک ذاهل و دایک غیر صایب و شهاب فکرت
 غیر نافه اوله عربیه **وَمَا الدَّهْرُ إِلَّا سَاعَةٌ وَتَنْقُضُ** **وَالْمَرْفُهَا**
حَازِرٌ أَوْ نَادِمٌ فوت فرصت معقول مصلحت دکلدر برهان الدینه عین

محمول بر
 بر چند آچان شقایق کو باغبان ایلده
 دولت دلمش و ترک اولمش صحرادر

محمول بر
 دنیا بر باغدار کج و آدم دنیان
 ما خب غریب و باغور صاحب داندند

عنایت ایلده نظر ایدرسک اولسکا انز مکر ایلده معروف و غدر ایلده موصوف
برآدمد العیاذ بالله سکا منقاد اولان شاهد فرصت آنک جلوه کرائنه
نصرت اولمش اولیدی هیهایت هیهایت والله سکا نجات محال ایدی انجده
هر زمان باد مراد استمر و هر وقت طالع مساعده ایتز مطبخ آیام طعای
اکثر تلخ کامدر بقدر ذلیله القدم لا ینفع الندم الحاصل اول شیطان
قل سلطانده بومقوله و سائوس ابلیسانه ایلده قره بلوکی تخریص ایتکین
مخدوع اولوب اولکه فکرندن رجوع و سلطان برهان الدینی استیصال
و محله خاموشانه ایصال ایتدی مقدما سرزده نون قلم اولدوغی اوز
پادشاه مرحوم عالم و فاضل کریم و کامل محقق التقریر مدقق التخریر
ادیب اریب ظریف لیب شاعر غریب قریب و همام جواد و مقدم تهاب
و هباب محبت علما شفیق الفقرا اولوب یوم دوشنبه و پنجشنبه فی صحبت
علما و ظرفایه مخصوص ایتشیدی وان وفاتنه قریب رد مظالم عباد و تهذیب
اخلاقه اجتهاد تایب و طاهر و تطهیر باطن و ظاهر ایدوب ترجیح علی
التلویح نام مصنفی و نیجه آثاری یادکار روزگار اولمشدر مرتقی علما
و حکما و شعرا و فضلا و لمفین با زار نام و کاحی رواج ایلده قوسی مانند
کعبه الحاج اولمشیدی روایتد که اعجوبه زماندن ظریف دهر استاد
نظم و نثر فایق الاقران عزیزی و فادرسیده صاحب دیوان فضل و کماله
حریر بغدادی الاصل عبدالعزیز نام کمنه نك بغدادده سلطان احمد
جلا برینک خدمتده خبرین آلوب غایبانه تعشق برله پادشاه و الاجاه
ارسال رسول و عبدالعزیزک ارسالن مامول ایتدی سلطان احمد
مزبورک بارافتر اقد طاق کتور میوب اعذار مقبوله ایلده رد جواب
ایتد و کندن غیری عبدالعزیز جایز که جزیل عطا یایه مایل اولوب علی الغفله
فرار اید ملاحظه سیله تعیین دیدر بان و توکل با سبان ایتدی بو خبر برهان

الدینه و رود ایدنجه عبدالعزیز مستقل ارسال رسول ذکی ایلده دعوت
خفی ایدوب و عد عطا یای جزیلده و بعض تجاره دخی خروجات راهن
توصیه ایتکین عبدالعزیز دعوتنه لبتیک کویان تدارک فران چاره
جویان اولدی بریوم شدید الحمرده سلطان احمد خواب راحت ایلده مشغول
و پاسبانا زهریری بر طرفه مغفول ایتک عبدالعزیز دجله بر خوض
و بر طرفندن غوطه و طرف آخردن ظهور ایدوب دفعاً سمته دفع پا
و مابین قافله ده بر بوعانه اختفا ایتدی ایزین جانب سلطان احمد
بیدار و مزبور طلبکار اولدقه نابید اید اولوب هر چند نک و پوا ولد
ایسه اشرندن کسه خبر و برمدی انج کارد جله ده علامت پای کور و
مزبور دجله ده مختطف امواج اولدوغنه حمل ایلده پاسبانا نرهدف تیر
عتاب اولدی بر بعد بغدادده غوص و حوض سیواسده طلوع ایتدوکی
شایع اولوب سلطان احمد داغ دل اولدی سلطان برهان الدینه
وصولده اکرام ایلده ترجیب و تجلیل و انجاز و عدایله مقام قربنده تنزیل
و عطا یای جزیلده ایلده برجیب و دامن و کرامات جمیلده برله دل امن اولوب
الی آخر العمر عیش و عشرت و شیرین زبان صحبت اولدی حتی سلطان
برهان الدینک بذامرندن قرب وفاتنه دل استعدادت فصیحه
و کلمات رشیده عبارات ظریفه و الفاظ دقیقه و معانی رقیقه ایلده
درد مجلد بر تاربخ لطیف تصنیف ایدوب حالا قرمان طرفلنده معتبر
علما و معتمد طرفا اولوب قرات اولنور هلاک برهان الدیندن نضکره بلده
سیواسده سکائی کند و بر حرام ایدوب قاهره عازر اولدی مزبور اول
طرفه انشراح صدر امنیه سیله مشغول راح اولوب مخامر شدت
وجد و مستانه صیاح ایلده بر سطح عالیدن متروقی و نانی صاحب صحاح
اولدی فصل قره بلوکل سیواسه غریقی و اهلن بیعتنه دعوتی ایتد

قره بلوک برهان الدینی نابیداید بنجه اعتبار جدید پیدا بدوب
دعوی ریاست و سودای سلطنت ایله اهاالی سیواسی بیعتنه دعوت
ایتدکه اجابت دکل بلکه لعن و طعن ایله رسولن عودت ایتدرملری
اول دخی ترکمان پرتوان ایله قضیق و محاصره بلدیه مساعرت ایتدی
اهل بلد قلت عده و عدد ایله ناچار تانادر طرفندن مستمدا ولوب
قره بلوکه دشنام و عهها ممکن رد کیدینه اهتمام اتمک اوزده ایکن
صورت امدادده وارداولان تانادری قره بلوک شکست ایله دوگردان
اتمکین واروب تکرار ایام صیفده دلاوران تانارمانند سیل سیال
وظلام لیال جم غفیر ایله وارداولملری ایله قره بلوک مقاومته اقتدار
کوستور میوب ادر بیجانه تیمور متابعت و ربقه اطاعتن پریانه رقبه
مطاوعت ایدوب بونقریایله تیموری سیواسه غریبه ترغیب ایتدی
فصل مشورت اهل سیواس بیا ننده در اعیان و کیاس بلد سیواس
عقد مجلس مشاوره ایدوب سلطان برهان الدینک شایسته سلطنت
خلفی اولما منعله البته ملک و مملکت برنکه بیان پرتوانه محتاج و سریر
ملکده بر صاحب تخت و تاج لازم دردی بوفرعه زن تدبیر و نه طرفه النجا
ایده جکله نده قبض و بسط تقریر ایتدکلرنده بعضیلر سلطان مصری
مناسب و بعضیلر فرمان زاده بی معقول و آخولری سلطان دوم شهریا
عدالت رسوم سلطان بایزید مرحومی جمله به تقدیم اتمکین اتفاق آرای
اصحاب رأی سدید ایله سلطان بایزید فراد و پروب درگاه سپهر
اشتباهلرنده اصدار رسل و وزیرنکین سلطنتلرنده آسوده مهدر راحت
اولملرین نوتسل اتملریله پادشاه و الاجاه دخی در ساعت جنود نامعدود
ایله توجه و تشریف ساز سریر سیواس اولوب تمهید قواعد بلد و لازمه
نظم حال و انتظام احوال عبادی تعیین و تبییند نصکره اکبر شهزاده کریم

امیر سلیمان زمام حکومتش تسلیم و خدمت نه اکابر امرادین یعقوب
ابن ادریس و حمزه بن بخار و قوج علی و مصطفی و دوادار نام امرایی
تقدیم اید و با استمالت رفیع و وضع ایله محل مذکور دن نهضت
و ادبیجان طرفه اماله لکام عزیمت ایتدی پادشاه شیرصونک
توقی از بخار حاکمی طهرتک باعث تزلزل قدم اصطباری و لغین
طرف تیمور فرار ایتدی سلطان مرحوم مدینه مذکور به بلاد نزاع
مستولی اولوب طهرتک مال و منال و حرم و خدایر و احوال و انتقال
هر نه سی و ارایسه احرار و محاصره قسطنطنیه عزیمت نه کار ساز
اولدی **فصل تیمورتک ماردین طرفه تکرار عزیمتی بیان نه در**
اگرچه تیمور نام عن الفساد دکل ایدی لکن افساد و فتنه بلوک و طهرت
آتش فتنه سنی از دیاد اتمر لیل تکرار رفع لوای فساد و تدارک خراب
بلاد و عباد اجتر ایدوب جنود مرده و دیله ادبیجان و ورود بعد
ذلت ماردین طرفلرین پازده ستور فرور ایتد که سلطان ماردین
الملک الظاهر تکرار شکست عهد و سلب ربقه اطاعت ایلر دذکید
تیمور حاضر باش مخاصمت اولدی بو خبر ناما مول تیمور باعث اشتعال
نار غضب اولوب مقدمه ایتد و کی حسن معاملیه پشیمان و ستا به
کزید ندامت و خسران اولدی و لکن ندامتی فایده مندا اولدی بعد
ذلت بواشاده یعنی سکن یوز ایکی تار پخند امر و عساکر شامیه مصریه
ما بینند بعض اسباب ایله ظهور خلاف و اتفاقبری نفاقه تبدیل و قو
بازوی اتحاد لری علیل و مغله حفظ مملکت و حمایت و صیانت رعیت نه
تکاسل و حلول رزایادن غافل اولوب **عربی**
مَنْ يَهْمِلُ الْأَعْدَاءَ وَيَأْمَنْ بِكَدْهِمْ مِثْلَ النَّوْمِ وَرَأَاهُ مُسْتَقِظٌ
وَاللَّصُّ لَيْسَ لَهُ دَلِيلٌ سَأَلُوهُ الَّذِي يَبْتَغِي كَوْنَهُ الْخَادِرِ

و بعضی امری بنام عالم و وجوددن
مفقود اولوب
مقصود اینست
یعنی هر کس که
کلیت بریدن این امر را
که آردنک بیدار وارد در
پاسبان او بود می قدرت بود دلیل و مستند

محمول بنیادین
یعنی اصلان بنیادین
مصر و اوج و اوج و اوج
عوغ و اوج و اوج و اوج

مدلوله جاهل و ملولیه سنه مذکور شعبان و رمضانده راس
اعیان اعلام شام اولان تنم و بعضی امرای شام عالم وجود دن
مفقودا ولوب عربیه **وَإِذَا الْعُرَبُ نَضَعَتْ أَسَادَهُ عَوَتْ**
الْتَّعَالِبُ فِيهِ آمِنَةٌ الرَّدَى مدلولی وصف حال لدی ولدی فصل
تیموک سیواس اطرافنه عربیتی بیاننده در تیمور توجیه عنان
شدت و باس ایلده عزیمت سیواس ایتدوکن نکمهبان حمای ولایت
مذکور امیر سلیمان و قوچی و زمره در حال بارگاه و الاجاه پدریه
عرض وانها و طلبا مداد ایلده حلقه جنبان در جارا ولدی و رود برید
سلطان بایزید قضیق قسطنطنیه ایلده مشغول ولوب تدارک امداد
ممکن اولما مقله امیر سلیمان محکم قلعه و سوریه مبارزت و سدد
و بند مداخل و مخارج بلده و بذل همت ایدوب لازم کلان برلوه امر
و عسکری تعبیه و محافظه سنن توصیه ایتدوکن نصکره تیمور دخی تجهیز
عساکر پیشمار و وفرت جیوش دریا خروش بدیدار ایدوب فهای بلده
آلای کوستور مکیان امیر سلیمان عسکر تیموری استگدار و بویله برسیل
کوه ربا طریقنده استقرار ما و رای اقتدار اولدوغن مشاهده برله
حفظ و حراست بلدی امرانک دقت همتلرینه حواله و کندوسی درگاه
پادشاهی به وادوب امداد ایلده عودت اتمک او زمره عقد رابطنه عهد
ایدوب بارگاه پادشاهی به راهی ولدی ازین جانب تیمور پرشوردخی
سکر یوزا یکی سنه سی ذی الحجه سنک اون یدبخ کونی اسود عامه و عفاریت
لامه ایلده تسخیر قلعه به قدوم ایدوب کار احصاری روز حشر دن
کنایه و قیام ساعت دن علامه ایدوب سکر یوزا اوج سنه سی حرمک
اوجخی کونی یوم الخمیسده مستحفظین قلعه ایلده خبر لشوب اراقه دم
ایتمیوب مراعات ذمم و حفظ حرمتک شرطیله مفایح قلعه تسلیم

بر غزری

ید غزری و ملغین قدم شومی بلده به تقدم ایدوب دفع جدال و حرکت
ادوات و اربیکار ابطال و لجنه عسکری مقوله سن بند و بست و بر
حفر عمیق حفر ایتدوب حفظ عهدا چون اوج بیک مقداری نفیس
نفیسی اول حفر به القا ایلده هلاک و متواری زیر خاک ایدوب اطلاق
عنان غضب برتاب و مبارزت اسر و خراب ایتدی مدینه مذکور احسن
امصار اقطار و مشتمل عمارات کثیره و امکان حصینه و ماثر مشهوره و خیر
سهموده و اهویه رایقه و میاه موافقه ولوب سکنان اصحاب احتشام
و منعاطی اسباب تکلف و احترام اولدو قلرندن غیری شام و ارزنجان
و روم بلاد ینک سدد سیدی و در بند نفوری ایکن بو وقعه فاقعه ده
دخول اغیار ایلده اها لیسسی در بدر و شذر مذرا ولوب محوم اسیم نقوش
آئینه عالیه ایلده اکثری ارض خالیه ولدی **فصل تیمورک حلب و اطرافنه**
استیلا سی بیاننده در مغرور مرقوم اموال سیواسی استقصار
و احراز اموال رعایا و بریا ایلدوکن نصکره ما تدر جراد منتشر و سیل
منهر و فراس منتظر بلکه اجناس مذکور جزء قبایل و بعضی عشایری ولور
رجال نوزان و ابطال ایران و بلنکان ترکستان و یلور بدخشا و صفور
دشت و خطا و شور موغل و عفاریت چنا و سواریت بخند و نقابین
اندکان و هوام خوانزم و ضباع جبل و لیوت مار نذران و جوارح جرجان
و عقبان صفایان و ضواری حصار سادمان و فوارس فارس و خراسان
و سباع جبال و فهود قلال و نماسیح رستمندان و طالقان و اخیل قبایل
خور و دیدان کرمان و افاعی صفهان و ذیاب دئی و غزنه و همدان
و اقیال هند و سهند و مولتان و کباش ولایت لر و بیرشوا هو غور و عفا
شهر زور و جرات مکرم و جندی سا بور **عربی**
قَوْمٌ إِذَا الشَّرَّ ابْدَى نَاجِدٍ بِهِ هَمُّ طَاوُالِيَّةَ زَوَاقَاتٍ وَأَخْدَانَا

مستند بنیادین
یعنی اصلان بنیادین
مصر و اوج و اوج و اوج

محمول بنیادین
یعنی اصلان بنیادین
مصر و اوج و اوج و اوج

محمول بنیادین
یعنی اصلان بنیادین
مصر و اوج و اوج و اوج

مدلولی صفت کاشفه لری ولوب رعاع عرب کلا بندن آهجم و نلنگان
 بجم اوباشندن اظلم بر مقدار موغلی و مولتان و عبده اوثان و الجاس
 مجوس اضافه سیله یعنی طوایف یا جوج و رباح عقیقه الهیوج ایله قایدیم
 نصرت و سابق شمال فرصت و مساعده طالع و شان شایع در پیش و قفا
 حرکت بلیه سی و لوله انداز دیار شامیه و مصریه و لمغین طرف سلطان
 مصر دن نایب شام و سایر حکام و کماة اسلامه احکام شریفه اصدار
 اولوب بلده جلده بجمع اتملی تنبیه اولند و غندن غیری نواب
 مستطاب نایب شام سودون ایله تجهیز عساکر انجم شما را بدوب سکر
 بوزا وچ تارخی ماه صفر نده نهضت و محل مذکوره غریب ایدوب
 سایر حکام و امرادخی طرف طرف قفول و بلده مذکوره بی جمعیتگاه فروع
 و اصول ایندیلا اول طرفدن تیموردخی عثمان و ارعسکر جرار ایله بهنا نام
 قلعه به و درود و اطراف و اکافن دست بردیغا ایدوب بکرمی وچ کون نصرت
 و نقییر ایله شخیر ایندکد نصکره ملاطیبه استیلا آتی دخی با مال خرکله
 و بل و بلا ایدوب قلعه رومیه به قدم میشوی قدوم ایندی قلعه مذکوره نگهبان
 ناصری محمد بن موسی بن شهری اولوب فیما سیاتی حرکت مردانه و صولت رستمانه
 رقم زده قلم تفصیل اولور قلعه مذکوره کویا بنا کرده بد قدرت و تحکیم کرده
 معمار حکمت مانند قلعه قاف کردون اوصاف و لمغین تیموردخی تعجب و انصاف
 ایله استحسان ایدوب محاصره سنه مقید اولوب فتحی در پیش اولان امور
 صعبه دن اهوندردوب بر کچه دن زیاده مکث ایتوب مانند سیاهی سیحاب
 متوجه عین ناب اولدی بلده مذکوره حاکی ادکما س حصن تحصین و تحکیم
 و بنفسه حلب طرفه فرار بقرار ایندی تیمور محل مذکوره تنزیل اوزار ایدوب
 نواب مستطاب به سطرین نامه غرور خامه ایدوب مفهونده انواع تقیم و اصناف
 تقیم ایله اطاعتنه دعوت امیر کبیر تیمور کورکان و محمودخان نامه خطبه قرائت

نواب عجم اصطلاح
 وزیر اعظم
 نایب شام سودون ظاهر
 مصنف و مؤلف و مدبر
 زیرا سیدی دیوبند را در این

اولوب

اولوب دفع قتال و دفع کلفت جدال ایتلرین اشارتدن ماعدا همیشه
 زاده سنک زوجی اطلاق میش نام کمسنه مقدما بعض خیانت ایله مصره فرار
 و بدی و درودند حقارت برله مضیق مجبسه بند و آزار ایکن خلاص
 و قاهره ده عز و اکرام و تعظیم و احترام ایله اختصاص بولمغین آنک دخی
 طلبن علت مشاجره و محاربه ایندکد نصکره بیان صول و حول ایدوب
 سیاست نام و نصب خلیفه و امام کندوبه مستلم و کند و متبوع و مطاع
 و ماعدا ملوک ارض خدام و اتباع اولق اولی ایکن طایفه چراکسه ربا
 و سیاست نه وجه اوزر شایسته اولور دیوبند تحریر و نامه سن بومقوله
 نهویل و حشو طویل ایله کلمات موحشه سطرین و برید شدید ایله نصرت
 ایندی اجابتی محال و تسلیم مطلوبی عدیم الاحتمال ولد و غن بلور ایدی
 انجی مرادی القای حجت و فتح باب محاصرت ایدی نامه سنه التفان و لغندن
 غیری نایب شام سودون قاصد مزبوری روسا شهادتده استیصال
 و حاضر باش جدال ولدی **فصل عسکر شام و حلب مشاوره لری بیاتند**
 توجه موکب مورد و ملح مشرب تیمور مقرر اولنج نواب و امراد و سر عسکر
 نه کیفیتند تکاخی و نه میدانده تناطح اولنق بابنده مجلس مشورت آراسته
 ایدوب فتح کلامده بعضیسی شهرده محقق و بالایی هر وجه خراسان فلات
 کبی ترصد ایدوب استراق امره تقدم ایدن شیا طین انشه ارسال وجود
 سها را ایدوب دیدی و بعضیسی بودای عین حصر و علامت عجز و کسود
 اطراف بلده حلقه بند دلبسند اولق دفع دشمنه ضحیت مجال و اوقوج
 اتمک اولی در دیدی بومقوله هر کس ما فی الضمیرین ایراد ایدنج طر بلور
 نایبی بنیخ الخاصکی مؤید دخی بومنوال و ذره بسط بساط مدعا ایندکد
 ای معشر اصحاب و اسود حراب و فوارس خطاب مرات جهان نمای ضمیر کوزه
 نمایاندر که بوبرعد و خطیر و امری عسیر داهیته دهیا جنودی ثقیل مکری

و بیل مصایبی طویل دشمن در ملاحظه ایله تدبیر الحرب خدعه مدلولیجه
 حباله لطایف الحیله نشئت و تفکرات تک کرک فکوصایب سیفدن فاطمه
 بوکلان یروکود مرعسکو و حوصله جهان صغیر لشکورد فاما هر چند قوی
 رقیب ایه دخی بود یارده غریبدر فقیرک رای بود که خارج بلد بر
 طرفه مجتمع و اطرافری برخند قعمیق وسیعه ایله تحصین ایدوب
 اول مرصاده ترصد ایله ترتیب لوازم مدافعه و تقویم مراسم مناظره
 و مناقشه ایله سور بلدی نصب بیار قایل تزیین و تعیین مستحفظین
 ابتدا کد نصکره افافه نشر اجنه رسل و رسایل ایدوب طوایف اعراب
 و قبایل اکراد و عشایر ترجمان و سکان بلادی فراغت ایله دعوت ایدوب
 که جوانب اربعه ده راجل و راکب قاتل و ناهب خاطف سالب جنگه آغاز
 و هر طایفه بر طرفدن اعدانک یمن و یسارین ترک و تازایدنک تعجین
 اقدام ایدوب بزم طرفه طرح مطارحه ایدن لوله دخی سوا اعداسنه
 و انا مل سهام ایله پس پرده خند قدن مصافحه اتمک کرک اگر خبیث
 انکسار ایله رجعت ایدر لرسه فهو المراد پادشاهنک نظرند حرمت
 و اعتبار و مقام و متأثرین زیاد بولور و اگر غلبه اعدای بدنهاد اولور
 ایه طرف پادشاهیدن امید فرج و امداد دخی وارد راقل مافی الباء
 بر طرفه منبرزا اولوب تمام ایام ایله جنود مرد و داعدان محترزا اولور
 عسی الله ان یاتی بالفتح و آخر من غنید دیوب ختم کلام ایتدی کویا
 شاه منصورت مقدمه ایتدوکی تدبیر منظوری و مقبول رای
 سدیدای و لشایدی هاندم نایب حلب تمرطاش نام بدرایی بو حرکت
 مقبول رای میکنه و مطبوع افکار رضیه دکلد بو محله معاجله مطاوع
 و مناخره فحاجره دن خیر لودر و ککل مقام مقال و ککل مجادل جدال
 تیمور طیر محبوب قفس برصید مقتصد رانته از فرصت ایله مقاتله

مقابله و طعن و ضرب ایله مغاوله اتمک کرک برآمده منازعه باعث
 جبات و میدان شدتد صبر و مصابر جالب شجاعند در الله الحمد
 اهل بخدت و اولوباس و شدت و فقه مناظره ده مختار و افاضه دماء
 اعداده مناسرت و اولوباده هر یک کفایه و هدایه و نهاییه و بدایه و مجمع
 اسلامه کترواقی و جامع کافی و وقایه اولوب لهجه سیوفکن تکلم
 روسد کافیه و نصترف اسنانکر هر فعل معتلک نصترف و تقلیلند
 شافیه دراکرعون الهی ایله غالب اولق مقدرا اولور ایه فایز منال
 و کفی الله المؤمنین القتال عساکر مصریه کفایت ایدوب سلم
 حرمتن اعلا و تزیید شوکتن ازکا و عین اعدایه ابکا اولور و العیاذ
 بالله آینه دوران غیر صوری صورت کوستور و رایسه بذل مقدور ایله
 معذور اولوب مخدوم مزاد راک تار و احیای آثار بمنزله ایدر ایدمی
 متوکل علی الله ثبوت قدم ایله مقابله اشراری اختیار و اجتناب
 ترزل قدم و احتراز ازاد بار اتمک کرک دیورای ناصوابن استحسان
 ایله تکرار اتمکین بونک و زربنه جمله اتفاق و خروجه ربط میثاق
 ایتدیلر اما بویا بدو تمرطاش مخالفت جمهور و باطن تیمور ایله موافقت
 ایتمش ایدی مزبورک عادت و طینتی مانند شاة عایره و امره حایره
 و غایره اولوب التقای جمعانده بر طرفه ثابت قدم اولوب هر زمان
 بر طرفه مایل بر صورت بلا معنا و لفظ بلا فحوا اولوب تیمور ایله معامله
 خفیه سی و لطفین اولدخی کند ویر اعتماد ایله تقویض امور و اعتقاد
 ایله حواله حیل و مکور ایتشیدی کذلک عساکر شامیه مزبورک رایسه
 تابع اولوب تحصین بلد و سد شوارع و هر محله و حاده لره و کلا تعین
 ابتدا کد نصکره اعدایه مقابل اولان باب النصر و باب الفرع و باب
 القناه نام قبول فرغ و خروجه قرار ویردیلر فصل تیمورک عین

تابدن نقل مرکاب و ترتیب اسود غایب ایلد سنه مذکور ربیع الاولینک اون
 طغوزنجی کونی یور پنجشنبه ده واصل حلب و لوبایکی بیک مقداری مبارز
 افزاز و طلیعه عسکر اتمکین اوچوز مقداری شجعان شامیه سئل سیف
 نیز ایلد استقبال و حاضر باش سیتز اولوب یقادره رد و بدل ایلد مصارعه
 مسارعت ایتد کلزنده شمال ظفر طرف شامدن رونمودا و لغین عسکر تانای
 انکسار ایلد مردودا ولدی علی الصباح روز جمعه مشعله آفتاب بشکاه
 چتر افقد عالم تابا و لجنه تیمور مغروریش بیک مقداری مرد برد افزاز
 و بزم دیزمه ابراز اتمکین مردان شامیه دن دخی بر طایفه تجم برله میدا
 جانبازی به تقدم ایدوب الحام تار بود نطاح و اشتباک اغصان
 رماح ایلد افلام سهار حروف جسمی مجسم و قلم تراش صمصام شاخ و جوی
 مقلم ایدوب دماء اعدادن مانند هر حیوان جریان خون اما عسکر شامیه
 ایکی نفرک انجق لوی حیاتی سرنگون اولوب رادت الهیه نعلن ایتد و کی طرف
 نصرت برله کامیاب یکن سپاه سپاه لیل قدوم و سراق شیاطین شهاب
 بر تاب ایلد مرجوم اولنمغین هر کس کلبه اخزانته رجعت و غم فریاد ایلد گرفتار
 محنت ولدی تیمور دخی اول لیل آتد قریه حیلان قریه طالع بهتیه
 و وقت سعید ده جیوش منصوره و افیال جسور سن جناح ظلامده تعبیه
 مهتای فردا و مستحضر معرکه کبر اولدی علی الصباح روز شنبه جنود شامیه
 سلطانیه عده بالغه و ایهه سابقه و خیول مسومه و اعلام معله و امید
 نصرت مسلم ایلد سوار و تصفیف صفوف صفوف مردان بیکار ایدوب
 میدان جلادنده استقرار ایدنجه تیمور طرفندن چرخیلر پرواز و طلیعه لر
 جنکه اغاز اتمکین شامیلر مقدمات مذکور ایلد مشغول یکن عسکر تیمور
 مانند مار و موریمین و بسار و خلف اما ملرین پرکار و ارا حاطه و هر طرفدن
 نظایر سهار و تقاب ضرب صمصام ایلد مهاوشه عظیمه و معارکه و هیبه

متطاول و کمند کیر کیر متواصل اولوب سیل خونلری وادیلر جریان و لحظه
 و شعله لری ماکله انواع حیوان اولمغین طرف میمنه شامیه ایلد تمرطاش
 رهکیر دهلیز هزیمت اولمغین قصورینه دخی غبار ذلت طاری و ذل جیانت
 ساری اولوب و رساعت حیرت فتور ایلد اقلام رماح اعدا به عرض لوحه
 ظهور ایدوب بادیه بیهای فراد اولدیلر جعلنا ظهور الزوم فی الحربا وجهها
 و قنایا بها نغرا و عینا و حاجبا مصداقده موافق هزیمت ایلد حلب طرفه غزین
 اکثر زخم دار و در عقب اولان دشمن غدار خوفندن درواز بلده بر مرتبه
 زحام بی آرام و هجوم عام ایتدیلر که مضیق باده با مال اولان مرده لر ایلد
 طریق دخول و خروج مسدود و راه مقصود مشدود اولوب اکثری متفرق
 بلاد و منشئت اطوار و کسر بابا نطایفه ایلد مهلیک اغتنام دخی راه نود
 انهرام و اشنع حال ایلد واصل شام اولدی بقیه عسکر حلب و شام اسو
 حال ایلد مردود و اعیان ناس نقاب ایلد قلعه به صعود ایدوب محصور
 اولد قد نصکر تمرطاش واسطه سبله طلب امان ایدوب آب حیانت
 دست شوییده و موت احمد ردیده قلعه دن نزول و حضور بی نور تیموره
 چهره سای وصول اولد قلندر سودون و شیخ الخاصکی مؤید و صفد
 حاکمی بقا بن عنانی و حاکم غزیه علی بن عمر الطحان نام کمنه لر قید حبس
 ایلد تذلیل و تمرطاش الباس خلعت ایلد تجلیل اولندی بعد ذلک تیمور
 مغرور رفقا رساکن و وقار متمکن ایلد آهسته آهسته زرنیه و سکنیه
 ایلد حلبه رهبت بخشای دخول و ضبط انقال و تخمیل اموال ایتد کدن
 بوقدر ایلد اکتفا ایتیوب مقدمه حلبه ارسال ایتد و کی بریدا قریای قریلر
 اولمغله اخذ نار و قودده آتش غیظ و غضبی نثار اولوب اذها قفوس
 ایلد کله لردن بنای منبر ایتدی فصل بوقعه فاقه نک بر و جرافره
 دخی ایضاحی بیان شده در صاحب تاریخ فصاحت شماریخ ابن شهنه

تا ریخته حافظ خوارزمی تقریرین و واقعه مذکور بی بوموال اوزره دخی
 سر زده نول بخیر برآمد که عساکر تیمور سکن یوزبیک نفر جنگ آور و لو
 بودند اقدم جریه بخیر کشید قلند و غی اوزره تیمور بد حضور بهنا
 قلعه سن محاصره ده ایکن روم قلعه نایی ناصر محمد بن موسی بن شهری
 آورد و سن ترک و ناز و خیمه و خرگاهنه نهب و غارت ایل آتش انداز و لو
 کوی صولجان شمشیری اولان روس اعدای حلبه ارسال ایل مسترت رسان
 قلوب خلان و اخدان اولور ایدی دفع مضرتی همچون تیمور بر مقدار عسکر
 جسور کوندرد که آنلر دخی فوج کسر ایل منکسر و اکثری کرداب نهر فرات و غریق
 و نایاب و مغله ناچار تیمور مزبوره بخیر نامه و مفهومنده بالنفس مالک
 سمرقندون ظهور و اقطار ارضه مرور اید و با افراد آفریده دن کمسنه
 مقابله و مقابله قادر دکل ایکن سن روی عصیان کوستور و ب حواشی
 و مواشیمه القای خسران اتمکدن خالی دکل سن ایدی بیارق لامعه و جموع
 جامع ایل بالذات و ذریکه و ارمق بضمیم خاطر سلیم اولمشدر نفسکه
 و رعایا و برابا فقر اسنه رحم و شفقتک و ارایسه اطاعت و اجتهاد ایل
 حضور بمن وضع جبین انقیاد ایدوب شایسته عاطفت و سزاوار
 ملاطفه و لاسر قال الله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها
 وجعلوا اعثره اهلها اذله و كذلك يفعلون سالک طریق عنادا اولور
 وقتکه حاضر اول دیو بخوف و بومقوله نجه کلمات مهوله تصنیف اتمکدن
 مفهوم کتاب ناصری به صوت ذباب و صریر باب قدر تاثیر ایتد و کندن
 غیری قاصد تیموری گرفتار بند زندان ایتدی بوخبر ملال اثر تخدیش
 تیمور بد کرا بد نجه مقدمات جیشی پیشرو ایدوب ارسال ایتد که ناصری
 مقابل ایل کسر و رد اتمکدن یارنده سی تیمور بالنفس سباه انجم اشتباه
 قلعه مذکور تصنیف مبادرت ایتد که تکرار اول شیر زیان جلوه کر مید

اولوب عسکر تا تار ایل اول کون واقع اولان وقعه عظیمه ده شدت عزم و قوت
 حزمی تیموره رای العین اولوب مجادله سی صرفه اتمکله مخادعه و ملاطفه
 رجوع ایدوب تکرار بر مقدار مال و جمال و خیل پیشکش طلبیله دفع کفاح
 و قارع باب صلح و صلاح اولمق کیر و مسؤل عدم قبول ایل دتا اولوب حتی جزو
 شیه راضی اولمشکن اولدخی میتسر اولمدی محل مذکور دن رجوع بخیر
 دکا ب ایتد که عقیلرینه منطف و داغ بر بالای طاع خلی حواشی و مواشی
 دخی مختطف اولدی عربیه **هَذَا الْأَمِيرُ الَّذِي صَحَّتْ مَنَاقِبُهُ كَيْتُ**
الْوَعْنِ عَمَّتِ الدُّنْيَا مَفَاخِرُهُ وَلِيَّ تَمَرُكُنْكَ مَكْسُورًا وَأَوَائِلُهُ مِنْهُ
قِرَارًا وَمَذْعُورًا وَأَخْرَجَهُ امیر مرقوم سلاله پان عمریه به منتی صاحب
 دیات و امانت اولمقین حقا کند ویر اولان مساعد بخیر بادشاهان
 صاحب تاج و تخت اولما مشدر سنه مذکور نل ناسع ربیع الاولیند تیمور
 بر شور حلب طرفه سوق ستور غرور اتمکدن بلده حلبه زد کید تیموره معوکه
 بند اولان حلب نایی معز السیفی تمرطاش و حاکم دمشق سودون و طر بلو
 حاکمی معز السیفی المود شیخ الخاصکی و حاکمی قهاق عسکر لوی و صفد
 و غره عسکرینه وجه مقاومه و مقاتله اولمق بابتد عقد مجلس مشاوه
 ایتد کلرنه بودند اقدم ذکر اولند و غی اوزره مختلف الارا اولوب بعضیلر
 مدینه ده محصور و برج و بدندن امر قالد بذل مقدور اتمکی و بعضیلر
 خارج بلده نصب خیام ایل میدان مبارزه قیام اتمکی استصواب ایتدیلر
 شیخ الخاصکی شدت وقایع ایل اختلاف طبایعی مشاهد اید نجه اهل حلب
 نه طرفه مراد ایدر سه جالی اولمق بابتد استیدان اتمکدن هر بری بر طرفه
 کریزان اولمقله خلاص کر بیان مال و جان ایتدیلر بعد عسکر سلطانیه
 خارج بلده ضرب خیام ایل مقابل اعداده قیام کوستور دکلرنه نایب
 دمشق سودون قاصد تیموری اخس حال ایل بین الناس استیصال ایتدی

موصول بدین
 در این کتاب که فی الجمله منافعی بویستد
 و منافعی عالمی عام اولدی تیمور لنگی
 اول و آخر کسر ایلر د ایتدی

ازین جانب ماه ربیع الاولک اون برنجی کونی روز شنبه ده عسکر تیمور
مانند باد صحر و عقیقه دیویرندن نهضت و جمعیته کاه شامیان^{جشنیت}
بخشای ظهورا ولد قد بر ساعدن زیاده مقاومته قدرت کوسنور میوب
مدینه طرفه هریمه اقدام و نهالک تمام اتمل یله خلا بکثره با مال از دحا
اولد و غندن غیری عسکر جغتای دخی ستل سیف ایلد تعقیب ایدوب بلد
مذکور بی عنوة فتح و تسخیر اتمل یله ثواب خواص ناس ایلد محرزا مال اهل
بلدا ولان حصن حصینه صعود ایدوب هزار ضیق و عسرت ایلد فعود
ایتد یلر یوم تاسع عشر ربیع الاول روز سه شنبه اما و ایمان بی ایمان
ایلد قلعه مذکور بی دخی ضبط ایتدی **فصل تیمورت علماء طلب ایلد**
اولان مناظره سی بیاننده در اواخر یوم ناینده تیمور قلعه بر صعود و^{فضاء}
و علماء بلدی دعوت ایتد کده داوی واقعه مذکور حافظ خوارزمی فقیر
علما ایلد همراه ایدم دیو تقریر و مجلس صحبتلرین بواسطه تغییر ایدر که
بدی تلافیه بزوری بر ساعت مقداری حقارت قیام ایلد تحقیر ایتد کدن^{مکره}
جلوسه فرمان ایتدی بعد همراه وهم صحبتی اولان علمای دخی دعوت ایلد
مشاهیر علماء سمرقند دن علامه نعمان الدین الحنفینک ولد ارجمندی اولن
دولت تیمورید رئیس العلمای اولان عبد الجبار خطباء ایلد بونلردن
مسئله استفتا ایدر مکره مقدما سمرقند و بخارا و سایر فتح و تسخیر
ایتد و کم بلا دده سوال ایتد و کده کسینه افصاح ایلد جواب ویر ما مشد
بعد اهل جلیه خطاب اید و بنم طلب علمه مجاهدتم و علماء ایلد مواسست و مخا^{لطه}
والفتم کلید را یمدی مجا ویریه اعلم و افضل کن تصدرونه دید و کن تفکر
و تصور ایتسون دید کده شرف الدین القاضی موسی الانصاری الشافعی
بوفقیری هدف تیر خطاب و جواب ایدوب فقیری نقی ایلد بورجل شیخین
و مدرس بلدی و مفتی عامر در مسئله نه ایسه طرح میدان مقال و پیرایه

سرزبان سوال بیوردک و بالله المستعان و بد کلامه عبد الجبار بو
فقیری مخاطب ایدوب مسئله پادشاهی بود که بوما بینده آغشته خاک
هلاک اولانلردن بزم قتل یا سیزک قتل کنز انوزن مقام شهادت
و عارج سلم سعادت در دیدی مقدما مسموعزا اولور ایدیکه تیمور مکار
بعض مسایل مشکله ایلد علمای امتحان ایدوب معرض هلاک تقدیم اید
ایدی بومسئله بی دخی کا قیاس ایلد حاضر مجلس اولان علماء اعلام سکوت
ایلد سرفرو ایتد یلر انجق حضرت ملهم الصواب بوفقیهه سریع و بدیع
مناسب جواب الهام ایدوب بومسئله دانای علم لوح و قلم حضرت رسول
اکرم صلی الله علیه و سلمدن سوال اولنوب جواب ویر مشلر ایدی فقیر
دخی و جواب ایلد عجیب اولور مردیو تصدی جواب ایتد و کده تیمور بوفقیه
طرفه القای سمع و بصر ایدوب کلامه تمسخر ایلد عبد الجبار مخاطب
ایدوب حضرت سلطان انبیادن پنجه سوال اولنمشدر و نه جواب بیورد مشلر
دیدی فقیر نعم حضور حضرت رسالت پناهی بر اعرابی چهره سای نیاز اولن
یا رسول الله تحقیقا بر رجل من حیت بریز دخی شجاعت آخر یزدخی تحفیل
نام و فایز مرام اولن چون قتال ایدر قنقی بریزک جهادی فی سبیل الله در
دیوینا زمند سوال اولد قد حضرت مشکل کشای عالم صلی الله علیه و سلم
هرکیم اعلا ی کلمه الله ایچون قتال ایدر سه شهید در دیو امضا کش جواب
مستطابا و لمشلر ایدی تیمور لنت خوب دیوب پذیرای طبعی اولد قد نصکره
عبد الجبار دخی استحسان ایتدی اما شرف الدین القاضی بوفقیهه دیدیکه
والله العظیم بوبر مسئله در که حضرت مقدای عالم صلی الله علیه و سلمدن
سوال اولنمشدر دید ککرده سبحان الله شیخک عقلی مختل اولوب معذور
اولمشدر خاطر سی خاطر هر خطورا ایتدی کذلک عبد الجبار ک دخی اول
خاطر خیالنده جولان ایتد و کن تقریر ایتدی پس ازان افتتاح ابواب

واصل و لمسدرد دیو ختم کلام ابدوب صلاة مغریه اقامه اولمغین
 عبد الجبارک اما متیله تیمور قرب فقیرده ادای نماز ابدوب هرکس کند
 خانه سنه عودته عزیمت ابتدی بود نایند جمله اهل قلعه به غدر و ظلم
 ظاهر ایدوب بر مرتبه جمع مال و منال و منعه و افشسه و انفال مالا
 محصی ضبط ایتدیکه بعض کما بنک تقریری و زره مستلط اولدوغی بلادک
 برنده بوقدر ماله نایل اولما مشدد و اغلب مسلمینی انواع عقوبته گرفتار
 و بعضیلرین بند زنجیر و بعضیلرین محبسده اسیر و بعضیلرین مجبور دلیک
 ابدوب قلعه دن نزول و دارالتیابیه اقامت بوله داب مغول و زره ترتیب
 ولیمه ایدوب معا اولان ملوک و امرایی مقام خذمنده استخدا و اداره
 کاس خمرایله حرکت نافر جام ایدوب حاصلی آخر بیع الاوله و ارنجه قتل
 و اسر عباد و تخریب مدارس و جوامع و حرق و هدم بیوت و بلاد ایله
 مقید اولدی آخر کار تکرار بوفقیرایله قاضی شرف الدینی دعوت و انشای
 صحبتده تکرار علی و معاویه احوال لرندن تفحص ایتمکله فقیر لاشک حق علی^{الیه}
 اولو معاویه خلفادن دکلدرن زیر حضرت شارح شریعت غرا سلطان
 سیر اصطفی رسول اکرم بنی محترم صلی الله علیه و سلم حضرت لرندن^{رسیده}
 مقام نبوت در که خلافت بعد البشی او نوز سنه در مدت خلافت علی المرتضی
 ایله ثلثین تمام اولدی دیو تقریر انجام ویرد و مکه تیمور علی علی الحقدرد
 و معاویه ظالمدر سو یله دیو حکم ابتدی فقیر جوابی صاحب هدایه به حواله
 برله ولایه جوردن تقلید قضا جایزد زیر اصحاب رضی الله عنهم و نای^{بعین}
 طاب نرا همدن رجال کثیر معاویه دن تقلید قضا اتمشدر در با وجود^{حضرت}
 علی نوبتنده حق طرفنده ایدی دیو نقل مفهوم متن هدایه ایتد و مکه تیمور
 مسرور اولوب ضبط بلد حلبه نصب ایتد و کی امرایی احضار و بوفقییر
 و قاضی شرف الدینک رعایت و اکرامن توصیه و اتباع و اصحابه بر طرفند

ایصال اذیت ابتدا در ملین و تعیین وظایف و امداد مصارف و تجاه قلعه
اولان مدرسه سلطانیه ده تعیین مسکن و مأ و الملین فرمان امکله
جمله بنیهائی برجا و ادا و لنوب بحق قلعه دن انتقالز واقع اولدی اول
اشاده امیر حلب بوفقیه و قاضی شرف الدینه قاعده تیموری تفصیح ایدو
قانون تیموری بود که شتر مراد ابتدا که تعجیل اراده ایدر خیزده نائی ایدر
دیو استمالت و طمانیت بخشا اولدی **فصل تیمورک حلب دن نهضتی**
بیاننده در تیمور غدر محصور غره ربیع الآخره ظاهر بلده به روز
و قصد دمشق شام ایله مشعله افروزا ولوب قتل و اسرایله عامه
مسلمین مبتلای دغدر غه غصه جان و ماله ایکن یوم ثانیله علمای
حلب تکرار طلب اولمغین و ادا اولان سر هنت بد رنگدن باعث
دعوت نه اولدوغن استخبار ابتدا و کزده تیمورک عادتید که هر
تغیر ابتدا و کی مملکتده عسکرندن رؤسای ولایتی طلب ایدر دیو
و پردی بزدخی دعوت اجابت برله مواجهه تیمور و اردقده علماسندن
مولا عمر نام بر شخص بزی استقبال ایدوب پادشاه سیزدن قاتل قاصد
اولان نایب دمشق احوال استفتا اتمک مراد ایدر دید که فقیر بود
مسلمینک من غیر استفتاء اراقه خون و لنور با وجودی من بعد کسسه
معرض هلاکه تقدیم اولماق بابنده یمین امیر صادرا و لمشیدی دید که
ملای مرقوم ایمدی و اروب کلنجه سز لربنده توقف ایدک دیوب طرف
تیمور توجه وجه رجعت ایتدی تیمور سلیق لحم تناول ایدر کن و ادق
تکلم سیر ایله اندر بمقدار لحم عودت ایتدی تیمور رجل بلند آواز
اولمغین صوت عالیه متصوت اولوب تکرار مره بعد آخری طرفه
آدملا اسراع ابتدا مکله امرای تیمور دن برامیر تقدم واعتذار
ایله پادشاهن قتل رؤسایه امراتما مشدر بحق کشته لک رؤسای

قطع اولمغی فرمان ایتشد که مناره لر بنا و عادت تیموری اجرا اولند
سز لری دعوته مباشرا ولان فهم فرمان اتما مشدر سز لرمطلق العنان
و آزاده میدان مراد سز هر کس خواهش خاطر می و زره صفا سنده او
دیو اجازت و پردی در ساعت بید رنگ تیمور رنگ دخی سوار و طرف
دمشقه اماله لکام آتش بار ایتدی بعد ذلک بزرگ دخی قلعه به رجعت
و کبر و وطنده سکنا فی استصواب ایدوب امیر موسی ایله مکث ایتدک
حد ذاتده امیر مرقوم توقیر و احترام و قبول شفاعت و اکرام زده قصو
ایتمز ایدی لکن سر انجام دمشق ایله مبتلای لام اولوب کاه غالب و کاه مغلوب
افسانه سیده مترده ایکن بالآخره سلطان مصر الملك الناصر جنود مصریه
ایله مقابله و قتال عظیم و تیمور کسر لیم و یروب عسکر تیمور مشرف
هزیمت ایکن الملك الناصر بعض امراسندن استشمام خیانت اتمکین دفع
محد و راجون طرف مصر رجعت ایتمکه تیمور دمشق دخول و نهیب
اموال و قتل رجال و هدم دور و عسرت محصور ایدوب حلب دن زیاده فساد
صکر نهضت و طرابلس و فلسطین حد و دین تجاوز ایتیموب تکرار حبله
رجوعی خبری شایع اولمغله کبر و نجده و جل کر بیان کیرامل اولدی **فصل**
تیمورک حلب رجعتی بیاننده د سنه مذکوره شعبانک اون ید بخج کونی مغرور
مرقوم بلده حلبک طرف شرقینده جولا نام موضعه نزول ایدوب بود فعه
شهر دخول ایتدی اما مقیم بلده اولانلر هدم و حرق دار و در تکلیفیه
مجبور و مأمورا ولوب طرف طرف تخریب و سوزان بو قدر زماندن بر و اولان
جمعیت برباد و پریشان اولدی بو اشاده امرای تیمور دن امیر کبیر عزالدین
فقیری دعوت ایدوب امیر تیمور سنک و سیکله اولانلرک و مراد ابتدا کبریک
اطلاق و خاطر خواه اولمگز فرمان ابتدا طلب و شفاعتده توقیر همت ایله
دیو استمالت بخشای خاطر حزین اولد و غندن غیر سز کله مشهد شریف

مدلولی ایلده عمل و بیجا امل ایتمیوب محترمانه نش ملتهب و معرکه کاه اولان
محال دن مجتنب اولدیله **فصل** تیمورامور حلیی بالغ نصاب اقام و جمع مال
و منال خاص و عام ایدوب قلعه حلبده احرار و وکالت حلب ایلده امیر موسی
سرفراز ایدوب غره ماه ربیع الاخرده شام طرفه غریبه آغا ایتدی ابتدا
بلده حامی سوخته آتش نهب و غارت و بلا توقف نهضت ایدوب آهسته
آهسته ترتیب دام صید و تفکر مکر و کید ایدرک محل مرابه اماله لکار
ایتدی **فصل** مصنف مرحوم سکر یوزا و توز طقوز تاربخنده طرف رومه
عبور ایدوب حمایه مرور و بلده مذکور ده جانب شرقیه واقع جامع نورینک
جدار قبلینده رخام اوزره تیمور لسانندن فارسی لغت ایلده تحریر واقف
اولدوغی کلماتی بوموال و نزه سر زده براعه ترجمه قلمشد که تحقیقا حق سبحانه
و تعالی بوفقیه اولمرتبه فتح ممالک میسر ایتدی که ملک عراق و بغداد منتهی
اولدی بعد سلطان مصره اصدار رسول و ارسال انواع تحف ایدوب
رفع کهنه بلا س مجاصه و بسط بساط مهاده و عقد رابطه مودت و تاکید
مواد محبت اتمک مراد ایتدکه بلا موجب قاصد یغری سو حال ایلده استیصال
ایتد و کندن غیری بعض ترکمان خیل و حشمر دن ظفر بولوب صورت سیرید
سلطان مصر بر فوق حضورینه احضار ایتد کلندن قید حقارتده مسجون
سجن عقوبت اتمکله دست اعدادن اولمقوله اتباع مکر استخلاص لری
ذمت همقره لازم کلمکین اول طرفه توجیه عنان غریبت ایتمشو ذر در تحریر
فی سکنه عشرین ربیع الاول **فصل** تیمور حاد ن دفع اوزار
و حمص طرفه القای آزار ایتدکه مرد میدان لشدید حضرت خالدين وليد
رضی الله تعالی عنک ضریح انور لری پیرایه بخشای بلده مذکور اولمغین
رعایت حرمت برله اطاله دست خسارت ایتمیوب حضرت مشاد الیه بخش
اتمشد در عربیه **الآلاتجا و رسوی الحیرینا** آجا و کن جار هم

کونل و کنده
جانب اولمقوله
فوق نشانی
نمودن بلای در
ایستادن بخار من

فی القنور **آلم تر حمص و سگانها** بخوار من بخار بلایا غور
بلده مذکور ده احاد ناسدن عمرو بن الواس نام برکسنه هدایای بهیه
ایلده تیمور سلاقی اولمغین مزبور اعتماد و حکم بلدی کند و بر اسناد
واحر قضای دخی شمس الدین ابن الحداده توجیه ایدوب اهل بلد بوجه
اوزره متابعت ایلده حایز مرجع سلامت و استمالت اولدیله بر بواشاده
نایب شام بند قید تیمور ده ضعیف اولوب قبه بلبغاده رختکش دار
عقبا اولدی و طر بلوس نایبی فرار ایلده خلاص و ولایتند اختصاص
بولمغله حراستنه تیمور طرفندن مامورا ولان التي نفر مقدار ی حرسه
ما خود و نعمت جیانتدن مایوس اولدیله و غرطاش دخی مدار ایلده تیموری
اغفال و هزیمه نشر و بال ایدوب انج غره نایبی زین الدین و صفد
نایبی علاء الدین تونینغا العثمانی و بعض نواب مسجون و ذوایه هجرده
محزون قالدیله بعد ذلک تیمور پر زور بعلیکه القای ناره فتور ایدوب
اهالیسی استقباله تحریک پا ورجای صلح ایلده قرع باب استعفا ایتد کلندن
ملکقت اولوب تسلیط ضواری برله استیصال واضرار اولدیله پس ازان
موکب سلطانیه و کتیبه خسروانیه مانند بحر زخار و سیل سیال و طوفان
تیار و سمر قتل کلوب قبه ستیاری مضرب خیام و مشرف دمشق شام
اولدی ازین جانب شواهیین مصریه و جرحه بازان اسلامیه نشر جناح
و طی اوقات غد و رواج ایدوب ملحق موکب پادشاهی اولمغله از لام سهام
سمت مخالفی راصد و صواعق سیوف لری طرف دشمنی قاصد نضال رحلری
اجسام اعدای فائق و خنجر سرستیز لری زخمند صادق بخایب مجنبه
و خیل مستومه برله میدان مقابلیه رسید و دیوان مقاتله ده صف
کشیده اولوب ترتیب جناس عسکر و تصنیف صنوف لشکر و تعقیبه یمن
ویسار و تعین چرخ و دمدار و تقویه قلب و آماده ضرب مانند ضرغام

مقصود
معنی اول و دوم میدان و اسفند طالع کجی و سید اوله
و اول کجی عسکران کجی و سید اوله و سید اوله
موتی الدنیا و موتی الدنیا و موتی الدنیا
مقابل نزول و موتی الدنیا و موتی الدنیا
سید اوله و سید اوله و سید اوله
ایسه شدت ایدر و سید اوله و سید اوله
آسمان کجی دایم بند اولور و سید اوله
بروزین غبار دوش

مقصود
معنی آسمان بلا جوری نوید که در ماه
کجی کجی طالع ایدر و سید اوله و سید اوله
کوستور و کجی طالع ایدر و سید اوله و سید اوله
سفاح و نطاح شیطان نوری دیم ایدر

و مشاکل اسودا جام سیوف حتوفی میانه ثابت و هربری کویا کواهل
خیله نابت عربیه **وَرَبُّ ذِي الْحَبِّ كَالْقُرْدِ ذِي خَنْقٍ كَأَنَّ الْبَحْرَ**
فَانْتَاهُ غَابَايَاتِ بجران فی کل موج منها اسود **بِلَا غَبِ**
الْمَوْتِ فِي كَفَيْهِ حَيَاتٍ کل تری العین معناه و صورته عینک
الْبِزَالِ وَإِنْ يَنْزِلُ فَتَنْطَفَايَاتِ ان یسر ذی السماء فی الارض ذایره
اوسار تقعد اذضا منه غبرای مدلولی طرفینک حالندن حکایه
عربیه **كَأَنَّ الْجَوَّ ثَوْبٌ لَا يَزِدُّ** یزدکش نسیج قصب الرماح
فَإِنْ عَقَّدَا لِقَاءً فَرَعْلِيَةً لَيْلًا اذ ان صفاحه لمع الصفايح
وَكَأَنَّ جُحُومَهُ الْيَشَابُ تَرَفَّى شیا طین الکفاح کدی النطاح
مدلولی فتنینک حرکا نلرندن کتایه اولوب افواج امواج کیرودارگر
بومنهاج اوزره متلاطم و مجمع البحرین عسکرین زیرعجاج بالا کیره
متصادم هربری علی طریق المفهوم و ما مثالا له مفار معلوم دیو
ندا ایدرک ماه ربیع الاولک اون برنجی کونی عام ثلاث و ثمانیا هجریه
علی صاحبها افضل النجیة ده غیلان و غاقبه یلبغایه وصول و فیه
طرفین یمین و یسار ده قرار ایدوب امرای مصریه منازل و مساکنه
نزول و جیوش تا نارد مشقک غریبسنده دیار والی قطننا و اول حولی
ما بل اماکنده نازل اولدی لر بر آئنده سلطانک بعض احوال و انقالی
بلده نقل و احوال و عده و عدد ایلده شهر و قلعه یمه امتیاز و یرلدکن
صکره حفر خندق عمیق و ستد و بند مضایق طریق ایلده مردان جنک
چوبلنک خود کشتیران تهمین دشمن افکن مها و شه و منا و شهیه مبا
و فرمان سلطانیه درون بلده اولان طایفه عسکری دخی معرکه کاهه
بروز و بذل مقدرب ایدوب کباش فحول ناطح و ابطال رجال کرز سپر و تبر و خنجر
ایلده نکاحه ایکن اطفال و عجز بلده کوجه بکوجه محله به محله آواز بلند ایلده

یا رحمن انصر

یا رحمن انصر السلطان دیو ندب و ندا و سایر مسکین و فقر ادخی
استنزال انصر ایلده دست تضرع و ابتهالی مرفوع بادکاه کبریا ایتمکه اولور
ازین جانب اوله نکام قیامت اندامک رؤسای بلده حکام شام قاضی
القضاة برهان الدین التادلی المالکی مقام یافته شهادت و قاضی القضاة
شرف الدین عیسی المالکینک ضرب حسام ایلده بریدی بی حرکت اولوب عسکر
سلطان ظفر بولد قلری ناطق و صامتی تدمیر و اسوء حال ایلده تشهیر ایدر
ایدی فصل معرکه مذکورک نک تفصیلی بیانندن در اثنای هنکار
برخاشده بحر زخار تا ناردن اون بیک قدر مردان بر توان ماسند
نهنگ هفت جگر غوطه خور قلزم خطرا و لمغین بشیوز مقدار ی لشکر
شامیه و امیر استنبای او چیوز قدر جندی که هر برینک استقامت دجنه
قد و دملاح مایل و لحاظ سیفنه دماء عشاق سایل مژه سهاملر
صایب و جنات سپر لری حاجب تبرزین ذرینلری مهر و ماه ایلده بکوره
ولمعان خود لری خد و ذلری ایلده دوبر و ملا بس ظاهره لری جلای بشیره
کبی مجلا و فولا دلبوس لری قوت قلب لری کبی مجلا عربیه اسود اذ
کروا طیبا **اِذَا فَرَّوْا جِبَالًا اَنْ سَوَّاهَا اِذَا اسْتَمَوْا شَمْسًا اِذَا اَخْوَا**
بَدُورًا اِذَا اَجْلَوْا رِيَاخًا اِذَا هَبَّتْ اَعْمَارُ اِذَا هَبَّتْ صُفُورًا اِذَا نَفَسُوا
غُورًا اِذَا اسْتَمَوْا رَعُودًا اِذَا صَا حُصَاوَعًا اِذَا رَمَوْا مَدْلُولَةً مَّاصِدَ
عَرَبِيَّةٍ وَفِيهِ مِنْ بَنَاتِ التَّرْكِ مَا تَرَكُوا لِلرَّعْدِ اصْوَاتَهُمْ جِسْرًا
وَلَاخِيًا قَوْمًا اِذَا قَوَّبُوا كَانُوا اَمْلًا تَكَّةَ حَسَنًا و ان قویتلوا
کانوا اغفاریتا مدحنه مستحق مبارز ایلده متوجه حومه دغا و وراء
قبه بلیغاده واقع وادی فیه طرفین ملحقا اولدی **فصل** اسود غاب
اول ذباب و کلای کور بنه مؤمنین مصادق احزاب اولور کبی هذا ما وعدنا الله
ورسوله کریم سن تلاوت ایلده سل سیف و ضرب صحیح مباردت ایتد کلرند

مقصود
معنی اول و دوم میدان و اسفند طالع کجی و سید اوله
و اول کجی عسکران کجی و سید اوله و سید اوله
موتی الدنیا و موتی الدنیا و موتی الدنیا
مقابل نزول و موتی الدنیا و موتی الدنیا
سید اوله و سید اوله و سید اوله
ایسه شدت ایدر و سید اوله و سید اوله
آسمان کجی دایم بند اولور و سید اوله
بروزین غبار دوش

عروضی که از قاعده و اصطلاح
عروضی و حالت او نشود
غفلت از تنبیه

طائفة جغتای دخی کثرت ایله احاطه غلبه و مصرعین با زوی قوتلرینه بوج
اوزره طرح دائرة مجتلبه ایتملرله لشکر مصری مابینده مانده عرض
اولمغین تقطیع و ضرب دائرة تاناره کوشش ایدوب اولدخفته ابتدا
اضمارلری قطع رؤس و خیل العقول و قطع الکفا ولوب بعده دمح طویل ایله
عقللرین مصروم و دشق مدید ایله قرص شکلرین ملشور و ضرب شدیدا ایله
وافرلرین تقیل و دخی سهام ایله سریع و کما مللرین تذلیل و وفق مرار اوزره قسم و خرم
و مباحجه و محاصره ایله علی کل حال اعدای هر فوض و منقوص و رد الصدر علی الاعجاز طریق
خفیف خلاصه لینه سنجاز اتملرله مشطور و مقطوع محذوف و محجور و منهوک و موقوف
مرد و داولوب امیر استنبای دخی عسکر اسلام ایله بسیط و اجل و متدارک زاکلری
مجتلب و تشبیغ سابعلری نصر ایله مرقل و ظفر نام ایله مزبل و بیت دائرة متفقه
بی خلل و عروض و ضرب و بلری بلا ذخاف علی رجوع ایدوب عربیه **بسم الله در فوارس**
تَوَدُّ الْوَعْدُ تَنْقُضُ فِي الْحَرْبِ انْقِضَاصُ الْأَنْجُمِ ذَرَعُوا الْأَعَادِي وَفَضَّلُوا
بِالْمَرْهَفَاتِ وَخَيَّطُوا بِالْأَسْرِمِ مدلولی صورت حاللری ولدی **فصل**
تیمورک همشیره زاده سی سلطان حسین صور ظاهره تیموردن روگردان و سلطان
مصره رجوع و ملاقات ایله رقبه متابعین پیرایه جید جان ایندی کجور و نسج بنجامت و
قصبه السبق شهامت اولمغین قد و میل اهل مصر بالغ نصاب مسترت و متشعر نصرت
کلاه تانارین سلب و لباس مصریه ایله خاطرین جلب ایندی بیدر ذلک تیمور لجاج
بازار مکر و حیل به رواج برله بر مقدار رحلت و تکرار رجوع قهقرای ایله رجعت
ایندی **فصل اعیان عسکر سلطان بیننده واقع اولان خلاف بیاتده**
اول سفر ملالت اثرده انا بک عساکر و رئیس اکابر و اصاغر خلاف کافل امور جمهور
ملك الملك الناصر امیر شیبک اولوب عساکر سلطانیه اگر چه چند کثیر و جیش
غزیر ایدی لکن هر امیر دعوی استقلال ایله بادیه پیمای عناد اولوب
نه چندان رئیس لرینه منقاد اولما مغله اشعار شعور لری دور و مؤلفه

مقصود یعنی اولان سلطان
الله تعالی خیرین زیاده اینست
کجی حکم و کویب اعلائی اندازه
ایله اولدولرین
و سهام ایله دکیلی

دائرة مختلفه به

دائرة مختلفه به منتقل و د و بیت اتفاقری ساز بداهتک مختلف
الاولی ایلر نفاهه متبدل و نظم انتظاملری عروض غرضله متخلل
اولوب تشیت ادا و تصادم اهو ایله هر بری صاحبک قبا عرضی
مقراض ذم و نیمه ایله تقریض تمکین مابینلرند منافرت و مشاجرت
نمایان و اختلاف السن والوان اولوب رعایت رعایا مفقود جرکسی
حکم مثلی جمله ده مشهور اولمغله اختلاف و خلاف اکابر و اصاغر و اعلا
و اسافل و ایل و اواخر لرینه سرایت ایدوب عربیه **تَفَرَّقَتْ عَنِّي**
يَوْمًا فَقُلْتُ هَا يَا رَبِّ سَلِّطْ عَلَيْهَا الذِّبَّ وَالضَّبَّ مدلولی
مستحق دشنام و بوج حرکت ایله بعض رئیس لری بی آراء اولوب متوجه قاهر
و ترک قوت ناصر ایتمکله جاهل علم سیاست و ناسازی مسند ریاست
اولدولرند تیموری تصدیق ایندی سلطان ناصرک دخی قدم ثبوت
و صبری لرزان و جمیعت تاب و توانی پریشان اولمغین زیر جناح خنجه لیل
نشرلوا و حرکت قهقرای ایله رفع پا ایدوب قاضی القضاة برهان الدین
النادلی و ضو ساز آب پاک شهادت و قاضی شافعی علاء الدین بن البقا
سلطان ایله دهکیرای غریمت اولدی بوانانده مشغول نوم یا عدم قدرت
حرکت ایله پس ماند قوم اولانلر ناکاه مانند آهوی پادریکل شکار تازوی
تانار قسی دل اولدیلر ازین جانب مامور خدمت محافظه شهر اولانلر لیل
و نهارد و بربروح و اسوار و رد کید اعدایه بذل قنار ایدوب طرف سلطانی
حصول فرج امید یله تبتهج ایکن بعض لیالده چه کونکی حرکات عسکریه و حال
سلطانیته به اطلاع همچون اماکن عالییه طلوع ایدوب دور بین قوت بصر
ایله اوردوی سلطانیته فی مطمح نظر ایند کلرند متعدد نیران نمایان اولوب
مخیم سلطانیته شرور شرردن ماعدانار و برلرند برناغ نار قالدوغی
علی الصباح اهل بلدک منظوری اولوب هریمت پادشاهی شایعه اولمغ

مقصود یعنی قوتلریم
بابت اوزرینیه ذب و ایل و قوت
سلطانیته دیدیم

اصواتی خاشعه و حرکتی ساکنه و لمغله تیغ حلول باس و یا سر ظهور
 ناسی شکسته و تفاقم هوم و تقاطع غمور رابطه همت و غیر بتلین کشته
 انقطاع اسباب نضر و انواع عذاب ایلد ضیق صدر حاصل و لمغین تلاش
 کت و قزو مبتلای خط امر و ولد یلر فصل یا دشاهک هنرمیتی ایلد تیمور
 مستدرج مسرور عربیه **أَمَحْدُ يَتَوَيْلُكَا مَا تَوَيْلُكَ وَالْيَضِيدُ أَدْبَرُ**
وَالْمَأْمُولُ قَدْ حَصَلَ ترانه سیله مترنم و غنیمه حصول آمان ایلد مفتنم
 اولوب برندن رحلت و قبیله القای ثقلت برله وضع عصا و متکای راحه
 اتکا ایدوب فرار یلر شکار نه جوارح تیزدوان نغین و اطراف و اکنا فخر
 ورجال بریشان و دایره سن حفر خندق ایلر محصین ایدوب جنود مسیلند
 گرفتار دام بلا و لایلا حضار و لند قبح مرتکب و بال و یا مال اقیال ایتدو
 ایدی اعلام اعیان دن مالکی المذهب و منظر اصمعی الروایه و المخبّر قاضی
 القضاء ولی الدین عبد الرحمن ابن خلدون قفول سلطان دن مغفول
 اولمغین گرفتار و مدرسه عادلیه ده نزول ایلد فرار ایتدی **فصل**
 الملك الناصر ما نند سحاب جرى سریع بحربك دكا با ایدوب اگر چه تیمور
 طرفدن بی ضرر و کزند محل مراره اماله لکام ایتدی لکن شیاطین
 تانار بی پروا طولاً و عرضاً شرقاً و غرباً ضوای و نواحی اراضی مقدسیه
 مستولی ولد قلرندن غیری محروسه دمشق تسخیرینه تقدّم ایلد اقدام
 و کار احصاره بذل اهتمام ایتد یلر بوندن اقدام مرسوم نول قلم اولدوغی
 اوزره مدینه مذکور حصینه و انواع تدارک ایلد منیعه مسدوله الحجاب
 مغلقة الابواب اولوب اهل بلد ظهور شاهده فرج برله ثابت قدم و خطابه
 تیمور و باشد و درباش ایلد رد جواب ایتشیکن مدایام ایلد امداد نابدید
 اولمغین رجالی کاسد و ظنلری فاسد اولدوغنه متیقن اولوب عربیه
كَمَا أَبْرَقَتْ قَوْمًا عَطَا شَاغِمًا فَلَمَّا دَاوَاهَا أَقْسَعَتْ وَجَلَّتْ

الحمد لله الذي جعلنا من
 قواديبه و قواديبه و قواديبه

الحمد لله الذي جعلنا من
 قواديبه و قواديبه و قواديبه

مدلولی کاشف

مدلولی کاشف حال پر ملا للری ولدی **فصل اعیان دمشق مشا و**
 و تیموره مراجعتی بیانده در اهل دمشق جانات ظنون ایلد توخه ریب
 المنوفی اشعار اید بجه اکابر شام و امرای علمای اعلام دن قاضی القضاة
 محی الدین محمود الحنفی و اوغلی قاضی القضاة شهاب الدین و قاضی القضاة
 نقی الدین ابراهیم بن مفلح الحنبلی النابلسی و قاضی ناصر الدین محمد بن ابی
 الطیب کاتب السرو قاضی شهاب الدین احمد بن الشہید الوزیر و شهاب
 الدین الحبانی الشافعی و نایب الحکمر قاضی برهان الدین بن القوشه الحنفی
 عقد مجلس مشا و ره و اداره کوش محاوره ایدوب اتفاق آرا و اتحاد لفظ
 و معنای استیمان ایلد تیموره و ادوب ماجرایه استفتا التملک اوزره قرأ
 داده اولمغین ابتدا ابن خلدون ما را الذکره مراجعت و مشا و ره و نیتلین
 بسط و حکایت ایتد کلرنده آنک دخی بو حرکت صواب دیدی اولمغین بومرک
 عثیت و حصول ابن خلدونک حسن تدبیرینه حواله و اقوال و افعاله احاطه
 التملیله اولدخی تدارک هیئت مصنعه عجیبه ایدوب عامه خفیفه و قیافت
 ظریفه و برنش سیاه رقیق الحاشیه ایلد پیشرو قوم اولوب هنر خوف و هراس
 ایلد مجلس تیموره قدوم و بین الخوف و الرجاء دست بسته و دلشکسته
 مقام شفاعت قیام کوستورد کلرنده تیمور جلوسلرین اشارت و رفع
 وحشتلری الجون روی هشاشست و بشاشست کوستور و ب حرکت و سکونلرینه
 نظر و قول و فعللرینه القای سمع و بصیر ایدرکن ابن خلدون استغراب ایدوب
 بورجل عجیب اهل بلد دکل ظاهر امر دغریبدر دیکلاه ابن خلدون اجاله
 سمند کلامه مجال بولوب میدان مکالمه دیمین و یسار مقتضای حال
 اوزره سوق کیمت مقال ایدرکن نشر سماء طعام و طی بساط کلام اولوب
 مانند نازل لحم مسلوک احضار تقدیم و هر کسک لیاقت و استعداد نه
 کوره توزیع و تقسیم اولمغین بعضیلر تعقفاظهار و بعضیلر تکلم ایلد

وقت گذارد و بعضی در عربیه **كُلُوا أَكْلَ مَنْ إِنْ عَاشَرَ أَخْبَرَهُ** و از آن
يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ بَطِينٌ مدلوله رجوع و ستد باب دغدغه یا جوج جوج ایدر
جمله اکل کردن قاضی القضاة و اولادین ابن خلدون اولوب هم اکل ایدر هم گوشه
دریجه چشمه نیتوری ترصد ایدر بتور کند و به تعلیق نظر از دقایق که قصر طرف
و تقید اکل و شرب مرقا ایدر ایدی بوانا ده ابن خلدون لایبالی رفع صوت عالی
ایدوب یا مولانا الامیر محمد الله العلی الکبیر دخول مجلس ملوک انام و تاریخچه
احیای اموات آیا ایدوب ملوک عربدن فلان و فلان خدمته مواظب
و سلاطین زمانه دن پنجه سلطانه مصاحب اولوب مشارق و مغارب زمینی سیر
و سیاحت و هر بقعه نک نایب و امیر یله عیش و عشرت ایدم لکن الحمد لله تعالی
عنایت عمر میدید و مساعده بخت سعید ایلان ملک علی الحقیقه و شریعه سلطنته
علی الطریقه ولان پادشاهک مجالسه و موانستی ایلک کاران مرام اولدم اگر چه
طعام ملوک دفع تلف ایچون اکل و نوراتما مولانا امیرک طعامی دفع تلف
و کسب شرف ایچون تناول و لغورد بو ختم کلام ریا ارسام ایدنجه تیور بو نغمه
و بوسازدن تعجب و رقصه قریب طریبا ایلک اهتر از ایدوب ابن خلدونه توجیه خطا
بر له بعض اخبار ملوک عربدن استخبار و آیا در دولت و هنگام سلطنتلرندن
استفسار اتمکین اولدخی منظور و مسموعی آثار و اخباری رشته کش تغییر و نظم
سلک تقریر ایدی **فصل** بعض ایامده علمی مذکوره حضور تیموره دایره بند
جلوس ایکن سلطان ایلک تحریک رکابا نهزام ایدنلر دن قاضی صدر الدین
مرده تیمور دامنه کوفت ایلک احضار اولند قدح عامه کالبیج واردان کاخرج
ایلک خروج و بلاذن تخطی رقاب و قعود فوق الاصحاب ایتکین بووضع
نا پسندیدک تیموره کران کلمکه آتش غیظی محترق و تراحم تهو رایلک مخفق و خفقان
غضبیب طیان و جمیعتا بنساطی پریشان اولوب بعض اراذل اشارت ایلک
مزبوری کتبا برکشان شتم و تحقیر مفرط و ضرب و کسر موجع ایلک مجلسدن

معنی اکل ایدک آنک که کسی را
فالودسته اهلند خبر و بوی شکر
بدک و اگر اولودسته فارسی طوف
الکبر ملاقی اولود

طعام ملوک دفع تلف ایچون اکل
اولور دیدی الله اعلم یعنی ملوک
طعامی بایر اس بی قند ایلک و طریقی
افزوندر که اگر خاص و عام اکل ایتکین
تلف و لوق اقتضا ایدر ایدی تلف اولقد
ایس اکل و نامای اولادریک اوله

دور و سیاست و عذاب بنجدید و بند و قیدن تشدید ایتدیلر بعد ذلک
حالت اولی به رجوع و اهل ولایت ایلک مجامله و حسن معامله و الباس خلع
متنوعه ایدوب تکریم و احترام مالا کلام ایلک مسرور و منشرح الصدر
قلوب کین ضمیرنده اولان شرو شوری اول ساعت لغه مستور ایتدی عربیه
کالمه زینة المهدی وعظه **وعن قریب بنضیف الموت اطعمه سلطان**
ناصر و امرا سنک بلک مذکوره ده محروزان اموال و انقال و دواب
و مواشی و مالیک و حواشیلرین طرف تیموری به تسلیم ایتک شرطیله اهل
ولایته امان و بر مکه آنلر دخی ظاهر و باطن و متحرک و ساکن سلطان
ناصر و امرا سنه متعلق اولان اموال و انقال و مواشی و حواشیلرین بالتام
میدان محنته تقدیم و وکلای تیموره تسلیم ایتدیلر اما قلعه اندروز ازاد
نام امیرک ضبط و حکمه اولغله تحکیم و تشدید قلعه بر تقید و استعداد
ایلک دشمنی ابعاد ایتک ملاحظه سیله منانت و مکنت کوستودوب طرف
سلطانندن امداد و یاخود عالم غیبیدن حال آخرا یجادینه منتظر اولدی اما
تیمور بدی امرده قلعه طرفنه ملققت اولیوب تحصیل اموال سلطانیته به صرف
همت و توسیق احوال و انقاله دقت ایدوب بعد اهل بلک طرح مال امان
و جمع و تحصیل اعیان ولایته حواله و استیفا ایچون اهل دیوان و کتاب
و ارباب حساب و مباشر کل ارکان دولتمندن سیف الدین نام امیرک برادر
الله دادی تعیین و تحصیل داران جبار و ظلم قهار تبیین ایتدک نصک اطمینان
قلوب مرعوبه ایچون اصوات مرغوبه ایلک موارد و مشاردع و مصادر و معابرده
منادیان ندای امان و نادره **بیت** کسی را با کسی کاری نباشد
مفهوم جمله به اعلان ایتدیلر حتی بعض جفتای اموال ناسه اطاله دست غارت
ایتدوکی تیموره کوش زدا و لغین سیاست ایلک صلیبه فرمان ایدوب درسا
اماکن مشهوره دن سوق حریر بند صلب اولندی اهل بلد بوحر کردن کسب

معنی اکل ایدک آنک که کسی را
فالودسته اهلند خبر و بوی شکر
بدک و اگر اولودسته فارسی طوف
الکبر ملاقی اولود

فرج و امید خیر ایلده دفع دغدغه و ترج ایتدیله پس اذن فرمان تیمور
ایلده ابواب مدینه دن باب الصغیر فتح اولوب خانه و خانلری و بیوت
و دکانلری بقتیر و قطیر تحریر و مال آمانی حارات یعنی محله لر توزیع
و تقسیم و احضار مال چون ظلم و عدوان تقدیم و داد الذهیب نام
مکان مستخلص یعنی محبس یقین اولندی بعضی اشرار بلدی بعضی سینه
سلیط و اولکلاب تیزدندان ایلده مانند اصطیاد آهوان شکار
فقرای ناتوان ایتدیله اولهنکامد جیش خریف مانند لشکر مصر
قفول و جندشتا مثل جیش جفتای قطار ارضه نزول تمکین تیمور قصر
ابلق نام منزله بعد بیت شخص نام موضعه منتقل اولوب قصر مذکور
هدم و احراق امر ایتدی پس ازان جم غفیر ایلده باب الصغیر دن شهره
دخول و ادای جمعه چون جامع بنی امیه یه نزول و حقیقه یی شافعی یه تقدیم
ایلده اقامه جمعه و خطبه قاضی القضاة محی الدین الغزالی یه بسیارش
ایدوب ادای نماز جمعه و منزله رجوع ایتدی بو موقعه و قایم دورا
دور و امور شرور نا محصور اولوب تفصیلی موجب ملل اولور ملاحظه
اقتصار و اختصار اولندی **فصل عبدالجبار بن نعمان الخوارزمی المغزلی**
ایلده علماء شامک بیننده **اولامبایانده** دمر بو تیمورک ترجانی و تکلمه لسانه
مثابه سنده اولوب علمای شام ایلده بعضی مناظره لایسته قاضی القضاة
ابراهیم بن مفلح الحنبلی ایلده مناقشات و مباحثات و پنجه مراجعاتی اولدی
از جمله واقعه حضرت علی و معاویه رضی الله عنهما و اول قرون خالیله ده وقع
مباحث و ظلم یزید و قتل حسین الشهدا السعید در ابتدا عبدالجبار بو وجه
اوزن سوق کلام الم انا ایتدی که فعل یزید ظلم و فسق بلا انکار اولوب هر کیم
استحلال ایدرسه ورطه کفرده بی مجال اولور لاجرم اول فعل حرام مظاهرت
اهل شام ایلده واقع اولدی کراول فعل بد انجامی مستحل ایسه لکفره منسوب

اگر مستحق دکلر ایسه عصاة و بغاة و اشرار دن محسوسیلر در و الان شاهد کن
غایب کنک مذمبند در دیمکله حضار مجلس انواع اجوبه ایلده مقابله
ایتد کلرند بعضی سن دده و بعضی سنک کلام من تعجب برله قبول و پسند
ایدکن کاتب التمر بو سوال اوزره جواب با صوابه متصدی اولدی که **الله**
الکبر بقاء مولانا الامیر بو فقیرک رشته نسبی سلاله حضرت عمر و حضرت
عثمان رضی الله عنهما منتهی اولوب جدا علای حقیر اولهنکامد دخول
اول بحر دخول ایدن رجال حق و ابطال اصد قدن و وضع الشی فی محله
ایدن اخبار دن ایدی یام بداندام یزیده بر نوحه حضرت امام حسینک
سر مبارک کنه توصل و تنظیف و غسل و تطهیر و طبیب ایلده تحمیل و تقبیل
ایدوب توبه سنده متواری خاک عطر ناک ایدوب و بو فعل و حرکت کن عند
الله افضل قریب عدا تمکین ابوالطیب ایلده مکنا اولمشدر حاله علی کل التقادیر
یا مولانا الامیر اول مت خالیله و غم هموم مجلیله اولوب کرتلیخ و اگر شیرین
مرور و منقضي اولدی کندی الله سبحانه و تعالی بزی اول ورطه دن دور و سوز
اول خوندن تطهیر و طهور ایتدی شمدی اعتقاد بمنز اهل سنت و جماعت
اعتقادیدر بو طومار کلامه امضا کش اختتام اولد قد تیمور بالله العجب
اولاد ابوالطیب ایلده مذکور اولد و غکزه بودر سبب دیو نفوة انمکن نغم
قاصی و دانی شاهد در که فقیر محمد بن عمر بن قاسم بن عبدالمنعم ابن محمد بن
ابی الطیب العمری و العثمانی اولوب بحر نسیمز بو وادیده جاریدر دبدکه
تیمور یا طاهر الاسلاف معذورا و لمسم سنی پیرایه عائق و اکما فایدردم
لکن سکا و اصحابکه عمرتبه نکیریم و الطافم اولد و غی منظورل اولور دیوب
جله یی تعظیم و افر و تطیب خاطر ایلده تشییع ایتدی مسئله نک بری دخی
بعض کتاب تیمور سوال اضرار و نکایه ایدوب مرتبه علم و درجه نسب و تبارند
سوال ایتد که قصدی معلوم اولغین کمنه کشف مفهوم اتمک جرات اتمدی

هجرت مغرب اولت و دودیه
 هجرت بایستی و اولت و دودیه
 هجرت بایستی و اولت و دودیه

ابن قاضی شمس الدین الحنبلی جوابه متصدی ولوب درجه علم پایه نسبند افضل
 و ایکسنت دخی عند الله مرتبه سی سنا و اجل در هجرت فاضل هجرت جاهله تقدم
 ایدر و مقرف منیف نسب شریفدن اما هته اولی در و بوکا دلیل جلی اجماع صحابه
 تقدیم حضرت ابی بکر علی علیه رضی الله عنهما حضرت ابوبکر صدق علم و اسلام
 اقدام اولد و غنه اجماع اولندی و صحت اجماعه قول صاحب الرساله علیه افضل
 الحیثه یعنی لا یجتمع اثنی علی الضلاله دلیل کافیدر دیو کلامه اختتام ویرنج
 نزع جامه و وضع عمامه مباشرت و کند و کند ویه خطاب برله عاقبت
 شرب شربت موت بر امر جاری و قرب و بعدی مساوی اما موت شهادت
 افضل عبادت و سلطان جابر حضورنده کلمه حق ابرادی حسن اعتقاد دند
 دیو نفسیه مکالمه ایتد و کی تیمورت منظور و مسموعی و لجنه بوم ملک قوی
 و فعلی ندر دید کده شیخ با مولا نا الجلیل طوایف عسکریکر ما ننند امم بنی اسرائیل
 بعضیله مذهب لوند متفرق و منقطع و اختیار تشیع ایتش لورد لاسنت
 بوجلس نقل و عقایل مبا حتی صدوری حل و عقد ایدر بو کلام فقیردن
 ثابت و اهل سنتدن غیر کی کسسه واقف و لور سه سیمادعوی موالات
 حضرت علی ایدوب ترک محبت حضرت ابوبکر رضی الله عنه ایله رافضی اولان
 کسسه لولا محاله فقیری قتل ایدر لرجهارا و عدم ناصر مله خوئی اراقه ایدر لر
 نههارا بو تقدیرجه نزع انوایه سبب اول حاله مستعد و رام و احکام قضایه
 شهادت ایله اختتام ویرمکدر دید کده تیمور بونه رجل افصح و کلامه اجر
 و او قدر دیو باطراف و حواشی بر التفات و بعدا لیور بو آدم مجلسه و وضع
 قدم ایتسون دیو تنبیه ایدر ایتدی **فصل احوال عبد التجار بیا ننده در**
 مزبور تیمورت عالمی و امامی و خوض دماء مسلینده پشروی ولوب عالم
 فاضل فقیه کامل تجان محقق اصول جدلی مدق ایدی پدری نعمان بلد
 سمرقنده نعمان ثانی ایله مشهورا ولوب نکار رویت ایدر ما بیننده معرفت

اولمغه بصیرتی

اولمغه بصیرتی کی بصیری مکفوف و لمشیدی اکثر علماء ما و راه التهر
 مزبور دن اخذ علوم فروع و نقل مسایل شروع ایتش لورد در مخفی اولیکه
 اهل سنت ایله طائفه اعتزالک فروع و اختلاف لری ولوب ابن
 اصول دینده مسایل معدوده ده خلا فلی واقعد **فصل**
اهل شامدن تحصیل مال بیا ننده فقرای شامدن استخلاص مال همچون هر
 غشوم ظلوم و کفور ملوم و هر صاحب فاقه صدقه بن الجانی و ابن
 المحدث و عبد الملك ابن التکریتی مانندی عواقب الظلم تصدی ایدوب
 و مخالفت و تقاعد امکانی و لیان اعیان ما الذکر و خواجه مسعود
 التمنانی و مولا عمر و تاج الدین المسلمانی خدمت مذکوره ده مداوم
 و ارباب دیوان و حساب و ضبط امور خزینه و کتابه ملازم ولوب
 و مباشر و مستوفی مال معهود الله داد باب صغیره دار ابن مشکورده
 قعود ایتدی بواننده اجناس مختلفه ناس بر برینه اولان حقد و حسد
 ایراد و تنور دله مدفون اولان نائر غلن ابقاد بر برین ظلمه یه غمز
 و سعایه یه مبادرت ایله تحصیلدار لر مظاهر حاضر ولوب عربیه
 لا یتسألون آخاهم حین یندبهم فی الثائبات علی ما قال برها نا
 ادنا اشارت و اقل عبارت ایله مساکینک ساحه حالی و زمر جبال
 نکالدن بنای قصور شواحق و حدائق فقر لینه سحاب عقابدن تسلیط
 رعد و صواعق و توجیه برق دمار و بوارق بو ایدر لر ایدی **فصل چهارم**
قلعه داخل بیا ننده در تیمور بلا ظهور احوال بیرونی تمام ایدنجه تسخیر
 قلعه اندرونه بذل اهتمامه مباشرت ایدوب کازا احصارده بذل اقدار
 ایتد و کندن غیر طرف غربدن قلعه یه مسلط بر قلعه کوه آسا بنا سن فرما
 اتمکین در ساعت جمع اخشاب و احطاب و لوازم احضار و قلعه مذکوره
 قلعه یه استعلا ایله استوار ایتد و بامرا حصار ی امرای کبار دن جهانشا

مختصر کتاب
 نفی صلیت بادری کندولین
 دفع بصیبتا چون نذا اند و کن سبب
 و نه همچون نذا ایدر سن دیو بهان طلب ایتدی
 و اوردی

ذمت همتنه تعلیق و نصب مجانب و در حجاز ایله تضییقه مباشرت اولندی
 درون قلعه ده فته قلیله ایله شهاب الدین الزردکاش الدمشقی و شهاب الدین
 احمد الزردکاش الحلبی و قعه قلعه به مبتلا و رد کید اعدایه تحریک دست
 و پا ایدوب اگرچه اهل قلعه هر بر هجوم دشمنی استعدا ایلر رد و ابعاد
 و ابعاد مدافع و ابراق سیوف قواطع اتمکله ما فوق عدو خارج دایره حد
 قتل و اهلاک اعدا ایتدیلر لکن بحار جیش تیموری بردن جوش و احاطه
 قلعه به یکدست خروش ایدوب غلام بلادون رمی سهام و آتشکده شنددن
 شرر انداز صواعق و بوارق خصام وزیر و زبردن و چپ و راستدن توجیه
 عذاب و انزال باران عقاب ایتد کلوی اهل قلعه به بالضروری با غناضطراب
 اولمغین تشبث ذیل ماندن غیری ملجأجات اولدوغن تحقیق ایله من غیرت
 قلعه دن نزول و متخصن حصن امان اولدیلر بو وقایع مهول و قضایای
 مذهب العقول و آخر ربیع الاخر دن جمادین و ماه رجب المرجبه واقع اولوب
 لکن امر محاصره قلعه به فرق و چ کوندن صکره زیاده تقید اولمشد انجق
 بو ایامک اکثرند تیمور دعوت افاضل و طلب ارباب حرف ایدوب و جمع
 عبید زنجی ایدر ایدی و حریر با فلر بو ایامده بلاخیاط طلا و حریر ایلر
 ملون برقبای عجیب پیشکش غریب ایتدیلرینه بوا و اند تیمور مقابر باب
 الصغیره زوجات طاهرات بنی اکرم صلی الله علیه و سلم قبر انور لری و زره
 ایکی قبّه ملاصق بنیاد بلند عمار ایتدی **فصل در باب عقولک دفع مضرت**
 تیمور چون ایتد و کی تدارک بیاند **در** بلده صفده رؤسای تجارتدن
 علاء الدین دواداری نام بر تاجر مشکور الماثر اولوب بعض خدمات مبروره
 تقریبیلر طرف سلطان مصر دن بلده مذکوره حاجب لکنه سزوار و اولجاء
 عالیه تکمیل اعتبار ایتشیدی دولت چراکسه ده نایب بلده سفر اقسا ایتد
 حاجب قایم مقام اولق قانون اولمغین بوندن اقدام سرزده نول قلم اولدو

اوزده نواب سلطانی حلب طرفه اماله لکام عزیمت ایتد کده نایب صفد
 توبغا، العثماني في معا استصحاب اتمکین علاء الدین تجارتدن حکومت
 ایدوب ولایت مذکوره ده قایم مقام عالی مقام اولمشیدی و قعه انکسار
 حلبه گرفتار محبس تیمور اولان امرانک بعضیلری رختکش دار عقبای
 و بعضیلر فرار ایلر رها بولوب انجق حاکم صفد توبغای عثمانی و حاکم غزه
 عمر ابن الطحان پسمانده سجن اولمغین قضاة سوء اموال ایتامه لاقید دخول
 ایتد کلوی کبی تیمور شامه حلوله اطرافه اولان ولایه هر بری اقسا اجتهای
 اوزده حرکت ایدوب بعضیلر تحصین اماکن و بعضیلر تکتک بحارین و بعضیلر
 جنک استجرا و بعضیلر فراری اختیار و بعضیلر مهادات و مهاده نیر قرار
 و پردیلر علاء الدین مذکور ذی قدریت مالیه و مالک قوت عقیده اولمغین
 قانون تجارت اولان فکر صرفه و حسابی بر طرف ایدوب امن بلد و خلاص حاکم
 صفد خصوصند استنطاق بر خرد ایتد کده بو وجه اوزره نصیحت بخش
 اولدیکه وفرت مال و اراکین فوارشایسته حال دکلد و ستر عرض چون اولان
 اتفاق دوجه صدقه ده مانند ثمر و اوراق قدر و دنا نیر صفر و دراهم بیض
 شمع شب رای ایام سود در دیمکله مرشد عقله متابعت و تیمور ایله مجامله و مهاده
 و مانند تدای مرض معالجیه سرعت ایدوب ایتد اولان کار کذار واسطه
 خریدار بارخانه رضای خاطر تیمور اولوب مانند عربون بوجه پشین اجناس
 اموال فاخره و تحفه بهتیه زاهره اهدا و استدعای میل خاطر و منفاد و امر
 اولدوغن بیان ایتد و کنه تعاقبا ساخته بندرگاه جسم و جان اولان استغنه
 امن و امان معارضه سپهون متاع شامدن اصناف اول پیشکش ارداف
 اتمکین تیمور سبعینی مشکور و تجارتن مبرور و توب ارسال نامه تحت خامه
 و دفع وحشت و دهشت ایتد کدن غیر طوایف جفای ایله مباحعه و معا
 ایدوب افراد عسکریدن بر فرد اطاله دست تغلب ایدر سه ولد و برادر تیمور

دقیق کی در تفکری رفیق آید بجهت دك تضیق سبیل خلاص واستنطاق و لا
 حین مناص ایند و در این دیو تحریر **بیت** تکیه بر جای بزرگان نتوان
 زد بکراف مکر اسباب بزرگی همه آماده کنی مدلولند مغفول
 اولوب نام سن اول مقوله ترهات و خرافات ایله مشحون اتمک اوزره جروح
 موله به نمک ریز و اورام موجهه به ضرب کسر آمیز ایدوب کوند مشلر
 بوسیله کلام فی طایل و هذیان باطل بدلت مستقیم خاطر و خمیده
 ساز آتش باطن و ظاهرا ولور کلمات دوستانه و بعضی مخف ملوکانه تدارک
 و تقدیم و صورت معذرت و ندامت نام سن ترقیم ایدوب عاقلانه حرکت
 ایتش اوله ایدیلر جایز که کظم غیظ و سبب تبرید حرارت قیظ لری اولور اید
 اما بعد خراب البصر ارسال خدم و تقدیم هدایا و اظهار ندیم ایتدیلر لکن
 تدارک لری حرکت عاجز و ندامت لری غیر ناجز اولدی **عربی**
 ذُو الْجَهْلِ بِفِعْلٍ مَا ذُو الْعَقْلِ بِفِعْلِهِ فِي التَّائِيَّاتِ وَلَكِنْ بَعْدَ مَا فَضَّحَ
 وَجَادَتْ بَوْصِلٍ حِينَ لَا يَنْفَعُ التَّوَصُّلُ **فصل الملک الناصر ک قاصد**
 اولان نسیق تقریری بیانده در برید مذکور تیمور ایله وقت ملاقانه
 واقع اولان کفت و کویلرین بوجه اوزره تقریر ایدر که حضور تیموره و ایدوب
 آداب ملاقات رعایت و ادای شروط خدمت سفارت ایتدکه تیمور ^{مفهوم}
 نامه به اطلاع د صکره نام فقیری سوال ایتدی نسیق در دیدم بولفظک ^{معنا}
 و مدلولی ندر دیدی بلیم دیدم سنکه نامکک مدلولنه جاهل اوله سن بار
 رساله نجه حامل اولور سن دیدکد نصکره عادت ملوک ابقای دسلر
 تمهید قواعد و شاهراه سلوک تعین اتمشدر انا رسلاطین پیشینی
 اقتدا و سنن ملوک دیرین احیا سند اولی و لمسیدم جزای سزاک و پرو
 اما سنک کناهک یوقدر لوم و عتاب سنی بو خدمت ایله ایتدکه ایدنگدر
 اکا دخی خرج یوقدر زبرامبلغ علی و مدارک عقل و فهمی یوقدر درحقاکه

مختصر
 معنی جاهل اولان کسی که عقل و تدبیر ندارد
 و در ده عقل و تدبیر ایدر انا رسلاطین احسان
 ایتدی اما اول زمان که و صلیبک
 نفی فالدی

صاحبکار

صاحبک حقه اولان فعل شدید و رای سد بدیمک نتیجه سی ظهور اتمشدر
عربی إِذَا مَا كُنْتَ فِي الْأَمْرِ مُرِيدًا فَبَلِّغْ أَرَاءَ الرِّجَالِ سَوَاءًا
 بعد ذلك مكان عزت و منعكز اولان قلعه به واروب سیرایت دیدی فقیر
 دخی دمشق واروب خاك ایله هسر و رسم بنا و نقوشی زیر و زبر اولدوغن
 مشاهده و هزار حیف و درینغ ایله تیموره مراجعت ایتدکن صاحبک لایق
 حسن معامله و سنای مراسله دکلدر لکن عقبجه واروب عقاب عقوبتم
 جسمنه محالیب انداز و شواهین هتم صید و شکارینه پرواز ایتسه کون قرار
 یا فرار نشیر ذیل و ایکیدن برینه اعداد و استطاعه و احضار خیل ایتسون
 لسانا تنبیه ایله دیو اجازت و پردی حقیر دخی اول هول ایله بیجان جهت مصره
 دوان اولدم دیدی **فصل تیمورک بعد الامان اهل دمشق ایتدوکی**
عربی بیانده در مغرور مذکور اهل بلد دن جراب حرص و طمع نفایس
 اموال ایله مالی و شیئا فشیئا جلب ایله آسود و ابیضدن خالی ایتدکد نصکره
 تحصیل اموال مخزنه و مخفیته همچون دخی اعیان و اکابر ولایت تعذیب و سیاه
 اولنق امر ایتدکه یکان یکان میدان سیاستده تحقیر و طلب فقیر و فقیر
 ایله ماء و ملح و رماد اشراب و جسم و جانلرین آتش ایله داغ و کباب ایدوب
 معصار ایله استخراج زیت ایدر کی خیایا و زوایا ده اولان اموالی دخی
 استیفا ایتدکد نصکره نهب عام و سبی طام و فک و قتل و احراق و اسیری
 علی الاطلاق ایتدکه کفره و فخره عساکری مانند انقضاض نجوم سکانه
 و ثوب و پلکانه هجوم ایله اهلاک عباد و نهب و حرق و هدم بلاده مساکین
 و دك و فک و سبی مسلم و ذمی به سرعت ایدوب اشتر مخدرات و هتک
 حجب مسترات و فک قصور دن شمس الحدود و آسمان دلالدن بدور کال ^{شانه}
 ستوری استتزال ایله اذلال ایتدکلر دن غیری تفریق والد و ولد و انضیا
 روح و جسد و تدبیل عز و کریم و اهانت ضعیف و جسیم ایدوب اکبر و اصا ^{عز}

مختصر
 معنی جاهل اولان کسی که عقل و تدبیر ندارد
 و در ده عقل و تدبیر ایدر انا رسلاطین احسان
 ایتدی اما اول زمان که و صلیبک
 نفی فالدی

یوم حسابند اولین عقاب ایل عذاب و فلزات اجسامی بپوشیدند ابریزند
و انواع سیاست ایل عنادل نفوس ناسی تنکای قفس بدندن اطلاق و هر
بر فقیری استحقاق و غیر استحقاق ایل آویخته جنگال مثاق و افق عالم
علا بزم قیامه و اقربیت الساعه فی اشراق ایتد رو بیا اول بلای عام و قضای
طام و تراکم غموم و تراحم هموم ایل برادر برادر دندن و مادر و پدر و اولاد
و احفاد دندن فرار ایدوب نتیجه اول کفر و فجحه نک جسادت ایتد کلری افعال
شنیعه و مرکب اولد قلری و بال عظیمه قلم و تحریر و دایره وصف و تبیین
بیرون اولوب شدت نهب و غارت و غسرت غدر و خسارت و فساد و عیبت
و فسق و جدال و درفت و اباحت منکرات و هتک استادمحسنان و حج کون
مستمر و متصل اولد قد نصکره دار و دیاره القای نیران و یابس و رطبه آتش
اندا زخسران اولد قلرندن غیر حرق جساد و قتل و پامال اجسام شهید
ایدوب بعضی و افض خراسان جامع بنی امیه القای جرات بر لب امتکین
مساعده هبوب هوا و قوت عنصر نار مستعلا محو اثر و فوق و تحتی زیر و زبر
ایدوب اند دخی بر کون بر کجه استمرار نار اولوب لوحه مدینه ده منقوش و مرموم
اولان اثار ادانی و اشراف ملوس لسان برق کوه شکاف اولوب طرح بنیاد
ذات العبادی مفقود و دروضه و دوجه و کل و سنبلی محصور اولدی

فصل تیمور لنک بلا دشامدن در تخالی بیانند در اول معدن الظلم
و الظلام اقلیم شامدن یوم السبت ثالث شهر شعبانده نقض خیام و دفع
ظلمت غمام ایتد کده مضبوط کارخانه سی و غضب کرده عسکر شوی اولان
اموال و امتعه فوق الطاقه و مالا تحویه الاستطاعه اولوب نقل حملنده اشتر
و استر و چارپای بار بر لوی عاجزا و لمغین مراحل و منازلده القا و ترک ایتد کل
امتعه و اقمشه ایل صحادی و برادی و جبال و بوادی مانند بازاد حریرین کل
رو و منال حوائت عطاران خوشبو کویا امهات عناصر فتح خزاین و موالیه

معادن ابراز مکامن ایدوب عربیه و صا دل لسان ستر هم نیادی
على فتن الشواهي و البوادی مدلوله قانون فساد و فاعده بیداد
عادینمرا و زره دیبا و زیبای بلدی اقطاف و ممال و منال عبادی
ایلده موضع و محکمه مصرف ایتد یوب صحا دیده تلف ایتد دیک دیولسان حال
معترف اولور دی مع ذلك غدار مذکور و عساکر موفورینک طوعا و کرها
آلد قلری اموال و انقالک اضعا فنه دخی اطالنه باع حرص و از اینسیر
ایدی اول بجره و سفلی قدراد خال دست اتمامش اولوب الا فدن صدق
و الو فدن ده یکت المامش اولور لردی لکن بلای داهی و مصایب لا متنا
آتش اولوب خیایا و زوایا و مخزون و مکنون اثر قوم یوب بر باد و تباه
و خاکستر کبود و زغال سیاه ایتدی اول واقعه فاقعه ده داخل بلده اجناس
ناس طعمه نشور و کلاب انجاس اولوب اول طعمه حرام ایل جمله عقور و لمغین
جامع بنی امیه و سایر اماکن و مساجد و معابد کمسنه بر جسادت
عبور قالمدی **بیست** تا دهر بود واقعه زین صعبتر ندید زین کونه
واقعه نه کسی دید و نه شنید **فصل احوال مصریان بیانند در اما**
اهل مصر و مضافاتی اولان بلاد خلقی دخی بواجبار مرعبه و حوادث مرعبه
ایلده مختبیط و قوایم قوتلری منحل و یتدا استطاعه لری مرتبط منزل و مسکن
توکل برله استقرار یا خود تداک استعداد فرا تملک باینده سکان اغوار
و انجاسه متردد و حیران و متفکرو سکران اولوب ابصار خاشعه ابدان
راجفه قلوب و اجفه شفاه یابس و هیئت باشره و جوه مصفره و جنات
مغیره خافه الاصوات مضطرب الحركات مترقبا اخبار و مترصد اثار
ایکن یتورا عرج طریق و منهجن اعوج ایدوب فتح غزمت ایلده عود قهر
ایتد و کی خبری منتشر و لمغین سبب سرور پر و برنا اولوب بعنایه الله تعالی
اول طرفه استیلا سی میسر اولدی **فصل اعیان شاملک عاقبت الحال**

محصول اینست
جبال و بوادی کارزند لسان
حالی نذا ایدوب

ومثال احوال المریبیا **نند** در تیمور ظلم ما ثورا قلیم شامدن رفع ظلام
 خیابان بتدکده اعیان شام و مشاهیر اعلامدن قاضی القضاة محی الدین
 الحنفی بر انواع شدت و عذاب و کئی آتشین ایلده عذاب و ماء ملح و تراب
 اشربا یئندرد کدنصکره کندوسن و فوزند فروزند اختری قاضی القضاة
 شهاب الدین ابوالعباسی استصحاب ایدوب کو تور مشیکن بر رونعله دامر
 بلا سندن خلاص و کبر و عود شام ایلده امر لوی انتظام بولدی وقاضی
 القضاة النابلسی الحنبلی وقاضی القضاة صدر الدین المناوی الشافعی
 دخی معاکو تور مکله فر بودنهر زاید غریق آب اولدی الی رحمة الله و شهاب الدین
 ابن الشهید الوزیر بوندن اقدم متعل وزر وزارت اولوب بوهنکامه بعض
 متعلقان اماکن بعیده یه بجهیز کندوسی جرید قالدوغی تیمور غمراولوب
 تغذیه صد دنده ایکن اول مرتبه یه ایرشد رمیوب **مصراع** علاج واقع
 پیش از وقوع باید کرد مدلولجه بذل موجود و تقدیم مقصود ایدوب قید
 سیاستدن رها بولدی لکن بلای فقر و فاقه یه مبتلا اولدی بنه اول حال
 ایلده تیمور رجور معاکو تور میکن انواع جفای غربت و فقر حال و قلت
 ایلده بارکش ذلت و محنت اولد کدنصکره فی فایده دمشق رجعت و در ^{ختکش}
 دار آخرت اولدی و امرای خواصدن امیر مجاص مسجوناً و مقیداً معاً
 کو تویلوب علی الطريق نهر فراته وصوله تسلیم نقدینه جان ایلده خلاص کریا
 ابتدای اما قاضی ناصر الدین ابن ابی الطیب لطیف الهیة رقیق البیة طریف
 الصورة سوداوی المزاج اولغین محنت تغذیه طاقت کتور میوب داروی
 موت ایلده علاج و صهباکش شهادت و وقت عشیة ده مدرسه کروسیده
 بهلوزن متکای راحت اولدی اما قاضی القضاة تقی الدین بن مفلح لیل
 پر و بل نهب عامه عارج معارج دار آخرت و غرقه نشین سعادت اولدی
 اما برهان الدین بن القوشه اون یدی کجه فودقوا و ضعف اعضا ایلده

حارة تل الطین نام محله لتیک کوی داعی حق اولدی اول شاده شیا طین
 تاتار نقل اموات بهانه سبله شهر دن مال و رجال فرار اتمک اچون
 ضبط بیوت و سند مشارع و درو با عتله مشا ر الیهک بجهیز
 و دفتند جهد بلیغ اولوب صالحیة ده هسایه صالحین اولدی اما عبد
 الملك ابن التکریتی طوعاً و تمهراً متابعت و معاً اختیار غربت اتمکله خد ^{منتد}
 تکمیل عرض و اعتبار ایدوب و راه بسجوده سیرام نام بلدک حکومتیله
 نایل مرام اولدی و بلیغ نام بر شخص دخی تیمور خیر اندیشی و لایه و فضا
 ایلده درویشی کوستوروب بغدادی المولدا ولدوغن ادعا واستدعای
 اخلاص ایلده نظرتیموریدن تقرب و اختصاص بولوب و رای نهر بجنوده
 سمرقندون بکرمی منزل مسافه سیرام ایلده مابینلوی دورت منزل موضع
 بنکی تلاس نام بلدک حکومتیله سرفراز اولدی بونلردن ما عدا مغرور
 مزبور د مشقه ساکن ارباب فضل و ضایع اولانلردن متعدد شاج
 و خياط و تجار و تجار و بیطار و خيام و نقاش و قواس و یازدار و قناجر
 و ارباب حرفت ما هر لوندن اختیار و انتخاب ایدوب استصحاب و هر
 برین نواب عنه توصیه و توزیع و سمرقند ایصاللرین تنبیه ایتدی و پیش
 الاطبا شهاب الدین احمد الزرد کاش بوندن اقدم بر قلعه ده محصور و ^{طغسان}
 سندن سن ایلده مخفی القامة اولمش بر مرد جسور اولغین بوندن اقدم عسکر
 تیمور ایلده مها و شه و منا و شه ده خیلی حواشی و غواشیلرین کشته نشمشیر
 جالاک و خلایق لایعد و لایحصا لرین اهلاک اتمکین تیمور خرنوری
 احضار و هدف سهام عتاب ایدوب سنی برد فده قتل اتمکله علیل
 خاطر عیه شفا و زخم دلمه دوا و لمر اما ضعف و فورا عصاب و اعضا که
 زیاده کسر و هتن علی و هتن عسرا یدرم دیوب یدی رطل و نصف ^{مشفی}
 قید ایلده بالای زانو سندن مقید ایدوب صحیفه قیده قید بخلد دیو

محر بر ایندردی یتورک وفاتندک فقیرا و حال پر ملال ابله مقید اولون
 فوت یتور ابله دفع شرور و دفع محذور اولغین اولما سوردخی خلص و هیا
 حضور اولدی بونلردن ماعدا لایعده و لایحصا نامعلوم اعیان و سادات
 کرام و مشایخ عظام و اهل صنایع و ارباب بضایع و عبید و صبیان
 و بنات و محذرات اراذل عسکری لند صحاری و برابنده صنایع و نابود و کد
 پنجه دارا لخت غربت و تنگنای سرده مفقود اولدی ظالم مرقوم بدی
 امرده مزبور لرایله معامله و الدمع الولد ایدوب بعد عالم و عاقلک
 زلت قدمه مسافحه و جاهل عامینک استغفار و ندمه اصغای سمع ایتد
 هواره ارکان قاعده سی بومنوال اوزر اولوب خرم و هدم قبول اتمزایدی
 فصل اقلیم شامه استیلای جراد بیاننده در حصا دغلات دمشق
 یتور فراغت و تضمیم رحلت ایتد که خوشه چین و لقا طه جراد دخی ظهور
 ایدوب یتور لجوج و عسکر با جوجی ایلد رجیل و نزول ایدرک ما دین
 و بغداده دک روی زمینده اولان اشجار و کشت زار و چمن و کلشنی
 جرد و عاری و برک و باردن خالی ایتدی محل مذکور دن نهضت بلده حمصه
 القای نقلت ایتد که رعایت حرمت شیر غاب تشدد بد حضرت خالدا بن ولید
 رضی الله عنه ایلد بلده مذکور به اطالة دست نعدی و لیبوب فرا و فراغی
 هدم و نهبد نصکره رحلت و بلده حمایه القای آتش رهبت ایدوب نهیب
 خزاین و استخراج مکامن و اسر عرایس و ضبط نفایس ایدوب ماه شعبانک
 اون یدنجی کوفی حلب طرفه آدملا سراع و قلعه ده و دیعه و احراز ایتد که
 اموالی نقل ایتد کد نصکره مع السفاین و بلاد سفاین نهر فرائی عبود و قنای
 دو هاده ظهور ایدوب لبن و حلبین استخواب و مال و منال استخواب
 ایتد کد نصکره طرف ما دینه اماله ککام و بلده مذکور به پادشاهی الملک
 الظاهر نامه محبت ختام تحریر و غزین و دیباجه نامه سن نقل اولند و غنی اوزره

بویست ایلد

بویست ایلد مَعْنُون ایتدی عربیه **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَالْعُودُ بِجَاهِهَا**
لَقَدْ بَلَغَ الْأَشْوَاقَ مِثْلًا مَّا هَا نامه مرقوم الملک الظاهر رسیده و صو
 معانیسی قلم مانی تدبر و تفکر ایلد لوحه خاطر کشیده اولدقه مقدمه
 مائه تلخ نواله یتور دن تناول ایتد و کی مراده اذا و از در اذایقه جاننده
 هنوز جایگیر اولغین کلامنه عدم اعتماد و اعتقاد ایلد قلعه دن نازل
 اولوب **عربیه من جرب الجرب حلت به التذامه** مدلولیله عامل اولد
 الحق الحاج محمد بن خاص بک نام خادم مقبلن بعض هدایا و خدم ایلد سفار
 طریقله ارسال ایدوب عدم ملاقاتن اعذار قویه ایراد و عنوان مکتوبن
 بویست رعنا ایلد مَعْنُون و مطابق خطاب رد جواب ایتدی عربیه **فَشَوْفِي**
إِلَيْكُمْ زَائِدًا أَحَدًا وَصَفَهُ **وَإَكْبَرُ تَخَافُ النَّفْسُ مِمَّا جَرَّاهَا** نامه مذکور یتور
 مغروره و صولده عدم التفات و نفسنی یقینف ایلد لایم و مقدمه ایتد
 حسن معامله به نادم اولوب بومر الانین عاشر رمضان نهضت وزیر بلده
 ما دینه القای و زر و ثقلت امکله اهل بلد قلعه اندرونه انتقاله استیعال
 ایتد بلر قلعه مذکور به بالای قلعه جبلده واقع بازین پرواز فکر و عنقای قاف
 شکارینه مجال بولوق عظیم الاحتمال و عقاب سبک بال خیال بک کوهساری
 صیدینه تحریک شهر مرام اتمک خیال خام اولوب قلل سنگینی کوه تمکین و قاف
 بیستون استقامتی حماس قبه جرج برین انواع منعت و رفعت ایلد محترس
 و شواهین بروچی طرافنه بال کشا اولان نزاع و زعنی مختلس اولد و غنندن
 غیر میاه جاریه و بسایتن زاهر ایلد نشیب و فرازی جنات بخری منقنها
 الانهار و ریاض فیها الغلمان و الاحرار دبعه و بقعه لری مطابخ ذروع و مرغای
 مواشی و ضروع اولوب عانیسیه بی نیاز با کوه پرنا زخرد و مستوره سندن
 دفع نقاب اتمر خطبه خطبه سنه کمسنه دهیا با و لمر بر قلعه منین و حصن
 سنگین اولد و غنندن ماعدا مرقعات دخولی بنه درون صندوق نموننده

مَحْصُولُ بَيْتِ
 یعنی سلام علیکم ما بینک اولان
 عهود سابقه بنیاسکی حالی اوزره در
 و توفیقین بالغ نصاب نهایت اولدی

مَحْصُولُ بَيْتِ
 یعنی بنیم سن اولان شوقی خد
 و صفدن زیاده در و کمن
 احوال دن نفس خوف ایدر

تشیید و بیوت بلد دایره سنده تأسیس و تجدید و لنوب قلعه دن نازل
اولان میاه شیرین ایله متنقم و فی السماء رزقکم و ما توعدون فحوای معجز
احقاسی اوزره اوزره امطار متواتره ایله مفتنم اولوب تیمور بیداد احصا دانه
شداد و طریق تسخیرینه هر چند استر شاد و تهته استعداد ایتدی ایسه
میدان قنار و نصب منجینه دخی مجال اولما مغلله معادل و مناقیر ایله
نقب و ثقبه بذل مقدور اولند قده اولدخی مفید اولوب حریمدن بیکنه
ممنوع و دست اجانب ذیل عصمتندن مقطوع اولغین فاس و معولتری
کلیل و قوت بازوی کار کر لری علیل اولوب عربیه کَانَ مَقُولَهُمْ فِي ثَقْبِ
تُرْبَتِهَا مِثْقَالُ طَيْرٍ عَلَى صُلْبٍ مِنَ الْحَجَرِ اَوْ غَدَلُ ذِي حَسَدٍ قَدْ صَابَهُ
صَمَمٌ اَوْ عَمَزَ عَيْنٍ مُعْتَا فَاِذَا النَّظِيرُ مدلولی واقع حال لری اولوب
عشرین شهر صیامه دک تضیقده صوم و صلایدوب استفتاح ایله افطار
ممکن اولما مغلله بلا فایده تضیع سرماییه ایتدیلر **فصل ثلث محاصر**
وعناد و توجه بغداد ایتدوکی بیانده در چون تسخیر قلعه متنقصر
اولدی تیمور طلب مالایستطاعدن امتناع برله سکایر علی الحق خروج عن
المنهج و اظهار دعوی بجا مقوله عناد و لج اولدوغن تیقن ایدنجه تخریب
مدینه و سور و محو آثار داد و دور و هدم میادین و جوامع و منابر و مقصود
امر ایدوب اولدخی بالغ نصاب اتمام اولنجه مانند فراش و جراد اجناد ایله
طرف بغداده منحدرا ولدی شامدن استصحاب ایتدوکی قاضی شهاب
الدین احمد بن الشهید الوزیر و بعض اعیان و متعدد دیپتار و صباغ و شباغ
حریر و ادب اب هنر و اصناف صنایع بدایعی تجهیز و بعض احوال و انقال مقوله سن
امیر الله داد ایله سمرقند طرفه راهی و ارسال ایتدی امیر مرقوم ابتدا
مدینه صوره و وصول بعد اخلاط و بلاد اکراد و عادیلجواز عامرة البنیاد
دخول پس ازان ایالات تبریز و ادربچان و شهر تبریز و سلطانیه یدر ورود

بعد ذلك

فصل بیست و نهم
معنی قلعه مذکور آنکس است که
کوای بزرگ قوی طاش او استوار منقار
طیو بکنز با خود بر صاغرم ایدم ایچی کمنه
با خود بزرگ غنیمت بکنز معنی صاغرم ایچی
که لوم وغینب ایدم کوآدم نه کوود و در غنم
ایدم کوآ آملوک دخی قلعه نقب آملوک فازه
بوده بکنز

بعد ذلك ممالك خروسانه عبور اید کلرند سپاه سیاه شتا رفع خیار
نهضت و لشکر زینده لباس بهار نصب سایه بان اقامت انمکه صفحا
ریاض نقش انامل نقاش قدرت والوان کونا کون صناعت ایله متلون
وسوا عدعرا پس اسور مصنعه دست حکمت ایله متزین
واطیار شیرین منقار ما بین ازها رده مانند بلبل هزار الحسان
مطرب و نغمت مفرحه ایله ارواح نشاط و اشباح تازه انبساط
و یروب نعمت الهیه رسید و مانند بیدریغ ربانیه شرقا و غربا کشید
اولوب قافله مذکوره منزلدن منزله عیش خاطر کشا و مرحله دن
مرحله یر کسب هوای دل افزا ایدرت نشا بوره قدم بعد جام و قطع
مقا و زیبا ورد و ما جان اید و بان دخویه وصول و نهر چیمانی سفایز ایله
مرور ثالث عشرین محرم یوم الثلثا سنه اربع و ثمانمیه تار بخنده شهر
سمرقند عبور ایتدیلر بوند نصکره دخی مضبوط دست غدر و مقبوض
ید غضب تیموری اولان اسارا و اموال ثغالی متواتر و متزاید و لطفه
ارسال اولندی **فصل تیمور قلعه ماردین تسخیرینه** فایز و بویاید امر و نهی
شفتین مجاوز اولما مغله قره بلوک امیر عثمانی اولما کنه و الی نصب
و یوم الخمیس عشرین شهر رمضان رحلت و نصیبینه وصول بولوب
اهالیسی جالی و مغله تخریب ایله برباد و غلات حصا ایدوب صورت
سوددن اثر و دار و دیار دن سکنا ی بشر قومیوب کتاب مله و عساکو
مدهمه ایله موصله منکب و مانند صاعقه فاقعه اولد یاره منصب
اولوب محل مذکوره اقامه قیامت شدت و پنجه غدر و ایصال خسارت
ایتد کد نصکره حسین بیگ ابن پیر حسین هبه و احسان ایدوب قنطره
طریقته مجتهد و عازم و دفع کف فساد جازم اولوب و لایقی طرفه
اماله لکام غریمت ایتد و کن اشاعت و ضمیرنده اولانه حرکت خفیت

ملکب یعنی دو کلمہ
ملکب یعنی ایک کلمہ
ملکب یعنی مجموعہ و تفریق

ایتدی لکن پادشاه بغداد سلطان احمد اول ظالم بیداد عازم بغداد اولدو
تحقیق ایتکی ساجل نجانه وصول همچون تدارک مستغول اولدی **فصل**
سلطان احمد ابن الشیخ اویسک طرف دومه غریبی بیانند در تیمور
مغور و شام احوال رسید سر منزل اعرام ایتد کد نضک احتشاد ایلد قاصد
بغداد اولدوغی سلطان احمد ک یقینی اولمغله العود احمد طریقینه سالک
ع و اگر خواهی سلامت در کنار است مدلولن نعم المسالک بیلوب فرج
نام امیرین بغداده قایم مقام تعیین و وجه تیمور سد باب و تسدیل
دامن حجاب ایتوب ستل سیف و خطابنه لم و کیف ایلد رد جواب اتملین
توصیه و تنبیه ایدوب قره یوسفک دفا قیلد متوجه تخوم روم اولدیلر
بوخبر راحت اثر کوش نزد تیمور بدکرا اولد قد یکر می بیک مقدار پلنک
خوجنک جو عسکری انتخاب و رؤسای و ذرا سندن امیرزاده رستم
و جلال الاسلامی و الشیخ نور الدین تعیین اولوب مقدم و قاید جیش
امیرزاده رستم و بغدادی شتم ایتد کلوند مرقوم رستم حاکم بلد اولن
تنبیه برله ارسال ایتدی آفتاب وجود سلطان احمد دن مشرق دار السلام
خالی اولدوغی کبی عسکر تیمور مانند لیل ظلام افاق بغداده نشر ظلال
اغتمام ایدوب طوعاً تسلیم قلعه و بلاد ملک همچون امیر فرجه سفیر چاپک
مسیر اسراع ایتد کلوند امیر مرقوم امتناع ایلد رد جواب ایدوب تدارک
ادوات مشاجره و تهیه اوزار مناجره ایتد کلوند حاضر باش پر خاش اولدی
امرای مذکور واقع حالی تیمور اعلامه جوابه منتظر اولدیلر چون عناد
و عدم انقیاد فرج معلوم تیمور اعرج اولدی و بیا کبی در لیوب ابرنسان کبی
کوه لیوب سوار آتش غضب و محرک تازیانه شرر هب اولوب بغداد طرفه
بالنفس اماله کلام اهتمام و پیشرو اولان لشکر شامت اثرینه انضمام برله
فنا ی بغداده ضربا و تادخیا ایدوب شهر حیره اول فرقی عجم و حج ایلد

حصر قلعه و تضیق فرج بیفرج ایتدی امیر مرقوم دخی استعداد تام و اعمال
عمال شمشیر و سها و ایلد مقابله و قدر الاستطاعه مقاتله ایدوب جنود
مردود تیمور دن خیلی بد بختی آغشته خون و خاک هلاک و بیهودا باشی
مبتلای بلای زخم زهرناک ایتد کلوند آتش تهون تیمور مله تب و شرابین غضبی
مضطرب اولوب خیل و رجال و ابطال قنای ایلد یکدست قلعه به هجوم
عام و تقدم قضا ایشام ایدوب یوم اضحیه ده عنق فح و تسخیر ایتکی
فوج فوج ذمره مسلمین مانند قرابین مسلح شهادت تقدیم و مذبح سبکین
آتشین اولند و غندن غیری دفتر نکایت اثرند مرسود اولان افراد عسکر
هر بری اهل بغداد دن ایکری اس قطع و احضار میدان کربلا اتمک اوزره
بر طریق سالیانه تکالیف شاقه طلب اتمکین جلادان بی امان مانند کُرک
و کوسفند رنه مسلمیند و شوب کبیر و صغیر توانکر و فقیر دیموب دو جا
اولد قلوبین برنده مذبح و محروم نعمت حیا و روح ایتد کلوند العیاذ بالله
خون ایلد دجله کلکون اولوب اجساد لری طرح میادین و رؤسلا ایلد یوز
قدر بنای مأذن اولند و غن مقدما حاکم بغداد اولان قاضی تاج الدین
مصطفی مرقوم نقل ایدوب بعد فریور تاج الدین سکر یوزد و رت
سند سی تاریخند دمشق شامده داعی حقه اجابت و توجه نر هتگاه دار
آخرت اولدوغن ثبت اثر قلمش در اهل بغداد دن محتر دصبر کشته
شمشیر غدر اولان لک عدد لری طغسان بیک اولدوغی مضبوط ارباب
حساب اولدی و لظالم کشتنی به رحم اولوب طبع قساوت مطبوعه
نفع عدل و شفاعت محال اولمغله بعض او باش اهل بغداد دن باش
تحصیلند عاجز اولمغین اسرای شامدن تکمیل و بعضیلر نشاء رباط
جمال دن تیمم و بعضیلر رفیق قرین اغتیا ل ایلد استیصال ایتد کلوند صدق
صدیق و التفات شفیق و شفیق ایتوب امثال امر ایلد تابو مرتبه مرتب

وبال و خیم العاقبة اولدی بوندن ماعدا اول ورطه کبرا و ملحه
عظما ده پنجه بیک نفس نفیس کند ولین دجله به القا و عازم دار بقا
اولد قلری رسید تحقیق در امیر فرج دخی کشتی به سوار و بادبان
کشی فرار و لغین طرفین دجله دن پرتاب اولان سهام مسموم اعدا
ایله مجروح اولد قد نصکره بخت و اژکونی کبی کشتی دخی سرنکون اولوب
غوطه خور بحر خسارت و عازم ساحل محیط آخرت اولدی بعد ذلک
یتیمور خور دخی خراین و د فاین بغدادی اخراج و احراز و تحریب مدینه و هدم
نشیب و فراز و اها لیسن مانند نخل یا بس فی برك و بار و مسکن و ما ولین
نار و ما در اینمکله مدینه السلام ایکن دار التمام اولدی بقیة السیوف
اولان وضع و رفیع دخی ماکن بین و شمال عشرت اشماله غنیز و محترم
و ظلال ممدوده دلالة مخدوم مکرم ایکن قید بلاده اسیر و استخدا
ایله عبد حقیر اولوب منزل و ما والین او کار بوم و غراب و مسکن صنبا ع
و کلابا ولدی بلده مذکوره نک داخل دایره سنده خلفادن برخلیفه جرمه کثر
کاس یاس دیب المنون و لیوب هریری بر طرفه سرنهاده و سادده الحد
اولد و غندن دار التمام ایله بنام اولدوغی تصحیح کوزه روات ثقات در
فصل تیمور پسر شور سلطان روم یلدرم سلطان بایزید مرحوم کونورد
نامه بیاتند در شیر رضالت مسیر خربور یعنی تیمور مغرور سلطان اقالیم
روم غازی جهاد اعتیاد پادشاه سلیمان بارگاه شیر غاب تشدید سلطان
یلدرم بایزید مرحوم نامه خشونت خامه تحریر و بلاد رومدن طلب ایندی کی
بلادی بلک کایه تقریر ایندی و کندن غیری سلطان احمد و قره یوسفی ماده
منافرت و علت محاصرت ایدوب نامه شدت فحوا و کتاب عداوت معناسند
مزبوران ماده فساد و بوار بلاد و باعث دمار عباد شیخان خمول و ادبار
راکبان مرکبا استکبار اولوب سطوت سیفزدن هار د و طلوع تیره بینر دن

اولی
نویسند

مانند فرقدان

مانند فرقدان روم طرفه غارب و لشکر در مر قومان حلول ایند کلری
بقعه به نکبت و شامت حلول و مرور ایند کلری ساحه به جنود فتنه
و فساد نزول ایدر حاشاکه بواسل نکبات زیر جناح سلطان رومده
شایسته التفات و کرامات اوله لرا الحذر الحذر فرورانه ماوا و ملجا
اولیه سز و امرینه مخالفتدن احتراز اید سز و لا بد قلمرو ملک کردن
مزبورانی دور و یاقید بلاده ماسو و یا کشته سیف منصور اید سز
والا دائره قهر بن سز حاطه ایدر سالت طریق عناد و محاصرت اولوب
امرینه مخالفت ایدن لک حاللری مسموع و ولا یتلرنیه نازل اولان
باس و شدت معلوم کنز اولوب واقع اولان افعال و اول ما جواده اولان
قیل و قال ظاهرا البرهان اولفله محتاج بیان دکلدربو مقوله تهدید
و تخویف و تهویل و اراجیف تحریر و تصدیق ایندی **فصل**
سلطان بایزید مرحوم پادشاه عدالت آیین و صاحب تقوی و صلابت
دین شجاع دلیر غازی به نظیر اولوب جامع محاسن عدالت و بخت
و حاوی مکارم الاخلاق حمیت و دیانت اولغین مساعده بخت ایله
ممالک قرمانی زیر فرمان و فتح منتشا و صادر و خان و ضبط کرمیان
ایدوب حاکمی اولان یعقوب بن علی شاه تیمور طرفه عطف عنان
و پنجه شیرانه سندن خلاص کریان جان ایندی ممالک نصارادن دخی
پنجه قلاع و بقاعی فتح تسخیر اتمکین سنور بالقانندن حدودا د پچانه
واقع بلاد ربقة اطاعتنه منقادا و لشیدی الحق سیمع تیز طبع اولوب
بر مرتبه تنک دل و مستعجل ایدیکه اثنای محاوره و مکالمه ده حرکت
ایله صدر غرنه دن لب صفیه دک کلور ایدی دیون نقل اولنور تیمورت
بو مقوله کتاب و فحوا خطابی معلوملری اولجه یرندن نهضت

وعروق حمت و غیر تلری حرکت کاه رفع و کاه خفض صوت ایلد تیموری
غایبانه مخاطبایدوب کانه بنی بواصل ترهات ایلد تخویف و بوشکل خرافات
ایلد ترهیب و تخفیفایدوب ملوک اعجام و تاناردشت لالغنامه حیثیه
یا جمع جنودی جیش هنوده می قیاس ایدرسن یا خود بنم لشکر بی عسکر عراق
کبی اهل بفاق می بیلورسن یا زیر لوی سلطنتده اولان غزاة اسلا می چندیا
شام می بکزد رسن ملوک ارضی نیجه احتیال و مرتکب ولد و غی کفر و وبال و پنجه
استضعاف طوائف و جمع اموال و ظرایف ایتدو کی معلوم دکلید ربوا مرت
مچلم بن تفصیل و تخرین ایتدو کی احوالی کشف و تبیین ایدیم اما بدی امر
حرامی سفاک الذم هتاک ناقض العهود و الذم صوابدن خطایه منجر و حقد
باطله منصرفا ولوب اغفال رجال و وصول و جول ایلد توسیع مجال ایدوب
فتیله خروجی شراره ایکن آتش مستقل و انکشت دعواسی جمر ایکن نار مشتعل
اولدی اما ملوک عجم قتال و قتلنه قدر تلری و ارا ایکن انواع ختل و اصناف
جیل ایلد مزبور لری مغفول بعد استیلا و استیصال لوی ایلد نائل مرام و مامول
اولدی اما توقفا میش خانه عسکرک خیانتدن غیر می تانار بیقراری و می
سها مدن او زکده هنری و لما مغله مردان حسام و ضراغم اروا مر پنجه مماثل
اولور لرا اما جنود هنودک طریق مهاوشه و مناوشه لرین هزار دغل ایلد سدد
وسیل سطوت لرین کونا کون خدعه ایلد بند ایتدو کندن غیر می پادشاه لرینک
شمع حیاتی صرصر فنا ایلد متلاشی و لمغین شبستان اتفاق و انجمن و فاقری
منخل و تصاریف امر لری معتل اولدی اما عسکر شما مک فضیله لری مشهور
و ما جوالری غیر مستورد ربادشاه لرینک فوئیلده اساس قوت لری انفصال و ارکان
دولت لری انحلال بولوب سلطان جدید بغی ایلد کبار امور دیده و اکابر کا راز موده
مغفول و بقیه لری صفای ربی عقول و مغله مرواح حوادث خرم نظام ملین

هبا ایدی صورتده بهار و معناده خریف ظاهرده مجموع و قوی سیرتده
پریشان و ضعیف اولوب فی الجمله ایا دی سبا اخرا بلین تفریق و دست قضا
اثواب شوکت لرین تمزیق ایتما مش اولیدی بهر حال یند دد کید اعدایه قادر و
خطر خطیر حسارت ایدر لر ایدی لکن تحسبهم جمیعاً و قلوبهم شتی مصداق
ما صدق اولوب ولئن سلطنا متسق النظام و داعی السها هر جا بک زن
حسام مرتبج انتقام و مغله هر چند ارباب نطاح و شدیدا الکفاح و صحاح
رماح ظهیر الحاح و اسود الهباح ایسه لردخی بزور اجناد جهاد اعدایه
نظام و قیام و نظاف و تناسل لرینه مداف و لمر لر عراة و حفاة ایلد کما
غزایک فرقلری ظاهرده در زیر ابره در لاوران دلیر یمزک دخول مهالک حرق
دایلدی و سلوک مسالک ضروب مطلب لری و جهد جهاد صنعت لری و فی
سبیل الله قتل و قتال شریعت لری در کوسیزک مراد بکزد دنیا ایسه غاز بلیر یمزک
نتیجی اعلا می کلمه الله اولوب بذل نقدیه جان ایلد اشترای جنان اینکه در
غریمت لری آذان کفارده هنوز صدای ضر و بلرندن طنین و ناقوس سر لرند
رین و صد و رابنای صلیبده این اولوب دخول بحار خطر و لنق تکلیف
اولنسه لر خوضه مبارزت فاضله خون کفارده امر اولنسه لر ادا قریه
مسارعت ایدر لر صیاصی کفار احتواسنه حاضر و مهیا اولوب هر نر طرفدن
استغفر از اولنسه لر مانند باز کرسنه و لطفه یتزیر و از اولور لربادشاه لر
هنکام ابتلا ده اذْهَبْ اَنْتَ وَ دَبِّکَ فَقَاتِلْ اِنَّا هُمْ نَا قَاعِدُونَ دیمز لر بوند
غیری طبایر لری با تره اظفار سهام لوی ظافره اسود لری کاسره غور لری
طافره ذیاب لری جاسره و مجتتمز ایلد قلوب لری عامره و روی جنکده و خبا
شجاعتم لری ناصیه و لای ذیتهای ناظره اولوب حاصل کلام شغل کسر کفار دنیا
و لم اسیر و غنیمه و فیر اغتنام اتمک اولوب لا یخافون کومه لا یم حفرده ناز
دیوب بوا و سلوب او زره مکوب تیمور مقابل بخبر نامه ایتدو کلرندن غیر می

بومقوله كلام ارشاهن سبک اگران کلوب مما لکن طرفه سنی تحریک بی توان اید
 اما اگر بوطر فله کلمن ایست منکوحه لوت طلاق ثلاثه ایلده مطلقه و اگر
 کلور ایست مقابله ایتموب فرار ایدرسم زوجات سلطانیه طلاق با ایلده
 مطلقه اولسونلر دیوجوش تهوودن ناشی التزام مالایلم ایدوب بومقوله
 بعض اجوبه ایلده رد جواب ایتدیلر نامه مرقوم تیمور رسید و منظور دیده او
 مطالعه برله مفهومیته تحصیل اطلاع اید بنجه مخنوق دود آتش غضب محروق
 شراره نازنه ذات اللهی اولوب هیجی بن عثمان اطاله واسات و ختم کتابنه
 ذکر زنای ضتم ایتدوکی بلاهت وعدم رایته لالت ایدر ذکر نساء اشنع
 عیوب و اکبر ذنوبدر دیومرتبه هلاکده سهمناک اولدی زیر قاعده جفا
 نساء ذکرندن غایت احتراز ایدوب حتی برینک دختر ی تولد اشته مخدوره
 یارب بات جمال یا مستتره تولد ایتدی دیوزبان زدا ایدر **فصل**
تیمورک قصه دوم ایتدوکی بیاننده در تیمور اعرج عجم و لجم ایلده حرکت
 و قصد سلطان یلدرم بایزید ایلده توجه و غریبت ایدوب سمرقنده نواده
 ولی عهدی ولان سلطان محمد بن جهانگیر امیر سیف الدین رفاقتیله توجه
 رود اتملری باینده اصدار رسل و رسایل ایتدکد نصکره تصمیم طریق و جمع
 رفیق ایلده احتشاده مبادرت ایدوب قیام قیامتدن حکایه و تزلزل راضد
 کتابه اولور حشر و حوش و عین منقوش و انشای راجم و امواج دریای قلزم
 بکزر عسکر و جراد منتشر و فراشی متطایر و ذرات متناثر کی لشکر ایلده دور
 طرفه اماله لکام و مساعده توفیق دکل بلکه اتفاق استدر اراج مانند غلام
 و شب یلدا ی ظلام غریبت ایدوب مطبئه شدتن قلعه کماخده اناخه ایتد
در صفت قلعه مذکور حصن مرقوم ارزنجانه نصف منزل مسافه ده واقع
 قلعه مشهور و افراد قلاع روی زمیندن مذکور اولوب منانده مانند
 یقین موحد و رصانده مثال اعتقاد متعبد و سعت خندقه سهم و هم وارمن

و قعر عیقنه غوامض فهم اینتر مؤسس ارکانی معمار قدرت و مهندس بنیانی
 استاد فطرت اولغله علوقامت سورینه اعلا ی جبال نای و حصانت
 و مناعتنه قلعه قاف مدانی اولمز طرفدن نهر فرات تقبیل اقدام و محافظه
 التزام و جهت خراسی فرات جاری مسیل سیل و آب و طین ایلده حمل و بر وادی
 وسیع و و حل منیع ایکی طرفی دخی مجرای آب اولغله بصرا اهل بصیرت مشا
 ایتدکده ان هذا کثی عجایب کریم سن تلاوت ایدر بر حصن حصین و قلعه
 متیندر **فصل قلعه مذکور** نک تسخیری بیاننده در تیمور پرزور قلعه
 مذکور به وصوله سلطان محمد دخی ورود اتمکله کار احصار و اعمال
 تضیق مزبودت ذمت همتنه تعلیق اولندی وادی مذکور منزله اقدام
 معجزه الاضام اولوب تقری محال و دخول و وصول عیدم الاحتمال ولد و غن
 سلطان محمد عین بصیرت ایلده مطمح نظر ایتدوکی ساعت قطع اخشاب
 و نقل احطاب فرمان ایتدی فی الحال اجناس عسکری هدم بیوت و قلعه اخشاب
 و قطع اشجار و نقل احطاب ایدوب قعر وادیه القا اتمکله اگرچه اساس
 قلعه به وصول بولمیلر لکن لمح بصرده طولاً و عرضاً وجه ارضه برابر
 ایتد و کلرین اهل قلعه مشاهده اید یحک صنعت آتشبازی و عمل باروت
 اندازی ایلده حطب و خشبیلرین احراق ایتدیلر سلطان محمد بو حرکت ایلده
 متردد و متلاشی اولوب جمع اجماره امر ایتدی در حال عسکر جفای
 مانند ریک و جواد منتشر مهام و اطواد و پریشان برادی و مهاده اولوب
 ایراد ایتد کلری حجر و مددی وادی مذکور طرح ایتدکجه نابدید و قول
 جیم اوزره هل من مزید ایلده ناطق اولوب لکن علی کل حال کداس حجاب
 ملوم ایلده مطوم ایدوب اوزردن مرور و تقرب سود ایلده نصب نردبا
 قوی و پای دراز و وضع سیلام شواحق فراز ایلده برج و بار و سنه و یخه
 و درون و بیرونه آتش اندازا ولد قلزنده بلا توقف اهل قلعه تواضع

و تضرعی تقدیم و طلب امان ایله قلعه فی تسلیم اتملیدله سکن یوزد دوت
سنه سی شوالنده اول حرم محترم حرامزاده لر بلا تکلف حلول و بلا وقفه
دخول ایتدیلهر قلعه مذکوره داخل قبضه تصرف تیمور و ملغله تمکین
و استحقاق بیچون تکرار ملقا اولان اجار نقل و کالاول ترک اولوب
حکومتیه شمس نام کمسنه تقدیم اولندی بعد ذلک قلعه مذکوره ضرب
شمشیر ایله عنق ستر و بوقدر مغانم بارده میسر اولدوغن سلطان یازید
ایله واقع اولان مراسلاتی تفصیلی مما لکنده اولان وارد و صادر سالیح
و شادده مخبر و لائق فرمان ایتکله بواسطه و ذره نکاشته پراغر کتاب
عطا رد القاب و لشند در صورت کتاب تیمور بخدی سیوف ذامیات لدی الوری
فقطاً بحمد الله حصن کماخ پادشاه قلعه مذکوره بر بختی سلطان یازید جفا و تعدی
ایتموب بلکه رفعت و تلطف و مجامله ایله معامله اتمک اوزره جسم
عالمه اودام فساد و باعث خراب بلاد اولان احمد جلایری و قوه یوسف ترکمانی
زیر جناح حمایت و محمل کنند دور اتملین سرزده نوب تحذیر و تسلطیر
تباشیر تذیر ایلدک که معصیتیه رضا معصیت و کفره اقرار کفر اولوب
فاسق محروم ظالم دن اشر و ملوم در دیون نصیحت ایتمشیکن بند پذیر
اولیوب آنلر وزیر کندوسی امیر و آنلر عناده صغیر کندوسی کیر اولوب
معاملده خسران بلکه هزاران زیان ایتدیر ملریله عربیه و ما تنفع الخیر
قرب صحیحه الیه و لکن الصیحه بحرب مفهومی صفت کاشغری
اولوب طریق اعوجاج و سیبل لجاجه سالت اولمقدن نهی ایتدک منهی اولمیدیر
عبر تلکوستوردک معبر اولمیدیر لسان انتقام مزخافلری بزدن الحذر الحذر
دیوندا ایتدی صفای سمع ایتدیر کندولوه اولان نامر زده اسمنی اسمزده
برابر بیرایه عنوان کتاب و رسم مستحسن مراسلات اوزره آرایش فصل
الخطاب ایتمشیکن طورن تجاوز و جورن مجاوزایدوب بوندن اقدم بعض

بختی خورشید
الحمد لله حصن کماخ

بختی خورشید
اولن اتمل اولمیدیر

مراسلاته قاعده احسن اوزره ارنجیان حاکمی طهرتن اسمک زیرند
اسمن اشادت ایتمشیکن حالان اولان نامه خوشونت خامر سنده اسمنی طلا
ایله بالایی اسمزده مجلا ایتدک لری کمال بلاهت و قلت ادب لرینه دلالت
ایتشد در دیو بمقوله کلمات ایله کتابنده بشدق و خطابنده تنهق ایدوب
کجا بر دستور العمل بیان و اساطین منشیانه مستعان اولدیر فصل
سلطان یازیدک تیمور اوزرینه غریمتی بیاننده در حضرت غازی
فرید سلطان یازید قسطنطنیه محاصره سنده بذل جهد جهید ایدوب
فضای عالمی دیده کفاره تنک و تار و شاهد فتح فی الجمله عرض دیدار و مردان
حرب وضع اوزار کیر و دارانکه قریب ایتمشیکن تیمور بد حرکت
و حدود دوزم طرفه غریمتی تحذیرش سامعه لری ایتمشیکن کار احصاری
ترک ایدوب شرقاً و غرباً زیر نکیین سلطنت و رابطان رابطه مظاهرت
و معاضد تلی اولان قبایل و عشایری استغفر از انجون علی جناح الاستیعال
فرمانلر اذ سال ایتدک لردن غیری حین محاصره ده میان بند خدعت
اولان شهبازان غزا و جهاد و کماة غزا اعتیاد و سرایه و شواهن
شکار آزما و کرام کرمیان و قروم قرمان و اجناد و لایت منتشا و لشکر
صاروخان و امرای شواهن و رؤسای فیالق و حکام نفور و افراد عساکر
جسور و ادرنر قربنده اولان امر و سایر زعمای و بنی صفر دن سکان ساحل
بحر اخضر اولان اصحاب دایات ابیض و احمر و ظهور اشقر و اشهب و ابلق
قالعان عین ازرق اولان شیران غاب شجاعت جنگ جدید احضار عده
و حاضر باش یوم شده اولمیری باینده طرف طرف تنبیه و اعلان و داخل
امان اسلام اولان علوج و بطارقه قلاع و بر و جدن قتال باغی و جنگ
خارجی انجون طلب اعانت ایتدیر بونلردن غیری ممالک روم مرزبوم
وضوای و صحاری سیواس و قرمان مصیف و مشتالری اولان تانار ذوالین

نهاده ربقه اطاعت و لوب وضع قوانین ممالک و تعیین طریق و مسالک
 ابتدا یکم کبی عربیه اعطیت القوس باریها **وَأَنْزَلْتُ الذَّارِبَانِهَا**
وَرَدَدْتُ أَلْمِيَاهُ إِلَى حِجَابِهَا مدلوله عامل و لوب سزی ملوک بلاد
 و قلاع و سلاطین مداین و بقاع ایدوب هر یک کبی شایسته استحقاق
 اوزر امارت و حکومت تقدیم و زما در مهام انامی بدیکر تسلیم ایدرم
 همان ابن عثمانک طرف اعانتند اولیه سز طرفه توجه ممکنکر اولور
 انتها ذ فرصت ایله وقتی غنیمت بیلوب طرفه بلا تمیل مراجعت و نکبها
 فرصت اولاسر علی کل حال صور و معنائی قریب سز و لکن الآن ظاهرده
 ابن عثمان و باطنده بزمه و لوب وقت تلاق صقین و تناطح فتنند انتها
 و طرفه مخاز اولاسر دیوب مقوله تسویلات ایله فخل کلامن حجز نماناده
 استعلا و غواص حیل و مکرین صید در متاع علی چون غوطه خود بحر کذب
 و افترا ایدوب شهر یار کما مکاردن و کردان اولوری باند کمثل الشیطان
 اذ قال لِلْإِنْسَانِ أَكْفَرُ هَرَارَان دروغ و فروع ایله ترتیب الفاظ و اسطر
 و فریبند حواس باطن و ظاهر اولور کلمات سحر آمیز و نکات شوق انگیز ایله
 جلب خاطر ایدوب پنجه ملوک مملوک و استعباد و پنجه کبار صلیحی طریق رشاد
 استعباد ایدن حبت ریاست طایفه مذکور بی دخی مغفول و سزنی دولتلند
 سلب عقول ایدوب سودای ریاست ایله مغان هلاک و شوب تیمور ایله شد
 وفاق اتفاق و سلطان کودون و قار ایله تغلبانه نفاق اوزر اولدیله فصل
سلطان بایزیدک قصد تیمور ایله غریبی بیانند در ممالک دومه آخر وقت
 حصاد و ادراک فوکه و اغار نواحی و بلاد اولوب حضوران ارضیه مسوده و بیا
 و برایا ظل ظلیل امن و امانده اسوده و لغین پادشاه عدالت دستکاه بود
 طریق عامره دن غریبت اولور ایله ممالک اسلامیه بازده ستور فتور اولوب
 عباد و بلاد اصابت ضرر و قبایل و عشایره نظایر هلب و شررا و ملوک قضا

تناطح یعنی توفش

ملاحظه بیور و با راضی معموره دن خارج بولکردن غریبت و سیواس
 صحرا سنده نصب کارگاه قتال و محاصمت و دفع عدو باغی و طاغی بر مساحت
 برله حفظ و حراست بلاد و عباد ایدوب و برضعیف ناتوانه اصابت ظلم
 و فساد و لمغنه بذل همت بیور دیلر پادشاه مرحوم رعایا و برایا به شقوق
 و خدم و حشمه بر مرتبه رفوق ایدیکه بعضی غزالوند حواسیدن بر مرد عشتا
 مرودی بر قریبه واقع و برزن دهقانه دن جرعه آب طلب ایدیکه زن میشته
 عنف ایله خطاب و یاس ایله جواب و بر مکیں مزبور دخی ناچار جست و جو فقر
 قریبه ده برایم کند بوماست بولوب با محکله عجوزه مرقوم غضب قوت صبیان
 صغیر و شرب حصه اولاد فقیر ایدیک دیوب درگاه سلطانیه دفع شکایت
 امکان فرمان پادشاه ایله مشکلی علیه احضار و خصوص مذکور استفسار
 اولند قد شدت نفقت خداوندکاری خوفندن انکار ایدیک پادشاه عدالت
 پناه کلام الملوک ملوک الکلام مغر اسبجه عجوزه مرقوم بر توجیه کلام ایدیک
 بوآد ملک شکن شکاف ایدرم اگر اثر ماست بولور ایله شکی سکا ایدرم
 و الا سنی انواع سیاست ایله قصاص و عبرت رعایا و برایا ایدرم دیو فرما
 بیور دقلرند سلطه نا قصه العقل نه سبب ایله تکذیب و تخویف اولند و غن
 فهم ایتیموب ابراه ذمته مبادت برله قولند صادق اولد و غنه دار الحکمه
 قسم ایتیمکین پادشاه حجه لاید بوب اید اجرای حکومت و فصل خصومت
 لازم در دیو مزبورک سیف بتار ایله شکنجه انجبار و بر در دکه آثار لیس
 ظاهر و لغین قید و بند ایله تشهیر و ملک عادلک زمانند غضب مال
 فقیر ایدیک خرای سزاسی بود دیو پیش و پسند دلالان سیاست دفع
 صوت ایدرک عالمه عبرت ایدردی فصل تیمورک سلطان بایزید فیصله
 غریبی بیانند و در شراجه شدید سلطان بایزیدک طریق خالیه دن
 حرکت و توجه و غریبی خبری تیمور عقودک کوش گذاری اولجه کند و سبی مانند

بتا یعنی قاطع

اهل بدعت ترك راه تحقيق وجاده عامره دن دخول طريق ايدوب ظلال
وعيون و فواكه مما يشتهون ايله عيش وعشرت ايدك لسان حال لری
عربيه **وَلَسْتُ اَبَالِي حَيْثُ اَوْرَايَ الْعِلَادَ اَكَانَ تَوَانَا مَا تَنَاوَلْتُ**
اَفَرَكْسَبَا مدلولن آواز خارجي ايله منصوب اولوب هر منزله مابين مراعي و دزو
ومواشي وضروع و سبد و مخضود و طلع منضود و ظل مدود و ماء مسكوب
وهوای مطلوب و مياه حلاوت مصحوب امن و دعه و خصب و سعه و لاو
ولا عجل نصر و ظفر ايله مستعين و تدبير قضا و قدر له مستعين اولوب احراز
مغانم بارده لرینه قصور و اكليل كواكب هواكب منظمه لرینه فتور كلز و قلوب
اسود جیشلرینه ذلت و جبانیت عبودانمز و موايد طعام ملزده مسافر اعدایه
كسور نان بولنمز بواسلوب و زره كیدك ممالك رومه دخول لری صداسی
طنین كوش سلطان غیرت آیین و لغین خواب غفلتدن بیدار و تلاطم بحر
غیظ ايله بیقرار اولوب غیض دست ندامت و تلهف برله دست زن زانوی
حیف و تاسف اولوب سلب فرار و هجوم و فی الحال طرف طریق تیمور رجوع
ایتمکله افواج امواج بحار لشکری متلاطم و بروج اطوار غیرت و جمیتی
متصادم اولوب قصد اعدایه عنایتاب و بلاد اسلامیة دن شراره اشراک
دفعه برتاب ایدوب سیل سیریلی نهاره و گرد باد زمینی صومر سریع الهبوب
زمانه اتصال ايله لسان حال لری **لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا** تلاوت
ایدنجیه دك سرعت برله متلاقی اعدا و متصادم اشرا و لدیلر **فصل**
اول ثناده تیمور مغرور بلده انقراضه ثقلت انداز زول اولوب خیل و رجالی
کسب راحت و مراد و زره استراحت برله جنگ و جداله مهیا و منتظر
مطارد و مصارعه به منتظر ایکن عسکر پادشاهی ظهور و موکب نهانش
منظورا و بلخه مانند صنادید فریش ضبط میاهه تسابق و احاطه برله
عسکر اسلامی صحرای بدر برتابد بی آب قوملری ایلدا و کربلا ده زحمت

معنی تامل و اندیشه و علاقه
نه طرفدن لغات ایدوب
میراث اولسون استر کسب اولسون
سبالات ایتوب متناول اولور

هجوم یعنی سکون

مطارد یعنی بین تیغی مصارعه
یعنی کوشش

عطش

عطش برله مبتلا ای اضطراب اولدی قلع و آب و منزل و مآب طرف
پادشاهی به متعلق ایکن مسافر چشم سخت صاحب مالی و ملکیله عربیه
لَا ضَيْفَنَا لَوْ زُرْتَنَا لَوْ جَدْتَنَا مَحْنُ الضُّيُوفِ وَأَنْتَ رَبُّ الْمَنْزِلِ مدلولی
عسکر پادشاهی نیک حسب حال لری اولدی قلعه مذکور اسود این یعفر
قصیده طنانه سنده عربیه **نَزَلُوا بِانْقِرَاءِ نَسِيلٍ عَلَيْهِمْ مَاءُ الْفُرَاتِ**
مَجِي مِنْ أَطْوَادٍ فَإِذَا النِّعَمُ وَكُلَّامٍ يُلْهَى یومای یصیر الی بلاد نفاذ
دیوایراد ایتدوکی بلده اولوب ساحه فنا سنده جیوش جیوشه متقارب
و وحوش و وحش ايله متلاعب و لمغله صحاری و قفار و بوادی و کوهسار
سواد عسکرین ايله مانند التقای بحیرین اولوب و تصادم صفتین مماثل
تقارع جبلین و لغات سیوف انوار نظاری مختطف و نجوم نین و سهام
استراق وقت فرصت ایدنلر مشا کل شهاب منعطف یمن و یساره و یسار
یمینه متقارب و مقد مات عساکر و مردان غصنفر ماثرتغالبا و لورکن
طوایف تا تار متواری پرده درون ایتدوکلری اسود سیاه روی نفاق جلوه
میدان شفاق ایدوب **بیت** و یردم متاع خاطری بر درزی شوخه
چوق کسدی بجدی کوردی چغشمن تکلا دی مغز اسنجه طرف خداوند کار ايله
اولان اتفاقلرین نفاق ابدال ایدوب تیمور غدار طوفنه نجیه زن فرار اولدی
قبایل مذکور صیبت عسکر و لشکر مخصوص پادشاهیدن او فرو اکثر
بلکه ثلثین عسکر و تیمور جمعیتند بر ابر و لغین بواسلوب حرکت خیانت
اثر لوندن ناشی موکب پادشاهی متزلزل الاقدار و قتل ايله متلاشی
اولد قلرین اکبر شمرزاده کان امیر سلیمان مشاهد ایدنجه حلول دمار و
پدری به اصابت انکسار ایتدوکن تیغین تمکین قصور عسکر ایلوب حرکت
قهقرا و مصافدن تاخر تحریک پا و حضرت شهریار کوه و قاری آنیاب
کلاب بلاده ترك ایدوب بروسا طرفنه اماله کلام عزیمت ایتدی حوالی

بودن ضبط آب قصبی و غیره
و این ضبط آب ایدوب اسلام آباد
طرفن قالد و غنچه تشبیه در
محصول بیت
یعنی ای نیر مسافر و غیره
ایدوب و لورین
محصول بیت
انقراض بر نزول ایتدوکی و ماء فوات طاعت
اوز لرینه کور و انجده اولان نعيم و هنر
و اربابیه مذ هیدن برین اولدو که قاف اولوب
دو کنه

پادشاهی علیل و اوزار حرب و ضربی کلیل و لوب تسلط سیوف بران
 و استیلای رماح از در دهان ایل سیل خون صحرای کلکون و پشته
 کشته لرایله اول اراضی کریمون اولد قد نصکر سلطان بایزید دخی نکا
 و حاشاه مانند طیر بند قفسه گرفتار اولدی بوقصه مورث الفقه یوم
 الاربعه سابع عشر ذی الحجه سنه اربعه بعد ثمانیایه ده مدینه انقره به بریل
 موضعده اولوب خیانت عسکر و سفارقت شهزاده اکبردن غیری طرف
 آب ضبط اعدای شدت نصابده اولغین اکثر حرارت عطش ایل عسکر و
 بی تاب بر اضطرار اولد قری تحقیق کرده ثقات رواندر فصل سلطان
 بلند عنوان و قعه سند نصکر طرف رومده ظهور ایدن فقر بر پشته
 مانند روح ممالک اولان پادشاه غریق بحر مهالک و منزل و ماوای
 عنادل خوش الحان اوکار بوم بشور و منعق غراب میشوم اولوب محراب
 عالی طاق و جوامع جوزا نطق لرنده امام قضا الم غلبت ارقم کریمین
 و خطیب قدیم و هم من بعد علیهم سیفیلون جلیله سن تلاوت ایتدی
 لکن اولهنکام فتره ارتسامده اهل رومک نواصی و دوسلری خاضع
 و حصون و صیاصیلری ذلت ایل خاشع و دانی و قاصیلری منزل
 الاقدام و طایع و عاصیلری غریق لجه اوهام و اکثر ناس مال و منال
 و اوطان و خانانندن مانند خمر مستنفر مفر اولوب فقید سردار ایل
 مانند جسد بی جان و تضییع سرمایه ایل مفلس با زار تاب و توان اولمشیکن
 امیر سلیمان متحرب و مجتمع برله مقام استقلالده رفیع لوا ایدوب اهل استنبول
 ایل مسافحه دوستی و توفیق رابطه آشتی و بربرینه غدر اتمک اوزره نفا
 و مخالفه نمکله کلی بولی و استنبول معبر لوندن عبور اتمک چون اهل قسطنطنیه
 طلبا عانت برله محرومه ادرنه طرفه غمر عبور ایتدوکی شایع اولغین

عشق نعلبان عربان مشهور
 بر مع دایرت نامید
 محضول خطاب اید و بر دگر دماح
 یعنی شویب خطاب اید و بر دگر دماح
 بنی شریعت اید و بر دگر دماح
 دو کراکین استندم اولان دهان است
 زیرا که شک منقسم اولان دهان است
 لعلان اید و بر دگر دماح

پادشاهی علیل و اوزار حرب و ضربی کلیل و لوب تسلط سیوف بران
 و استیلای رماح از در دهان ایل سیل خون صحرای کلکون و پشته
 کشته لرایله اول اراضی کریمون اولد قد نصکر سلطان بایزید دخی نکا
 و حاشاه مانند طیر بند قفسه گرفتار اولدی بوقصه مورث الفقه یوم
 الاربعه سابع عشر ذی الحجه سنه اربعه بعد ثمانیایه ده مدینه انقره به بریل
 موضعده اولوب خیانت عسکر و سفارقت شهزاده اکبردن غیری طرف
 آب ضبط اعدای شدت نصابده اولغین اکثر حرارت عطش ایل عسکر و
 بی تاب بر اضطرار اولد قری تحقیق کرده ثقات رواندر فصل سلطان
 بلند عنوان و قعه سند نصکر طرف رومده ظهور ایدن فقر بر پشته
 مانند روح ممالک اولان پادشاه غریق بحر مهالک و منزل و ماوای
 عنادل خوش الحان اوکار بوم بشور و منعق غراب میشوم اولوب محراب
 عالی طاق و جوامع جوزا نطق لرنده امام قضا الم غلبت ارقم کریمین
 و خطیب قدیم و هم من بعد علیهم سیفیلون جلیله سن تلاوت ایتدی
 لکن اولهنکام فتره ارتسامده اهل رومک نواصی و دوسلری خاضع
 و حصون و صیاصیلری ذلت ایل خاشع و دانی و قاصیلری منزل
 الاقدام و طایع و عاصیلری غریق لجه اوهام و اکثر ناس مال و منال
 و اوطان و خانانندن مانند خمر مستنفر مفر اولوب فقید سردار ایل
 مانند جسد بی جان و تضییع سرمایه ایل مفلس با زار تاب و توان اولمشیکن
 امیر سلیمان متحرب و مجتمع برله مقام استقلالده رفیع لوا ایدوب اهل استنبول
 ایل مسافحه دوستی و توفیق رابطه آشتی و بربرینه غدر اتمک اوزره نفا
 و مخالفه نمکله کلی بولی و استنبول معبر لوندن عبور اتمک چون اهل قسطنطنیه
 طلبا عانت برله محرومه ادرنه طرفه غمر عبور ایتدوکی شایع اولغین

سیل عجم
سیل عجم
سیل عجم
سیل عجم

کبار و صفار تیمور غدار دن اول طرفه فراری توان و سیول خیل و حشم
سیل عجم و جیش عجم و رم کبی اول جانبه سیلان ایتدیلو بحر مذکور د روم
ایلی و آنه طولی قوه لویکما بینند و اقع بحرین متلاصفتین یعنی بحر سفید و بحر
سیاه اولوب فرضا سرحد روم و عربستان اولان ساحل اسکندریه دن
مبتدی و نواحی شماله وسعت و فصاحت ایله روم طرفه متوجه و مستدیرا
ممتد اولوب اول باؤل جبال شاهقه بحر مذکور ی حصار ایدرک معبرین
مذکورینده برین مرقومینک شفقتی اوج منزل مسافه مقداری بر بیل
متناطح و نطق و تکیله صالح اولوب لکن ارباب حکمت و قیاس و اصحاب
هندسه و مقیاسه بو قدر مسافه ده معبر ثالث تدارکی ممکن اولدی
تکرار وسعت ایله ممتد و منبسطا اولاروق کتایب امواج و تلاطم افواجی
جبال چرکس و سواحل دشت و صحرا کمرخی دور ایدرک کیر و معبرین
مذکورینه منتهی اولور کلی بولی مغبری مقبوض ملاحان اسلام و قسطنطنیه
مغبری دست بی استحقاق نصاراده اولوب لکن اعظم و اقرب معبرین
قسطنطنیه اولمغین غالب خلا بق استعانه ملاحان نصارایله اول طرفه
متوجه اولدیلمر مقدما سلطان بایزید خان بلک مذکوره ی احصار
و نواحی و قراسن احراق بالتار و اهالیسن تضیق و قطع زاد و زواده ایله
بیقرار اتمشیکن و قعه تیمور و سلطان بایزیدک ماسورا و لباسی کفار
خاکسار و فرنج نابکاره جالب فرج و طارد ترخ و فرج بعد شدة اولدوغند
غیری ملجا مسلمین و جای احتیاج موخدین اولد قلوبی کمال نشاط و انبساط
باعث اولمغله اخذ انتقام سودا سیله تجمع و تخریب اید و بانته از فرصت ایله
اموال و ائقال و حریم مسلمین اطالیه دست و تکار ایل نهیب و غارت مباد
ایتدیلمر بلک مذکور یعنی استنبول مابین جبال شاهقه ده واقع اکبر مد

عالم واعظم

عالم واعظم مساکن احم اولوب حتی قسطنطنیه اکبری ایله بالانفاق
مشهور آقا قدر بلک مرقوم دن خوف تیمور ایله عبوره مبادرت ایدن
مسلمین اهل دین دست ملاحان کفره یدینه دوشخه صورت حال لری
کریمة قلا یستطیعون توفیة ولا الی اهلیم یرجعون ماصدق اولو
سوار مرکب و استنبول طرفه باد بان کشای مطالب اولدق کالمیت
بین یدی لغتال مترد عجبا غریب دریا و یا خود اسپر نصار احم اولور
بردخی سلامته وصول ایله فایز مرام و مامول اولور میوز دیو بیگ بلا
ایله عبور و قلیلی انجق ساحل سلامته وصول برله خلاص کریبان جان
ایدوب هر طرفدن کفار خاکسار مسلمین اطالیه دست غدر و استکبار
ایتدیلمر بو قدر خوف ایله ینه نظر لری تعلق ایتدوکی سفاینه نشینت
ایدوب بهر حال مجتهد خلاص جان انجون جهد کامل وجد بالغ ایله کرجه
سوار اولور لرایدی امانتیجه حال لری اول ماجرا ده ینه منجر اولدوغند
بنجر اولمور ایله ابصار کلیده و خطوات علیله لرنده تابه ده اولان ماهی
ولیله سیاه زمهر یرده جاده بی ساهی اولان قافلله ینه مشابه اولوب حاص
اول سواد اعظم دن هر خرابه ده بر غرابا صم انجق رهیاب بخت اولوب
اعدای بی امان وفق مرام اوزر ابدان و اموال مسلمین اطالیه دست حرم
ایتمکله جلوه استدر ارج بی رواج ایتدیلمر بوانشاده شهرزاده بلند عنوان
امیر سلیمان قطع دریا و روم ایلنک براری و صحاری و قلاع و بقاعنه
استیلا ایدوب ضبط ممالک و ربط مسالک ایتدی بزمذکور دخی
اقطار و اسفند لارجا لطیفه الهوا ضرع و زروعی زاید و خرج و خراجی
وفرت اوزر عاید مشتمل حصون و افره و بلاد متکاثره اولوب امیر
سلیمان اعظم بلاد دن ادبیه شرف بخشای نزول اولدق کاکا
واصاغر و اعیان و اشراقی قد و من تر حیا ایله بیعت و اول باؤل

لله الحمد والمنة امورد دولت ونظام مملکت سهولت بولدی **فصل**
سرگذشت احوال اولاد بایزید خان بیاننده در سلطان بایزید
 مرحومک اولاد پالت نهادی مانند انجم خمسة ستیاره خمسة و نام نامیک
 امیر سلیمان و امیر عیسی و امیر مصطفی و امیر محمد و امیر موسی و لوب
 اکبر لوی امیر سلیمان و امیر لوی امیر موسی ایدی و قعه فاقه پدریه هر
 بری بر طرفی مغرب و هر برینه بر طایفه مطلب اولوب قلاع عاصیه
 و خرشنه شاهقه یعنی اما سیه قلعه سی که افسح الشعر ابو الطیب بو
 بیت رنگین ایلده وصف امتشدر عربیه **حتی آقا علی آریاض خرشنه**
یشقی بر الزوم والصلبان والبیع قلعه مذکوره کویا قبه فلکه آویخته بر
 قندیل ریخته اولوب صعودی دکل بلکه نزولی تعجیز مرد چاکت خیز اید بر قلعه
 رفیع اولوب توفاد ایلده ما بینی مستعمل سیره بر منزل مسافه لسان اهل
 بغداد ده روم قلعه ایلده مشهور در امیر محمد و امیر موسی قلعه مذکوره بی
 منزل و ما و ایتشلا ایدی اما امیر عیسی بعض قلاع التجا امتشکن امیر
 سلیمانک مباشرتیه صبا کش شهادت اولفله امیر عیسی بد لنه امیر سلیمان
 دخی امیر موسی مباشرتیه رختکش دار آخرت اولدی بعد ذلک امیر محمد
 قتل موسی ایلده واصل بر منزل مامول اولوب احکام محمدیه نسخ احکام موسی
 و عیسویه ایتمکله تخت عالی بخت عثمانیه اجرای رسوم و نوبت زن سلطنت
 روم اولدی اما امیر مصطفی مفقود اولفله او نور قدر مصطفی نام
 فقیر بلای شتبا نام ایلده کشته شمشیر خطا اولدی سلطان محمد
 سکریوز بکرمی دژت تار یخنده اجل مستی ایلده ساکن زهتگاه دار عقبای
 اولوب سبب انتقال لرنده اختلاف آرای روات اولوب بعضیلر ملکیت
 مؤیدک نک هدایا سند مدسوس اولان بعض بنسبه نک و قوجقار
 نام کمسنه نک و سا طیلده منتقل دار آخرت اولمشلور در فوت پدر د نضکره

خرشنه اسم بلد سیو
 یعنی محمد و عیسی
 اما سیه ایلده
 مذکور بیلده در روم
 خا جری و یهودن کلیسای اند شقی
 اولور

طالع مسعود ایلده پسر سعد اختری سلطان مراد تحت خسروانی بر صعود
 ایتدی مصنف مرحوم پادشاه مشارالیه حضرت تلرینک زمان عدالت
 عنوان لرنده اولدوغی بو مختصره اصل اولان تصنیفلرنده پیرایه صحیفه
 بلاغت ایفدر **فصل تیمور ظالم سلطان بایزیدی اخذ ایتد کدن**
واقع اولان وقایع بیاننده در مغرور مرقوم پادشاه مرحومی ماسور
 ایتد کدن نضکره مورد و ما را عوان و انصار دندن بر مقدار عسکر جوار خیزید
 و الشیخ نور الدین ایلده پسر و لشکر حدیدا بدوب بروسا طرفه تجیهز کندوسی
 دخی در عقب و قارمکین و قلب مستکین ایلده حرکت و بلد مذکوره بر نزول
 فضاکی تنزیل و زار رهبت ایدوب سلطان بایزیدک خدم و حرم
 و خراین و د فاینددن ظفر بولد و غن ضبط ایتد کدن نضکره رؤسای
 تا تاریخات آناری لباس خلع ایلده تجیل و جلب خاطر و تطیب نفوس لرنه
 ایلده مقام رعایتده تنزیل ایدوب امرالین امراسنه و رؤسالین رؤسای
 توزیع و بر و احسان و تکریم و تعظیم لرنه مبالغه ایلده تنبیه و تاکید ایدوب
 سنت سیئه سنه مباشرت ایلده استخلاص نفایس جسیم و اقتناص نفوس
 کریمه و سبی مخدرات و هتک استار مسترات ایدوب روزمره سلطان
 بایزید مرحومی احضار مجلس و ملاطفه و مکالمه ایلده کاه روی شفقت
 کوسودوب و کاه سفیهانه وضع ایلده معامله ایدردی **فصل**
تیمورک سلطان جنت مکانه اولان بعض اساتی بیاننده در بوندن
 اقدام سلطان بایزید خان فرمانه استیلا و متولیس اولان سلطان
 علاء الدینی بعد الاحصار استیصال و محمد و علی نام ایکی اوغلن قید جس
 ایلده اذلال اتمکین تیمور مزبورانی قید جسدن اطلاق و توقیر برواحسان
 و لباس خلع زمر نشان ایتد کدن نضکره و لایتلرینک حکومتن کندوره
 ابقا ایدوب عربیه **اَصَادِقُ ضِدِّ اَعْدَائِي وَاِنْ كُنَّ بَنِي وَبَنِيهِمْ**

یعنی در نخلستان
 استن سیر و سفر
 و در نخلستان
 و در نخلستان
 و در نخلستان

وَأَبْقِضْ مِنْ بَعَادِي فِي صَدَقَاتٍ وَإِنْ أَتَى عَلَى بِنَاءِ أَشْيَاءٍ وَذَلِكَ
لِيَتَنَكَّبَ صِدْقِي وَهَيْبَتِي فَتَى قَدْ سَرَّيَ مِنْهُ الْإِخَاءُ مَدْلُومِي سَبَبِي دَوْلَتِي
اولدی و امیر محمد مرقوم بودند اقدم امیر ناصر الدین بن محمد ذلقادر
ترکمانی به اخذ و ولدی مصطفی قتل و ملک مؤید مجیز و ارسال
ایتمشیدی فصل اسفندیارک تیمور و فودی و امرینه اطاعت و امشالی
بیانند در ملوک رومدن امیر اسفندیار بن ابی یزید حکومت و سلطنت
صاحب قصر مشید اولوب پدر لرندن ارث ایله بعض اقالیم رومده پاد
اولقبه سلاطین آل عثمان اسکنهم الله فی بحبوة الجنان ایله متعدد
عداوت و برودتیری اولدوغندن ناشی تیمور ایله عقد رابطه دوستی
و بند رشتن آشتی به مسارعت ایتدی پادشاه مرقومک طرف رومده
زیرنکین حکمند بعض قلاع و بقاع اولوب جمله دن جزیره العشق ایله مشهور
آفاق اولان مدینه سناب زیر سایه حمایتند اولوب بلد مذکور دریا
بوغازند بر جزیره کبیره ده واقع حسن و بهایه جامع و برکوه بر شکوه
حاوی و انواع اثماره محتوی عسیر المدخل دقیق المعبر و لمغله اسفندیارک
ملجا و معاذی و اموال و خزینه سنک ملاذ و محرزی اولوب ابلیسدن
عاصی دوست بخیلدن او ثقی و قاصی بر جزیره صعب المنالند بری دخی
بلد قسطنطنیه اولوب بری دخی طرف بحره واقع قلعه سمسون اولوب
بونلردن ما عدا بعض قلاع و بقاعه متصرف ایدی تیمور بدکردارک
فرمان او غلترینه ایتدی و کی رعایت و تانار ایله اولان حسن معاشرت
و حاکم ادرنجان طهرتن و کهمیان حاکمی امیر یعقوب بن علی شاه ایله
اولان مرافقت و موافقتی و حکام منتشا و صادر خان خاندلردن
بالاختیار ربقه اطاعتن زیب کردن مطاوعت ایدند اولان استماله
اسفندیارک مسموعی و لجنه اطاعت و انقیاد تیمور مسارعت

ایدوب تحف غالیله و هدایای عالیله استقبال ایتکین تیمور دخی
بشر ایله مقابله و یسرا ایله معامله ایدوب قلاع و بقاعی حکومتن
کند و به تقریر ایتدی بعد ذلک اولاد فرمان و جمله فرمانده اذعان ایدن
امرا و اولطرفلرک و الیلری سک و خطبه بی نام محمود خان و امیر
تیمور کورکان اسمنه محرر و مقرر اتملرین فرمان ایتکله جمله سمعا
وطاعة قبول ایدوب پنجه سختگیر غدرندن خلاص کر بیان جان
و احرار مال و منال ایتدی و فصل تیمور غدارک احرار مال
سلطانی و طرف رومده ایتدی و کی چیا نعلری بیانند در تیمور غدا
ارثا و کسبا اولان نفایس اموال سلطانیته بی احرار و ولایت
منتشایی نصرت کیف مایشاء و جنود مردودین اطراف و کناف
و بادیه و اطواده نزول و بحار و اغماقه غوص و دخول ایتد رملک
اولک کروه مکروهک کیمی جباه جبال بلاد ایله متقارع کیمی مردان
قلاع و بقاع ایله متصارع اولوب اول خطم خطیره نک اکناف کثافه
داکب و اموال موفوره سنه جالب اولغله خدود در وضع لرین خدود
ناخن بی داد و خدود رسوا حلن دریده دست فساد ایدوب
اکابر ها لیسن پامال و تحذیل اصحاب اجلال و معاصم و مراق
اماکنه اطاله دست تغدی و تشکیل انا مل نعلی ایله بطون
و اخاد مغارب و مشارقن فرسوده ارجل عناد و قطع روس
و تفکیک اعضاد و حرق اکباد و تحیر اعین و اسکات المسر و صتب
مدامع و صلت مسامع و رغم انوف و شق صفوف و تذلیل عرائن
و ظلم مساکین و هشتم تغور و حطم صدور و قصم ظهور و کسر
فقر و مرق سرد و قلع ضرور و اهلاک نفوس و سبی اشباح
و سلب ارواح اتملریله فقرای رعایا و ساکنان مدن و قرانک

ابحق ثلث و یاربعی ساحل سلامته دها بولوب جماعات و عشایر مابین
 مختلفه و موقوفه و متردیه و نبطیه و ما اکل السبع و لغلله هر بری بر طرف
 بریشانی کوستور و با کثری و داع شاهد زندگانی آید **ذکر قلعه**
 از میر و صفت **قلعه مذکور** قلعه مرقوم همنه مکسوره و زای مجهر
 و بهم مکسوره و یای ساکنه و رای مملکه ایلد مستی احسن قلاع بحر اوق
 بکوصعبا المنال خطبه سی ابطال رجاله محال ایکن تیمور اعرج احصاریه
 تقدم و اعداد الات محاصره ایلد تضییقه تهجم ایدوب سادس کانون
 اول سنه اربع و ثمانماید عاشرجادی الاخری و الاربعاده فتح و تسخیر
 ایتمکه قتل کبار و آسرنشاه و صفار و ابدان قتلادن جوامع بنیاد
 و رؤس مسلمیندن متا بر ایجاد ایدوب قلعه مذکور دن سلب غنا
 و قوت و ذخایردن اخلا و ابیض و اصفر دن هر نه بولدی ایسه
 استقصی آید کد نصکره بوفتو حاکم فتح نامه لرین سرزده قلم افتخار
 و زعم فاسدی و زمر اجنه طیور بشایر برله زیر حکومتند اولان
 محاکمه اصدار آید **فصل تیمور مغرورک طرف دومه ایکن**
محاکمه ترک و چتا و ولایات شرق و مغول استخلاصه آید و کی
تدابیر بیانند در ارباب نهان اولیه که بوفصل سو و کلا
 جمله معترضه مانندی و لوب تیمور مجور سبطی سلطان محمد و سیف
 الدینی سمرقند دن روم طرفنه کنورد و کی بوندن اقدام سرزده براغه
 تقریر و لشیدی سلطان محمد مرقوم ملاذ فضلا معاذ علما مخایل
 سعادت جبین مبینند لایحه و بشایر دولت اسرار طلعند و اضحه
 اولوب عربیه **فی المهدی یطق عن نجابه جدی** **آشر السعاده**
واضح البرهان مغراسی صفت کاشفه سی ایدی و سیف الدین
 مذکور تیمورک مبد حالند احد رفقا سندن و منتهای دولند

موقوفه ایلد اوریش
 متردیه و دشمنش
 بولک یزدن و دشمنش
 نبطیه و مغرور سی و دشمنش

محصل تیمور
 که با ممدوح بر طغند و بر شکان
 جذینک نجابتندن نطق آید که سلطان
 علامتی نجابت ایلد نایبدر

واحد ارکان سلطنتدن اولوب اقضای قلم و تیمور اولان بحر بلاد
 مغول و چتاده تیمور احرارله مرقومان اشباهه قلعه سن ایجاد و اول
 طرفلک نهیب و غارت و ضبط و ربطی ایچون بلده مذکور یی بنیاد
 ایدوب حکومتنه ارغون شاه یی تقدیم و عساکر موقوره ایلد شاه
 مرقوری تقویر و هیئت حرکت و سکون تقویم اتمش لرایدی تیمور
 افغی مشربک مجا و ردی ضرر و کزندن خالی اولد و غن مغول
 اشعار و غایله سندن امین اولوب شاه مرقومک حکومت قلعه
 مرقومه نک متانتندن تشویش ضمائر و تکدیر خاطر برله فرار و اخلا
 دار و دیار اتملریله طایفه جغتای مال و منال لرینه طمع خام و
 طرفینک اشراری میانند شرر عداوت و خسارت اتصال و اشتعا
 بولوب بر برینک استیصال و افنا سنه مبادرت ایلد فتح ابواب مهالک
 و شد شاهراه مسالک و اخذ اسیر و نهیب غنی و فقیر و تحلیل اموال
 و قتل رجال آید کلری خبری تیموره منعکس و لجنه بونلک اختلافی
 بر مقدار توسیع ملک دخی باعث اولور ملاحظه سیله اول راس شر
 و شور غایت مسرور اولدی ازی جانب مغولک بونوع حرکتلری سلطان
 محمد و سیف الدینک منظور لری و لجنه قلعه مذکور یی لوازم کامله
 و عده شامله ایلد محصین و محافظه و مدافعه دشمنه عساکر هندی
 مولتان و رجال عراق عرب و ادریجان و فوارس فارس و خراسان
 و جانی قربان ایلد بنام بر مقدار لشکر بر توان و کماه چغنایدن هزار
 تومان اضافه ایلد تقویر بازوی ارغون شاه ایدوب طرف تیموره تو
 برله بلده بخنده وصول و قطع نهیسیچون و سمرقند دخول و بلده
 سمرقند حکومتن خواجه یوسف نام کمنه یی سپارش ایدوب اندن
 دخی تحریک رکاب نهضت برله راه نورد و غریمت ایکن اقلیم خراسان

قد و ملرنه کُرک اجل سیف الدینک قباى حیاتق دریم و طومار املن
نور دینه ایدوب سلطان محمد دخی کلوب تیموره ملاقی اولوب سیر و سلوک
حدود روم ایلده مرآت طبعی منجلی ایکن بامر الله تعالی آفتاب حیاتق سمت
افوله نزول و ما هتاب عمری پرده فنایه دخول اتمکین تیمور غریق لجه
احزان و مجموعته املی ضرب دست غیب ایلده پریشان اولوب جمله عساکر
وبادی و حاضر سیه پوش و اجرای رسم عزایتمکین سواد عساکر غریق
بحر سیاه اولدقد نصکریه سلطان محمدک عظامن محفوظ صندوقه
تابوت ایدوب کمال عظمت و جبروت ایلده سمرقنده ارسال و اهل بلده
مذکوره نوحه و بکا ایلده استقباله مساعده و سر جمله از فرق تابقدم
لباس سودا ایلده ای مراسم عزایمبادرت اتملین ترقیم ایتمکله حسب الحکم اهل
سمرقند شریف و ضعیف دخی و رفیع مانند شب تیره و تار مغفور لباس حزن
اثار اولوب سرتاپا البسه سیاه و آه جان کاه و عباسی علم و کویه سرد و گرم
ایلده دوست دشمن خاذه من استقبال ایدوب سنه خمس و ثمانمیه خلاصه
داخل بلده مذکوره ده متوفی مرقوم منتمی مدرسه حصینه ده متواری لحاف خاک
پاک ایتدیلفصل تیمور بلا ظهورک الله داد مار الذکره اولان برودنی
بیاننده در رجعتا الی ما کافیه بوندن اقدم نکاشته حریر تقریر اولدوغی اوده
تیمور غدار حلب و شامدن غضب ایتدوکی ائقال و اوزاری سیف الدین
متوفینک برادری الله داد ایلده مار دیندن طرف سمرقنده ارسال و کندو
استخلاص بعداده امانه لکام بی اهل ایتدکده الله دادک حساد و اعدا
واضدادی غیبت و برادرینک موفی ایلده انتها از فرصت ایدوب هتک عرضیه
مقال و طعن و ذمه میدان و مجال بولمغه تیموره سعایره و شام طرفده ایتدو
امورنا معقول و کند و نفیسی همچون جمع ایتدوکی نفایس اموال ناسی بیکان
یکان کشیده رشته تقریر اتملریله تیمور مزبور دن روگردان و مواخذ

و نخذیلن اضممار و نهان ایتدی مزبورک ما و را، التهرده ماثر محموده
و نتایج فکر بایقه و معهوده سی اولوب سمرقنده وصولنده در عقب تیمور
پشعور مزبوره حکم اصدار مثابه نغی بلد و قرب خدمتدن رد و اشیاء
قلعه سی محافظه سنه طرد ایدوب اول طرفلرک نهیب و غارت و عدم احاطه
اولانلره ایصال خسارت امرینه ما مور ایتدی مزبور دخی انقیاد برله
قلعه مذکوره یر وصول بولمغه ارغون شاه سمرقنده انتقال ایتمکله طوایف
مغول بی در پی انبیا ره یر تجهیز عسکر رائق و فائق و نهیب صامت
و ناطق و اغتنام فرصت و ایصال مضرتیه مساعده اتمکدن خالی و ملا
الله داد دخی تدابیر صایبه و افکار ثاقبه لرین اعمال و رد کید اعدایه اشتغال
ایلده خرابار و شوق اخذ و د و تحصین قلعه و سد و د محدوده یر بذل جهود
ایدوب قتل و اسروطن و کسردن متخلی اولوب تیمور مغرور انتقال د
مکافات و راه نور و معرکه کاه مجازات و بلغم یر دک اول اسلوب اوزره
اوقات گذار ایدی بعد آنک دخی رشته عاقبتی نیه منجر اولدوغی ان شاء
الله تعالی فیما سیاق بیان اولنور فصل تیمورک الله داده اولان
مراسله یر بیاننده در اول غدار نابکار طرف رومده نصب خیام ظلم
قیام ایتیشیکن الله داده اصدار رسل و رسایل ایدوب اول طرفلرک امور مجمل
و مفصل و کیفیت حال و کونیت احوال و اوضاع ممالک و توضیح مسالک
و بلاد و عباد و فزاز و نشیب و بعید و قریب و قلاع و بقاع و دانی و قاصی
و مفاوز و اوعار و صحاری و قفار و مضایق و اقطار و اعلام و منار و مبنا
و انهار و قبایل و عشایر و بادی و حاضر و عالم و جاهل و مراحل و منازل
و اقارب و اجانب احوالترین جهت شرق و حدود خطا دن سنور سمرقنده
و بلغم اعلام و طریق سوق کلامدن اطنابدن قلیل اللفظ و کثیر المعانی
انتخاب ایدوب واضح دلائل و اصح مسائل ابرادیلده کوهدن کاهه و رشته دن

سوزن و ابرخه توضیح و بیان اینکله فرمان اینکله الله داد دخی امتثال
 امرایله بر قاج طبق ورق بر برینه الصاق و شکل مرتبه اتفاق و پرد کد نصک
 اماکن معهوده نک اشکال مفصل واجالن و کیفیت حالن تقریر و کما هو
 جزوی و کلی سن تصور ایدوب هر بر اماکن و متحرک و ساکن احوالترین
 تصریح و توضیح برله شرقا و غربا بعدا و قریبا یمینا و شمالا مهادا و جبالا
 طولاً و عرضاً فوقاً و تحتاً حجراً و شجره غبراً و خضرً منهدلاً منزلاً
 منزلاً اسماً و درسمایان و طریقین عیان ایدوب حضور تیمور ارسال
 اینکله منظوری اولوب هر بر ماده یر منظور و مسموعی اولق مرتبه لرنه
 تحصیل و قوف و معلوم مجهول و تحقیق موصوفایتد یر فصل تیمور بلا
 روم تمام ظفر بولد قد تانارایله ایتد و کی معامله غدر بیاننده د
 مشرب ملک روم تیمور ظلوم کدر دن خالی و نفایس اموال و انتقالندن
 خزیننه سن مالی و عسکر غارتگری مغانم کیش ایلد مکنتی اولوب شاهد
 ربیع اقبال و شیخ شتا افتان و خیزان ادیار ایتد که ممالک روم بهجت
 رسو مدن آق شهرده سلطان سعید غازی شهید سلطان یلدرم
 بایزید و اصل دارالتعیم رحمت ملک مجید اولوب حفید تیمور سلطان
 محمد دخی بر زمان و مکانه لبتیک کویان دعوت ربا العزم اولمغله تیمور
 د کور ضرب کوس ریحل و حکم احوال تحصیل ایدوب اضمارد مار و بوار ایلد
 اکابر و روس تاناری احضار و هر برین مکان و منزله سند افتاد
 ایتد روب صورت صوابه بوجه اوزره توجیه خطاب ایتدیکه نصرت
 و مظاهر نموده اولان خدمت و قرب نسب و انتساب بکرت موصلت
 و مکافاتی و وفای عهد و مجازات کون و قتی حلول و ایام و اعوام رعایت
 و حمایت کزدخول ایتدی لکن ممالک رومده اقامت و مکث ایلد مزاج
 نشاطت مختل و طبع را ختم بر ملل و روابط سرور بر مختل اولمشدر

بوشکای ملالدن مکان و سبعه به استیصال اتمک مراد مدد رضوای
 سیواس مستقر ناس و مثنوی کیاس هوای صبح ایلد مسکن ضیح اولمغله
 اولطرفه مرور و تحصیل راحت و کسب هوا و انشراح صدور ایدوب
 فراغ بال ایلد ضبط اقالیم و ممالک و تعیین مقطع و مسالک و هر بر یگز
 مقام و منزله سنه تنزیل و استحقاق کوره تحصیل ایلد لوم زیر ابوا هر بر
 امعان نظر و تدبیر اصابت کسره محتاج در امور قلاع و بقیاع و مداین
 و ضیاع و عشایر و اقطاع مجمل و مفصل معلوم و سهل و مشکل و خفی
 و جلی مغل و مفهوم اولمغله جماعات و رؤسا و زعماء و امرا و افراد و اعداد
 و آبا و اجداد کزی تحقیق ایلد دار و دیار و نشیب و فراز و قلاع و بقیاع
 رومی سبزلره تقسیم و حکومت و امر و نهینه امر و اکابر یگری تقدیر
 ایدوب ستم جاه و اعتبار یگری ترفیع و ضیاع و بقیاع سایزه علی رؤس
 النفوس توزیع اینکله دفع مضایقه و دفع ضرر و تکره صرف اوقات
 و بذل مقدورات ایلد لوم دستور العمل و قانون حرکت و سکون ضبط
 بطون دفاتر و قید متون تواریخ و تذاکرا و لمغله علی کل حال هر بر یگز مزاج
 و بعد ایوم بواقلمه صاحب قفل و مفتاح اولور سز دیو بومقوله
 تصفیف کلام نافر جام ایلد امضای سبیل مرام اتمکین تانارنا چار
 دخی بوقول اوزره قرار و بورای اوزره عقد رشته افکار ایدوب تیمور
 ایلد اولطوائف بیقیاس عزم صحرای سیواس ایتدیلر مانند سحاب مظلم
 صحاری سیواسی مغفور رکاب متراکم ایتد که وفای مواعید تانارنا چون
 تیمور عقور بصب دیوان عامه و زبانیه جنودندن اقامه طایفه طامه
 ایدوب وجوه و سرکلران و ظهور و فرسان و مرده شیاطین و کبار
 و اساطین تاناری احضار صورتده آزاد معنیده اسیر افتاد ایتد و
 وجه بشاشت و هشاشت ایلد جمله یر توجیه خطاب ایدوب دیدیکه

بلاد روم و نواحی و قرا و ضواحی و اراضی سنه عین بصیرت ایله نظر
 ایتدم حالا اعدا کنه هلاک و سیرلر خلیفه املک اولوب بندخی سزله
 بوملکی تفویض ایدوب کیدرم لکن اولاد سلطان بایزید ملکه
 اشتراکیزی قبول ایتیب طلب نایب دایله اهل ککزه سعی ایدوب
 اهالی مدد و وبری دعوت ایدرلر ایه جمله لبیک کنان دعوتلرین اجا
 ایله هر طرفدن سزلی اختطاف ایدرلر خصوصاً بقیه اسود جنود
 منقادلری و هنوز متعدد قلاع و بقاع مستخر زمام انقیاد لریدر
 عربیه **لَا يَصْلِحُ النَّاسُ فَوْضًا لِأَسْرَةِ لَهُمْ وَلَا سُرَّةً إِذَا فِي جَاهِلِهِمْ سَأْوُ**
 نظام وصحت صلو کبی جماعت کزه شرایط و ارکان قیامه روابط لازم
 شرط اول اقتدای خاص و عامه صالح براماه محتاج در بعد ذلک ترتیب
 صفوف جماعت و هر فردی تزییل صف سمع و طاعت ایدوب ثانیاً اشیا
 محلنه تقدیم و زمام مناصبی اهلنه تسلیم ایدوب ارباب استحقاقه
 لازم سن ایصال و اصحاب عقل و دانی توقیر و اجلال ایتک لازمدر
 بوجه اوزره اتفاق ادا و ابتلاف اهو اولیحه شوکت و قوت و بخت
 و قدر تکرز جلیل و اعدا و مخالف ذلیل اولوب کید اعدادن مأمون
 السامه و عنوده مهدامن و راحه اولور سز ایمی بواحرک نظام
 و احوال کمرک انتظامی کیفیت حال کزه نظر و خیل و رجال و اعداد
 شمعان ابطال و اهتبه و سلاح و آلات ظفر و اسباب صلاح کزدن
 باخبر اولد قجه اولمز کز کدر که هر بریکر اهل و عیال و خیل و رجال و عدد
 و عدد و والد و ولدین نقضیل اوزره تقریر و ضرورت و مایحتاج مفصل
 رشته کش تغییر اید که قصورین اکمال و صلح سن ایصال ایدوب دفع
 ضرورت و دفع مخافت اید لومر الحاله هذه احضار سلاح اتمک
 کر کسز که نقصانک اتمامه اهتمام اولنه دیو ختم کلام اید بجه جمله

باینجی صفحه اصلیده بواصله بک منقول
 معنای نه خندان جهان دکلر انجمن
 امکان حصول مغایرت بین ایلر
 و ضابطلری اولیحه بکذ تقدیر
 نظام بولن اول امر که حال رعایا ده اسباب
 ایدوب نظام حاله بکذ تقدیر
 امران خلیفه ایدوب نظام حاله بکذ تقدیر
 اعظم رضی الله عنه خلیفه بکذ تقدیر
 ارتقا ملوک بعضی امرای جابر خلیفه و ایدوب
 هؤلاء لصوص لیسوا بملوک

تاتار سلاح و عده لرین احضار ایدوب جمعیت انواع ادوات مانند
 جبال راسیات اولدی اهل سجستانه ایتد و کی حیلله ایلله مزبور لر ایلله
 معامله ایدوب بواصله بکذ تقدیر و کسز جواهر منافع و ضبط مقام و توان
 و قلع مخالب و انیاب دزم و قطع حرام غزم و خزم ایدوب سمات
 راح عز و شوکت لرین اعزل و وفرت و کز تلرین اقل ایتد کد نصکره
 رؤسا و امرلری دست ذباینه جنوده در قید و وثاق اسرده صید
 ایتد روب سلاح و عده لری جبه خانه تیمور منتقل و قنادیل اما لری
 آتش بوار ایلله مشتعل و قسم ظهور و اطفای نورلری بالغ نصاب
 اتمام و تحقیر و از در و ضبط و ربطلری تمام مرام اوزره انتها بولد قه
 تکرار اطلاق و مواعید عرقوبیه ایلله خاطر لرین تسلیه ایدوب شد
 رحال ارتحال ایتد لر نفقات رواندن تحقیقه رسیدن در که شهریار سعید
 سلطان بایزید شهید تیمور عنید ایلله بعضی محالسه و مکالمه تیمور
 بوجه اوزره توجیه خطاب ایدر که ای میر سابق قصا و قدر ایلله شریک
 احتیال که گرفتار اولوب بعد ایوم عدم بخانه قرار ویردم لکن چون زعم
 اسلام ایدر سن سکا خیر خواهانه و دوستانه اوج نصیحت حکیمانم و از
 پذیرای دایلمی اولور ایه باعث نظام مملکت و عمارت دار آخرت را و
 رجال دومی فنا و اهلا که اقدام ایتیمه سز زیر که درع اسلام و مسلمینه
 سیر مضرت و دافع از دحام در لر حاله سز متولی امور ناس و جسم کونه
 منزله داس سز اگر ابطال دوسر دست تقدیر کزدن بسط و کسر و افع اولور
 ایه دوی زمینده صاحب فتنه کیر اولوب مدل مسلمین و ناصر
 مشرکین اولور سن ثانیاً تاتاری بود یارده ابقا اتمک کر کسز زیر ماده
 فساد و مختل مزاج عباد و بلاد فاسق جاسر و جوره قادر در مکر لرندن
 فارغ البال اولوب ازاله لرنده اهل ایدر سکن خیرلری شریکینه معادل

واطاعتی خیانتی نه مقابل و ملز بود یارده اسکا نری باعث اختلال
 حمالک و سبب انقطاع مذاهب و مسالك و لور طایفه مذکور بی بدن
 تفریق هر برینک اخوت و عییت و خالیت و قرا بتلین تحقیق ایند کز د
 ناشی فردا هر بری ولد عوا ایلده صاحب حواشی و مواشی و لوق سودا سنه
 دوشرا میدی حقلونده افکار ناقبه و آرای صایبه اعمال ایدوب اخراجلرنه
 اهل و اهل اتمک کرک سز ثالفا تخریب قلاع و حصون مسلمینه اقدام
 و پریشانی دار و دیار لرن اتمام ائیمه سز زیر معاقل دین و ملجا و جای
 معاذ غراه و مجاهدیندربونصایح امانت و دلائل طریق هدایت و لغله
 حفظ و عملیه تقید اید رسکنز نایل دولت دنیا و آخرت اولور سز دیو
 لالی کلام نصیحت فرجا ملرنه انتظام و وثیقه ائیمه مرملرنه اختتام
 و برد کلرنه تیمور سمع قبول ایلده اصفا و حسن اختیار ایلده عنوان دستور
 العمل عقل و نه ایدوب همما امکن اجراسنه تقید برله تاتارک دخی تفریق
 جمعیت و تفریق کریبان شوکتلری ایدوب دیار و مدن اخراج و عشایر
 و قبایلن پریشان و اقطار ارضه بیتاب و توان ایتدوکی اولنصایح ایلده
 منتقم اولدوغنه اقرب ماخذ اولدوغی ظاهر در فصل تیمور ظلمت
 مانورک خات رومدن رفع غمام و نقض خیام ایتدوکی بیاندن در
 اول غمام ظلام قلمرو رومدن یعنی صحرای سیواسدن دخی شد احوال
 ارحال ایتدوکی حجاب روی آفتاب اولور نفع و غبار و ضوء نهاده برده
 سیاه اولور سواد تاتار ایلده مانند بحر تیار افواج امواج عسکر خزار
 برله داخل اولد قلمری قریبی فساد و واصل اولد قلمری بلدی بر باد و مر
 ایتد کلمری مکانی تدبیر و عبور ایتد کلمری مسکنی تنقیر ایدرک از بجان
 یاجوجانه و صولونده قره بلوک عثمان استقبال ایلده قدوم تیموری تمجیل
 ایدوب لباس خلع فاخره ایلده عرض و اعتبارین تکمیل و ولایتی منصبی تقیر

و بعضی عسکر مغان ایلده دخی اعانت و کماخ حاکمی شمس الدین دخی مظاهر
 و معاضد تنده اولوق طرف تیمور دن تنبیه و تاکید اولندی **فصل**
تیمور مغرورک بلاد نصاری کرجه استیلا سی بیاندن در اول
 داهیه دهیا طوایف تاتاری استحصاب و دریا ماتندی اضطراب ایدرک
 بلاد کرجه دهیا با ولدی طایفه مذکور امة مسیح علیه السلام
 و ولایتلری غیر فسیح اولوب قلاع و حصون و مغارات و کبوف و جبال
 و جروف و قلل عالیله و بروج راسیه به مشتمل اولغین هر بری صوب المنال
 مستحیل الوصال از جمله قلعه تغلیس اولوب که مقدما تسخیر کرده تیمور
 تلبیسدر و ترابزون و آب خاص قلعه سیدر قلعه مذکور اها لیس
 تیمور عدم انقیاد و تسلیم قلعه ده عنادا ملرنه قضیه ملرنه مباشرت
 و مناقره و مناجره لرنه اگرچه مبادرت اولندی لکن حصن مذکور حصن
 و مین بویق اعدادن امین طواق روزگار دن در کین میان جبال
 شاهقه ده واقع اعتلای بروچی صواعق مناجقه مانع و اذیال ملومتری
 نشبت علایق و مسالقه دافع مدخلی شب قدر دن اخفی و عدم توفی
 لیلہ بدر دن اجلی اولغین تیمور پرزور تسخیر نه توقع و شاهد و صله
 ایرمه خون دل تجرع ایدوب بالاخره مهندس افکارین بوباید اشغال
 و ریسمان باز جیله سن بومسوال و زره اعمال و شاهباز افکارین اول
 حمامه فراز سیرک اصطیادینه بو طرز ایلده پرواز ایتدوکی ابطال
 رجالدن بر مقدار ارباب ستیز و ارباب جدال دن برفایح نفر چابک
 خیز آدمری صندوقله نقیبه و تحمیل و جبال عالیله و قلل راسیه دن
 سلاسل و ریسمان حکیمه ایلده باب قلعه به تدلی و تنزیل ایتدوکی نبال طیار
 و سیوف بتاره و انواع اسلحه و کلا لیب مشتبکه ایلده هوادن مهاوشه
 و جنگ شوا هین جاسر ماتندی مناوشه ایدوب استعضاد فتح

ازالۀ ارتعاش و تحصيل انتعاش ایدوب مقام مخاصمه ده ثابت قدم
 ورد کید اعداده راسخ دم اولدوغندن غیری وارد اولان مردان
 ستیزک امداد یله مغروران نصارا ذلیل و بازوی ملکی علیل اولغله
 رجوع علی الاعقاب و ترک جسر ایدوب کوشش سدد باب ایتد کلرند
 میر محمد جمعیتلرینه وصول و معاً حصه دخول ایتکله اولکروه مکروه
 نیر و تبر و رمی و جرمه ایلده رد و دفعه هر چند سعی ایتد یلر ایسه ممکن
 اولوب همیا و معاضد و در پس اولان ظهور و مترصد لری تعقیب
 ایدوب مانند صواعق غضب قلعیه منصب اولوب یله فتح و تسخیر
 و اکثر نصاری قزاق اهانته اسیر ایدوب ضبط اموال و اولاد و اخذ
 حرم و اخفاد ایلده میر محمدی حضور تیمور تقدیم و قصد و تعهذین رشتۀ
 تقریر تنظیم ایدوب یاره و پاره سی تفقد اولندقد اون سکور تخم
 جانگاه ایلده مجروح بولمغین تیمور سبعین مشکور و مواعید جزیره ایلده
 خاطر شکسته سن مجبور ایتد کد نصکره محترم و عزیز ندای و تعدیل
 مزاج اچون شهر تبریز و جراحان توران مرهم بری الشاعره ایلده جبر کسینه
 ایران صرف مقدوره و جراحان توران مرهم بری الشاعره ایلده جبر کسینه
 ما مور اولد یلر حسب الامر ایتدای بلد و جراحان شهر عقاقیر افکار و
 ادهان ارا لرین بحق ها و تدبیر ایدوب ترکیب انواع مرهم دلپذیر ایلده
 استشفای و تقویۀ قوایم قوا سنه بذل مجهود ایتد یلده زمان قلیل ده انا
 علل و صحت تام ایلده کالاول اولوب خدمت تیموره عودت ایتکله زمره
 اجنادده ریش طایفه و کثیر الوظیفه اولوب مؤخر ایکن مقدم ذلیل
 ایکن مکرم اولدی قلعه مذکور مانند مفاره مامون التهب و الفاء
 اولوب جهره بلاد کرجه مانند دید و جبال عاصیه و قلاع عنیده لرینه
 مفتاح و کلید و لمغین تسخیر یله کرجیلرک اعصاب قوتلری منحل و مزاج

عزم و خزم ملری مختل اولوب تسلط زبانی بی رحم ایلده کاردان و مردان
 میدا نلری مغلول زنجیر و قید بلا ده اسیر و لمغین تیمور سایر مملکتلری
 استخلاصه دخی عازم و ضبط مال و منال و اسرا و اولاد و اخفاد لرینه
 جازم اولدی **فصل حاکم شروان الشیخ ابراهیم و ساطیکه کرجیلرک**
استیمانی بیانند در طایفه مذکور کند و ضعف و تقصیر و تعطیل
 تدارک و تدبیر لرین مشاهده اید بخه قبل الاشاع تر قیع خرقة به رعیت
 و قبل الانقطاع تقویۀ جبل حیاته مبادرت ایدوب استغاثه و استیمان
 ایلده حاکم شروان الشیخ ابراهیمک حلقه جنبان باب شفاعت و بلخی
 سایه حمایتلری اولوب امر و نهینه راضی و تدبیر دلپذیری ایلده مستکفی
 اولد یلر اولهنکا مده جیش صیف دخی تحریک لو اولطیعه لشکر
 شتا قدومرا استبد ایدوب سر تیر سرما و غار تکره و اسلب لباس
 شواهدا شجار و دست خریف اقطاع اوراق و انمار ایدوب سلطان
 ذی فراز کوه سارده نصب سحابه سفید و فراش هوا بسط بساط
 جدید و آهنک بر در روی انهاره نیج حلقات حدید و معمار سردی
 مسالک و مجاری به طرح سدد سدید ایدوب تیمور مغرور ایسه
 استدر اراج ایلده کرم و سردی عالمدن مغلول و عاجز کرده سلاطین
 و قابض و باسط فحول اولوب عربیه **وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ نَصْرَ عَبْدٍ**
كَانَتْ لَهُ أَعْدَاؤُهُ أَنْصَارًا وَإِذَا أَرَادَ خَلَاصَهُ مِنْ هَذِكَةٍ
أَجْرَالَهُ مِنْ نَارِهِ أَنْهَارًا فَتَرَى الْعُقُولُ تَقَاصَّرُ عَنْ شَوْكَةٍ
وَتَرَى كُرْفِي شَوْكَةٍ أَزْهَارًا مدلول بخه قوت بخت طالع و دستبازی
 طالع مطاوع ایلده بلاد کرجی دخی داخل قبضه تسخیر اتمک ند بیرند
 ایکن الشیخ ابراهیم حضور تیموره جهره سای عبودیت و استاده
 مقام خدمت اولوب موقف شفاعتده تقبیل زمین و خان ضراعند

مختص اولوب
 انچه بجا نده و نانی قولک نصرتن اراده
 و شاک عطف شدن خان من اراده ایدرسه انشدن
 انهارا قیدر کورد و دستک بر دکندن عقول قاصر
 اولور اما اکا اول دکندن چچکلر نیر

بوسه چین اولوب تحت اکاسره وملاقات قیاصه اوزره مراسم
 سیاسی تقدیم ایله عرض حاله استاذان ایتدکه تیمور طرفدن ملا^{طقت}
 ایله معامله اولمغین بوسیله ابراد ما فی الضمیر ایتدیکه امیرک
 شفقت و مراحمی مشمول غنی و فقیر اولدوغندن غیر کتروفر و سعد
 اختر لری سلاطین جهانی تنخیر ایله اهلای شرق و غرب مربوط رابطه
 تدبیر لری اولوب دوستان مجبور و بدخواهان مکسور اولمغین فیما
 بعد ضرب و جربدن مستغنی واعوان وانصار یکز غنائم لایعد ولا
 یحصی ایله مستکفی اولمشدر حالا توجه جیش شتا ایله اوردوده بولنا
 ضعیفای لشکر مضرور اولق احتمالی اولور خاصه جماعات ناتار که
 ثادیب و تحذیل و سعد بختلوی نخوست و اختر قباللری ادباره تبدیل
 اولمشدر اکر بودستورا و زمره استمرار اوردو لور ایسه صحیح لری علی
 و جلیل لری ذلیل و جلد و جسم لری رفیق و اعصاب و عظام لری دقیق
 اولور حالا که بلاد و عبادت امر کردن خارج استقامت لری محال و اطاعت
 و انقیاد کردن غیر یی مجال لری اولدوغنی کبی طائفه کرج دخی و امر
 شریفه کزی سمع اطاعت ایله اصفا و قبول و خدمت مطاوعت و انقیاد
 منتهای مامول و مسئول ایتمشدر اکر مال و حملون مراد ایسه العبد
 و مایملکه کان لمولاه بضد قات مولادون غیر محموله انبات مال
 محالدر بو فقیر ندادک برله طریق خدمت لری مسلوک ایدرم باقی رای
 شریف لری اعلا و لطف لری بنده لری املند خایب و خاسر اتممکه اولد
 دیو بو مقوله عبارت مرعوب و کلمات مرطوبه ایله ختم مسئله حرام و طبی
 طوامیر حسن کلام ایتدکه تکلیف و طلب سوال بسیا رایله مسئولی
 قرین اولوب الشیخ ابراهیم قلب سلیم ایله مال مظلونی طائفه مذکوره یه
 کند و مالندن امداد ایله خزینه تیمور نقل و تسلیم ایتدی بعد ذلک

تاریخ سال سکون یوز آلتی ایله فرخ فال اولدقه تیمور محل مذکور دن
 رحیل و مشتاسن قره باغ صحرالزنده تکمیل ایتدی فصل تیمورک ما وراء
 التهر طرفه عودتی بیاتند در سلطان بهار خسته آثار موکب اجلال
 ایله جهان فیض بخشا و مانند ستاوی لیل و نهار از حبه عالمه عدالت
 دسا اولوب ما شطه کون ترین عرایس شواهی و دلالة هوا عطر
 فروشی کل رخاں ریاض و حدایق ایدوب تهیج قوای نامیه و تبرج
 مخدرات ریاض سامیه و مورد و مار قیام و حرکت هوام و وقوع جمرات
 وحشر و حشرات و لمغله اول افی سر سخت دخی حرکت آغاز ایدوب
 آوازه نفیر شد حال عالمه و لوله انداز و صدای کوس در حال زلزله رسا
 نشیب و فرازا و لمغله مواکب و کتاب و سرایا و رکاب سدا فاق زمین
 و زمان و لمعان لبوس مانند برق براق رخشان و سواد خباد محیط
 اطوار عالیات و مستبوادای سافلات اولوب سنا بل الخیل جیشدن
 مرتفع اولان خاک روی فاقه بغلیق حجاب و تراکم غبار عنان آسماندر
 کمر التحاب مرواریدوب فی الجمله ضیای بیادق برق دبیعدن حکایه و اذهار
 مزهره اعلام و شقایق شقه دایات و عنادل سهام و اغصان رماح
 خوش اندام جمعیت جیش بهار دن کنا بر اولق اوزره اول اعرج و افجه
 شاهد سرور ندیم و مخدرة صور خدیم و مشاطة نشاط مسامر
 و قوافل بخت و طالع بین الافراط و التفريط وارد و صادر در رفقت
 ملوک و ادبایب تیجان ایله مانند بحر سیکران و سیل عرعر فرکی جوشان
 ایدوب قصد ادربچان و عمالت خراسان ایله بحر یک رکاب عزیمت
 و کور عنان نهضت اولدی فصل ملوک استقبالی تیمور مساعتر
 بیاتند در تیمورک قصد عزیمت و طان ایتدوکی خبری منتشر قطان
 بلدان اولمغین ملوک اطراف و اکثاف استقبالیه تبادر و سلاطین

ما وراء النهر ملاقاته تطایر ایدوب حکام مرابط و ثغور و ولات
سرحد و سنور ثواب و قاصد و حجاب و رایدلر کوندروب تبریک
قدوم و تهنیه فتوحات هند و سند و عراق و کوچ و شام و درویش
تقدیم حمل و تهنیه ضیافات فوق المأمول ایتدیلر بعد ذلک سادات
عظام و علماء اعلام و مشایخ کرام و کبار دیار و رؤسای مصادر
فوج اقبال و رعایت مراسم استقبال ایتدیلر کوندروب هربری تکویم
و تجلیل ایلر استحقاقی و نزه مقام احترام و تنزیل اولند قد نصکوه
سمع و اطاعتلری تاکید و قانون سکون و حرکت و دستور العمل سلوک
ولایه و قضاتلری تمهید اولوب لازم کلان و عد و عهد و تحجیر و هربری
سمت و سمتنه تجهیز اولندی پس از آن سوق ستور و نهر همچون اوزده
متهیا اولان سفاین و مرکب ایلر نهر مذکور عبور ایتدیلر اول طرف
خلقی دخی احرار امل استقبال ایلر مسرور و مرالوب تاربخ سنین سکر بون
یدی ایلر شرف قرین اولدقه بلده سمرقند یتمش ایکی نوع طوایف و فرق
ایلر تنزیل احوال ایدوب تفریق عساکره مباشرت و مردمان ما وراء
النهر اجازت و یردیلر فصل توزیع عشایر تا تار بیا شد در تیمور
غدار دار و دیار و وطن اصلیه سنده استقرار ایدبخه توزیع تا ناده
شروع و تشیت اصول و فروعلری فکرینه دوشدی کا دخی باعث
و بادی بوایدیکه طایفه مذکوره ذو عده و عدد و صاحب سده و شده
اولوب اگر چه قوایم شوکتلری تنزل و اختراجهلری منزله زواله تنزل
اتمشیدی لکن کثرت و وفرت و نجدت و غیرتلری هنوز باقیه اولمغله
تیمور مباد بر طرفدن خروج و ذروه باغیه عروج ایلر لرخاطر سیده
تشیت و تفریق و کریبان جمعیتلری تفریق ایدوب محذور لرین دفع
ایچون صحاری و ضوایحیه ارسال ایتدی و دخی طوایف مذکوره ایلر

سدا فواه ثغور و بند ابواب بخور ایدوب بر مقدارین سرحد هند و خطا
کا شغیر طرفنه ما مور و بر طایفه سن دخی ممالک جغتای و مغول سرحد
اولان اسرکول نام جزیره طرفنه حکما طوعا و کرها ارسال ایتدی
بونلره بعضی مساعد ایلر دخی امداد ایتدیلر محکم مذکورده قرار ایتدی
قرار ایلر ناحیه شمالیه ما را الذکور اید کوا به اتصال و بعضی قبیللری رغون
شاهه منظم اولدیلر و بر مقدارین دخی خزم و جزم ایلر حدود دشت
و خوارزم طرفنه تجهیز ایتدی بناء علیه تیمورک اکثر دابی تبدیل رجال
بلاد و تغییر حال عباد و تقید ایدوب هر بر رقه و بقعه میر مستولی اولدقه
المبتی عسکرینک بر مقدارین اول بقعه ده اسکان و اول راخی
خلقینک بعضی سن بلاد آورده استو طان ایتدروب اهل شرقی غربی
و اهل غربی شرقی و رجال شمالی جنوبی و ابطال جنوبی شماله نقل ایدر ایدی
حتی بلده تیریز مستولی اولدقه مقابل حکومتن فرزند فروزند
اختری امیرانشاهک ید نصرت فتنه تسلیم و خدمت و تعاطی امورینه غلاظ
و شداد جغتای بیدادک بر مقدارین تقدیم و تعیین ایتدی و مردان عرفین
و هند و حراسنک بر مقدارین اطراف خطا و ترکستان حدودینه ارسال
ایدوب مقدما شامدن استصحاب ایتدوکی عبدالملک ابن التکوبتی ی
اعمال ترکستان مدن مدینه سیرام حکومتیه احترام و یلبغای تکرار نام بلده
توجیه بیلر اکرام ایتدی بو بایده اقصای مراعی رؤسای شام و اعیان درو
و اعجام و حکمای عرب و علمای بغداد و حلب مابین خدم و حشمه بولند خیر
ابنای ترک کسب ادب و صفای مشرب ایدوب علم و عرفان ایلر تعلم
تدبیر امور ملک و ملت اتمک ایدی فصل تدبیر امور ما حاضر ایتدک
صکره اطراف بلاد و عباد و اصلاح مصالح اطراف و ثغور و اکثاف
و بخور و اطراف و رعایت کبیر و صغیر و تعاطی احوال غنی و فقیر ایدوب

معنای بیتی
یعنی بیتی و آنکه الله سبحانه و تعالی
خبرین کتب استون نه کوزل آدمک
ابوسن کتوبن یلور ایدی نای اهل
اولاندی قلعه باشمقدن نهی ایدی
ایستی ایسه اهل آدمکون زکله واقع
اولسون

رفع بدع و اشیا محکمه وضع امتک امرینه مبادرتا بتدی عربیه
 لله دَر انوشروان من دجل ماکان اغرفه بالوغده والسفیل
 نهامهو ان یستوا عنده قلما وان یرزل بنو الارار والعکمل
 مدلولی بجه امور مملکتده شایسته خدمت اولاندی استخدام ایدوب
 توقیر اشرف و سادات و تکریم مشایخ و ارباب ریاضت و تجلیل علما
 و اعزاز فضل و قمع اهل فساد و ضبط ارباب عناد و قطع مارق و خنق
 ذاتی و صلب سارق اتمکله ذمبجه امور سیاستی لازمی و نهره تقدیم
 و طور چکنیز خاتمه و قواعد ریاستی تقویم ایتدی فصل تیمورت زوچ
 اولوغ بیک و ابتداع بعض منکرات و خاتمه سیستانی بیانده در اول
 مغرور بر زورک بازار استدر اچی و رواج بولوب احوال مسلمان
 و تسخیر ملوک و سلاطین ایدوب هر طرفدن فارغ البال و هر چه شدن
 محصل الامال اولی بجه مصنف مرحومک حال جیاتنده یعنی سال اربعین
 و ثمانیایه ده حاکم سمرقند اولوب نواده خانزاده سی شاه رخ زاده الوغ بک
 زواج و بازار عرض احتشامه رواج و یروب تدارک سور و جمعیت اسباب
 جویده بو وجه او زره شروع ایتدی که ابتدا اهالی مدینه تزیین و تجدید
 لباس ایلده حاضر و مهیا اولوب و ترفیه حال رعایا و برابرا چون رفع تکالیف
 و مظالم و عفو طروح و مغانم و بسط بساط امن و امان و صغیر و کبیر
 و رفیع و وضعه بذل فضل و احسان اولند و غندن غیر محاکمه سل
 سیف و اجرای ظلم و حیف و لنماق فرمان و بلد سمرقند بر میل مساف
 و ارنجه آیین بند و تزیین اولنغه تنبیه ایتکین بلد سمرقند مانند قطعه
 روضه جنان و غبطه حور و رضوان اولوب عربیه رخی فیها
 غزال التریک شیخا فصا دالمسک بعض دم البغزال مدلولی بجه الحقیقه
 بلد مذکوره نکت رواج اهو به سی عبرتین و رشحات آبی عین الحیاتدن

معنای بیتی
یعنی بیتی و آنکه الله سبحانه و تعالی
خبرین کتب استون نه کوزل آدمک
ابوسن کتوبن یلور ایدی نای اهل
اولاندی قلعه باشمقدن نهی ایدی
ایستی ایسه اهل آدمکون زکله واقع
اولسون

لذیذ و تقاریر طبودی صدای طنبور و عوددن طرب خیز عربیه
 بساط زمردی نثر علییه من الیا قوتی ألوان الفصوص کات
 مدقرا لآذهار فییه و دود فی محاسنه تنضد صکاف فی جبین
 او عقیق و مرجان و یاقوت و عسجد فهدی حشوها مسک
 فیت و هدی ضمیه نثر مبرد اراد الروض یجلوها علییه
 فصاع لها اکفا من زبرجد مغر اسجد صباغ قوت خیالیه مشاهیر
 ازهارندن خلط ألوان نفوسی تعلم و مشاطه عرایس ادراک نصا ویر
 الوانندن تزیین عواقب کمالی تفهم ایدر روضه لوی جاه غنی کریمه اولان
 امل حریص طامعدن اوسع و نزهتکا هلزی ارباب اولوالابصاره جمع و بدو
 روی کلر خان تاناردن المع مساعده دهر و امداد عصر و عمر طویل و طرز
 جلیل انبساط حال و کثرف اموال ایلده بلد مذکوره و احدا ماکن مذکوره
 و بقیعه و قطعه لوی نزهت و فسحت برله اقالیم ارضه مشهوره اولوب
 عساکر تیمور و فرت و کثرتده مانند بنی اسرائیل ایکن قطرا فطاردند نایه بی
 دلیل براقلیم واسعه و خطنه عامه اولوب تیمور مغرور ترتیب اسباب
 سور اچون ملوک و سلاطین و عمده و اساطینک اول ریاض اریضه و مروج
 طویل و عریضه یه خروجلین فرمان و هر برینه یمینا و یسارا و خلفا و اما
 مقام معلوم معین ایتدکد نصکره هر بری بختلات و اسباب مباهات
 و زواهر و جواهر و محاسن و مفاخر و زروسیم و اموال عتیق و جدید
 تقدیم و رخت بخت احضار ایدوب ضرب خیام و نصب قباب خوش اندام
 ایتدی تنبیه و لغین بحسب الامر بازار مباهات و مفاخره یه رواج و اول
 ساحه ضیحه الباحه یه ما مملکتی اخرجنه کوشش ایدوب صحایف
 ایا ملندن منظوی و سجات انا ملندن محتوی اولان خراید اقالیم و
 و فراید جواهر معادن و مجاری و نهبا نفاس ایلده جمع ایتدکری ذخایر

معنای بیتی
یعنی بیتی و آنکه الله سبحانه و تعالی
خبرین کتب استون نه کوزل آدمک
ابوسن کتوبن یلور ایدی نای اهل
اولاندی قلعه باشمقدن نهی ایدی
ایستی ایسه اهل آدمکون زکله واقع
اولسون

و نفایس و انهماک و در طه هلاک ایلده در دست ایتد کلری مخف
ماکل و ملا بسی تقدیم ساحه تحسین یعنی اول روضه خضری ایچم
زواهر ایلده تزیین ایدوب توفیر بهجت و تکثیر بضارت اتملر ایلده اول
روضه و سورت نام و نشانی نمونازه و دید بیهانی انداز سی اقالیم
ارضه و لوله انداز اولدی پس ازان یتوردخی سرادقات خاصه سی
مرکز دائر و اول مداره قطب ثابته اولق امر تمکین نصب سرور
منقوشه و نصب خیام مفروشه اولوب نشیمنگاه یتوردی اول
چتر اعلا استار مانند سپهر استقرار و مقدمه سنده برد هلیتر شایع
قرار و یریلوب تکیس روس و مشاهد سبله ذهول نفوس ایچون دخی
باب خیمه ده مصنوعه دست سحر کاران ایکی قرن عجیب ترکیب و لغفین
ذوالقرنین ایلده اول چتر شهرت پذیر اولوب بونک داخلند متعدد خیام
واخیه و قبابه دخی انتظام و یرلدی از جمله قباب برقه که اعلی و اسفلی
وظاهر و باطنی مزین کش بری دخی سرتا با حریر ایلده منسوج و منقش بری
دخی فرق تا قدم لالی مثنی ایلده مکمله و علایم عجیبه ایلده معکبه بری دخی
انواع جواهر ایلده مرضع و صحایف ذهب ایلده مرقع و ملمع اولوب بومایند
نقره کامل العیار دن بر سقف اعلا و نصب معارج سیمین پا اولند و
غیر حار و اق آفاق افروز اوزر تعلیق سرادقات زرد و زورفع فساطیط عجبه
و ترتیب مجالس مطربه و وضع سرور مرفوعه و اکواب مصفوفه و ذراتی مشهور
و انواع فرش و نماریق و اصناف مفاتیح و مغالقه ایلده ارسته اولوب و از
جمله استار پادشاه سعید سلطان بایزید مرحومک خزینه سندن غضب
ایتد و کی چوقه دن بر پرده درکه یکپاره قطعه واحد ذراع حدید ایلده اول
ذراع اولوب انواع نقوش و صور نباتات و غرورش و اشکال هوام و طیور
و وحوش و تمائیل اشخاص سناء و صبیان و کتاب و بلدان و غریب

اسابی انواع الوان ایلده بر نوع نقش و نگار و بر مرتبه فسون و فتنه ایلده
سحر کارا و لغش که گویا رای ایلده متحاک و انما را شجاری اقتطافه متداند
ستر مذکور واحد عجایب الزمان و لیس السمع کالعیان ابدی دیونقل الیوم
و مقابله با رکاهه مباشران امور جمهور و ارباب مناصب و مطالب
و چا و شان و اهل دیوان ایچون برآت میدانی مسافه ده جهل ستون زمر
نمون و عوامید سر و کون اوزره اوج آسمانه متلاصق و کره هوا ایلده متعلق
بر سایه بان دخی نصب و نشینید اولندیکه مهتران خیمه مانند فرده اوزر
صعود ایدوب رابطه و اطناب بند و شد و فتح و عقد ایدر لرایدی
فصل اهل مدینه محزون صند و قجه مباهاتلری اولان تجملات و محفوظ
دکا پنجه افتخار لری اولان اقمشه لطایف و محسنات و نظایف لرین اظهار
و مقابله سرادقات یتورده مدبصر مقداری مسافه ده نصب و احضان
ایتد کلرندن غیر ارباب صنایع بدایع و حرف سایره ساخته دست همتلری
اولان صنایع عجیبه ایلده هریری بر شکل غریب ترکیب ایتدیلر از جمله حلجان
قطن مخلوجدن قد رشیق و صنع و یتق و منظر اتیق و جسم رقیق ایلده مانند
حور و قوام کمال ایلده نمونه نمای قیام قصور بر مناره ترکیب و اول ساحه ده
استقرار و علم ستیاره و اول ابنیه جامعیه مناره ایتدیلر کذلک حدادان
و بخاران و معماران و کاز و مران و کمال سازان و قصا بان و ملاحان بوقوله
فلان و فلان و ارباب ملاعب و ملاهی و اصحاب مضاحک و لهاوی
و صور عجیبه و غریب اشکال ایلده میدان سیر و تماشا بی غفلتگاه جهال
ایتدیلر بعد ذلک افاضل و ارباب فضایل بلد دخی طریف و تلید و عتیق
و جدید مال و منال و خیام اجلال ایلده طوعا و کرها اول دایره ده عقد
مجالس و طعاطی امر نشاط و تحاککی مسئله انبساطی بدل مذاکره و مباحث
مدارس ایدوب و رای خیم و اخیه و خلف قباب عالیله ده نصب بازار

کرما کرم خرید و فروخت و لنوب انواع ماکل فواکه والوان اطعمه والبسه
 رنگارنگ و متاع هند و سند و فرنک پیرایه دست دلالان خوش آهنگ
 اولوب لوازم سور و مراسم سرور بالغ نصاب تکمیل همچون قبول کوه بکرو جیا
 مبارک منظر جلال ملمع و زین مرصع ایله ربط مرابط سیمین و پیرایه چمتو
 زعفرین اولوب اطلاق عنان ملاهی و سلاعی و هر طالب مطلوبه و هنر
 محبت محبوبه راغب عسک و خرمی کسر و اعلا و ادنی و شریف و ضعیف برابر
 اولدی **فصل** امکنه مذکور طولا و عرضا فوقا و تحتا بوجه اوزن
 ارسته و محال و محافل بواسطه پیراسته و لجه نیمور مغرور دخی اوثاب
 مفاخر شاهانه و اسباب تکار ملکانه و لباس منظور و مرکوب مشهور ایله
 خیمه کاهه مرور و بارگاه سلطانی ارسته اولان سر بر سروری به زانو
 اقامت و ترتیب بزم سروده اشارت ایتمین فرش زمردین اوزن یواقت
 صهبا و کوس عتیق حمرا داره به شروع اولوب کلر خان خدام مانند
 در منشور پریشان و سواقی سیمین ساعد خیابان مجلسه خرامان
 اولغین اسود خوا و رجفتای شرب مدام ایله اذل هوایم و غلاظ شد
 مغول و تانار مومدن ملایم حسن معامله به قابل و نکته و ظرافت مایل
 اولوب اولد روضه نفیسه ده بلکه خطه وسیعده صول سیوف غزه
 و لحظه دن غیری صارم اولوب اولدخی مکسور و خطف طرفدن اوزکه
 خاطفا اولوب اولدخی مقصور جوی غایبه و سقا ساعیه و اصحاب
 خدود شارقه و ذوات خدود بارقه نک لسان حال لری رباب سوز و سازه
 بوابیات ایله دمساز و حاله مناسب مقام عشاقده خوش آواز اولور
 ابدی که **تخمیس** **لمتجمه**

بهار عیش ایله اولدی جهان جان محسود نسیم صبح سعادت ریاضه قلدی و رو
 صفای کلشن و بلبل هزار نغمه سرود عرایس چمن ایتدی فراز صدره صعود

جهانه وردی شرف اقتران سعد و صعود
 جواهر کهریز بذل ایدوب بلور غمام :: اچلدی ساغر لعلین و جام مشکین
 مختبرات ریاض ایتدی جمله رفع لثام :: هزار جلوه حسن ایتدی ساقی خود کا
 خزینه دار چمن ایتدی صرف نقد وجود
 هوا پرچم چین و شمیم مشک تنه :: مشام عالمی قلدی دکا بجه عطار
 طرف طرف طرب و ساز و نقش و نغمه کا :: چمن چمن کل و کلشن هزار بلبل زار
 سزا بوز و قله کر جان بولور سه اهل خود
 زهی مجالس عشرت زهی متاع هتا :: کوس دایره و مطرب هزار نو
 می عتیق مذاپ و هزار نغمه سرا :: زمین سندسی و فرش اطلس و دیبا
 عیون دوست برانوار و کور چشم حسود
 کتور بیاله راحی یا غه دور ساقی :: کجور هر فرصت وقتی غم جهان باقی
 بشرط آنکه حلال اوله کیف و تریاک :: علیل عشقه طیب اوله همدخی دایه
 تعرض ایلا یسه غم دکل رقیب مجود
 بو طرز بدیع و دایره منیع ایله حصول امن و امان و اعتدال زمان و فراغ بال
 و راحت حال و درخص اسعار و قضای و طار و عدل سلطان و صحت ابدان
 و صفای وقت و ذهاب مفت و تهیه مطلوب و وصال محبوب عام اولمقل اول
 عرسده تیمور حاصل اولان عظمت و ایهت و سطوت و شوکت خلفای
 مستقیمین و سلاطین پیشینه موفق اولوب و متاخرینه دخی میسر اولوق عید
 الاحتمال دراکوچه مأمون لیل عرسده طلای صرفدن فرش حصیر و نثر
 لالی کبیرد لیدر ایتمکله اوزرندن بلا التفات استغنائی ملکانه ایله مرود
 ایتدکه شاعر ابوالنواسی یاد ایدوب کویا بو مجلسه بزمه معا ایدیکه بو
 معنای عربیه **کأن کبری و صفری من فوائدها حصبا دَر عَلی ارض**
من الذهب نازده سیله ادا نمشدر دیدی اما تیمور جبارک عرسده بنا

منقول است
 نثری است که در کتب
 و صفحی است که در کتب
 و معانی است که در کتب
 و معانی است که در کتب
 و معانی است که در کتب

ملوک و صایف و ابناء سلاطین مقام عبودیتند و اقفا و ولد و غندن
غیری اتفاقیات غربیه دند که الجیان سلطان مصر و شام و رسل خطا
و هند و دشت و سند و بریدا فرنج و قاصدان حبش و زنج خدم و حشم
ایله مقام خدمتند ثابت قدم اولوب سرتا پا بادی و حضرا دفع و فقر
مخالف و موافق معادی و مصادق **عربیه** **قریر العین لا یزجوا ملاذا**
خلی البالی لا یزجوا معاذا مدلولجه بلا خوف و وجل تناول محرمات
و اد تکاب منکرات ایله فعل قبیح و عمل شنیع ایدوب اتباع و انصارینه
هر نه امر ایتدی ایسه بلا مبالا تا داسیلر متلاهی اولوب معایب
و ملاعبدن متناهی اولمز ایتدی **عربیه** **تبدل من سفک و هتک**
حریمه **احل بها ما حرمته الشرایع** مدلولجه تیمور پر قصور دعوت
سلاطین و کبرا و طلب ملوک و امر و قایدان جند و زعما ایدوب یدئا
بیدار سقای کاسات و اشراب مسکرات ایدوب هر زین اخوت و بنوت
مقامنده اقعداد و خلع فاخره ایله اسعاد و طرف یمین رجاله و شمان
مکان خواتینه تعیین اولوب بلا ستر و حجاب همعشرت شراب ناب
و بوما بینده استمرار آواز چنک و صدای قانون و آهنگ عود و ارغون
و نای خوش نوا و رباب مطرب و طنبور معجب و مغرب و هوای مشبع
و مراد مجتمع بخوم بدور و ازهر آفتاب دایره ماکل سایغه و آمال بالغه
تیموره عمر جدید و ذوق نازه و خفت بی اندازه و بر مکیں نشاط ایله
مکانندن نهوض چون حواشی و معا ضد لرندن مستمدا و لمغله هر
طرفدن دستگیر و قیامنه امداد و اعانت ایتلمه قیام ایدوب نجیه
و شیبندن عیب اتمیوب **عربیه** **شیان عجیانها ابرد من یخ**
شیخ یصا با و صیتی یشیخ مدلولجه سفیهانه و لنگانه
دقصه شروع و مضحک اصول و فروع اولدی **عربیه**

محمول است
بنام کمالی البالی
ایدوب دیوگری روشتن اولان بولوز
رجاسنه دکل یعنی کسسه ناک سابه سنه
الخالتم ککرتن دکل و خا طری خوش باله
اولان بیا دمجی جاسنه دکل
محمول است
یعنی سفک دم و هتک برده عصمت
ایله جوی مبتذل اولدی و شریعت حرام
ایتدی و شنی حال ایتدی
تنبیه
سلطان بایزید نامه شایه و کونست قانون
چغتای ایدوب کیم دند و تیمور داکور
عظیم انکار ایتدی و کیم بوجلس اقباع خلط
رجال و شایر ایتدی و تافص غریب دن اولوب
مردم غفلت و فی الجمله اشارت ایتدی و حق جبر ایتدی
محمول است
یعنی کیم شنی بوزدن صوقدر بری پنج اولان
کسسه صبی وضعن اتمک و بر دخی صبی بخل
وضعن و ککرتن انیات

ومن عجب الدنيا

و من عجب الدنيا اشل مصفق **وابکم قوال واعرج راقص**
در حال ملوک و کبرا و نساء سلاطین و امر اسرید بختنه نثر جواهر و لالی
و فضه و ذهب و هر نفیس عالی ایدوب تیمور بد اندام لهو و لعبندن حصه
تمام اید بجه عروس منصفه بر دخول و شاهد مشهودینه و وصول بولوب اهل
مجلس متفرق و هر کس مسکن ما و اسنه لاحق اولدی **عربیه**
ماکان ذاک العیش الا سکره **لذاتها ذهب و حل خادها**
فصل مغرور مذکور دنیا سنه بالغ نصاب مرام و منتهای املی
و اصل سر منزل اکمال و اتمام اولوب پای عرج ایله اقصای مراقب آمانه
عروج اید بجه بدر عمری قریب افول و آفتاب حیاتی سمت زواله نزول ایدوب
عربیه **وما الدهر الا ستم فبقدر ما** **یکون صعود المر فيه هبوط**
وهیهات ما فيه نزول و امتا **شروط الذي يرقى اليه سقوطه**
فمن صار اعلا كان أدنى تهتمما **وفاء بما كانت عليه شروطه**
مدلولی فرع سر و بخرع سلافة موت و حالات قبردن خبر و بر مکه سکونت
افاقه و خواب غفلتدن بیدار و ایتدی و کی افراط و تفریطدن خبردار و لمغله
ایالت و سیاستدن فراغت و هوای سلطنت و توسیع مملکت و مرتکب
اولدوغی کبار خبا یاندن انابت ایدوب زعیمه قضای مافات و کفاره سیانه
مبادرت ایتدی **فصل** تیمورک سمرقنده بنا ایتدی و کی جامع بیانده
تیمور فتح هند و ستانده عجیب الزمان و حید دوران حسن بنا و وضع
قبة و ارکانده دیده عبرت حیران و مهندس افکار ناتوان رخام سفید
ایله مفروش و انواع صور ایله منقوش بر جامع کبیر کوروب پسندیده دیده
خرده بینی و لمغله بلده سمرقنده مانند دی بر جامع بنا سنه مباشرت
و تعیین موضع عمارت ایتدی کد نصکوه قطع اجمار صلدا و لغمه فرمان
و امر مباشرتن توابعدن جلد محمد نام کسسه یر اشارت ایتدی خدمت

محمول است
یعنی دنیا نیک عجایبند که بر آدم
مثل اوله آل چاکه و بری دخی و لسنی اوله خاندن
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
محمول است
یعنی ولعیش ذاتند الحق بر شوخ خلق اید
کیمی کندی خاری کلدی
محمول است
یعنی دنیا بیزد باند صعودی و نازل
نزول بوقدر ککن صعود ایدن نک شرط سقوطدر
هر کیم زیاده عالی اولدی و شوب باره باره
اولانک ادناسی اولدی و شرط وفا ایتدی

مذکوریه مأمور اولان تجاران و معماران ثاسیسنه بذل اجتهاد و تشیید
 ارکان و تحسین بنیان و ترکیب و تزئین فوق المراد ایدوب میادین
 اربعه ایله آراسته و قبه عالییه و ارکان راسخه برله پراسته ایدوب
 مباشرینا اولان جلد محمد دخی بوباید بذل اقتدار ایله بومرتبه صنع
 آخرت و سعی و لیوب طبع تیمور موافق ادای خدمت ایتمکه سعی
 مشکور و خدمتی مبرور اولور و ملاحظه سند ایکن اتفاقا اول جند
 تیمور سفرده بولوب عمارت جامع رسیده سر منزل اکمال ولد قبه عود
 و جامع جدید سیرینه عزیمت ایدوب بذل نظرده جلد محمدی و جمعی
 اوزره منکوب و کشان برکشان خال سیاه اوزره مسحوب و بند
 دست و پا ایله اول پجاره بی پاره پاره ایتدوب مال و اولادینه استیلا
 ایتدی جبار مرقوم بوباید اولان التهاب آتش غضبیه متعدّد سبب
 اولوب معظمی بوباید یکه افره تیمور ملکه کبرابر مدرسه کبرابناس
 اراده ایتمکه مدرسه مرقومه نک موضعی صواب دید معماران و اتفاق
 ادای مهندسان ایله جامع تیموری مقابله سند واقع اولوب استادان
 کاردان بونک دخی عمارتند بذل تاب و توان و تشیید ارکان و تعمیق
 اساس و رفع جدانده نقید تام و اهتمام مالا کلام ایتدوب اتفاقا
 طباق و حیطان جامع مذکور دن ارفع و ارکانی ارسخ و قبه لوی اشخ
 اولوب تیمور غمری الطبع اسدی الوضع اولفین کسسه نک ترفع و تکبرینه
 منغل اولما مغله قامت مدرسه جامعی اوزرینه اطاله و فزاجدرائی بام
 جامع حواله اولدوغی منظوری و لجه هوای غضبی و خیم و تورسینه
 برکینه سی مانند نارجمیم اولوب مباشر مرقومی معرض سیاست و عذابه
 تقدیم ایتدی قضیه مذکور محملا بوقدر جبر و فزده املا اولوب فیما بعد
 تفصیلی دخی رشته تحریر ان شاء الله تعالی کشیده اولور **نکته**

جامع مذکور صاحبی کبی اوزار اچاره جامع اولوب طاق و درواقه نقل
 و تحمیل اولنان اچاره جسیمه و انقال کراسته و حشویات ثقیله به مناکب
 ارکان و غوارب جدرائی منغل اولوب ضعف و رقت ایله لسان الحال
 سقفی اذالتهما انشقت کریمه سن تلاوت ایتکیمن تیمور هدم و ترمیم
 و نقض بنیان ایله استیناف تعمیر ایدوب لکن بعض خشاب منکسر
 و اچاره معلقه سن علی حاله ابقا و اول جای مخوف و مخاطره ده فریضه
 اوقات و اقامه جمعه و جماعات و لنفق امر ایتدی حال حیاتند بوقرار اورد
 مستمر و جایجا بنیان و ارکانی مستقر اولوب فوتند بصره بعض
 اچاره عاریه و اخشاب ذابله متزلزل ولد و غندن غیری اچاره معلقه
 سقف سقوطندن جماعت مسلمین هواره احتراز و تربت اهتزاز ایدر
 ایدی بعض حیانه جامع مذکور پر جماعت بلکه ازدحام ایله کثرت
 دخی و ارایکن سقفدن بر پاره سنک سقوط ایتمکه رعب سابق
 ایله خلقت قلوبی مرعوب اولوب صاعقه فاقه هبوطی مرتبه سند صلاه
 ناتمام و ترک امام ایله باب جامع طرفه فرار و انزاع ایدوب نقض
 فرض ایله منتشر ارض اولدیلر بعد حقیقه اطلاع ایله رجوع و مجدّد
 صلاه شروع ایتدیلر الله داد مارا لذلک جمله جماعتدن اولوب مزبور
 دهان اذکیادن اولفله جامع مذکوری وصف ایدوب بعد الیور بوجامع
 جامع الحرام فی طوف و جای صلوه خوف ایله ملقب اولور کدر دید کد نضوه
 تیموری اراده ایله عربیه **سَمِعْتُكَ تَبْنِي مَسْجِدًا مِنْ خِيَانَةٍ وَأَنْتَ
 بِحَمْدِ اللَّهِ غَيْرَ مُوَفَّقٍ كَمُطْعَمَةِ الْآيَتَامِ مِنْ كَذِبِهَا لَكَ الْوَيْلُ
 لَا تَزْنِي وَلَا تَصَدَّقِي** نادره سن مصنف مرحوم مشافهه ایراد ایتمکه
 پیرایه صحیفه اثری قلمشدر **فصل** تیمور جسور ممالک روم جنت رسیده
 خبط عشوا ایدر کن استخلاص ممالک شرق دغدغه خاطر غدر مائری

بعضی ایام و کسره استماع ایتدیمکه خیانتله
 مسجد بنا ایدرسن اما مجلد اند بویغی موفّق
 دکل سن سنک مثالت اول زانیه عورنه کجور که
 فوجی کسبندن ایلام اطعام طعام ایدر ایدری
 مکار و بیغی و لسون زنا ایتد و تصدق ایتد

اولوب بودند اقدم مخیر تباشیر تقریر اولدوغی اوزره الله داددن
اول طرفلرک احوال و کیفیت احوال استخبار ایدوب الله داد طرفدن
وارد اولان رساله مفصله دن دین و سمع سرا یله کورمش و اشتمش
مرتب سند اول اقلیمک جزوی و کلی و متحرک و ساکن و نشیب و فرازین
و عاصی و مطیع و بعید و دانی سندن خبردار اولججه نیه اول نواحی و ضوا
کبارندن بیردی بیک و تنکری و الیاس خوجیه بعض مردان کار آزما
اضافه و بر مقدار عسکری دخی زیاده ایدوب الله داده ملحق و رای
صواب دیدی اوزره حرکت ایتلرین تنبیه ایله اشباره بر اون منزل مسافره
واقع متعلقات مغولدن باش خمر نام قلعه منازع فیه و تسلط
جفتای و مغول ایل خراب و باغ و بیستانی صحرای و سراب و لیشیکین
اقلیم خطایه غریمتده ذهاب و ایاده عسکره ملجا و معاذ و جای
استراحه و ملاذ اولور ملاحظه سیله جمله تعمیر و تجدید و تاسیس
و تحکیمه مامور اولدیلر تاریخ سال سنه سبع و ثمانیله فرخ فال اولد
مزبور لومهنضت و عسکر جزار ایله محل مرقوم تنزیل احوال اقامت و خلا
عادت مشغول کار عمارت اولوب لیلا و نههارا تحکیم اساس و دفع سو
و ترسیم دار و دور و تصفیف اجمار و تشیید منار اتمک اوزره لر
ایکن تیمور تکرار مزبور لومهنضت و رسایل اصدار و امر بنا تاخیر اولوب
خدمت مرقومیه مامور اولان امر او زعمای و طایفه عسکری یلویرینه
عودت و عمارت بلاده متعلق زراعت و حرثنته شد میان متقد
ایدوب جمله اهل قرا و امصار و ساکنان قفار و کوهسار عالم و جاهل
خادم و مخدوم و فلاحان انجاد و اغوار و برزکار و آثار صدر سمرقند
منتهای خطه اشباره بر وارنجه ترک مسایل معاملات و مباحه ایدوب
قولا و فعلا مسابقات و مزارعه بر صرف مجهود و بذل متاع و نقود انملر

تنبیه اولند و غنندن غیر هر امیر و کبیر و هر ذمیم و زغیم جماعت و قبیله
و عشیرتلی بینهک صلاح زرع و انبات اصول و فروع شد میان
همت و جماعتلیله اقامه امر مذکور عقد نیت اتملی باینده بوجه
اوزره دفع صوت ایله تاذین ایتسونلر که بر فردای صلیقه فریضه بر مضطر
اولور ایلسه دخی ترک فلاحت و زراعتدن الحذر الحذر جواز کوستوریه
دیو تنبیهات و تاکیدات ایله رساله سن مشحون ایتکیکن حسب الحکم
کار عمارتی انداخته زاویه ترک و تاخیر ایدوب ساکن و مساکنلرینه
عودت و زراعت و حرثت نذارکنه مبادرت ایدوب اول و اندر بساط
صیف دخی نور دیدن و راید خریف سماط عیش دیوان عالمه کشیده انملر
هر کس استخراج بقرو فدان و احیای اموات زمین بذر امکان ایتد
فصل تیمورک اقلیم خطایه غریمت و منتقل دارا خرت اولدوغی
بیانند در مغرور مرقوم کار تدبیر زراعت و عمارت و قبض و بسط
امور اقلیم و محکمکدن افاق بولججه عادت قدیمه سی اوزره قصد
اطراف و استخلاص بلاد اکثاف چون امم عساکر بادی و حاضره
اصدار و امر ایدوب دورت سنه لک اهنه و لوازم سفریه و زاد و ذخیره
تدارک و احضار ایله اقلیم خطا سفر چون حاضر و مهتیا و تعیین اولان
معسکه بوجیه وجه غریمت اتملرین تنبیه اکید اتمکیکن امم طوائف
و اصحاب اقطاع و علایفدن هر اسد پر توان حمل و جمیله راه مقصوده
بویان و هر نورشدید الخوار نیجه کدیمیخی اولان سنبله و ساقی کشت زار
املی اولان دلو سقی ایلر طریق اطاعتده دوان و هر عقیب راجل دبیب
جدی و سیر سلطان اوزره روان اولوب مانند حوت هفت جگر غوطه
بحر خطر و لغه مستحضر و جلب اموال عبادده مانند کفین میزان توأم
اولمغله معرکه کاه قیامت اشبارده احتشاد ایتدیلر اول هنکامده هلا

فوس دخی سهم نام بر ایله عالم کون و فسادہ قدوم جیش شتادن خبر و برق
 کفاهه عسکری حضاد سلب و ساز و عراة و حفاة ترک تاز لشکر سرمدان
 احتر از اید دیولسان حال ایله ندا و بونوبت زمان آخره قیاس اولمز آیه
 من آیات الله اولوب ادرک نار ایله قدوم و اخذ انتقام الچون کرم عنا
 هجوم اولمشدر اهلک نفوس و قلع انیاب و ضرورس و قتل و ضرب و قتل
 سیوف و پنجه سختگیر ایله فرک کوش و انوفایدوب کسر ذراع و استقاع
 کراع و حصد ذواهر اشباح و سلب جواهر ارواح ایدر سیماجند
 خریف ریاح بارده و غیوم و اراده ایله نمودج طلعتی و عنوان کبابی
 و مقدّم مصائبی اولوب زفرندن کائنات مرتعد و زمهریرندن حشرات
 فعرجه تملرند منعقد و نیران منتهی و عذاب منجم و اوراق اغصان
 زایل و انواع نامیه ذایل و حیوانات مطلق العنان کشت و کذاردن
 مأیوس و مارد و مورد و عقرب کورد کلام لرند مجبوس و ریاض چمن مغیر
 الحذور و مضارت و ارتیاح کلشن مفقود و خرمن ازهار مرواح ریاح
 ایله برباد و نابود و لور دیور هبت بخشای اخبار اولمقین تیمور زنبور
 دخی نفقات هوادن قدوم شتایی استشمام و نفقات نسیم خریفدن
 نوجه سرمایای استعلام ایدنجه نصب و تحکیم لبوس خیمه و قباب و تجدد
 لباس شیخ و شاب اولمق امر اید و کندن غیر صفا نچ جد و بند قه
 برد الچون قبا یکنده و سوزیندن سپر و فوای پرمویدن درع مجوهر
 احضار و البسه مضاعفه ایله رد کید برده قرار و پروب بوقدر ایله
 مستکفی اولوب و کلام ناسر عدم التفات ایله غریمتندن منتهی اولیو
 طوایف عسکری یردخی شان شتایه وجود و یرلیکه شدت سرماخیز
 انجام و سردی هوا برد و سلام درد دیو تسلیم بخشای نافر جام اولور
 پس ازان احتشاد عساکر و انجام امور و اوامر و لنجه نقل اثقال

خاصه الچون

خاصه الچون بشیوز عربیه تدارک و احضار اولوب سنه مذکوره
 رجبند راه نورد مقصد و صدای کوس رحلت صماخ عسکره و لوله انداز
 غریمت اولمقله خروجلرینه دخول جیش شتایه مقدارن اولوب خزان بستان
 عمر تیموره دیوان فنادن ایراد فرمان ایتکین اتفاقا یوم حرکتلرند علی
 الصباح مرقه رقت محترقه شفقت ایتیز بر برد ظهور ایدوب لابس و عریان
 یکسان لوزه کمان اولمشیکن ینر هر حال افتان و خیزان سر منزل مراد
 تحریک همیز و اماله لکام ایدوب سیر و سفر لری سر نهر چیمونه منتهی
 اولنجه عربیه علی البحر قد عابت جسر امددا بناه الله العرش صرحا
 مُورداً بکیت خلّت الذمّع فی جنبایه رقیق و رقیق فی زجاج
 بجمداً مغراسجه نهر مزبور مجید بولمقله هماندم تیمور مرد و روح
 و اصراری و زره مستمر اعبور ایدوب اولهنگامه جیش شتادخی بر
 طرفدن اوزر لرینه ایقاد نیران بلا و سر و ساما نلرین دست بردیغا
 ایدوب صرصر نکجا ضرب وجه و قفا و هبوب دیور عراة و حفاتلرین
 افنا ایدرکن ینر تیمور جمع کثیر ایله غریمت و اسیر و کسیره مرحمت ایتیوب
 برده ایله تقابل برد و جرد مرد یله مکافحه هوای سرد ایتکله سلطان
 شتادخی ستور لکدن عواصف و رخس جرون قواصف ایله مجموع
 و منفزلرین تاخت و ما بینلرند اقامت نایجات ایتد کندن غیر لسان
 ایله خطاب و تیموری بووجه اوزر هدف سهار عتاب ایتدیکه هله یا
 مشوم صبر ایله ای ظلوم غشوم تا بکی خرق قلوب رقیقه و قق اکباد و کسر
 رقایب دقیقه ایدرسن اگر انفاس دوزخدن بری ایلک بندخی ثانی
 نفسینم و استیصال عباد و بلادده سنکله شخاین و کفره سنی دهان
 و قنار محسنین ایزا کو تبرید نفوس نفسیه و تنفیر ارواح اینسیه ایتدک
 ایسه زهر زمهریریم سندن ابرد و کید اکیدم سندن اشد در قسم یا شیخ

محمول بیت
 یعنی بجای اوزرندن بر جیش محمد و شاهان
 ایتدیم کویا بر قوی کوشک ایدی که ایتدیم
 اینش اول اول وقت اغلام و شوق خال
 که کوزم یا شای آنک اطراف کویا
 بر شیشه اینچند قهری شای اید

لوايح
بمعنی حرقات

صنای منون برد و سهام سرد مدن لوايح جمرات محجوه و شراره هب کانون
و مبخرم سنی حمایت و صرصر غضمدن فروه و قبا و عبا و قایت ایتر دیو تفریح
سرایند کد نصکره شق بیضه فولاد و حرق و خرق اشدها داید بر دایله
دبورد پر زوره مقارین برف مترادف مانند جبال نزول و در عقب شیاطین
و ابع خلال برفه حلول ایلد غبار نیل و بارانی ارد و خلقت اذان و خیا شمل
وجیب و داما نلرینه تعبیه ایدوب نتیجه اولدیج عقیم مصادفا ولدوغن
مانند عظام رمیم ایتکله عالی و سافل مرتفع و نازل زمین کثرت برف ایلد
متساوی و کویا نقره خامدن مصنوع بر بحر صافی اولوب بهر حال بوکا
راضیلر ایکن صفای جو و استکشاف سحاب اولدجه آسمان برخیمه
فیروزه قام و کوه زمین یکجاره برف قطعه بلورین رخام و بوما بیند کواکب
زاهره کویا حیات ذهب منشوره اولوب العیاذ بالله حرکت نسیم نفس نفسی
منجمه و حرارت حشا و کبدی منجمه ایدوب اول طایفه مردوده بهر نار غرود
برد و سلام اولور ایدی بووجه اوزده بلای برد عام اولوب عربیه یوقه یوقه
الشَّمْسُ مِنْ بَرْدِهِ كَوْجَرَتِ النَّارُ عَلَى قَرَصِهَا مدلولجه چشمة آفتاب
دخی حرارت نایاب اولوب و هر نفس متنفس اولدجه انجمه سبال و دیش ایلد
مانند فرعون مرصع اللیحه و اگر بر تافل لفظ تخام الشبه با وجود حرارت فم تقالیه
بندقه حدید خام اولور ایدی حاصل کلام اول فیه مصابک رشته صبر و سکون
کسته و قاروده حیالتی خرده سنک برد ایلد شکسته اولوب عربیه قیارت
أَنَّ الْبَرْدَ أَصْبَحَ هَالِكًا وَأَنَّ الْحَالِي عَالِمٌ لَا تَقْلَمُ فَإِنْ كُنْتَ يَوْمًا مَذْخُلِي فِي
جَهَنَّمَ فَقَدْ مِثْلَ هَذَا الْيَوْمِ طَابَتْ جَهَنَّمَ دعاسی پیرایه زبان مدعا
اولور ایدی بووضع بدیع ایلد عسکر تیموردن جمع غفیر هالک و لایحصر افراد
اذان و انوف و دست و پایلری ساقط اولوب هانق عینی قما خطیائهم اغرقوا
و ادخلونا را فقم یجدوا لهم من دون الله انصارا کریم سن تداوت ایدوب

مصلحت
بمعنی بولبله باران کریم
آرزو ایدیرد فوخی اوزر نیل
آتش باندیرد

مصلحت
باید صاف هالک ایدیمی
اولدی و سن عالمین آتشی
محتاج دکلین آتشی چون جبهه فوخی
بویکد کونده جهم سلطان بدر

هبوب ریاغ عاصفه و نزول امطار مترادفه ایلد غریب قیچ آب و منحق کرداب
عذابا ولدیلر مع ذلک تیمور ظالم ملتفت بیاران و سنا سف کدشتکان
اولیوب غزمه و فتور و بر مزایدی فصل تیمور حیات الله داده کوندردو
نامه رهبت خامه بیاند در مغرور مرقوم سمرقنددن حرکتدن مقدم
قلعه اشبارده محافظه سنده اولان الله داد مارا لکزه نامه خشونت خامه
ارسال و مفهومنده املا ایتدو کی کلمات تهو را شمال ایلد مزبورک و کرا جفا
طایر نومن اطاره و آهو قرا دین مناسندن اثاره ایدوب فحوی کما بندن
الله داد طالب دمار و مؤتم اولاد و مخرب دیاری اولدوغن فهم ایتکله
بیهوش و صفای مشرفی کدر آلام ایلد مغشوش اولوب نامه مرقومده مامو
اولدوغی خدمات صعب المناله قیاسا قطع جبال و نقل اجارا یسر و شرب
بحار مالحة اولی تراولوب ایدی و اقل قدومی چون کند و مالندن احضار زاد
وزواده و تدارک علف دواب و ماکولات راکب و پیاده و لیلله اقامتی چون
مطبخ خاصه بهر یوزدوه یوکی طحین مهیا اولغی تنبیه و لیلله واحد دن
غیری اشبارده مکث و ارام اولمندوغن دخی بیان ایتکین الله داد
بوسقوله سیارش و فرماننه تحصیل اطلاع ایدنجه طوا حین آبی لسان ارباب
حال کبی ساکت و مجاری آب مانند دست بخیل جامد و دماء آنها عروق
جباله ناضبه و دموع عیون آماق تلاله غاربه ایکن بومقوله تکلیفند
تیمورک و قوف آسیاب اقبال و انقلاب روزگار احوالن فهم ایدوب
انجن اجرای امر و احضار مطلوبه ناچار اولغین شداید و نواب ایام
ایچون اعداد ایتدو کی مالدن استعانه و بذل نفایس و اجتهاد ایلد حرکت
مردانه و اصحاب بخدت و ارباب شدت و هر دوست و دشمندن طلب
اعانه ایدوب استنهاض رای مستحقین و استمداد همت مرفقین ایلد رد
مضرت محالیب بلا و دفع شدت انیاب قضایه مزاوله و معالجیه مبادرت

و کوفش یواسی

ناضب
چکلش صو

هبوب ریاغ

و جمع عکله و فعله و کارگران توانا اید و ب قطع انها واداره مدار اید و قدر
اجرای آب بذل اقتدار و مانند آهنگران مطارق حدید ایله قطع صحایف
جلید اید و ب کشن کیرشتا ایله مصارعه و هوای سرما ایله مدافعه
اید و ک هزار خون دل ایله اجرا ایتد کلری آب مانند حدید در ساعت
صلب و شندید و لمغین مشئی قهقر ایله مکرر اکسرو قطعه بذل قدر
اید و ب مقدار ذراع حدید قطع پاره جلید ایتد کچه هبوب هوای یاسه
ضرب و جوه غایبسه اتمکله امر لری غیر ناجز و کار لرند عاجزا و لور لر ایدی
و الله داد ایه یا لئمال و یا للرجال دیو هر چند تحریص عمال ایتدی
ایسه کار کار و لیوب عربیه **فَكَانَ كُلُّ مِنْهُمْ كَالْجَمَّارِ يُخْرِجُ مَا افْتَنَهُ**
بِالْمَدَارِ يُوقِفُهُ الْمَاءُ لِإِجْمَادِهِ وَكُلُّهَا آوْفَقَهُ الْمَاءُ دَارَ
مفهومی ما صدق حال لری و لوب جست و جو و نکا بولرینک فایده سی
اولدوغنی معلوم لری و اتفاق ایله بوم مسئله تکلیف ما لایطاق اولدوغنی
مفهومی و لوب الله داد دخی عذر لرین قبول و تدارک آخر ایله وصول
مرام اقدامه ایکن خصوص مذکورہ اجراسی و خدمت مرقومہ اداسی ^{بند}
تکرار مکتوب غدر مصحوب تیموری صادر و لمغین الله داد بومرتبه تکلیف
ما لایطاق ایله مکلف اولدوغنی معنای هلاکه تاویل و معروض معرض
بلای عریض و طویل اولدوغنی دلیل اید و ب مقدمه تیمور غدار حلب
و شام مدن غصب ایتد و کی اموال عباد الله و زاد و ذخیره بلاد الله کی کند
سمرقند طرفه تجهیز ایتد و کده غیببند انتها فرصت ایله اعدا و اضداد
و همکاره و حساد تیموره غمز و سعایه و پنجه معایب و مثالین زبان زد و حکا
ایتلر لیه تیمور کند و به مغبر الخاطر و مواخذه سی با بند متفکر اولدوغنی
معلومی اولدوغنی غیر مباشر جامع ما را لدر کجلد محمد اولان بداد
و نهب اموال و اسرا و لاددن دخی عبرت آل و ب طرف تیمور ددن اصناف شرور

آنکرت هربری حازه پیمیزی ایدری
مدارک هنر ممکن اولور سه آنی اخراج
ایدر ایدری صوجا ملا اولد فید طور ایدری
وند وقت که صومو افت ایدری
دور ایدری

وانواع فنور

و انواع فتور ملاحظه سیله لیل و بهار بفرار اولوب آب حیاندن غسل
ید و وداع اهل عیال و مال و ولد ایتمیشکن تیمور ایشباره به اون منزل
مسافه به نزول و شهر یار شهر صیام دخی هر قریه و مدینه به شرف
بخشای دخول و لمغله ستد و بند دروب و قطع دعوی طالب و مطلق
اولدی فصل اول جبارک مُرد و کوز کوه افکن قهر ایله خرد اولوب
احضار دیوان مکافات اولد و غنک بیا ننده در تیمور خدر سعناد
قطع اطواد و انجاد و طعی طوامیر خراب و اباد ایدر کن قلعه انداز نام محکم
ضرب خیام راسخ الاوتاد ایند و کده ضرر سرما دن ظاهرًا سالم اولد و غ
کبی باطنًا دخی امین و لمق آذر و سیله آخر عمر نبه دك اختراع و ابداع ایند
ظلم اقتضای وزر آلوده چرکاب موجب العذاب اولوب کویا دنیا به نافر
کله و کی کبی دار الحکم عاقبه الامر دخی احوال آثام ایله وصول بچون نفوذ
بالله من سوء العاقبه تسویلات شیطانیه ایله ادویه نافع حاره و بهار
موافقه و توابل غیر مضره ایله تقطیر عرق خمر ایند رب تناول و شرب
مشغول و تدبیر احوال عسکر و تدارک مایحتاج سفردن مغفول
اولوب کیف عرق ایله کوزنده زمین و آسمان بلا فرق اولدی اما حکم قضا
و قدر ایله مظنه حفظ صحت اولان باده مسک ختام باعث مرگ
و انعدام و مانند شراب مسموم سبب موت محتوم اولوب کرمه و سقوا
ماء خیمًا فقطع امعائهم فحوای معجز احتواسی وزر اول رئیس ثام
شرب حرام تأثیر ایدوب قطع امعا و کبد و تحریب اساس جسم و تفکیک
ارکان جسد اتمکین دعوت اطبا و عرض درد و طلب دوا ایند کده
اتفاق ادای اطبا ایله دفع حرارت بچون شکم آتشین و جبین برجینی
اوستنه بوز باده لوی وضع اولوب هر چند دفع حرارت و استرداد
صحت کوشش ایند یلا ایسه فایده ایتدی و هر نقد مقتضای حکمت

محمول
یعنی اول وقت از صلا
نیمه سن اوده جمع در و هیاهی
جمع اینست نفع اینست

اونزده عقاقر افکارین سحرهاون ادراکلری ایدوب سفقدر ترتیب
وبزورات استنباطلین کوس ادراکد تطیب واشرب بارده ترکیب ایدوب
ویردیلر ایه چاره کراویوب عجزا طبقا مقرا ولجحه تیموردخی ببقن انتقال
ایدوب قی دم و هزارندم ایلده آه سرد کشیده و دست حسرت کزیده اولوب
وَإِذَا الْمِيثَةُ انْشَبَتْ أَظْفَارَهَا الْفَيْتُ كُلُّ يَمِيمَةٍ لَا تَنْفَعُ
مدلولجحه مال و ولد و عده و عدد نفع ایتیموب سناء حاسرات الروس
اطرافند نوحه کمان و حواشی واعوان حوالیسند ناله زنان کمال یاس و عدم
مددرس ایلده دست ساقی منته دن جرعه کش پیمان مرگ مبرم و یوم الار
سابع شهر رمضان سنه سبع و ثمانمیه ضواحی ازاده همراه قافله عدم و دار
مجازات و مکافاته وضع قدم ایلده مقطوع الامل موقوف الاعمال و لدی متلیه
عالم و عالمیان قریب العین اولوب دفع عذاب مهین ایلده ففقطع ذاب القود الذی
ظلموا و الحمد لله رب العالمین کریم سن پرانه زبان شکوان ایتدیلر مشغولی

دو نرد و لایه بکوز چرخ بیداد	سرور و شور ایلده دورانه معتاد
اولور سه بر نفس کام اوزره د	اولور بیک نغمه ده آخر ستم ساز
بوکون کورسک برین دولله مغرور	کودور سن یارنی مایوس و مقبور
نجه م پاره و خورشید طلعت	نجه نازنده و مرغوب سیرت
اولورکن ناز و نعمت ایلده مسرور	جهانده رفعت و جاهیلده مشهور
کودور سن آفتاب عز و شانی	خسوفه یازواله اولدی دانی
ملوک برتوان اصحاب تدبیر	ایدنلر وی ارضی فتح و تسخیر
جهانه حکم ایدوب شرقا و غربا	نظامن ویردیلر شرعا و دابا
اویوب بعضیلری نفس و هوایه	اولوب طالب همان عز و علایه
هلاک و نهب و اسر و قبله قایل	همیشه طبعی ظلم و غدره مایل
حقوق الهی جمله ایتدی سببان	دلیل زاه دایی اولدی شیطان

اولوبهر

اولوب هر پرسی شیرد رنده	اذای عالمه مادر کزنده
تمسخر له تغنی ایتدی شیطان	اول آهنگیله طوردی اولدی قصان
حقیقت بلدیلر خواب خیالی	فراموش ایتدیلر وقت ذوالی
مطامع صاندیلر دنیا بی دایم	خلوده اولدیلر هر دمده جازم
برابر و تدیلر جور و رضایی	موافق صایدیلر حکم قضایی
ایدوب سفک دمای پر و برنا	شهیدا ولدی هزارادنا و اعلا
ایدوب دنیا ی دون اچون تناف	بری بری ایلده هر دم تشاجر
ظهور و فتنه و اسباب افساد	هزاران خانمانی قلدی برباد
اولور لسه اکبر دم مصالح	اولور لودست سیف ایلده مصالح
بولوب نام جهانگیری رواجن	آلورکن یدی اقلیمک خواجهن
سریر سرور ید بی محابا	ایدرکن عالمو ابحر حکم اجرا
زن صد شوهر جاذوی دنیا	ایدر بر مکرنا مامول پیدا
اولورکن طعنه زن حسنیله ماهر	دو شور و تختدن خاک سیاهر
سکا عبرت یتر تیمور اعرج	کریمه المنظر و نقصان و افلح
جهانه صالیدی آتش قلدی برباد	ایدوب احراری سبی و قتل اجماد
هزاران مجمعی قلدی پریشان	نجه شاهانی ایتدی بند زندان
اولوب مستدرج و ظلیلده مشدد	نجه آزاده بی قلدی مقتید
ایدوب آنا چکنیزی نمایان	نجه شاه و کدایی قلدی یکسان
مباح ایتدی زنا و شرب خموی	عهدی نکشایدوب نقض ایتدی نذری
هذر ایتدی دماء مؤمنینی	هبایه ویردی مال مسلمینی
ایدوب افنا ملوک بر و بحر	احاطه ایلدی دوریله قطری
اولوب اطفای نوزاللمه ساعی	هزاران معبد اسلامه ماحی
ذیاب صایل و کلب عقوری	هزاران فاسق و اهل فجوری

درد اولوب تبليغ رسالت و تسليم نامه پريشاد ايتيمكه الله داد واقع
 حال دن خبردار اولبجه مستانف حیات و كشتی املی د فچار چار موجه الم
 ايكن لنگر انداز ساحل نجات اولوب فلاة محترده پريشان حال ايكن شهرستان
 عيش سلامتند فراغ بال ايله پهلوزن متكاي امن و امان اولدی مزيورت
 باقي احوالی ان شاء الله تعالى فيما سيأتي قيد دفتر اثر قلنور **فصل**
سلطنت و جلوس سلطان خليل بيانند در تیمور پرشور تخت سرورید
 انداخته تختة نابوت اولبجه فضای عالم كلشن و دیده عالمیان روشن اولون
 ما بین جنودده اولاد و اخفادند از انجمناده سی سلطان خليل ابن امیر شاهد
 غیری و مقدمه سلطان مصر الملك الناصر فرار ایدوب کبر و تیموره
 رجوع ایدن همشیره زاده سی سلطان حسیندن غیری کمسنه بولنما مغله
 مزبوران قضیه فوت تیموری کتم واستتار ایدوب اهل بیره و عساکر انجینی
 اظهار ایتیمک مراد ایتدی لکن مستورا و لمیوب شایع و ذایع اولغله
 واقع حاله جمله واقف و آرای ارباب حل و عقد مختلف اولوب طوایف
 عسکری متزاحم و طوفان دریایی متلاطم ايكن مساعده بخت عالی ايله
 تحت و بخت پادشاهی پر سلطان خليل مستولی اولدی مشار الیهک
 والد ماجدی امیرانشاه متولی ملک ادر پچان اولوب و محمد و ابوبکر
 نام اوغللری دخی خذمتند ایدی ما وراء النهر ايله بونلرک ما بینند
 اطواد و انجاد و اشجار و قفار اولوب ابوبکر مرقوم ما بین چغتایه بخت
 و فروسیت ايله مشهور و شجاعت و قوت برله لسانده مذکور اولوب
 صفت شمشیر بازید برده یا کوچکین توقیف و برضرب شمشیر ايله ایکی
 پاره ایدر ایدی فوت تیمور دنضکره امیرانشاهی قره یوسف ترکمان
 استیصال و ملک ادر پچانده پادشاه علی الاستقلال اولوب و امیر
 عمر ابن امیرانشاه ولایت فارس و متعلقاتند حاکم حاسم ايکن

قفار
 یعنی نباشن و صور صحرای

مسلط ایلدی اجناس ناسه
 اهانن ایتدی لآل رسوله
 ایدوب تخفیر علم و اهل علی
 اولبجه فسق و استدر اجمی کامل
 اچوب دست قضا دن کاس مسموم
 دوشوب باشند مضع کسر و تاج
 نداننده هزاران آه حسرت
 بود کلوملک و مالی اولدی برباد
 اولوب وابسته اعمال و اوزار
 کل ایلدی ای برادر اوله مغرور
 مسافر خانه در بودار دنیا
 الهی لطفک اوله ره نماز
 الهی عفو صفحک ايله احسان
 سکادر یا الهی هب رجاء من
 شفیع ايله خدا یار و زحمشیر
 ایدرله صلاة طیباتک
 اوله اولشاه فخر عالمینه

فصل تیمور مقبور اولدقدن صکره ظهور ایدن حوادث بیانند در

مقدمه ما باش خمره قلعه سی بناسنه ما موراولان امرای ذی شانندن
 اندکان حاکمی امیر سعادتک الله داد ايله حقوق سابقه و نواد و انقه
 اولوب اردوی تیمورده بولنمین تیمور سفاک هلاک و انداخته مغاک خات
 اولدوغن تخریر تبا شیر تقریر و الله دادی بونوید غیر ما مول ايله تبشیر
 ایتیمکین رابع عشر رمضانده برید فرخنده قدم ما نند حامة حرم فرح بخشای

برادری ابو بکر همراه قافلۀ دار بقا ایتدی و ابو بکر دخی متولی کرمان ایدکوا
 یدندن پیمانۀ کش صهبای قمر المذاق فنا اولوب جنگ وجدال و مصافح
 وقتا لری کتب نوار بخند علی التفصیل مذکور و لمغین اول باید اطنا به حیث
 اولما مغلۀ اختصار قلندی و هنگام موت تیمورده اوغلی شاه رخ هیرات
 و ممالک خراسانده بولنوب بوندن اقدام تخریر تحریر تقریر اولدوغی اوزره تیمور
 حال حیاتده سبطی سلطان محمد بن جهانگیرک جبین مبینده آفتاب
 استعداد لامع و اختر سعادت افق کریا ننده طالع اولدوغن مشاهده ایلده
 اولادینه تقدیم و زمان ولایت عهدین ید قابلیتته تسلیم اتمشیکن عدم مسا
 قضا و قدر ایلده شجرۀ املی مثمر و محبوب ممالک رومدن آق شهرده مرحوم
 اولمغین برادری پیر محمدی جای برادره تقدیم و مفتاح ولایت عهدی
 دست نصرت فنه تسلیم اتمشیدی لکن کرک اجل تیموره کریان کیراملی
 اولدقده رشدد و رانی مسوح و معبوطا مذبح اولمغین مال و اولاددن
 مغفول و کند و جانده مشغول اولوب تدارک سلطان جدید و امور سلطنت
 و مملکتی توصیه و تجدید قادر اولدی و سایر اولاد و احفادی دخی ماکن
 دورا دورده خالی البال استقرار ایلده امن بوار و فادخ و مدار اولوب پیر
 محمد ولی العهد دخی اتفاقا سرحد هند و خراسان اولان بلده قندهارده
 بولنوب پای تخت لوی اولان سمرقند ایلده قندهار حد و دینک مابین سیب
 دور و قفار صعب المرور اولدوغندن غیر حلاج شتاروی زمینه وجه
 لحاف چینی نقش فرش و اوزرینه جلج اقطان تلج ایلده کایناتی ذریحاف قطبند
 پوشیده و بنات نباتی مهد زمینه غنوده ایدوب بنی آدم دکل مار و مور و خریک
 سرائیکه قادر و نفیر زواهر خوف ضرب نسیمدن بتسمه جاسرا و لما مغلۀ اولاد
 و احفاد تیمور دن برینک حرکت و سفر و اقتحام ممالک و خطر امکانی اولوب
 شاهد مقصود تک و تنها و جای وصل تعرض رفیقیدن خالی بولمغین سلطان

معبوطا
 یعنی علت سبب

سیاسب
 یعنی صحرا

خلیل بلا قال و قیل صاحب تخت و تاج اولمغله لسان دولت ندای نعم البدیل
 صار الحبيب الخلیل بدلا للعدو الخلیل ایلده عالم و عالمیان شاد و خرم و روی
 زمین جهنم ایکن روضه نعیم و جویبار کوثر امن و امان افطار ارضه جاد
 و سبیل اولدی پادشاه مشارالیه دخی عساکر و امر و خلاصه جند و حکام
 و زعمایه وفق مرام اوزره مستولی اولوب طوایف احم و اقالیم عرب و عجم
 بعید و قریب و امر و نواهیینه بلی و نعم ایلده مجیب اولدی و اولدوغی جمله پیر
 هشا شت و بشا شت ایلده اطلاق بشره و حسن معاشرت برله معامله ایلد
 تزیین اسواق صداقت و موالات و فتح حوائت احسان و صلاة اتمشیکن سر
 تا با ملوک و سلاطین و حکام و امرای روی زمین اطاعت و انقیاد لرین
 پیرایه کردن مطاوعت ایدوب طوعا و کرها کسندده یارای خروج عن
 الاطاعه اولدی پادشاه مشارالیه بوسی فی الخلق محمدای الخلق خلیلی الرفق
 اسمعیلی الصدق اولوب حروف ملاحی صنوف صباحت ایلده محتوی و درون
 و بیرونی صدق و صفا ایلده متساوی منشئی فطرت محاسن اخلاق قلم
 کاف و نون ایلده احسن تقویم اوزره ترقیم و حرکات و سکون احسن مایکون
 اوزره ترسیم ایدوب و خوشنویس قدرت لام کیسوی شتو و جبین زلفین
 و نوین حاجین و عین مقلبتین و سین اسنانین خط ریحانی و میم
 دهان هند سه روحانی اوزره ترکیب ایدوب بعد دست دایره ابد
 نشو و نما بولمغله جامع محاسن و مکارم و آبروی اکابر و اکادم اولوب
 قلب هر بادی و بلدی و هر شهری و روستای محبتن مجتلب و اصحاب وعد
 و عهد حرکت خلافتن مجتنب کجینه حسن و ملاحتنه جمعستق حافظ
 و چشم بددن دولتن یسین و طه محرز ایدی **فصل تیمورت عظامیل**
سلطان خلیل سمرقند غریقی بیاننده در تیمور پرشوری قضا بقضا
 مانند جزور مذبح سکین فتور ایتدکد نصکره حکم تقدیر دخی جسد

برجسدين حفره به القايله تحقيقا تمك لازم اولمغين سلطان خليل
عظام بنا انتظام من محقره به تخمیل وارد و ايله طرف سمرقند را حله بند چیل
اولدی اولهنگام مسرت فرجامده سلطان شتا دخی ادراک تار و اخذ
انتکام ايله و اصل منزل عرام اولنجه عالمه وجه بسیم ايله اقبال و شدت
و صعوبتی رفق و سهولته ابدال ایدوب لشکر ربیع منصور و چند بردمنهزم
و مقهور اولدی **فصل بعض وزرای تیمور اخفاد اضمار ایتد کلوی**
فقر بیانده در افلاک عساکر تیمورده مانند نجوم ستیاره امر و وزرای
صف آرا اولوب کندوسی آفتاب آنرا هاله و کندوسی فاعل و آنرا اله و کندوسی
روح و آنرا حواس و آنرا اعضا و کندوسی داس مثابه سنده **شعر**
هر بریسی منجنق منجنق راید هر وقدمه ارسال تیمورک جناح
بجناح و امورینک صلاحی اولوب آنرا ایلد استفتاح مغالق و توسیع
مضابق و عزملوی ایلد نیل مآرب و حزم لیلده و اصل کوز مطالب
اولور ایدی تیمورک فوتیله خورشید مو اکبری منکدر و کواکب مللوی
منتشر اولوب **عربی** **وعوض الکن خنی بالدجی و بذل**
المرخ بالمشتري مفهوم بجه انقلاب حال و دولت جدید اقبال تمکین
هر بری قذاح فکون افداح و حادثات دهر و عواقب امر تدبیرین پر خرد
حواله ایدوب سلطان خلیلی استصفا رود دولت تیموری کندویه استکمال
ایتد یلر پادشاه با انتباه دخی شرایع قلوب کدردن صافی و اقل مافی البنا
لسان اقارب دخی کفت و کویدن خالی اولمز ملاحظه سیله یوم شده به عه
وهر با سه لیس وهر سه هامه ترس وهر خطابه جواب وهر کیده رد وهر
چنکه فولادی چنک وهر کسره جبر وهر مهاکمه نذارک وهر مضیفه
مسالک احضار ایتد کدن غیر یی شدت شتا هر سخت سری ذلیل وهر
صیحی علیل ایتد بولمغین جمله سی طاعتندن غیر یی طریق نجات و دخول

مجموعه کتب
تاریخ
مشتري
بمنهج
المرخ
بالمشتري

دبقه مبايعتندن اوزکه ماده حیات بولمغوب کمال انقياد و اطاعت
برله معاً منزل عرامه اماله لکام عزیمت ایتد یلر اما ضمیرده خیانت اوزد
محبول و ابن ابی سلوک حضرت رسول صلی الله علیه و سلمه اولان علت
نقائی اوزره معلول و ملر یله ایتد ابرندق نام برامیر برتر و بر صورت
صلاحدن حضور پادشاهیده اجاله کیت کلام و بوجه اوزره تقریر
حرام ایتدیکه صواب دیدرای عالم آرای خداوندکاری اولور ایسه فقیر
مدبر امور دولت و مهند بنیان سلطنتلری اولوب پیشرو و موکب
همایون اولمغه امور منازلی تقریر و دار السلطنه به قد و ملرینک لوازم
توفیر و هر کس مستعد ملاقات و تهیة ما یحتاج موافات ایدیم دیو سلسله
جنبان بابا استیذان اولمغه طرف پادشاهیدن اذن ایلد مطلق العنان
اولدیلر در حال کوچ وارد و دن انفصال ایلد اجرای مافی الضمیر استیصال
ایدوب طلی طوامیر دشت و هامون ایدرک سرنهر سیحونه و رود و نهر
مدکورا و زره مراکب راسیات ایلد مشید و سفاین عالیات ایلد محمد
اولان جسری توابع و لواحق یله عبور ایتد و کی کبی قطع و تغلیشه امر
ایدوب مجاهر ارفع لوای عصیان ایلد سمرقند طرفه عنان تاب عزیمت
اولدی در عقب سلطان خلیل دخی معبر مذکور مضرب خیام ثریا
نظام ایتد که جسرت انقطاعی منظور و برید قوت غوایت و عصیان
معلومی اولوب اما کمال وقار و تمکینند ناشی آتش غضبی متلاشی اولوب
تغافل ایلد معامله و بلا فتور تکرار نصب جسرا ایتد و عبور ایتدی اما
ما و رای بلاد سیحونه سابقا متولی اولان خداداد نام امیر سلطان
حسینه منسوب اولمغه فطارده منزله راس و عینده محسوب مدارایر
محتاج اکبر اعدای لجاجدن اولمغین سلطان خلیل مدارات و مواسات
غیری چاره بولما مغین اول طرفلرک حکومت و ایالتن نامنه ترقیم

و تسطیر و تکریم تو فی ایلد استار ما فی الضمیر ایدوب تحریک لوا و منزل
مقصود رفع پا ایتدی **فصل سلطان خلیفک بلده سمرقند قفولی**
بیانده در پادشاه با انتباه قطع منازل و راه ایدرک قرب سمرقند
مسترت افزای وصول اولدقه نایب بلده زعما و امرا و اعیان و اشرف
و حکام اطراف ایلد لباس سیاه منفس و مانند لباس هنکران انوائی
متلبس رعایت مراسم تغزیه ایلد استقباله مسارعت و تعظیم عظام
تموره مبارک ایدوب چین ملاقات پادشاهید لازم سی اوزره ایدی
لوازم تغزیه ائرنده تقدیم شروط تهنیه سلامت و مبارکبادی تحت
و تاج و سلطنت ایدوب **عربیه** **و وَجَّهَ كُلَّ غَدَاٍ مِثْلَ الرَّبِيعِ الْقَادِرِ**
بَعَيْنِ سَحْبٍ قَدْ بَكَتْ وَ زَهْرُ نَغْرِ بَاسِمٍ پیشکش و هدایای سنیه
و پانداز تحف بهیه ایلد هر بری جایز شرف ملاقات اولدقه سلطان
خلیل دخی شایسته دولت و لایق شوکت و حشمت اولور حرکات شاهان
ایلد مقابل و حسن ادا ایلد معامله ایدوب تجلیل و هر کسی منزله استحقاق
تزیل ایدر ایدی بواشاده برندق آبق دخی زمین بوس ملاقات اولغین طرف
پادشاهیدن تمهید بساط مباسط و مسئله جسر مغالطه اولوب معامله
خلیل مع الحیب اولور کی تغافل و تجاهل ایلد مجلس منقضى اولدی بعد ذلك
تحت پادشاهید ثابت قدم و امرونی امورده راسخ دم اولجیه مزبوری
شیر مرکه انتقام ایدر و بدار و دیارینه کلاب نهاب و یران شهاب التها
تسلیط تمکله مرق ایدیم و هتک حریم و اموال حادث و قدیم بر باد و عبرت
اشنا و خور باد ایتدی **فصل تیمورک د فنی و تزیین مرقدی بیانده** در
سلطان خلیل اول قدومده دفن جد و ندادرت لحد جهدا ایدوب عظام
تیموری تابوت آبنوس ایلد فوق روسه تجهیز و مشی سلطان و شیع ملوک
و اعیان و ثیاب سیاه و رسم عزرا و زره بکا و اه ایلد جنازه سن دفع ایدوب

محصل بیت
همنان چهره لری قادم بهار
اولادی نجات بود زنده آغلاکی
و شکوفه فیه که اولدی

روح اباد نام موضع مشهورده حفیدی اولان سلطان محمد منتهی
مدرسده ینه مرجور سلطان محمد قبرینه تجلیل ایلد تزیل بندک
صکره قرائت ختمات و ربعات و دعوات و تفریق صدقات و اطعام اطعمه
و تقسیم حلاوات و لنوب قواعد خیرات اجرا و رعایت قلندی پس ازان
نخسین و تزیین قبر مباشرت اولوب شرافتیه نفیسه و جدارینه بها
خراج اقلیم و هر بر جوهرینک قیمتی ما فوق تقویم اولور اسلحه و امتعه مکمل
و مرضعه و مزرکشه و مصنعه تعلیق و بخور قنادیل طلا و نقره ایلد سما
جره معنون و ساحه درون و بیرون فرش کواکب نقش ایلد مزین قلندی
از جمله قنادیل دورت بیک مثقال برقدیل طلا که برطل سمرقندی و اون
رطل دمشقید را و یخته سقف اعلا اولدوغی تحقیقه رسیده درکذک
اوقاف موفوره و خدام و بواب و وظایف و رواب داره تعیین اولندی
بعد ذلک براستاد شیرازی نادیده و ناشینده فولاد صرفدن معمول بر
تابوت عجیب ترکیب ایدوب خدمت سلطان خلیله تقدیم ایتکی عظام تمر
اول تابوت دمره نقل اولندی قبری اولطرف خلقی مابینده مزار مشهور
اولوب نقل ندور و جای طلب حاجات و مکان ابتهال و دعوات اولوب بر مرتبه
رعایت اولندیکه ملوک عظام اولقبردن مرور ایتدیکه خضوع و تجلیل
و اکرام بلکه مرکب لوندن نزوله اقدام ایدر اولدی **فصل اعتدال ایام بهار**
و احوال سلطان خلیل بیانده در تیمور زرخاف ثراده مهجور اولوب
سلطان خلیل سر بر سرور ایلد مسرور اولوب جیش شتا دخی مدبر و خسرو
دبیع مقبل اولجیه طوطی خوش الحان زبان شعرا و عند لیب هزار نغمه لسان
فصحا مرثیه پادشاه حدید و تهنیه سلطان جدیدده انشاء قصاید و نو
بلاغت و شواهد فصاحت ایلد پیرایه بخشای مجلس و مشاهد اولوب
اعتدال هوا ایلد کون دخی خرم و خندان و طفلان چمن احسان سما و بر ایلد

توان سازشگران اولوب شهریار بهادر دفع اعلام بشقایق نمون و احسن
 ازهارا شجاردن نصب خيام بوقلمون و حدایق شارقه ایلده تنویر احداق
 بارقه و استنصات بلغای ناطق و اسکات فصحاى رایت ایدر خطبا
 طیوری منایرا غصانده تسبیح خالق البرایا ایلده استنطاق ایتد رمکله
 عرایس اشجار رقص کمان و امواج انهار دست زنان اولوب بسیط
 غبر از بر بساط سندن سیده خفته و مردمان باغ بستان ثوب قطنی برفی
 انداخته و ثیاب متلونه مزهره ایلده راسته اولوب و قرانش هوا قدوم
 سلطان جدید همچون فرش زعفرین و مقاعد شقایق و انواع مخادید
 ریاحین اکین ایلده روی زمینی تزیین ایدوب بویله بروقت بهجت اشتمال
 و سال فرخنده فالده سلطان خلیل نصرت ملک و مملکتده صاحب
 استقلال ولد قد نصکره تمهید ممالک و تسلیک مسالک مسارعت
 ایدوب اولاد قید انسان اولمز الا احسان ایلده و جمیعت بال اولمز الا بذل مال
 ایلده دیو حلق طلسمات قلوب معقوده و انشراح صدور مسدوده و صرف
 علل و موانع و فتح مسالک و شوارع همچون کشف رموز کفر و اخراج
 خیایای مرفوضه به عزیمت همچون تقویه بازوی همت ایدوب بذرجبات
 هبانت و نصب شبکات صلات ایلده صید عصا فیر خواطر اصاغر و شکا
 باز بلند پرواز قلوب عالی و اکابر ایدوب تیمورت تشنیت شمل بریا
 ایلده جمع ایتد وکی موالی معرض بذله تقدیم و غیرینک ظهیر بنی کسرایدن اجمال
 و اثقالی جبر قلوب همچون تقسیم ایدوب سائخ الیمین و مبسوط الشمال و لمغله
 افواه و مسامع اجناس ناسی قملو و دیده و دست رقبای مجلو و حواصل درنده و پرند
 و چرند و کنیده عساکر مختلفه الخواطری دخی ملجا همچون افراغ حواصل خزاین
 و فتح مغالبات صنایق ده فاین ایتمکله جمله امتلای معده حرص و از ایلده سرکار
 و حرکت خلافتی بحال و بی توان اولدیلر نتیجه کلام قدوم ربیع اغصان

دوچ نثر انواع زواهرده کویا انا مل منتظمه سیدر نثار درهم و دینارده
 و جواد سحاب امطار دزدرده مشابه سایه وجود فیض جودید راقطار
 عالمه بناء علیه بادشاه مشارالیه اجناس خلافتی قید احسان ایلده در
 و ترک غوغای عمر و زید ایتدی **فصل اظهار عناد بعض وزرای بدنهار**
بیان شده در وزرا و امرانک اکثری هنوز کره خاطرین
 استنار و ضمیر مظهر کربن مضمر اتمشکین ستولی بلاد و رای سیحان
 و ترکستان اولان خدا داد الحسینی شهر سیف عصیان و سهام عداوتن ترکیب
 ذه کمان طغیان ایتمکله هر ناقص رشته عهد و جاحد قضیه و عد مزبور
 امام مقتدی و تفریق جماعت مسلمینه دلیل طریق غوا ایتدی زر کر ربیع
 جمرات ثلاثه ایلده تدویب سبایک جمده و تلوج و بساط دیبای زیبای روحنا
 انواع شکوفه ایلده همزوج ایدوب مسامع حشرات استماع اصوات دعوایلله
 مهتای خروج اولمغله هر کسه وفق مراعی و زر حرکت و تحصیل مامولنه عزیمت
 آل و بر ممکن تیمورت مقرب و امین و امرای صاحب تمکیندن الشیخ نورالدین
 دخی نیران عصیان ابقاد و جهار ارفع لوای فساد و لیل و نهار اترعت
 ایلده خدا داده و ادوب تقویه ظهور و اعضاد و مشارک تجتر و تمرد و عناد
 اولدی بعد ذلک شاه ملک دخی مانند الشیخ نورالدین تیمورت و زرای صاحب
 رای رزین و وکلای میکیندن اولوب سلطان خلیل ایلده سینه صاف
 اولمغله طریق مخالفه سالک و تعصب و عناده منمک اولوب سمرقنددن
 خروج ایلده تحریک مهمیز نفاق و قلق ایدوب بارگاه شاه رخ ملحق اولدی
 اما سلطان خلیل عاصی و ماضی به قطعاً ملتفت اولوب انعام و اکوان
 مطیع و منقادله عام و ترک اهل عناد لثام ایتدی **فصل صاحب**
اشباره الله داد اخباری بیان شده در مقدمانکاشنه حریر
 تقریر اولدوغی و خوره اشباره قلعه سندن الله داده موت تیمور خبری فرح افزای

نثر سیف
 نثر سیف

ورودا ولد قده همان ليله ده مخصوص صلبين دعوت و اناره شمع جمعيت ابدوب
 هلاك تيمور و دفع محدودا ولد و غن تبليغ و بعد اليوم نه وجه او زره حركت
 لازم در صلاح حال ندر ديو استشاره ايندكده هر برى بر كونه حركتى استصواب
 ايندكده نصكره اشبارده دن رحلت و وطن اصلية به غرمت اينك او زره متفق
 الا و اولد يلمر بوزلر شمر در مضانده اولان فاسق محروم زاد و قواي قرآن
 عظيم ما بيننه دو شمش زنديق فساد اعتقاد كيهي قلعه مذكوره ده مدهوش
 كاس ياس اولمور ليله انتها ز فرصت ايدوب بر ساعت اقدم خلاصه جان آنديلر
 على الصباح نسيم عنبر شميم سحر روى ا فقدان رفع حجاب و ثقبان فجر
 دهانندن القاي شجر اخ آفتاب اينكده امر و زعما و رؤس جنود و سرداران
 ترك و هندو و كاردانان عراق بالاتفاق على العاده زيادت و اداي مراسم
 سلام و سلامت همچون مجلس الله داده و درود و هر كس منزله و مقامنده
 اكراه و ترجيب ايله قعود ايندكده نصكره رؤساي قوا ايله الله داد تنها
 نشين اولوب قضيه فوت تيمورى پيرايه سر زبان حكايه و بعد اليوم نه
 حال نه منوال او زره حياكت و لنق با بنده استشاره ايدوب طلب وفاق
 و جمله دن استدعاي اتفاق امكن جمله راي صواب ديدينه امثال برله
 سزا امر زما مور سز حاكم بزرگ محكوم ايزد بوزمام اختيار لرين دست الله
 داده تسليم اتمور ليله اولدخى قوايم اقوال لرين و ناد افعا لرينه موافق ايمان
 ايله ربط و تاكيد و اسرار لرين اعلان لرينه اطباق همچون عهد لرين شرايط
 شروط ايله بند و تحكيم و وعد رعايت برله تطيب خاطر و كتم قضيه
 مذكوره ي دخی كلام آخر ايدوب بواستلوب او زره ايمان و ائفه و عهد و صا دقه
 ايله جمله اعناق اتفاقا لرين ربط اتمكده خلاف و عصيان نلرندن فارغ البال
 اولمور تكمول جمله به توجه خطا ايدوب ديديكه اي جماعت خير و اى و قاي اي
 ضر و كفات ضير بومسئله حلقه نتيجه مقدمات انديشم در كه بوا مرده

اما مكرده

اما مكرده اما مكر اولوب جماعتمه سمر قنده غرمت و تمهيد امر كونه مساعرت
 و سز لوى خدمت محافظه اشبارده دن دفع و بدلكزه اول طرفدن عساكر
 ارسال و دفع اديم و قسم كه برآن و بر ساعت منفك اوليوب سز لوى دهان
 اعاده بر مضغه ماضع قدرى وقت ترك ايتيم اتمدى حسن اتفاق ايله ضبط
 امور و مجمع اقراح ايله شرايع قلعه و اسوار يگزى شور شارب خوردن يعنى اعداى
 خيره سوزن محافظه اتمكده شد ميان غرمت و بند سيوف خوف حيمت ايدرسكن
 سوزن اولقدر مد و مهلت استرمكه نه رنجندى عبور و سلطان خليله وصول
 بولم اولقدر زمان صبر و سكوت ايدرسكن هر يگزى كاهران مرام اولق
 مقرر در ديو ختم كلام ايدمجه جمله امر به تابع و اراده سنه مطاوع اولوب
 غيبتنه خلاف حركت و حل رشته معا هدت اتمك او زره سجد شرو طلوى
 مر سوم و امضاي قبول و رضا ايله محض و مختور اولوب ريش لشكر عراق
 امير معصوم مسند قايم مقامى به تقديم و اسوار و بروج و مسالك دخول
 و خروج قلعه اصحاب سلاح و ارباب صلاحه تقسيم و محافظه لوى تبنيه
 و حاجا تحكيم اولندى الله داد اشبارده امتداد مكث ايله مستوطن
 اولوب جمله مال و منال و اولاد و احفادى اول طرفده بولمغين سابع عشر
 رمضان مذكوره تخيز امر و تدارك جهاز سفر ايله ملتفت بر دو خر
 اوليوب فقير و قطير مال اطلاق اولنور هر نه سى و ارايسه نقل و حريم
 و اولاد و حواشى و اجناديله نهضت و روزان و شبان غريق برف و باران
 اولارق روز عيده ابرد بلاد و ينوع ريج عاد عربيه اذا **الاحتاجت**
جهنم زهريرا تنفس منه انقاس الهجير ما صدق اولان خولان
 خوق نام محكمه وصول بولديلر فصل سلطان خليل طرفندن و خدا داد
 طرفندن الله داده و اردا اولان مكقوبين مختلفين بيانده در الله داد
 اشبارده دن نهضت و سمر قنده غرمت ايدوب كيدر كن اثنای طريقه

الحصول بيلد و قتل اولان حرات آفتاب
 جنم زهريرا تنفس منه انقاس الهجير
 اولد و قتل اولان هلى اى او زره تنفس ايدوب
 اولد و قتل اولد و قتل زهرير جنم
 اولد و قتل اولد و قتل زهرير جنم

سلطان خلیل طرفدن قاصد وارد و صادر و حوادث انقلاب روزگار
تذکیر و مستولی سر بر سلطنت اولدوغن تقریر و بیعت ملوک و متابعت
کبیر و صغیر بر بلیغ بلیغ ایلده تبلیغ ایدوب و بجد لله تعالی قواعد ملک عاد
قدیمه اوزره مستقیمه اولدوغن اشاره ایلده اشبارده دن حرکت ایتوب
مأمورا ولان اسود جنود و فیهود ترک و هندو ایلده خدمت محافظه ده ثابت
قدم و رد کید اعداده راسخ دم اولملرین تنبیه اکید و کویا عنقریب تبدیل
اولوب محافظین جدید دخی ارسال اولنق ایما سیله تطیب خاطرین
ایتمشیدی الله داد مضمون مکتوبه اطلاع ایلده ایتدوکی حرکت نادم و مختار
و نظام حالنده متفکر اولوب شقه افکارین تار و پود بیر ایلده تلخیم
و پای ترد و اندیشه سن تاخیر و تقدیم ایدرکن خدا داد الحسینی طرفدن
برید چابک مسیر پیام و مودت اختتام ایلده وارد اولوب ادای مراسم
رسالت و ایصال نامه دوستی و مصافقت ایتمکله مفهوم نامه اشاره
خروج لرین تحریص و کند و طرفنه علی جناح الاستیحال و وصول لرین تحضیر
ایتمکین الله داده بوسعنا فرج بعد الشدة اولوب سلطان خلیل اندک
پذیر و بسیار بخشا مسامح و عذر پذیر بی پروا درملاحظه سیله اولمقد
وسعت میدان امنیت کوروب تیموردک زهر بر هیبتی زماننده مار
فسرده ایکن اژدر هفت سرا اولوب طی سنوال ترد و مخداه اسله
نوسد برله باوجودی راه بر نونک شوک و انواع موانعه جامع و عبور
جیچون دخی غم بر بالای غم ایکن ملتفت اولوب تواصل منازل
و تعقیب مراحل ایلده خدا داده واصل اولدی مزبورک قدومندن
خدا داد مسرور و دلشاد و تقویه اعصاب و اعضا و فتنه و فساد
ایدوب بوجه مرافقت قطع نهر چنجد و قصد نواحی سمرقند ایتدیلر
تاریخ سنه سبع و ثمانمیه شوالنده علی الغفله سمرقند مضافا تندن

تبرک نام محلی قاعده تیمور پرغور اوزره سئل سیف برق انداز ایلده
ترک و تاز ایدوب دفع ضرر و دشر لری سلطان خلیلده ممکن اولوب
اهل سمرقند زیر سایه تیمورده کما امنیت و غنوده مهد راحت ایکن
اول اقلیمده ابداع شر و شور و جور و فساد بسط ید فورا یدن بونلر
اولدی **فصل الله دادک اشبارده ابقا ایتدوکی جنودک مابینلر**
واقع اولان اختلاف بیانند در الله داد تمهید امور اشبارده و اکا
اجناد دناخذ میثاق اتفاق ایلده ولایت مذکور دن رهگیری غریبت
اولد قد نصکره استیلا ی مغول غول خویله قلعه ده اولان اجناس
جنود منزل لاقدام و دغدغه هجوم عدو ایلده آرام اولوب اتفاق
نفاقه مبتدل و تضاریف ادری معتل و لمغله بر فرقه سی نکث عهد
و بیعتدن مجتنب اهل بمن ایکن اصحاب شمالدن اولمغه مرتکب اولن
اقل مایکون الله داد دن کتاب بلیغ الخطاب و رودینه دل صبر ایدوب
نه طریقه عازم و نه تدبیره جازم اولور کور لوم اول وقت مرادی مرادیم
موافق و دای راینم مطابق ایسه فیها و نعمه طریق اهل سنت جماعته
تابع اولوب من غیر اعتزال هر بر پشاهد مراد و صالنه استیحال اید لوم
دید و بعضیلری طرفا اعتزاله بالکلینه میل و اشبارده دن خروجه
تشییر ذیل ایتمکی استصواب ایدوب مباحنه و مجادل لری جند و جدله
مؤدی و حکم قاضی ماضی الحکم سیفه منتهی اولوب اهلای خراسان
اکا برندن برینک مصاف اتراکه قدیل حیاتی منکسر و منطقی و
بعضیلرینک دخی خوف فتنه ایلده پای استقراری لرزان اولوب
هاندم بر طریق خانه کوچ قلعه دن خروج اتمکله با قیلرینک دخی سکونه
محالی قالیوب بر برینه اتصال ایلده کبیر و صغیر راکب و راجل صحیح و
مریض لری مانند جراد منتشر طیران و ضوای ترکستانده بریشان اولوب

تحمیل غلات ونعم و خیرات و اموال و اقمشه و نفایس امتعه ایلده راه
مقصوده دوان اولدیلا اول اموال مشحونه بی جمله دفع ایدوب شیئی قلیلدن
غیری و بریزن مجنونه دن او ذکله منزله کسنه لری قالمدی کما دغدغه
و قلوب ایلده الله داده محلق اولدیلا لکن الله داد بوباید کسنه هدف بهام
عتاب ایتوب و سمرقند طرفنه کمد و کنده دخی خدا دادک حمانعتن اعتذار
ایله طایفه مذکوره بی یا ننده الیقویوب سمرقند طرفنه رجوعه نکم بهان
فرصت و المیرین تنبیه ایتدی فصل الله دادک خدا داده اولان
خده سی بیاننده در خدا داد حظه سمرقنده ایقا دنا یقه فساد
و ایصال مضرت و بیداد بلاد و عباد ایتکله سلطان خلیله تاکید
عداوت و محاصرتلری مقنن و مبرهن اولوب و بوباید الله داده رکن
ایله امور جزویه و کلیه سنده مستشأ و خیر خواه صداقتکاری اتمش
ایدی بواننده اجناد سلطان خلیل مملوک لریدن بر طایفه خدا داد
تفر و تخلف برله اول طرف بلادینه منتشر اولمیرله خدا داد مسلک
سد و تضیق و استیصال لرین تصمیم و تحقیق ایدنجه الله داد مانع
اولوب صورت صلاحدن مزبوری بوجه اوزر مخدوع و کشتیکر
غریبتن بوضعت ایلده مصروع ایتدیکه عادت اکیاس اوزره استجلاب
خواطر ناسه کوشش اتمک کورت خصوصاً مبادی امور و احداث
اوایل شرورده بالبریتتعبد الحزم مسککنه سالک اولوب متابعتلری بچو
جلب قلوبلرینه محتاج در قتل و انعدام و تمزیق ایدیم اجسام لریدن نه فایده
با وجودی بزملمه مخدوم لرینک ما بیننده رشته تواد و تقاهد بندوبسته
جایز که مولالرینک بعضیلری سلطان خلیلدن روگردان اولوب آخر ملجا
و ملاذ فکر لیه متردد اولور ایسه ممالک ترکستان آرزو و طر فکزه توجیه رو
ایدوب سزم معین و ظهیر اوله لرا اما اول مقوله لرت متعلق لرینه ایصال

مضرت ایتسکر بو طرفه میل و مجتلی لری عذیم الاحتمال اولور اقل ما فی البقا
بونلرت امرنده امساک بالمعروف یا ستیرج بالاحسان اتمک کورت سز زیر
افندی لری سلطان خلیلک معاضد و مصاد فلریدر لر بونلرله طریق حسن
معامله بی سالک اولور سکر رقیق و جلیله مالک اولور سز دیوب مقوله
نصایح ایلده خدا داد عزیمتدن قصر بیدایدوب طایفه مذکوره نلک احسان
توفیر و رعایتلرین تکثیر ایلده جلب قلوبلرینه و جبر کسر لرینه سعی ایتدی
فصل سلطان خلیل طرفندن الله داده و اردا اولان مکروب
بیاننده در سابقا سر زده براعه تقریر اولدوغی اوزره الله داد ایلده
خدا داد صورتا متفقه الکله و متحده الشکمه اولوب تدبیر امورده مشغول
ایکن سلطان خلیل طرفندن الله داده بریدنجسته اثر بیام مضرت کستر
ایله و اردا اولوب مفهوم نامه جلب قلب خدا داده ساعی و حقوق قدیمه بی
مراعی اولوب علی کل حال و بای وجه کان خدا دادک خاطرین تطیب
و قساوت قلبین تلیین و آتش فسادین ستکین و الماضی لا یذکر معنا سن تبیین
ایله هر نه مراد ایدر سه متکفل و زعیم وارکان مصادقت و موالات
ترمیم ایدوب حاصل ما بینده سفیر و ناصح دلبذیر و صلح و صلاح ایلده
دیدن سن قریر ایتلرین تحریز و اشارت ایتکله الله داد مفهوم مکروب
مطلع و خدا داده متوجه و تبلیغ حال و بیان رفیق و اخلاص ایتدی
سلطان خلیل ایلده خدا دادک علی ما نقل سبب عداوتلری بوبایدیکه سلطان
خلیل امر تیمور ایلده خدا دادک زیر دست تربیه سنده اولوب مزبور جاق
غلیظ القلب و جلف خسیس النسب و لمغله خشونت و دعوت ایلده معاملة
ایدردی سلطان خلیل ایسه لطیف الذات ظریف الصفات اولوب غلظت
و قساوت خدا داده متحمل و لما مغله ما بینده عداوت متولد و سعایه
ارباب غرض دخی منافرتلرینه موکدا و لمشیدی حتی سلطان خلیل غزیرات

دفع ثقلتی همچون تدسیس ایل به شراب مهلت و یروب هلاکنه سعی ابتدی
 لکن مزبور حسن تمکین تناول بعض علاج ایل دفع ایدوب بوفعل و مقوله
 تعذی ایل عداوتلری تامة و خصوصتلی عامه و لمشیدی **فصل**
 مکتوب سلطانی و رد و نصکریه خدا داد تحصیل امنیت و طمانیت همچون
 الله داد ایمان غلاظ و شداد و تاکید عقود عهد و همچون قرآن مجید وضع
 ید و شرط طلاق و التزام ندور و عتاق ایتدیکه اگر سمرقند و اردو رایسه
 عهد ندن نکول و طاعت ندن مغفول و وعده ندن قصر ید ایتدوب تدویر
 منصدع و رد مندفع و رتق و فتق و جمع مفترق و تبرید قلوب محترق و دفع
 شخنا و دفع ارز ایدوب اصلاح حال و زوجات یتور دن تومان نام خاتونی
 سلت از واجنه اذ خال ایتدیکه شرط و حاصل لامر قطع عروق مواد شرور
 و اصلاح اموره متکفل اولوب بعد المجاهده محوشن آن و دفع کلفت عدو
 عاجز اولور رایسه ستر و علانیة خدا داد ک مصادقت ندن رفع عین ایتدیکه
 یمین ایدوب بومقوله تملق و اذیال فکریه تعلق ایل سهام احتیالین سویدی
 قلبنه امرار و صید خاطر رمیده سنه بذل اقتدار ایدوب مزدور و ملاحظاتی
 داس حیل ایل محصور و غریبال ختل ایل مسرود و رجای خدعه ایل تطمین و مغل
 مکر ایل منقول و آب لایه ایل تعجین و حرارت و گرمیت صحبت ایل نان سکرین
 ایدوب خدا داد دخی تناوله میل ایل شکار و اذن و اجازت قرار و پردی
 خیمه و خرکاهلری ساحل سیحون اوزره سایه انداز اقامت و شاه رخ ایل
 ما بینلری بر برید قدر مسافه و وسعت اولوب همان اول لیل الیل جمله
 حواشی و مواشی سن احضار و حاشیه شاه رخ ده اولان رفقایه دخی اخبار
 ایدوب تمام حذر و احتراز بر لیر تشمیر ذیل و جنج لیلده قطع نهر مذکور و ده مقصود
 دخول و مرور ایتدی **فصل الله داد ک سلطان خلیل الحق بیانند د**
 الله داد معبر چو ندن عبور و طرف خدا داده حاضر و غایب ندن

شنان
یعنی عداوت

طریف یعنی مال جدید
 تلمیذ یعنی مال عتیق

و طریف تلمیذ ندن رشته دن سوزنه و اربنجه برلشنه سی قالدو غی
 کبی تقیم احوال و شداد ثقاله امر ایدوب احضار آیه قبله قبله
 همچون توابع و مردان لواحقه توزیع سلاح و صلاة رحیل قبله القبا
 تاذین و دعای خوفه دفع ید تأمین ایتدیکه نصکریه ضعیفاء قافله
 و پیاده و انتقال راحله در پیش و مردان ستیز در قفاره نور و اولو
 خدا داد ایل اولان ماجرا و قبل و قالی علی التفصیل سلطان خلیل
 تحریر و مزبور ک طرف ندن بلکه استرداد نر تقید اولور ملاحظه
 بر مقدار عسکر ایل استقبالن دخی شطیر ایدوب سهم صایب
 و شهاب ثاقب کبی مرور ایل قطع مفاوز و قفار و طی سنکستان و کو
 ایدرک علی الصباح سعد فلاح ظهور و اولکون دخی طی منوال متر
 و مرور ایدوب اگر چه راکب و مرکوب تقب و نصب طریق ایل کلیل
 و سلیم و صحیح لری زحمت سفر ایل علیل اولدی لکن بهر حال احوال
 و اثنال و شیوخ و اطفال لری منزل سلامت ایتدیکه ایصال اندیلر تکرار عتقا
 ظلام نشر جناح و طائوس زرین بال ضیا غوطه خود بحر رواج اولنجه
 طریق ندن بر سمت عدول و بلا ایقاد نار و بی طبع طعام و طمع بنام
 نزول ایدوب انجق سدر مق اولور قدر طعام و نیام ایل اکتفا و ادای صلوة
 عشا و دواب قطع علق ایدنجه تکرار راکب متن طریق اولدی لیر
فصل مرقوم بو وجه اوزره نهضت و منزل مرامه تحریک تازیانه سرت
 ایتدیکه نصکریه خدا داد ایتدوکی کاره مخفی و و پردوکی اذنه نادم
 و متأسف اولوب خواب غفلتک بیدار و الله داد شمس عقلن منکسف
 و قمر این مخسف ایتدوکنند خبردار اولمغین استرداد ایدوب
 عساکر حوال استیصال ایتدردی آنلردخی مانند شهباز بلند پرواز
 جست و جو و هر چند تک و پو ایتدیلر رایسه کیفیت حال دن خبره و غبار

طائفة مغول طرف شرقی قدس اشبارده و اسی کول اطرافنه حمتد
 ناخدا داد مجاورتند ضرب سکه و و تدایدوب تیمورت استیلا ایتدو
 حمله کلین استردار ایتدیلر خدا داد طائفة مرقومه نک رد و طردند
 قادر اولما مغله کند وسیله بکدل و یکجهت دشمنه دشمن و دوست
 دوست و ملق و زمره مهاده و مصالحه ایدوب بوقریب ایلد اول طرفت
 بلاد و عبادی آسوده حال و مطمئن البال و لذی و الله اعلم بحقیقه
 الحال **فصل ایدکوانک تاتار ایلد نهضت و قصد ما و راء التهر ایلد**
 غریبتی بیاتند در خبر موت تیمورت که بهان دم فرصت اولانله باعث
 سرور و مترصد بخور وقت حرکت اولانله سبب جلوه و ظهور اولمغه
 ارغون شاه کند ویر مضاف تاتار در و قیر ایلد نه رجیون مجتد ایکن
 عبور ایدوب ما و ا و مسکنه رجوع نصک طرف شمال دن مانند
 دمال تاتار ایلد ایدکوا دخی حزم و حزم ایلد عزم ممالک خوارزم را ایتدو کی
 شایع اولمغه ممالک مذکوره نایبی موسبکا خوف نزول بوار ایلد اهل
 و عیال و متعلقات و مالن آلوب بروجه خانه کوچ فرار ایتمکه ایدکوا خوا
 وصول و طوایف جغتای نهب و غارت و بخارا اطرافنی دخی استطراد خو
 ایلد تالان و تاراج ناما مول ایدوب تکراد خوارزم رجوع و طرفندن
 انکی نام امیرین نایب نصب ایتدی بومرته فتور ایلد بینه سلطان خلیل
 مسیثلری احسان ایلد مقابلد و هر سا خطک استرضای خاطر ایچون
 حسن معاملد و نفایس اسوال ایلد اصطیاد نفوسه مبارده و اسود مفت
 ابطال فرسان ایلد معالجه ایتمکه تمهید ماکن و اطمینان طواعن و سواکن
 اتمکین محبوب القلوبا قارب و اباعد و مرغوب النفوس صادر و وارد اولن
 الحق الشیخ نور الدین و خداداد فسادلری و زره متمادی و تخریب بلاد و اضرا
 عباد ساعی و لوب عنادلری و زره باقی قالدیلر **فصل پیر محمد ابن جهانگیر**

موسبکا بالباء

طواعن یعنی کوچ ایدلر

ابن تیمورت

ابن تیمورت دعوی ولی العهدی ایتدو کی بیاتند در بوندن اقدم ایراد
 کرده دفتر اثر اولدوغی و زره تیمورت حنفی و سلطنتک ولی عهدی
 اولان سلطان محمد سر نهاده سنک لحد اولدقه برادری پیر محمد مقام و لا
 عهد تقدیم اولمشیدی لکن فوت تیمورده طرف هند و قندهارده بولوب
 سلطان خلیل سر بر سر وریه پیرایه بخشای جلوس اولغین پیر محمد عساکر
 جزار ایلد خروج ایدوب سلطان خلیل و سایر امرا و وزیریه دسل و رسایل
 اصدار و ولی عهد جد و خلیفه تیمور لنگ اولوب سریر سلطنت کند ویر مو
 و حق صریحی ایکن نه وجه افزه مغضوب و قبا ی زیبای خسروی مخصوص
 قد و قامتی ایکن نه طریق ایلد مسلوب اولورد بو تخریرا بنمکین امرا و وزرا
 هربری لایق خطاب اولور کلمات خوش ادا ایلد رد جواب ایتدیلر اما سلطان
 خلیل متصدی معارضه و مسایل خطابی نفی و نقض ایلد مقابلد ایدوب
 ای برادر مسئله سلطنت ایدکین خالی دکلدریا انتساب و یا اکتساب
 محتاجدرا کرا انتساب ایلد دعوا ایدر سکت بندن و سندن بود دعویا بر پدر عالی
 کهرم امیرانشاه و عم اکرم شاه رخ اولی و احراد لر بونلرک وجودیلر سکا
 طلب و دعواد و شمر با خصوص آنلر دخی بنمکه دفع دعوی شفعه و مشایعه
 و ترک مضایره و مطالبه ایدوب اولد قلمری مملکته قانع و حفظ و حراستد
 جامع و مانع اولملری انشبدریا خود حکمه راضی و کند و لرینه تعیین ایتدو کم
 نصیبلری ایلد مستکفی اولق کرکدر لر زیر اشدیکه حاله ملک صاحب جوانی
 و نکهدار مذاهبی بنم و اگر شوق ثانی اذعاسند ايسه کز کلامکن مستقیم اولن
 زیرا زعم خلف و سلف و زره ملک عقیق در عربیه **صونوا خیا ذکر و اجلو**
سلاحکم و شمر و انهم ایتام من غلبا و اگر زعم ایدر سکت که جدک سنی
 ولی عهد ایتشدرا اول قضیه دخی غیر مرضیه در زیر نفس الامر نظر اولنورسه
 جدک نه طریق ایلد استیلا و اغتصاب و سریر سلطنتی اها لیسندن نه وجه

اینکه در این کتاب
 فی خبر تیمور
 و اولاد و
 و غیره
 و این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

اوزره استجلا بايتد وكي معلومت دكليد ر و علي تقدير التسليم
 امر و صيتي مستقيم ايسه حال حياتنه ممالك و بلادى اولاد و احفادينه
 توزيع و تقسيم ايتد كده نام و الد ما جد و ممالك ادر بجاني نخر و غم
 اكرمه ولايت خراساني تقرير و ابن غم پر عمره عراقي عجمي ستطير و سوزي
 اقليم قندهاره تصدير و ولايت عهدى عهد كره تقرير ايدوب مختل
 مظالم و ستينات ايله منتقل دار مجازات اولدى بوما بيند بنم حصه
 و نصيبم اولماق عجيب دكليد ر بارى هر بر يكر مستولى و ملد و غي
 ممالك دن بكا دخی مملكت مخصوصه تعيين ايتكله هر كس مفروز و مقرر
 راضى اولوب صلح و صلاح ايله دفع نطاح و كفاح ايد و مومع هذا
 اكر والد اجدد و غم محترم ر بقة متابعتك وضع كردن اطاعت ايد و
 ايسه بندي قلاده بيعتكى زيب كردن مطاوعت ايد يم انا عين
 حقيقت بين ايله نظر اولنسه شاهد ملك و سلطنت بر صيد بلا
 قيد در ايتد اكيه كه حايه قصب السبق اولوب شكار ايتدى ايسه ذواليه
 اول اولدو الحاله هذه حضرت ممالك الملك على الاطلاق بيعت عام ايله
 اسباب سلطنتي بوفقيه مهيا و نصرتي بوحقيه مباح ايدوب لله الحمد
 ايا در داد و ستاد دولتمده و هنگام تعاظم امور عباد و بلاد مملكتهم مزاج
 عالمه سالم و صحيح و فقر و ضعفا كوشه امن و امانده مستريح در
 و غير ذلك شيوخ مدارس ملك اولانلر ترك مباحث علت و معلول
 و فراغت تقريب فاعل و مفعول ايدوب مبايعتي اولى كورديلر و هر كيم
 عقود سلطنته شراكتي و ارايسه ترك معامله مضاربه ايدوب
 توليتي عين مراجعه عدايتد يلر ديو خطاب پر محمد ر د جواب ايتدى انا
 بعض وزرا و اعيان لا طائل تحت اولان مقالات خارجه و كلمات
 مزعجه ايله د جواب ايدوب انحق خطه و سيعه الاراء ما و راء النهده

سيد العلماء و صدر صدور الفضلا مستصرف امور امرا و زعماء
 نافذ الاحكام مسموع الكلام خواجه عبدا لاول پر محمد اول
 مكتوبند مرز بودن استنفا ر و سلطان خليلي استنصار ايله كلامي
 اختصار و نصيحتده بوجه اوزره اقتصار ايتد كيه نعم تيمورك خليفه
 و بعد الوفاات ولي عهدى سن و لكن سعد طالع و مساعد بخت
 اولمش اوليدى اولد وقت قرب پاى تختد نكهبان نوبت سلطنت اولود
 ايمدى حالكه اولى و قيام احوالكه احرا اولدركه من اراد كله فاته كله
 معنا سندن اكاه اولوب يد نصرتكده اولان مال و ملكه قانع و
 ممالك اولد و غل خيل و رجاله جامع و دخول جنبى به مانع اولاس
 اكر ابا ايدوب ما قسم الله ايله راضى و لمز ايسك زحمت كشيد
 و نصب ديد اولد و غلكن غيرى الكده اولان دخی تلف و ملام
 كرده سلف و خلف اولوب خطوط حظوظك مؤتب لا اله الا الله
 الى هؤلاء بينده مذبذبا و لورسن والسلام فصل سلطان خليل
 سلطان حسيني تجهيز و مقابله پر محمد ارسال ايتد و كيه بيا تنده
 سلطان خليل مجر د قايق اقال ايله مكنتي اوليوب حقايق افعال ايله دخی مجتلى
 اولمغه مباردت برله جمع جنود مجتده ايدوب والد بنك همشير زاده سى سلطان
 حسيني خلعت سردارى ايله سرفراز و امرى دولتمده الله داد و ارغون شاه
 و امير كچوك و بعض امرى كارساز و نجه كاردانان جغتاي دخی خدمت مذكوره
 همچون افراز پر محمد استقباله تعيين انكبين سنه سبع و ثمانيه ذى القوه سنه
 نصفده طائفه مذكوره تمام عده و عدد ايله سرفردن تحريك لوى غرمت
 ايدوب حلى طواهير ركوب و نزول ايدرك نهر جيحون عبور و برارى و ضواحي
 بلده بلخه مرور ايدوب اول قطاره مانند سيل منحدرو اول نواحي جراد
 منبث كي منتشر اولوب فراغ بال و نظام حال و مرافقت سلطان حسين

ایله قیرالین کیدرکن انشای طریقه سلطان حسین کویا امور سفریه
تدبیری بایند مقاوله و بعض مشاوه همچون دعوت امر اور و سای
عساکر ایدوب و با ما پس پرده ده زیاتیه آتش مزاج و جلادان خون آشام
در کین اینکله حین حیی و تلافی و بسط بساط صحبت افاتی ایتد کلرند
سلطان مرقوع صاحب بطش و شجاعه و متهور و زرقاعه و وصول و جول
ایله فعلی قولنه سابق و قوی فعلنه مطابق بر مرد دلیر و لغین ابتدا بالنفس
امرای مذکور به حمله شیرانه ایله هجوم بعد در کین اولان فدایله ندامت کین
اندر دخی یکدست و درود و حاضر مجلس اولان احراری و نفاق اتفاق ایله مشد
ایدوب بوما بیند تمورک غیا بنده اکثر نایب مرقعد اولان خواجه یوسف
نام امیر مشهور ملتقم شیر شمشیر قضا تا نیرا و لوب غیر یلری تمام ایدوب بند
ایله مقبوض و ماسورا و لجه سلطان حسین ساز بد آهنگ غرور ایله
ولولر انداز دار و دورا و لوب دعوی سلطنت و خلائی اطراف بیعتنه دعوت
ایتمکله امرای مذکور ظهور شدت و نزول نفی تحقیق ایدوب نعمت جیاندن
منا یوسا ولدیلر فصل الله دادک بوباید سلطان حسین ایتد و کی خد
بیاننده در الله داد بو حرکت ناما مولی مشاهد اید بجه اسحضار حواس
بریشان و مشورت پر خرد دقیقه شناس ایله ابتدا سلطان حسیندن
استیمان ایدوب بعد عبارت صحیح و کلمات فصیح ایله یا سلطان
سیردن بو حرکت مترقب و بومراده مترصد ایدم لکن اظهاری باعث هلاک
اولور ملاحظه سیله امساک ایدم هر بار دغدغه خاطر
فقر بوبایدیکه سلطان خلیل منقر دانه استحقاق ایله صاحب سلطنت
جلیله اولور با وجود جناب معلا القاب کونک هیبتی مشهوره و منزله خلافت
ایله ما بینکرده مسافه موفور اولمیه بو حرکت بابرکتدن ادنی شعور و
اولیدی بوباید ترتیب امور لطیفه و تمهید تدابیر شریفه

رقاعه
یعنی حق
بطش سطوت و غنف
ایله مواخذ

بسم

ایدردم و ضمیر کریم شهادت صدق عبد قدیم ایدر غیر ذلک خدادادک
دست غدرند ماسورا و لان اجناد و مملوک پالت اعتقاد کزدن استعلا
بیور و رسکوز اول غدارک شرک شرنندن و قید فترک ضرورندن کند و
کیم خلاص ایتدی و اول شریرک لهب شراره شرن کیم اطفال ایتدی کو فقیر
رد کیدینه چاره دلپذیر اتمسیدم بدایتلرین نهایتیه نهایتلرین بدایتیه
استیصال ایله ایصال ایدوب اولاد و اطفال لترین یتیم و طریف و تلیدلر
معرض فایه تقدیم ایدر ایدم استخبار بیوریلور ایه اخبار ایدر لر بلکه
دخی مسموع سمع و اعیه و معلوم علوم و افیه و کافیه لری و لمشدر مع
هذا شیخ الاسلام و مفتی الانام اولان عقل عالی نظر لرندن استفتا
ایدر لر ایه حکم مدعا ایدر دیوبو مقوله اقوال و آب جزین الاغتیا
ایله اطفای شواظ لهب تفرعن و غیر و طیب احتیال ایله تحشیه خیشوم
نمردین ایدوب اثبات مرامنه اقامه شهود مرکبی و مختسن و حکم قاضی
قضا و قدر دخی نصال اقوالن سویدای قلب سلطان حسینده متمکن
ایتمکله بعد ازین مزبورک حکم کلامن امورند انفاذ و صدیق جمیم اتخاذ
ایدوب امرینه متابع و مشا وده سنه مطاوع اولغله تدبیر حالنده
استقداح فکر یله مستکفی اولور اولدی پس ازان سار امرانک اهلا
بایند سلطان حسین الله داد ایله دست زن فال نامه مشا وده
اولدقه آنلرک دخی استخلاصی همچون لوحه تدبیر بورسمه قرعه انداز محاوره
اولدیکه لاجرم سلطان خلیفک اگر چه کارگاه شجاعته بدی قاصر
اولوب افتخام مهالک و شداید جاسرد کلدر و اولباید کثیر الاضاعه
و قلیل البضاعه در فاما بذل و احسان ایله قلوب ناسی استجلاب
و حاسد و کایدی جمله احباب و حسن خلق و سیرت حمیده ایله استعباد
احرار و عدل و انصافی ایله تنخیر امصار ایتشد در فاما جناب سلطنت

اغتيال حيله و ام الغيلان
شجرة ستمو یعنی مغيلان
شواظ دخان سزا و لان
لهب آتش

ما بلیک لله الحمد ما نثری مشهوره و منا زل منا زلاقی ابطال کروقر
ابطالده معوره و اعلام مهابتی مانند قرون اکباش چین روزگار او
منشوره و پیران منا طحات ناوردی قرون لیل و نهار او زره علی الدوام
منصوره در و غیر ذلک عامه جنود طلعت بهیه کز ایلد فتهج و کرب
و شدت قبلوی رویت جاکن له منفرج اولوب محبت و موالاتک ز صیر
جاکمیر در بنا علیه عامه عالم و لاته بنی آدمه لا بد را بطنه نظام و انتظام
بر رابط و صون نفایس نفوس لرینه ضابط اولور برامیرد لیس محتاج در
و لا محاله بر قرم لیث خاور و شبیل هار بلکه بحر غار امیرد ناصر نهینه
قاهر بر مملکه معقاز در لر عربیه **و لا یکتشف الغطاء الا بن خرقه یوی**
عمرات الموت ثم یزودها ما صدق بر شهر یاره مستمند در لر یو منا هذا
سیردن غیر یو امر شایسته کیم وارد کرم و بخت و حسب و شرکت
سز کله راحل و نازل و قوافل بخت و شجاعت و سخاوت حامی جایتک زده محمول
و حاملدر اندن ما عدا شاه ملک و شیخ نور الدین جناب جلالت ما بلی
کبی بر حصن حصین اولد و غن فیم ایتسه لرا ککان ما بلی کوه جیشک
ار نکا ایلد تشید و ملاحظات رایلرین رکن دکن مایعک زه انکا ایلد
نشدیدا ایدر لر حاصل الامر سز جمله بر ریش الملوک و جمله سی سز عبد
مملوک در لر قصد اهل کلوی بیورد غن فقرای امرانک اهلان و ابقالری
قوت و قدر نکزه نسبت ایلد مسا ویدر لکن ابقا و لا و عبید همواره مترقب
مراحم مولادر لر اگر اقتضای رای سدید اولور ایتسه اطمینان خاطر سعید
اچون جمله حزقید حدید و زیاده ایمان اکید ایلد خدمت اطاعتده اولالوم
اولبا بد رایلری اعلا و تباعلری احرا و اولادر دیو ختم مسئله مدعا
ایدنجه سلطان حسین مختول و عزم و خزمندن مغفول اولوب امور
جزویه و کلیه سند الله دادک بدرقه داینه اقتدا و شداید حوادث

لیث خاور
اور مانده اولان اصلاند

جاری یعنی جاری
موصول است
یعنی شدت کشف اینست
عمرات موتی کور و در و مبالات انجیب
زیادند و ارور

مشاوره سیر اکثفا ایدر اولدی فصل سلطان امرادن اخذ میثاق ایلد
سلطان خلیل او ز رینه عزیمتی بیانده در سلطان حسین امرای مذکوره
متمکن اولوب قبضه سطوتند اسیر و سروسا ماندرینه ایقاد ناره
دوزخ ز فیرایدوب خانه و خانه داندرند اقامه ناچیه و ابقاظ آتش
ناعیه امتشیکن تکرار احضار و ستر و ضرا ده کند و سیرله یکدل و سلطان
خلیل عداوتند یکقدم اولملرین قید حدید و وثاق ایمان ایلد بند
و تا کیدایدوب طلب عهد صادق ایدنجه هربری دست و پای لرین
دو شاخه حدید تقدیم و اعتناق و اختیار لرین ربقه یمینه تسلیم
ایدوب مراد و مختاری او ز ره زمام امرینه منقاد و او غورندن مال و جانلر
انقاد و نفایس تجمل لرین بازار چکند مراد آنکه شرط اتملریله قید و بند
ابقا الحق شکجه و غذا بدن رها بولدی لر پس ازان سلطان حسین قصد
سمرقند ایلد تحریک لوی خصومت برله عزیمت ایدوب سلطان خلیل
نامه خشونت خامه اصدار و خلافتد اولد و غن اظهار برله ملک خلیل
حصه اراده و سریر سرورید کند و سیرله منازعه سن افاده ایتدی
بواشاده الله داد دخی سلطان خلیل خفیه نامه صداقت خامه اصد
وما جاری اعلام و ظهور ایدن حوادث غیر ماسوله فی افهام ایتد کنت
مفهوم نامه ده ضمیر بیضا نظیر پوشیده اولمیه که کوبک اقبالک سعید
وامرد و لتک حمید در همان رای رشید ایلد نهضت بیورد که ضدک
صید مصید و حضرت رب العزیز ناصر کدر قریب و بعید فکر زحمت سفر
و ملاحظه خوف و خطراتیمه سز که صفر سندن اولجوا غر سز که تکیه
سلطنتد شیخ رشید و عالم سز مریدا ولوب نشمات موالاتک ز ایلد اعضا
قلوب سز مایل و بذل و احسان ایلد خواطر باب کرم کرده سایلدرد
ختم کلام اختتام ویر میکن هاندم سلطان خلیل جیوش دریا خروشی ایلد

ناعیه
خبر موت

نهضت و سلطان حسينك استقبالة عزيمت و بوسو دادن رجوعه
مسارعت ايندي حرکت سلطان خليل کوشکدار سلطان حسين اولنجه
قيد و بندند اولان امرادن استيناف عهد و تاکيد عقود قيود
ايندکد نصکوه هر برين مقام قد يملونه تقديم و کالاول مقابلد حل
و عقد منصب برين يد نصرفلونه تسليم ايدوب لباس خلع فاخر و احترام
و حسن معاملده ايله جبر قلوب منکسر ايدوب حواشي و متعلقا تلرين
بذل انعام و احسان ايله تفقد و جلب خاطر ليله تقيد ايدوب راه پيمای
نزول و ارتحال و لادق مدينه کشيد تزييل احمال ايندي ازين جانب
سلطان خليل دخی بخت جليل ايله مانند شاهها زير پرواز محل مذکور
ترک و ناز ايدنجه سلطان حسين تهيه ادا و ات کير و دار و احضار اسلحه
جنت و بيکار ايدوب استعمال تهو و طيش و تحريص اسود جيش ايله الله
دادی سردار مينه و امرای ماسوره بي نگه دار ميسره ايدوب تضاد جمع
و تدافى زحفان حقایق محاصرتي تحقيق و مضایق قتال و جدالی تدقيق ايندوکی
کبي الله داد و امر او اجناد علم سرنگون ايله سلطان حسيندن بر تافتد و
و سلطان خليل سایه سده التجايه تک و پوا مملوله خربوري آرام و مسلوب
النوب عز و احتشام و لمغله ملتحف توپين خيبه و مين اولوب ماصدق
رجع بخفي حین اولمغين هزار دغدغه و قلق ايله قطع صحاري و طی موال
برادی ايدرك خالی شاه رخه ملحق اولوب آند دخی مدت حياتي ممتد اولوب
اسقاي ستم ايله يا حنفا نفل منقل دار آخرت اولوب بوند سلطان حسين
عهدي تمام و سلطان خليل کامران مرام و دار المکنه اماله لکام ايندي
فصل بقیة حال پير محمد بیا نند در پير محمد عزم و حزمند مستمر و سلطان
خليل ايله مبا حنه لری متکورا ولوب بالاخره مسايله و متقا وله لری متصارع
میدان مقابله و مقاتله اولمغه منجر اولمغين پير محمدک متوفی امور مملکت

طیش
يعني تلاش عقل

الزحف الجش

و مشير قواعد سلطنت و قطب دائرة دولتي اولان قدوق العلماء الاعلاء
پير عليک تدارک و تدبير ليله عساکر قندها ردن ابطال رجال و مردان
قتال بخريد و اصناف جنودک ممتاز و کارسا زرين تقيد ايدوب عزم تانار
اسرع و سرعت سهامدن اقطع مانند حدت سيف صادر و مثال انصبار
سيل العزم سير ايله نهر جيحونه وصول بولوب شط مذکور بجه عساکر ايله
متلاطم و متصادم اولوب معنای معجز اخوای مرج البحرين بلقيان هذا
عذب فوات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج ظاهر اولوب مانند بنی اسرائيل
شهير سراويل ساق همت ايدوب نهر مذکور دی عبور و اول جيش منتخب
و اصل ضواحي مختب اولدی فصل عساکر خليليه دخی نيت زکيه ايله
استقبال عساکر قندها ديه ايند و کلری بیا نند در بوطرفه سلطان
خليل دخی اسلوب سابق و نهر تجنزام و تصفيه قلوب ملوک و وزرا و مد
اچون بذل جريات انعام و نشر اثمار اشجار اکرام ايدوب ملاقات ثياب
قندها رتيه جنود خوال و مردان شهاب بنالدين استعانه ايند کده عام
و خاص و عفاريت کوهسار و هر غواص بحر تيار و مقتطف اثمار احسان
اولان انس و جان دعوتيه لبیک کويان اولوب مردان خراسان و دوسا
جغت و چنا و فرا عين ترکستان و فوارس فارس و عراق و کشتکيران اقطار
آفاق و هنردان تانار و خيالان صاحب مشوار و تمورت امور ديدن مدبر
دولتي و سفر و حضرده رفيق صادق و ستر و ضرا ده معادن و مرافق لری
سرتاپا مقام اطاعتده مجتمع اولد قده سلطان خليل جمله بفتح ابواب
فتوح يوم شده اچون انتخاب اصدقاى نضوح ايدوب عطايای جزيله
ايله قامت هملرینه لباس دروع سابقات و دوش مملونه القای خلع
مضا عفات برله صرف خزاین و بذل فلوات دفاين ايدوب هر اجل صاحب
فرس و کيسه و هر فقير عزيز البسه نفيسه اولمغله نسيمات نصرانفا سزند

فایحه و لمعات فتح بوارق بیا د قلرندن لایحه و سبع المناخ ظفر و جوه زاهره
 فایحه اولوب مابنده سلطان خلیل بخت جلیل ایله مانند سویدای قلب
 مشی شاهانه و جلوه ملوکانه ایله محل مقصوده عزیمت و سر منزل مرام
 سرعت ایدوب غره شهر رمضان سنه ثمان و ثمانمایدده ضواخی قریش
 یعنی مدینه مخشب مضرب خیام لشکر ظفر دهر اولوب عسکر طرفین
 یعنی جنود سلطان خلیل و لشکر پیر محمد مانند بحرین بربرینه مقابل نزول
 و شاه مردمان دفع اغیاره مشغول اولوب هربری اولیلک ختم ذیل
 و جمع خیل ایله معتکف زوایه افکار و مترقب کار فردا ولد یلر علی الصباح
 فجر قضا فضای افقده ستل صارم و خورشید قدر لوح آسمان دن محو نقوش
 انجم ایدبخه تعبیه میمنه و میسر و ترتیب مقدمه و موخره اولند قدر نصکره
 چرخیان میدان جلادته جولان و ادبای خیل بربرین شکاره شمشیر ذیل
 ایتد کلرینه تعاقبات نفیقین مانند جلیین اصطدام و ایقاد نائره مردم
 سوزستیزه اقدام برله تدانی و تکافی و تعاون و تکااون و تشاجر و تناجر
 و تقناق و تناحره مبادرت ایدوب ابطال رجال منصارع و فحول قتال
 متقارع اولبخه تخائف ققام روس استرا و زره پرده کش ظلام اولوب
 بیت چکا چان خنجر بگردون رسید دهند و ستان خون بچگون رسید
 وقت ظهرده بنجوم لیل ظاهر و غیوث خون قنات عروق دن اول مسلح اوزره
 سایل ایکن منتصف نهاده دفع ظلام و اندفاع قنات اولبخه کواکب موکب
 خلیلیه ظفر برله اوج سعادتده منکشف و اختر بخت خصما زبر غبار انکسار
 منخسف و مغله صیت و صدای سلطان خلیل افطار ارضده انتصار
 ایله منتشر اولوب پیر محمدک راه املی بسته و بازوی قوی شکسته معاند
 و معا و نلری مغلوب و مال و منال لری منهوب و حریم و عبیدی اسیر و جلیل
 عزیزی حقیر اولوب داغ دل و لهب کبد و اضطراب خاطر و حرارت جسد

و خوف بوار و ملاحظه دما دایله تشبث اذبال عزیمت و فراری نصف
 سلامت عربیه آیاتک سالیما نصف الغنیمه و کل الغنیم فی النفس
 التسلیمه مدلولن پشرو ایدوب انهم ایدوب خلاص کربیان جان ایتدی
 پس ازان آفتاب دولت سلطان خلیل ایله اکوان مستنیر اولغین نواز
 شکران ملک قدیر اولوب رجعت ایله شهر رمضان جلد نیک نام مکانده
 اتمام ایدوب برقاج کون مکت ایله استراحت بعد طرف وطنه اجاله
 کیمت عزیمت ایتدی فصل عساکر عراق ماوراء النهر دن خروج و عزیمت
 اوطان ایتد کلری بیاندن در پادشاه بغداد سلطان احمد پای تخت
 دارالسلام رجعت و ضبط مملکت و میاه سلطنت مجاری اولی یه عو
 ایتدوکی ماوراء النهرده اولان اهل عراقک سیمو علری اولبخه سنه
 مذکور نك غره شوال لیلله انشینده اهل سمرقند امور عید اثواب
 جدید مشغول لرایکن ظلام لیلله طایفه مذکور حرم و اتباع و
 اولاد و اشیا علری ایله متولی امور لری اولان حاجی پاشا مرافقت و سلطان
 احمدک اوغلی سلطان علاء الدین تیمورک گرفتار زندان اسیری ایکن آزاد
 کوده سلطان خلیل اولوب آند بولغله آنک دخی متابعیتله اهله نام
 و احترام تمام و تدارک بدرقه توفیق ایله دامنگیر طریق اولدی لوطایفه
 مزبوره جمله اصحاب حول و وصول اولدی لریله طریق لریک سدینه و سیل
 ستیا لریک بند و بطنه کسنه قادر اولدی قصد جیحون ایله و اصل خراسان
 اولد قلرند بعد مسافه سد طریق لری و این ایران من قیران و جمله
 من سیحان مدلولی بند راه امل لری اولوب منزل مرام و وصول دن مقدم
 اکثری و لطف بلادینه پریشان و ترک اوطان ایتدی لری فصل
 پیر محمدک بعد الانکسار قندهاره رجعت و تکرار مقاتله سلطان
 خلیله عزیمتی بیاندن در بعد الانکسار پیر محمد قندهاره واروب کسب

راحت و تقویة بازوی قدرت برله مستقر دار و دیار و لذت و امور
مُلکَم و قصوری مُتَم اولوب انجمن جیشی دوز بدرد و لند سواره و افلا
قبض و بسطی مرادی اوزده دواره اولجہ سموم غضب و نهودی تسقر
و شرار و شروری تطیر ایدوب و قعه گذشته دن تأسف و غیظ ایلہ
کریبان صبری تمزق و تخرق برله تکرار سلطان خلیل مصافحه عودت
سودا سیله اجنحه مرسو ملین اطارد و تمام عدد و وعده هر لدیع القلب
و جریح الطعن و الضرب جمعیتکاهه حاضر اولملری اشاره اولمغیر جمله
دعوتنه تبلیه برله مجتمع و نداسن سمع قبول ایلہ مستمع اولوب اودیر
و جبال خیل و رجال ایلہ آقوب کلوب بحر جیوش مانند قلم جوش و خروش
ایدنجه تکرار سلطان خلیلہ نامه و قاصد تصدیق ایدوب مفهومی و آنکه
مصافحه برقلته ایدیکه مانند شراره مقدار لمعه ملتهب و منطفی اولدی
امر مه تدارک ایلہ استقبال ایتیش اولیدم استدبار ایتیم اکر مستعد
اولیدم مستحق و لمز ایدم و قعه بی استکبار ایدیدم مستصغر اولماید
لکن اضاعت خزامه ایلہ محروم السلام اولوب کادشدیدی رؤس انا مل
ایلہ تناول و بعد ندامله عض دست تکاسل ایتدم و غیر ذلک مردان
لشکرک و قوه ظهیرک و مکنت یدک و سهام قوسک رؤس اهل عراق
اولوب آنلک اتفاق ایلہ شهره آفاق اولمش ایدک اما الآن اتفاقری
نفاق و قریبری بعد و شقاقه مبدل اولمغله حواس قدرت و قوتک
مختل و جنود افکارک مغل اولمشدر ایشته بن حدید جدید و حد حدید ایلہ
کلدم لقایه معده و عدم مستعد اولاسن مرد ایست میدان کل الحرب
سجال دونکه کون بوکونه ابدال اولمق مقرر در فصل **پیر محمد سلطان**
خلیل و نردینه تکرار عزیمتی بیاننده در پیر محمد جنود نامعدود و عساکر
ناحدود ایلہ نهضت و قطع جیون ایلہ حصارشادمان نام قلعه قریبند

ضرب خیام اقامت ایتمکله سلطان خلیل دخی بر و طرفدن مردان کارزار
واسود میدان بیکار و اجرای طوفان خون ایدر جراد و قتل و ضفادع
عذاب کی عسکرا یله طی اطوار و بحار ایدرک جنود قندهار مقابلہ سند
قرار ایتدی بوندن اقدم و قعه اولی ده شراره آتش زنه شمشیر خلیلی
طائفه مرقوم نک احراق آنکشت احشالری ایدوب یلان دشلیان ایپ
سورند یسندن قورقار معناسی کریبا نکیر اضطبار لری اولوب نصوت
نفیر پر خاش و تقرب طبل صواشدن مقدم جنود قندهار زنه نک هر
فرقه سندن تنادی **أَرَفَتِ الْأَظْفَرُ لَيْسَ هَإِیْن دُونِ اللَّهِ كَأَيِّنْفَةٍ**
قرع سمع ایتمکله در ساعت آنکسار فاحش ایلہ کلد و کلری طریقه
رجعت ایتدیلر پیر محمد دخی خلع خلعت اقتدار ایلہ قلعه مذکور یر فرار
ایدوب تحکیم ابواب و ضبط اسوار و مستعد جنگ و بیکار اولدی هاند
عساکر خلیلہ احاطه قلعه بی اهتمام و بنی یافت و اولاد سام و حار
تضیق پیر محمد اقدام ایتدیلر پیر محمد مقدما خواجه عبدالاولک نصیحتن
یاد و ناد و قصد و عمد ند خطاسنه مقر و جازم اولوب لکن حکم
قضا و قدره حواله ایلہ متعذر اولدی **عَرَبِيٌّ**
وَعَا جَزْأَ الرَّأْيِ بِضِيَاغٍ لِفِرْصَتِهِ حَتَّى إِذَا فَاتَ أَمْرًا عَابًا لِقَدَرَا
منعکس الحال و القال و متغیر الامر و الاحوال اولوب ضایع کرده ملک
و مال و مغله اسود الحرب و شور الضرب متلاشی و ذوق قربت و اصحاب
محبتی متحاشی اولوب منوال فکری اوزره شقه تدبیری مستفوق و آستین
حول و صولی مضتوق اولوب حیلہ دن غیر یر چاره سی قالما مغله مذبر
امور دولت مشید ارکان سلطنتی اولان پیر علینک تدبیری ایلہ جلود
مخبوطه دن استدعای عقد مضبوطه ایدوب انواع جلودی الوان متعذر
ایلہ تلویح و صحایف آینه و مسامیر مجلا ایلہ تزیین ایدوب رعایا و حشو

محمود بن
ضایع ایدر انبیا غایب اولان فضی
قضا و قدری غایب ایدر

بلد دن بعض هنج و احملقوله الباس ایدوب کسراب بقیعة بحسبه الظان
 ماء مسافة بعيد دن لبوس فولاد ایلد جوشن پوش سواد عسکر جزار کوسو
 بر زمان بومنوال و زره مستمرا ولدیلرکن ینه فایده ایتوب افکارلری
 و خیمه و تدابیرلری سقیمه اولمقله ارالری مختلف و سترسیرلری منکشف
 اولوب قضای عالم دینه جهان بین پر محمد تنک و تار و کوبک اشتهاری
 نازل منزله ایدار اولغین بسط بساط نضرع و طلب و سابط تشفع
 ایدوب لا غایم الیوم من امر الله الا من رحم مدلولن عین الیقین
 تحقیق اتمکله حلقه جنبان باب صلح و صلاح اولغین عربیه یعطی
 الکرم ولا یمل من العطا و العفو شیئ من اذ وقع الخطا سلطان خلیل
 دجاسن اجابت و مسئولن عنایت ایدوب بربرینک ملک مملکتی اطلاله
 دست طمع اتمک اوزره و پر محمد سر نهاده و سادده لحد اولد قده نصب
 ولی عهد اتمک شرطیله معاهد و معاقده لرین بند و بست و رعایت
 حق قرابت ایدوب صداقت و سؤدت اوزره باقی و تنافرو تشا جردن خالی
 اولوب مخالف اولمقله مخالف و هریری ملک و مالیه قانع و کند ویر
 مخصوص خدم و حشمه جامع اولق اوزره تاریخ تسع و ثمانماید ده سبجل
 عهد و شرو طلری مضای رضای طرفین ایلد ممضی و ختم اختیار جانین
 ایلد مخمور اولوب بوجه اوزره موافقت و مفارقت ایتدیلر **فصل**
 پر محمدک مدبرامودی پر علینک خروخی بیانند در پر محمد دارالملکته
 و اصل و مابین خدم و حشمه مستقرا و لجنه و کبل دولت و وزیر سلطنتی
 اولان پر علی طریق مستقیم سلامت عیم اطاعتدن خروج و ذروه بغی
 و فساد عروج ایدوب دعوی ملک ایلد ممتاز و کز و قزجدید ایلد صاحب
 امتیاز اولوب تصریح ایلد ارباب قبض و بسط و اصحاب حل و عقد ندا
 ایتدیکه امورد نیا مضطرب و قیام الساعه مستقرب در بوایام دجال

محمود اکبر
 عاقل و متین و عفو انک دخیل
 خطا واقع اولد قده

و محنا لرا یا سید دجال اعرج یعنی تیمور زمانی مرور و یومنا هذا
 هنگام دجال افرع و بوند نصکر ظهور دجال عود در شمدیکه حاله
 بر کسینه تقرب باب سلطنت ایدرسه اولباید اولی بنم دیو شاهقه
 غرور اوزره تاذین ایتدیکه رؤس و اذنا بدن کسینه دعوتن اجابت
 و حصول مدعا سینه اعانت اتمکله کند و مملوک و خدامدن مستمد
 اولد قده آنلردخی روی تنفر کوسو ر مکله بیقرار اولوب جای بخات
 قیاسیله هرات طرفنه فرار و سایه صاحب هرات ملتجا ایتدی بو تقرب
 ایلد مقتض و علف شیر شمشیر فضا ص اولوب پر محمد ممالک قندهارده
 امین و خلیل الرحمن دخی ملکند صاحب تمکین اولدی **فصل سلطان**
 خلیل پر محمدک رد کیدینه و دفع ضربه کندک و واقع اولان اختلال بیاتده سلطان
 خلیل پر محمدک دفع و ردینه مشغول ایکن تا نادر و در وطن قدیملری
 آرزو سیله قیام و سر منزل مرامه اماله لکام ایدوب نهرجیون منجد
 ایکن عبور و سرعت تا نادری ایلد مرورده ایکن عساکر اطراف و امرای
 اکخاف رد و شتات و سدد راه مشاة و حفاظت لرینه متصدرا اولد قلوندن
 غیر طایفه مذکور نک رابطه اتحاد و اتفاقلری منحل و ذهب ذهابلر
 فلس احمره مبتدل اولوب کیر و اولطر فلورده پریشان اولدیلر بوایامده
 یعنی غیبت سلطان خلیلده خداداد و الشیخ نورالدین اغتنام فرصت
 ایلد متوجه سمرقند اولوب قصد بد و هجوم بلد اتمک لر اهل بلد محضن و
 مقام مدافعه ممکن کوسو ر و ب دفع مضر تلرینه دامن در میان غیرت
 و حمیت اتمک لر ایلد خارج بلدی نهب و غارت و مقام و منزلت لرینه رجعت
 ایتدیلر بو خبر ملالت اثر سلطان خلیلده منعکس اولمقله سمرقند رجوع
 جلسه خفیفه ایلد احتشاد ارباب داد و ستاد و جمع هرزان اجناد ایدوب
 قبایل ملوم و فیول مغتله و اسود مفتربه ایلد بین الحریکه و السکون

فیل مغتلم یعنی هایج یعنی اسیر ملت

قطع همچون ایدوب و لوط و اوزره اناره نازدات النور ایدبجه قلعه شاه
 رخنه و بلكه نجندها لیسى حکمه رام و زمار انقیاد لیرین تسلیم دست
 نصرتی ایتکه اقدام ایدوب با ایدوب یا س کند خلقی عناد ایلده خطابنه
 رد جواب ایتکه احصار و تضیق لیرینه عزم و برج و بار و سن هدم ایدبجه
 شدت جوع و اضطراب اصول و فروع ایلده التجای دارالامن استیمان
 ایدوب صلح ایلده حال لیرین اصلاح ایتدیلر **فصل سلطان خلیلک**
 خداداد و الشیخ نورالدین ایلده مقابله لری بیانده در خداداد و الشیخ
 نورالدینک سمرقنده ایتدکلری مضرتک انتقامی همچون آندن ماعدا
 مزبوران حول حمای خلیلیه ده هر بار دائر و وقت فرصت دهره مترقب
 و ناظر و لملری ایلده پادشاه مشارالیه دفع و دفع و کوشما لیرینه استیجا
 ایدوب سواق سود و تحریص فهو لشکر ایدوب لکام همتن منعطف
 و شوا هین شوا حق همتیله مرغزار اعدای مختطف اولدقد مزبوران راه
 کیر فرار اولوب مرتبه رؤیت رای اولور مسافه ده رحلت و نزول و سلطان
 خلیل تبیع اثر لریله راحل و نازل اولوب کیدر کن سلطان خلیل طوایف
 عسکریه یر اعتماد ایلده متمکن و حلول نصر و ظفری مستیقن اولوب
 اثقال و احماله تقدم برله عازم ایکن طایفه عسکریه یر اولان ظننده
 کویا خایب اولوب میرات خانه نام محله توقف ایتدوکن الشیخ نورالدینک
 اردوی خلیلک اولان جاسوس عسوسلری و ادوب اخبار اتمکین مزبوران
 سلطان خلیلی تبیت و ظلام لیلک اردوسنه قریب پای شو ملرین
 تبیت ایدوب مانند ساریه صاعقه بار ایدویر آتش انداز خسار
 اولملریله قیام الساعه دن خبر و بوارق صوارم شراره دوزخدن اثر
 اولوب علی کل حال مردم میدان هیجادن بر جماعت رد کیدلرینه اسراع و سل
 سیف قاطع النزاع ایلده مقابله اتمکله خبیت ایلده رجعت ایتدیلر اتمکله

عسوس
 یا لکن کند و باشنه اولیان دوه
 ساریه کیجه ایلده کلان بوت

لص حرامی

لص و سارقه

ینه لص و سارق

لص و سارقه لازم و الا مشعله ایلده قصید صید حرامی کار عسس
 حاذق دکلا در ملاحظه سیله سلطان خلیل اول صیدن رفع ید ایتد
فصل الشیخ نورالدین ایلده خدادادک اختلاقلری بیانده در
 خداداد ایلده الشیخ نورالدینک مودت لری مانند کوزه فخر و هبنت شوق
 و اشواق لری مثال شجرنی بار اولمغین مودت لری عداوته و ایتدلاقلری اختلاقه
 و اتفاقلری نفاقه و صداقت لری بغض و شقاقه مبتدل اولوب الشیخ نورالدین
 آخر طرفه دفع لوا و بعض بقاع و قلاع استیلا ایدوب سلطان خلیلله
 ارسال رسل و عمد و خطادن اعتذار ایلده استغفار ایدوب عصیاننه
 مقابل طلب احسان و عواطف علیه سلطانیدن کما کان تصدق امان
 التماس ایتکله سلطان خلیل مسئولن اجابت و قبول و جرم جنایتنه ذیل
 نسیانی مسیول ایتدوکندن غیرى زوجة تیمور تومان خاتونی کند و یرار سال
 ایدوب شاه ملک نام امیرین مظهر صلح و مبطن نفاق ایلده بر طریق سفارت
 راهی ایتدی بوشرطله که بعد السلام و الاستسلام متلاحق و مظهر فرستد
 متلاحق و متعاقب اوله لرفرمان سلطانى اوزره شاه ملک توابع و لوا ^{حقبله}
 طریق مقصوده سالک اولوب سرحد مرامه وصوله الشیخ نورالدین
 استخبار ایلده قلعه سندن نزول و شاه ملک دخی بلا عدد و غده مزبور
 وصول برله متلاحق و متعاقب و بر مقدار حال گذشته سر دشته صحبت اولوب
 تاکید موافق عهد و بعد الیوم شروط صلح و صلاح اوتاد صدق و موالاته
 مشدود اولند قد نصکره شاه ملک اصحابنه رجوع ایدوب اصحابی دخی
 الشیخ نورالدینک مصافحه و تقبیل بدینه مسارعیت ایدوب یکان یکان
 ملاقاتیله کامران اولدقد نصکره مابین جماعت شاه ملکه مانند
 فیل دمان مثال شیر زیان ارغوداق نام برکسنه یر نوبت کلنجه واروب
 وقت مصافحه ده نورالدین قبض ید و برالن دخی کردانه کبی کردننه بنده

ایدوب بنجم بختن هبوطه تنزیل و کارنامه بدن خانه زیندن تحویل ایتمکله
استیصال و در حال قافله عدم ایصال ایتدی بو خبر ملالت اثر دت
شاه رخ با خبر اولوب شاه ملک و اردوغداقه دست رس اولدوقه سب
شاه ملک و ضربا رغوداق ایتدی لکن ینه فائده مندا و لمیوب وصل
مقطوع و غرس مقطوع اولما مغله انجق بزمان چشم اعتبارده دور و بیغوله
نسپانده مهور ایدوب بعد ینه مضی ما مضی اولوب رضا یله مقابله و حسن
معامله اولندیلر الشیخ نورالدینک بو منوال اوزره طومار حیاتی
منطوی اولوب انجق خداداد متشبت اذیال عناد و سالک طریق عتق
و فساد اولدی قالدی قصور حالی فیما سیاتی ان شاء الله تعالی نیت اثر
قلند **فصل سلطان خلیل بلده** ترمذ بنا سنه مبارک ایتدی و کی بیاتند
چنگیز فتنه انگیز ظهورند بلده ترمذی خراب و عمارات عالیات متفق
غراب ایدوب تاریخ سال سنه عشر و ثمانیا یله فرخ قال و لجه به دن
اول حال اوزره ایکن سنه مذکور نک ماه صفر المظفرند سلطان
خلیل بلده مذکور نک مجددا بنا و عمارت مراد ایدوب الله دادی خدمت
مذکوره به مأمور و وسای اجناد دن الباس خوجه و ابن قماری منصور
و توکل علی قو قرا و دولت تیمور نام اصرای بر مقدار عسکر ایل راهی ایدوب
عمارت مذکور نک تعجیلن تاکید ایتدی مزبور لدخی علی جناح الاستعمال
و ایدوب بلده مذکوره ده تنزیل احوال و جمع اجمار و اخشاب و طرف طرف
برج و بدن قلعه مابینده مقاسمه و تاسیس و تعمیر جدار و قتل و اسواری
حصه و رصد ایل ترک نیام و اکل طعامی حرام ایدوب بذل همت و صرف
مقدرت ایل اوان بش کون تمامند اتمام و محله و حاره لرین تعیین و طبق
و اسواق تبیین و رفع اعلام و مساجد و جوامع و بنای بیوت و حمامات
و مجامع ایتدکد نصکوه ولایت مذکوره دن رحلت ایدن اهالی ولایت

ند او وطن اصلیه لرینه رجعت صلا ایدوب جمله بشارت و رغبت ایل
بر لوب لرلندن نهضت و بلده مذکوره به غریت ایدوب ماوی و منزلت
رجعت برله متوطن و اسواق و دکا کین و رباط و حوانین لرین تجدید
و اسباب معاش و قوت لرین تجدید ایتدی بلده مذکور نک خرابی چنگیز
خان زماندن تیمور کورکان ایا منه کلجه مستمر اولوب اهالی بلده
محل مذکور بر فرسخ مسافه ده نهر چیوندن دور بلده جدید انشا
و ناچار تازه منزل و ماوی ایتمش لرایدی اما بلده عتیق خوش هوا
و نزاکت و نضارت د لربا اولوب نهر چیون اوزره استوار و نهر
مذکور مصانع اقدام اسواری و لمغله مجددا انشا اولنان بلده دن
احسن و اطیب و لمغین اهل بلد بالطوع و الاختیار نزول و سکنا سنه
رغبت ایدوب قال و جداله و ارجحه تراحم ایتدی و لکن الله داد منازعه
ملفت و لمیوب کمسنه ری رنجیده خاطر اتمدی انجق هر منزل و محله ابتدا
نسابق ایل و وضع ید ایدن ذوالید اولوب آخری منازع و مدافع اولیه
دیو امر ایتمکله دفع نزاع اولوب هر کس حقنه راضی و نصیبی ایل مستکفی
اولدی بعد ذلک ارباب حرف نصب کارگاه بیع و شرا و حکم صنایع لرین
اجرایه مأمور و لمیر یله خبازان و طبخا خان و قضا بان و سایر جابجا
مکان لرین افراز و هر طایفه بر بربندن امتیا زایل مایعیه مبادرت ایدوب
بلد نقدی و نزاع فتح ابواب بیع و شرا اولوب انسان مدق الطبع اولمغله
هر کس مایحتاجه وصول ایل حال عسکری و بلدی منتظم و قور و قور ^{منعوم}
اولدی پس ازان الله داد دخی قواعد لازمه بلدی مقتضا سبجه تمهید و
ضبط و ربط و حفظ و حراست مملکتی تجدید ایدوب جمع جنود و سمرقند
طرفه رجوع ایتدی فصل شاه رخ سلطان خلیل تقلید بنا ایتدی و
بلده بیا ننده در شاه رخ فعل حسن سلطان خلیل استماع اید بجه کتله

دخی غیرت پادشاهانه و حمیت ملوکانه ایدوب عسکر خراسان در مقدار
مردان کارگذار انتخاب و خدمت مذکور به مقدمه دمشق محصور
اولان جها نشاهک برادری مزداب نام امیرین مأمور ایدوب اقصای
خراسان در ترمذ چغان ایله ممالک خراسان بینند واقع حصن الهند نام
قلعه بناسن فرمان ایتدی مزبور دخی قلم خراسان در مهند سازد قیقه
شناس و معماران راست قیاس استحباب و محتل مذکور و ایدوب
بنا و عمارت بدلا قدر ایتدی بومابیند امیر مزداب ایله الله داراجا
احکام دوستی و رعایت قوانین آشتی ایدوب ارسال رسل و رسایل و تقدیم
هدایا ایله متصافی و متواصل اولدی **فصل اقلیم ایران** حدوث ایدوب
بعضی فن بیانند در سابقا بغداد دارالسلام سکرن سلطنت
اولان سلطان احمدک توفیق ربانی دستگیر و رفیق اولوب قوه یوسف
ترکمانی مرافقیله عراق رجعت و زانو زن سریر سلطنت اولوب قوه یوسف
قصد دما رجعتای بی امان و استخلاص بلاد در بجان ایله عزیمت ایدوب
نصر من الله پیرایه اعلام اقبالی و فتح قریب طراز الویه اجلائی و لغین
امیرانشاهی استیصال و طوایف جغتای افنا برله ادبچاندر مسند
نشین استقلال ولدی احسن الاجم یعنی اقلیم عراق عجم پر عمر پادشاه
مستقل ایکن اقربا سندن اسکندر زهمام بدرای خروج و ذروه دعوی
عروج ایدوب مقاتله و مقابله ایله پر عمری کوفتار فترات بلاد عراق
عجم استیلا ایتد وکی صاحب هیرات شاه رخه متحدیش سامعرا تمکین
بجای غیرت کفانداز اضطراب و آتش غضبی شراره ریز التهاب اولوب قصد
اسکندر ایله رفع لوای جلال و اقلیم عراق عجمی فرسوده سنابل الخیل
ابطال دجال ایدوب اسکندر مرقومی شواهین انتقامه شکار و طعمه کرکس
دمار و اولاد و اتباع بریشان وادی دبارا بتمکله اول اقلیم دخی بلا

نقب و نضلف مستلم دست نصرتی ولدی پادشاه مشارالیهک ملکی
اوسط ممالک روی زمین اولوب اطرافند اولان سلاطیندن کمسنه
ملکنه پادرازی و اطاله دست تعدی و عداوت و خصومه متصدی
اولیوب چهره سلطنتی کدورت اختلالدن عاری و دامن مملکتی کرد
کدورتدن خالی اولوب روزکاری راحت ایله گذار ایتدی مشارالیه
فصیح الخطاب حسن الجواب مقبول الحركات مرغوب الشکات ممالک عجم
دعوی ملک و شایسته سلطنت اولانری بوندن اقدام سرزده قلم
اولدوغی اوزره تیمور غدار آغشته دما رخاک ایدوب و لمقوله مدافع
و منازع اولما مغله اعدا مکبوت و اصدقا بشوت اولوب اراضی دولتی
بنات نبات امن ایله زاهره و دروی سلطنتی فوز و فلاح برله ناضر
و عیون بهجت مراقبه و عراپس ملک مخاطبه سنده اولوب **عربی**
نیزه فوادک عن سوانا و الفنا فجا بنا حل لکل منزه
و انظر بحل طلیسم کثر و صالنا من حل ذی الطلسم فاز یکثره
بوندن اقدام زور بازوی تیمور ایله طرف ما و راء النهر نقل اولنان
خلاق بلاد آفاق بالاتفاق متشتت و هر غریب آرزو ساز وطن و هر
غربت زده هوادار مسکن اولوب بعضیسی مازونا و بعضیسی حتما و بعضیسی محفیا
دامن کیر راه دخواه اولدیلا ابتدا اهل شامدن شهاب الدین احمد
الشهید الوزیر اجازت ایله رحلت ایدوب بعد عزیزی عربستان عجمی
عجمستان عراقی عراقه بریشان اولدیلا وینه بوایامه خطه سمرقنده
قطر و غلای سعاد واقع اولوب درهم و دینار دن انزان برنسنه
قالمدی بعد ذلك بلطف الله تعالی رفع شدت و محصولات و فرت بولوب
فرار ایدن فقر تحصیل امن ایله مسکن لرینه رجعت جیش غصه و الم مدبر
و جل عیش و عشرت مقبل اولوب عامه عالم نواز شیدارشکان نعمت

محمول
بعضی فلکی غیرت پادشاهانه و حمیت ملوکانه ایدوب عسکر خراسان در مقدار
مردان کارگذار انتخاب و خدمت مذکور به مقدمه دمشق محصور
اولان جها نشاهک برادری مزداب نام امیرین مأمور ایدوب اقصای
خراسان در ترمذ چغان ایله ممالک خراسان بینند واقع حصن الهند نام
قلعه بناسن فرمان ایتدی مزبور دخی قلم خراسان در مهند سازد قیقه
شناس و معماران راست قیاس استحباب و محتل مذکور و ایدوب
بنا و عمارت بدلا قدر ایتدی بومابیند امیر مزداب ایله الله داراجا
احکام دوستی و رعایت قوانین آشتی ایدوب ارسال رسل و رسایل و تقدیم
هدایا ایله متصافی و متواصل اولدی
فصل اقلیم ایران حدوث ایدوب
بعضی فن بیانند در سابقا بغداد دارالسلام سکرن سلطنت
اولان سلطان احمدک توفیق ربانی دستگیر و رفیق اولوب قوه یوسف
ترکمانی مرافقیله عراق رجعت و زانو زن سریر سلطنت اولوب قوه یوسف
قصد دما رجعتای بی امان و استخلاص بلاد در بجان ایله عزیمت ایدوب
نصر من الله پیرایه اعلام اقبالی و فتح قریب طراز الویه اجلائی و لغین
امیرانشاهی استیصال و طوایف جغتای افنا برله ادبچاندر مسند
نشین استقلال ولدی احسن الاجم یعنی اقلیم عراق عجم پر عمر پادشاه
مستقل ایکن اقربا سندن اسکندر زهمام بدرای خروج و ذروه دعوی
عروج ایدوب مقاتله و مقابله ایله پر عمری کوفتار فترات بلاد عراق
عجم استیلا ایتد وکی صاحب هیرات شاه رخه متحدیش سامعرا تمکین
بجای غیرت کفانداز اضطراب و آتش غضبی شراره ریز التهاب اولوب قصد
اسکندر ایله رفع لوای جلال و اقلیم عراق عجمی فرسوده سنابل الخیل
ابطال دجال ایدوب اسکندر مرقومی شواهین انتقامه شکار و طعمه کرکس
دمار و اولاد و اتباع بریشان وادی دبارا بتمکله اول اقلیم دخی بلا

تو جهن نصیرج و تحریص ایتمکین در حال خداداد جیش و جماعتیله نهضت
 و دبت دبیب مورد و ما را نرا ایدوب و رایتانام موضیعه وصولی سلطان
 خلیلک مسموعی اولجہ و قاحتندن متعجب و شر و شورندن متعوزا و لوق
 الله داد و ارغون شاهی عساکر جرار و مردان میدان گیر و دار ایلہ مقابلہ
 و رد کیدینہ اسراع ایتد ردی مزبوران و اربوب مقابلہ خدادادہ نزول و بلا
 مجادلہ ترک مطلوب و مسؤل ایدوب سلطان خلیلہ مکبوب دروغ
 مصحوب ارسال و خدادادک و فریت و کثرت عساکر و صدای هیبت
 و شوکت و واد اولان عسکرون عدم مبالا تن اشارت ایلہ استعدادین
 اعداد و طلب امداد ایتد یلر سلطان خلیل قصور جیوش و تتمہ جنودی
 تہیز و ارسال ایتد کدہ آنکله دخی مکنتی اولیوب تکرار نامہ خیانت خام
 ارسال و خدادادک عتو فساد و عدوان قوم نمود و عادا و ذرہ اولدوغن
 تحریر و بالنفس کند بکو کلد کجہ بوبلای منزل مرفوع و بود اھیہ دہیا مدفع
 اولمزیر اجناب شہر یارینک ہیبتی زیادہ و قوہ بخت و طالعی مقام علادہ و
 لوای دولتری نصر و ظفر ایلہ کشادہ در دیو سلطان خلیل اعزا و بونوعہ
 خروجنہ دام بلا ایتد یلر بیت چون شود دشمن ملایم احتیاط
 از دست مدہ مکرها در پردہ دار و آب زیرکاه را مدلولندن سلطان
 خلیل مغفول اولوب قلب مطمئن و خاطر مستکین و امل فیض و نیت صحیح ایلہ
 فکر فدای سالب و عز و احتشاحی جالب فتنہ قلیلہ و شر ذمہ نبیلہ قرب جلال
 و دتو جمال ایلہ لسان حالی عربیہ **بہ دلا لا فانت اهل لیدکا و تحکم**
فالحسن قد اعطا کا نادرہ سیلہ مترنم اولارق سکزیوزاون ایکتی نارینخند
 طرف عسکرہ دلیرانہ روانہ اولدی **فصل خدادادک سلطان خلیلہ اولان**
کید بیاتند در خداداد جیلہ معناد سلطان خلیلک آہستہ رفتار
 ایلہ نک و تنہا سمرقنددن نہضت و طرف عسکرہ عزیمتن استماع ایدجہ

محمول
 یعنی محبت و صفا
 و فتنہ طلب ایلہ
 و کثرت عساکر
 و صدای هیبت
 و شوکت و واد اولان
 عسکرون عدم مبالا
 تن اشارت ایلہ
 استعدادین اعداد
 و طلب امداد ایتد
 یلر سلطان خلیل
 قصور جیوش و تتمہ
 جنودی تہیز و
 ارسال ایتد کدہ
 آنکله دخی مکنتی
 اولیوب تکرار نامہ
 خیانت خام ارسال
 و خدادادک عتو
 فساد و عدوان قوم
 نمود و عادا و ذرہ
 اولدوغن تحریر و
 بالنفس کند بکو
 کلد کجہ بوبلای
 منزل مرفوع و بود
 اھیہ دہیا مدفع
 اولمزیر اجناب
 شہر یارینک ہیبتی
 زیادہ و قوہ بخت
 و طالعی مقام
 علادہ و لوای
 دولتری نصر و
 ظفر ایلہ کشادہ
 در دیو سلطان
 خلیل اعزا و بونوعہ
 خروجنہ دام بلا
 ایتد یلر بیت
 چون شود دشمن
 ملایم احتیاط
 از دست مدہ
 مکرها در پردہ
 دار و آب زیرکاه
 را مدلولندن
 سلطان خلیل
 مغفول اولوب
 قلب مطمئن و
 خاطر مستکین و
 امل فیض و نیت
 صحیح ایلہ فکر
 فدای سالب و عز
 و احتشاحی جالب
 فتنہ قلیلہ و
 شر ذمہ نبیلہ
 قرب جلال و دتو
 جمال ایلہ لسان
 حالی عربیہ بہ
 دلا لا فانت اهل
 لیدکا و تحکم
 فالحسن قد اعطا
 کا نادرہ سیلہ
 مترنم اولارق
 سکزیوزاون ایکتی
 نارینخند طرف
 عسکرہ دلیرانہ
 روانہ اولدی
 فصل خدادادک
 سلطان خلیلہ
 اولان کیدی
 بیاتند در
 خداداد جیلہ
 معناد سلطان
 خلیلک آہستہ
 رفتار ایلہ نک
 و تنہا سمرقنددن
 نہضت و طرف
 عسکرہ عزیمتن
 استماع ایدجہ

الله داد ایلہ

الله داد ایلہ اولان عساکری اشغال همچون فی الجملہ نصب کارکاه ناورد
 ایدوب احوال و احوال مقولہ سن عسکرہ مقابل و کزید لشکرین قفا سندن
 تعبیه ایتد کد نصکرہ ابطال قتال و غولہ جالدن بر مقدار فتنہ جاسرہ
 و مردان غیر خایفہ انتخاب و استصحاب ایدوب ملتخف ذیل لیل و راکب ظہو
 خیل طریق معوجہ دن فواد و جادہ رخشان مطلوب اولوب عربیہ
لا تلق الا یلیل من تو اصلہ قال تشمس ثمامہ و اللیل قوادا جخ
 بلکہ علی جناح الاستبحال سلطانیہ قصبہ سنہ قریب منزله سلطان
 خلیل فجاء باصوب اخذ و قبضہ اقدام ایدجہ طرفیندن آتش جنگ
 و ستیز ملتہب و دریای حرب و ضرب مضطرب اولوب سلطان خلیل
 ایقان حلول بلا ایلہ ہرچند مقاتلہ قتال موت ایتدی ایسہ قلت اجنا
 و کثرت خصما ایلہ چارہ کر اولوب لشکر خلیلہ عسکر خداداد میانند
 مانند کوسفند موقوہ و متر ذیہ اولمغلہ حقیر و جیلتری مقتول و صدیق
 و خلیلتری محبوس اولوب تسلیم امر اتملریلہ خداداد ظفر برلہ عسکر کاہنہ
 رجوع ایتدی **فصل خداداد و سلطان خلیل ایلہ اولان عہدی**
بیاتند در خداداد سلطان خلیلہ ارسال رسول ایدوب فیما بعد
 قصد بد ایلہ طرف اذاسندہ اولیوب و عین معیشتنہ القای قذا
 ایتیوب قول و عمل ایلہ جفا سندن و ظاہر و باطن خلافتہ و مکر
 و جیلہ طرفندہ اولما مغہ ایمان صادقہ و عہود و ائفہ ایتد کد نصکرہ
 الله داد و معا اولان اجناد کند ویرہ تسلیم زمام انقیاد اتملری
 با بندہ سلطان خلیل طرفندن فرمانہ طالب اولدوغندن غیری
 اطراف بلادہ اطارہ اجنہ مراسلات ایدوب سلطان خلیلہ غالب
 و سرپرست و ریہر جالب اولدوغن املا و ہرکیم اطاعت ایدرسہ رہا
 و معاندلر پازدہ ستور فنا و لاجفن انہا ایتدی سلطان خلیل دخی

محمول
 یعنی محبت و صفا
 و فتنہ طلب ایلہ
 و کثرت عساکر
 و صدای هیبت
 و شوکت و واد اولان
 عسکرون عدم مبالا
 تن اشارت ایلہ
 استعدادین اعداد
 و طلب امداد ایتد
 یلر سلطان خلیل
 قصور جیوش و تتمہ
 جنودی تہیز و
 ارسال ایتد کدہ
 آنکله دخی مکنتی
 اولیوب تکرار نامہ
 خیانت خام ارسال
 و خدادادک عتو
 فساد و عدوان قوم
 نمود و عادا و ذرہ
 اولدوغن تحریر و
 بالنفس کند بکو
 کلد کجہ بوبلای
 منزل مرفوع و بود
 اھیہ دہیا مدفع
 اولمزیر اجناب
 شہر یارینک ہیبتی
 زیادہ و قوہ بخت
 و طالعی مقام
 علادہ و لوای
 دولتری نصر و
 ظفر ایلہ کشادہ
 در دیو سلطان
 خلیل اعزا و بونوعہ
 خروجنہ دام بلا
 ایتد یلر بیت
 چون شود دشمن
 ملایم احتیاط
 از دست مدہ
 مکرها در پردہ
 دار و آب زیرکاه
 را مدلولندن
 سلطان خلیل
 مغفول اولوب
 قلب مطمئن و
 خاطر مستکین و
 امل فیض و نیت
 صحیح ایلہ فکر
 فدای سالب و عز
 و احتشاحی جالب
 فتنہ قلیلہ و
 شر ذمہ نبیلہ
 قرب جلال و دتو
 جمال ایلہ لسان
 حالی عربیہ بہ
 دلا لا فانت اهل
 لیدکا و تحکم
 فالحسن قد اعطا
 کا نادرہ سیلہ
 مترنم اولارق
 سکزیوزاون ایکتی
 نارینخند طرف
 عسکرہ دلیرانہ
 روانہ اولدی
 فصل خدادادک
 سلطان خلیلہ
 اولان کیدی
 بیاتند در
 خداداد جیلہ
 معناد سلطان
 خلیلک آہستہ
 رفتار ایلہ نک
 و تنہا سمرقنددن
 نہضت و طرف
 عسکرہ عزیمتن
 استماع ایدجہ

بو طریق او ذره باد رکل و ذورق املی بو کرداب بلادن خلاص صعب
 و مشکل اولدوغن مقنن و ممان توهم ایتدوکی مکان کین دشمن
 اولدوغن معین ایتدوکی جنگ وجدالدن رفع دست هر نه و جبر او
 حرکت ایدر سرب فایده و غدر دوران و مخالفان بنای زمانی تحقق
 ایتدوکی عربیه جز الله عنا الخیر من لیس بیننا ولا بینة و ذولا
 نتعادف فاسامنا خسفا ولا شقنا اذی من الناس الا
 من نود و نالیف ناچار الله داد و رؤس اجناده نامه تحریر و خدا داده
 منقاد و مللین تاکید ایتدوکی اندوخی زیر دست اولملرله خدا داد جلایه
 مستولی و امر سلطنته متولی اولوب غوایل دهر دن رماح رشقیه به
 مستند و بویاق عصر دن سیوف مهندیه متوسل اولوب جنود بخند و اسود
 ترکستان و فوود او رخنه مقام خدمتده قیام کوسروردیلر اما بونلری
 اول طرفه ابقا و سایر عساکر ایلد سمرقند طرفه اماله کلام عزیمت ایدو
 الله داده عدم التفات و بیگانہ حرکات کوسرور مکله اولدوخی بومعامله
 صفقه سی مغبون و خاسر و بوبازارده تصبیع سرماییه ایلد مفلس مدبر
 اولدوغن ظاهر مشاهد ایدمجه ندامت ایلد سخت قمار خسارت و سینه
 کوبان ملالت اولوب عز و جاهی منسلب و فلک املی منقلب اولمفلد لعبت
 دهرک عدم و فاسیلله پیرایه دست املی اولان درهم و دینار و زینبده
 قبا و دوش اعتباری اولان عز و وقار مختطف مخالب ایدار اولدی
فصل خدا داد سمرقند قدامنده ظهور ایدن فساد بیاندرد
 خدا دادک معارج استدراجی عالی و بلاد و عبادیه فیرا مستولی اولمفلد
 سمرقند متوجه و بلا منازع سمرقند وصول و من غیر مدافع دخول
 ایتدوکی محور قور و تغییر رسوم و تبدیل حال ملل و مغل ایدوب رؤس
 اشها رده الله داد نام ولدینه تعیین سلطنت ایتدوکی نصکوه تفتیش

محصل اینست
 یعنی بزمکه تبارق و نیت
 اولیان کسندون الله راضی
 اولسون زیر جفای دوست
 کسندون و مودت ایتدوکنند

ط
او دکنج

خراین

خراین و بحث خبا یا و دفاین و مکامن ایلد معادن فایز و جواهر و نقره
 و طلایه حایز اولوب عربیه اتمنا الخیر فانیها الخیر منیم و آری ینسأ
 الحی غیر نینسأها مدلولیغه تغییر اوضاع و تبدیل طباع ایلد دولت زاهره
 خلیله کان کوریکن اولدی فصل بو واقعه فاقعه نک خبری شاه رخ ابن
 بنوره و صولی بیاندرد در بو خبر وحشت از شاه رخه باعث سوز جکوا و کون
 غیم غضب ایلد مغرور و حرارت غیظ ایلد محروم متغیر متفکر متغیر محسّر
 عربیه لقد هزلت حتی بدایت هنرا لها کلاها و حتی سامها کل
 مفلس نادره سیله متاوه متشوه اولوب اطراف و کثافه رسل و رسایل
 بریشان و امر و زما و وزرائک بوا مرهمه استعجال لیرین سرزده نون
 املا ایتدوکی نصکوه شاه ملک اتصال سیر و تسلی بقده سبق عنان طیر
 ایدوب نظام ملکده ظهور ایدن اختلاک چاره سن تدارک و ممان
 و مسکن ملک و ملت و درویدن درنده و چرنده نک دفع دفعه منهایک
 اولاسن تنبیه ایتدوکی اولدوخی فی الحال مددده ماتند جبال عددده
 کالرمال عساکر ایلد سمرقند طرفه اماله کلام اجلال ایتدوکی شاه رخ
 دخی عساکر جرار و جنود انجم شمار ایلد تعاقب ایدوب شاطی حیون
 ملتقای بحرین عسکرین اولدوکی مثال غمام عام بر و بحر سایه انداز
 ظلام اولوب نهر مذکوری برق خاطف کیمرور و عبور ایتدوکی کلری
 خبری خدا داده رهبت افزای و زود اولدوکی ذباب و کلابیله ذیاب
 نیز انیاب شاه رخه عدم مقاومتن مقرراتمکین و محلی ایلد اکثر
 توابعی شاه رخ طرفه میل ایدوکی کلرین دخی محقق بلکین تخیر مآربه
 مسارعت و تجهیز مطابینه مبارزت ایدوب مکان طاقت و حوصله
 پذیر قدرتی اولور عربیه نقل انقال و تحمیل اموال ایدوب سلطان
 خلیل ایلد قلعه اندکان طرفه عزیمت و الله داد وارغون شاه

محصل اینست
 یعنی خبر قدیمی و سنل خبر سید
 اتمنا کور ویم منک خاتون لوی
 غیر بوی کویا تبدیل و نشاند

محصل اینست
 قابل بیت ناکه و یا قص اغنک بدجان
 وصف ایدوب دیکه اولقد زبون اولدیکه
 بوبره کی کورینوب هر مفلس با و بوب مشغری
 اولدی دولت تیور و بیلک سمرقند خدا داد
 کبی غفر منتقل اولدوغنه تشبیه اولنشدرد

و با بایر مثنی سمرقنده بند قلعه ایدوب و براه هریت اولدی خداداد
 بیداد سمرقندن شارد و شاه رخ طرفندن دخی ضبط امور ایدر کس
 وارد اولما مغله الله داد وارغون شاه شاه رخ طرفند رجوع و خا استقامت
 وضع جبهه خضوع اینکه تحریک پای خاهش ایتد کلرند خواجه عبدالاول
 سدر اهلری اولوب و محافظه لرینه دید با نلر تعین و بویا بد اکابر بلدا ایل
 مستعین اولوب قید و بند لرین تاکید ایتدی بوندن اقدام الله داد
 خواجه عبدالاوله فعلاً و قولاً بعض وضع ناپسندیده سی اولوب
 ما بیند شکر ایلری اولغله من یزرع الشوک لایحصد عیناً مدلولجه
 شجره فعلتک بوجرا و زر عمره سن اجتنا ایتدی اول تيام خالیده خواجه
 عبدالاول تمهید ولایت و سیاست رعیت ایدوب شاه رخ قدومند
 الله داد و رفقا سنک قبض و ضبط لرند سعی بلیغ ایتدی **فصل شاه**
رخک سمرقنده و صولیا نده در شاه رخ بخت سعید و رای سدید
 ایلر عزیمت ایدوب آفتاب طلعت بهتیه لری سواد سمرقنده پرتواند از اجلال
 اولد قده اهل بلد استبشا ایلر استقبالیه مبارک دت و رؤیه روی
 و رخسار لرینه تنویر ابصار قلوب مسارعت ایدوب ملاقات ایلر انواع سرو
 حایر و دست بوس بر لہ اصناف امن و امانه فایز اولد قلرند هر برین
 ترحیب و تجلیل و مقام استحقاقند اقعاد و تنزیل ایتدرد کد نصکوه زیارت
 پد ره کوشش و رعایت مراسم زیارت و تقدیم قواعد دعا و ضراعت اینکله
 شرایط عزای تجدید و رواتب خدای مجددا تعین و تحدید ایدوب اما پیرایه
 قنوق و بلایان امتعه و اقمشه و قنادیل طلا و نقره و سایر تجمل و اسلحه
 خزینہ سنه نقل ایتدی بعد ذلک الله داد وارغون شاه میدان سیاست
 تقدیم و دست جلادان بی امانه تسلیم اولوب انواع شکنجه و عذاب ایلر
 ابتدا استخلاص مال چون سیاست لرند مبالغه اولوب بالآخره کشته

محمصام انتقام
 در شاه رخ بخت سعید و رای سدید

محمصام انتقام

محمصام انتقام و همراه قافله انعدام اولدی بایر ترمش و خمر قنار عذاب
 شدید و موثوق و ثاق حدید اولوب عفاریت جغتای لند مہان ایکن
 بعض ایتامد دست موکلرند قضای حاجت چون خلایه کیدر کن طریق بر
 حوض عربض و عیمقه واقع اولغین بر نو علمه ایدای زبانیته دن کندوسن
 استخلاص و حوضه پرتاب ایلر عذاب دنیا دن خلاص اولدی پس از ان
 شاد ملک احضار و انواع اهانته از ایلر عذاب کرفتار و شناعت فاضحه
 و عقوبت موجهه ایلر بقذیب و هتک حرمت حرم محترم اولوب نازا بلش
 ما هتایه استغنا و مخدۀ آفتابه نازایدن نازیندن کمال بتذال ایلر استخلاص
 مال ایتد کلرند صکوه شهره شهر ایتدی لر بعد ذلک شاه مشارالیه ترتیب
 مراتب قادیب و اباعد و تمهید رسومات و قواعد ایدوب بو اختلال
 موجب الملال ایلر پنجه لره ارتفاع صد و رو پنجه لره انقصام ظهور واقع اولو
 پنجه اکابر ذلیل و پنجه اراذل جلیل اولدی فسیحان الله من ملک لایزول
 و لایزال **فصل خدادادک سلطان خلیلہ اظهار خلوصی بیانند در**
 خداداد سلطان خلیل ایلر اندکانه دخول و اول ماکن صعبه عروقه حلول
 ایتد کلرند خداداد سلطان خلیل ایلر تجدید عهد و بعد ایوم شرک مکر
 و حیلہ ما بیند ملفوفه و ر وابط صدق و خلوص طویه سالوفه و ملق اوز
 تحقیق موافق ثابت و تاکید شروط راسخه ایدوب الله داد وارغون شاه
 نفاق و خیانت لرین سر رشته حکایه ایدوب اولقدر انعام و احسان نصکوه
 کافر نعمت و مستحق نفقت اولوب حقوق پادشاهی بی فراموش و نایل
 اولد قلری عز و وقاره مجازات ستما را ایتد کلرین یکان یکان ایراد ایلر کند
 خلوص اثبات ایتد کد نصکوه شهریار بعد ایوم منظور اولور خلوص نیت
 و صفای سینه ایلر نه منوال و زر معامله ایدرم عنقریب کد و راتر ذاهب
 و عیش اولر جالب محو جفا و نیت وفا ایدوب بقیه عمر مستعداری سنگله

متصافی کچور و با و لکی غزنی ان شاء الله رد و تحصیل نشا طکه جهادیدم
دیونسلیم بخشای خاطر سلطان خلیل ولد قد نصکوه تحقیق عهد ایچون
اندکانه سلطان خلیل نامنه قرائت خطبه و ضرب سکه ایندردی
فصل خدادادک سلطان خلیل ایلد اولان عهدی و دار آخره انتقائی
بیانده در خداداد سلطان خلیل ایلد عقد عهد و پیمان و بند عرو
الوثقای ایمان ایندکد نصکوه طلب امداد ایلد طوایف مغول طرفه امانه
لکام عزیمت ایندی بوندن اقدام مفضل استوید و ترقیم اولند و غی و زو
یتورک طوایف مذکور طرفه عزیمتی شهرت یافته آفاق اولدقه فر بود
عدم قدرت مقابله برله سلب قرار و تخلیه بلاد ایدوب الجای حصون
و تشبث اذیال جبال و کف مصون انتمشلا ایکن تیمورک موتی خبری بشارت
رسان کوش هوشلری ولفین شاد باش ایلد تنادی و کبر و مسکن و مأوا
ندانی برله اکثر قلاع و بقاع لرین استرداد ایدوب حتی خداداد ایلد مجاور
مکان ایتمشلرایدی ببناء علیه طائفه مذکور دن استمداد امید یلده
داد و ایدوب عرض نیاز و بوباید کند وسیله متفق الکله و متحد الهه
و الشکیمه اولم لرین استدعا ایندکده طائفه مذکور سلطان خلیل نام
و قاصدا صدور و تطیب خاطرینه مشتمل کلمات خوش آینده و نکات پسندیده
تحریر ایندکلرندن غیر هدایای سنیه و تحفه فاخره بهتیه از جمله قالب
عجیبه مسبک و ترکیب غریبه مصنوع منقش و مرصع برکری طلا
کوندوب عرض عبودیت ایتملریله سلطان خلیل دخی قاصد لرین تحویل
و تکریم ایدوب حسن حرکت ایلد مقابله و ملوکانه ادا ایلد معامله برله
بیشکشلرینک برینه اون مجازات ایلد عودت ایتدردی **عربیه**
الحیراتی و ان طاک الزمان بر **والشر اقم ما اوعیت من زاد**
طایفه مذکور ایلد علی الدوام خلع مودت منسوجه و مقدمات

موصول است
یعنی ابولک و خلیفه ابولک
زمان کچور و خلیفه ابولک
بولور و شریک فیجدر نقد مال دخی
مالک اولورسلک

مخایب منجه اولم لرین تکرار خدادادی مأخوذ و مقبوض ایدوب سلطان
خلیل صورت حالی افاده و عرض خلوصی اعاده ایدوب خدادادک افغان
و تبدل حال و خروج ملک و ماله سبب ولد و غن تقریر ایندکد نصکوه
حقنه فرما نکرند راستیصالن یا خود ابقاسن فرمان بیوردر سزا کا
کوره عمل اولنه دیو اشارت ایتملریله سلطان خلیل دخی نامه اصدار
و مفهومند مزبورک عدم مبالا تن و بکا اولان اهانن و غرتبه خبا^{ثتن}
بیور سز بنی ملکدن اخراج و عرض بادشاهانه می تحریق ایدوب خانه
و خاندانندن تفریق و انواع جفا ایلد تحذیل و اصناف عقوبت ایلد تذلیل
ایتدی شمدی ایشه حوادث زمان ایچون بنی سپر ایدوب هدف یترقضا
اتمتک استرو علی کل حال العادف لایتعرف ایمدی هر نه که صلاح حال
و مناسب احوال و لایق ملک و ملت و شایسته مصلحتدر وجوده کتوره
دیو تحریر ایتکله فی الحال خدادادی استیصال و سر مقطوعن درگاه
سلطان خلیله ابصال ایتدی **فصل سلطان خلیل سمرقند**
عودتی بیانده در سلطان خلیل بلده اندکان و حدود ترکستانده
اولدقچه اشعار کبریه خیز و انشاء قصاید غصه آمیز ایدوب بی در پی سمرقند
ارسال و حالات غربت و لیالی سود کربتی ذکر و ایراد و دیارده یار ایلد مرور
ایدن آیامی مضامین خوش ادا و عبارت حزن افزا ایلد یاد ایدوب عیون
اخوانی جیحون و قلوب اجنای پر خون ایدردی بر قایح ایام اول طرفه نعو
ایلد مزاج عیشلری مختل و طبیعتن ملل حاصل اتمکله تشمیر ذیل و ضم دل
و خیل ایدوب قصد عم اجمد یعنی طرف شاه رخه تحریک تازیانه عزیمت
ایتدی چین وصول و اثنای ملاقات ده شاه رخ منزل سن تکریم و رعایت
مراسم تعظیم ایلد جواری و خدم و شاد ملک و سایر حرمن تسلیم ایدوب
رعایت خاطر یله تقید ایتدی بعد ذلک شاه رخ بلده سمرقندک قواعد

وقوانين تمهيد واركان ديوانيه ورسومات وتشديد ملكيه ايدوب
وما يحتاج عساكر وجنودى تقديم برله مقابليد حكومتى فرزند فروزند
اخترى الوغ بكت يد مؤيد نه تسليم وسلطان خليلي استصحاب ايله
خراسان طرفه دفع لوى اجلال ومقر سلطنتلرنيه اتصال بولدى بعد
ذلك جمالك رى حكومتى سلطان خليله توجيه ايله اولطرفه تهمير ايتدى
لكن على ما نقل كويانيه شاه رخت تدسيسله مسموما بلده ريزه منتقل
محلّه خاموشان ومنظر رحمت رحمان اولدى شاد ملك دخی خلدنك
فراقيله دفع ناله واثاره تاثره نوحه ايدوب بيت

نه كل اوليدى نه بلبل نه ابتلا مز اوليدى نه آشنا لى ايديدك نه آشنا مز اوليدى
ناده سيله سينه جاك آغشته خاك اولوب **عربيه**
كنت الشواد ليقلتي فبكت عليك توطين من شاء بعدك فليمت فليتك كنت احاذ
مرتبه سيله فريادكان مسلوب العقل اولوب دفع عذاب فراق وتبريد تما
احترق آرزو سيله تقليد عاشق صادق ودعوا سنده محق اولدوغنك
اشباقي ايجون برخجر سر تير راس فوادينه وضع واو زرينه دوشوب شهيد
عشق اولفله زمره عشاقه واصل وقصه لوي حكاية خسرو شيرينه مماثل اولوب
لسان حالى دخی **عربيه** **اجا دانا انا غريبان همينسا**
وكل غريب للغريب نسيب لامعه سيله حزن اورزند و مرده
اولدى بعد ذلك جمالك ما وراء النهر وخراسان وخورزم وجرجان
وعراق عجم وما زندان وقندهار وكرمان وجميع حدود عجم ادر بجان
حدودينه وارجنه شاه رخه مستم اولوب مصنف مرحوم بوتارنجد يعنى
سنه اربعين وثمانمائه تيمور واولادينك دفاتر ماثر لوى نور ديد و سبر
منزله تمامه رسيد ايتشدر نسل الله حسن العاقبه والمن بالعافيه
فصل تيمورك شكل وهيئتي بيانده در طويل النجاد رفيع العاد بقيه

مقصود بيت
يعنى مرد ملك ديدم ايدوب
اور كيه اغلدى سندان صكره
استرس اولسون انجى سنك اوز كيه
خوف ايدوب دم

مقصود بيت
يعنى نيم قى شوق نيم نيم نيم
عشق نيم نيم نيم نيم نيم
نيم نيم نيم نيم نيم نيم

طويل النجاد
يعنى طويل القامة

عالمه صاحب قامت شاهقه عظيم الجبهه كبير راس سند يد القوه
والباس عجيب الكون ابيض اللون حمويه مشرب هيبتة مجلب عريض
الاكتاف فخيم الاطراف غليظ الاصابع قوي الاكارع مستكمل البنيه مسترسل
الحية اشل اليمين براق العين جهمير الصوت ناهراس موت سن ثمانينه واصل
مع ذلك مصارع اماثل متماسك الاعضا مانند حجر صما دشمن مزاج
وكذب مستعمل هو ولعب صدق محب كذب مجتنب اولوب ماضى به مستغنى
مستقبله مستوف اولمز ايدى نقش خاتمي راسى رستى يعنى صاد وايسك
بجات بولورسن ونقش سكه وتمغاي دواي **و** بوصورنده اوج حلقه
مدقونه اولوب مجلس صحبت ونادى عشرتند كلام هذله وبذله وفخشا
ومسخرات وسفك وهتك ونهب وغارت وكسر حرمت وذكر حرم وناحرم
ايتدر ميوب مقدم وشجاع مهيب ومطاع ابطال رجاله مفتاح اقبال
اموال واسود حربه آلت هدم قلل وجبال ايدى مالكا فكار مصيبه صاحب
فراست عجيبه مظهر سعد فايق مصدر طالع موافق صدق له ناطق امر
ونهيند صادق **عربيه** **فكم قد حث اراؤه زندقه حته لدى**
البا ساء واودش قبايلا حجاج ولجلاج لمحبه عارف رمنه كاشف تلبيس ملينس
وتدليس مدلسه مشرف سليم العقل والنها محق ومبطله دانا اولوب
اجراى امر ونهينه مضر ورجوع امر دن مفرايدى وحركات وسكانتند
دكاكت رايه غرمت ايتيوب **عربيه** **اذا قال قولا او اشار اشارة**
ترى امره في ذاك كالتص قاطعا السنه منشيان ذاكه وزبان خطباى
صافعه باسط بساط الدوله والرفعه صاحب قران اقاليم السبعه فهرمان
الماء والطين فايد الملوك والسلطين ايله تلقيب اولور ايدى **فصل**
ثقاتدن روايتد كه قاضى القضاة مصر قاهره ولي الدين ابن خلدون
المالكي موزع تاريخ عجيب وايراد كرده طرز غريب اولوب وقعه شامد

مقصود بيت
يعنى نمورك رايدى جفوى نيم فتنه چاقدى
اينا اول فتنه ضرر وقتند كندوبى جانب
ايدوب قبايلى ايدى

مقصود بيت
يعنى قول ديدن باين اشارت ايتدك
نص فاطم عبي كور ورسن امينى

عالمه صاحب

بودند قدم مجمل منظور رشته ارقام اولدوغی اوزره عسکر مصر
 بینک الملک الظاهر ایلد مقابله و مقاتله تیموره و روده محالین
 و انیاب چغتایه دوچار اولوب مصافحه تیموره حسن التفات ایلد مسامحه
 اولغین کسب النسیت و فرصت یاب مجالست و مصاحبت اولدوق
 تیموره توجیه خطاب یا مولانا الامیر مفتاح فتوح عالم اولان ید حاتم
 کرمکرمی احسان بیورد که تبیلی ایلد مباهات اقوان ایدیم دیو خراج کیر
 ایدوب اول تقریب ایلد تحسین کرده تیمورا ولسیدی عز بودشامدن هنگام
 قفوله یومما ما تیموره هم صحبت و تواریخ ملوک و اخبار سلفدن بر
 مقدار ایراد ایلد بسط بساط انبساط ایدوب تیمور مستجمع اخبار ملوک
 اول و حایز آثار ملل و نخل و لغین قاضینک کلامن تصدیق و استحضار
 و حفظی تحقیق و دانش استغراب ایدوب استصحاب مراد و معانی همراه
 اولملرین تکلیف اتمکله قاضی یا مولانا الامیر مصر خراب و ضیاع و بقاء
 سراب و لسنکه جنا بکردن غیری متولسی و حماسنک سزدن ماعداد
 حارسی وله سنک قریب بکا طریف و تلید و اهل و ولید و اصحاب و احباب
 و وطن و اخدان و اقارب و خلائ و ملوک ناس و هرظهر و داسدن
 بلکه عالم و بنی آدم دن اولی و انفعدر انجق متاشف و مشرف اولورمه
 عمر ماضی و عصر منقضی اولوب دیدن علیم بو قدر زماندن برو
 نور طلعت و غبار خد متکثره مکمل اولدی چاره ندر حکم قضا و قدر
 نصیبم بو قدر در مقدر لکن بعد ایور قضای مافات و احیای مامات
 و مجتکله ممتاز و خدمتکله تحصیل امتیاز ایدوب **عربی**
جَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا ذَا السَّعْيِ خَيْرًا وَلَكِنْ جَنَّتْ فِي الزَّمَنِ الْآخِرِي
 استیناف عمر ثانی و تجدید یوم ماضی ایدوب بقیه نقدیه عمری
 درکا هکده مصروف ایتکله دامن همتکه تشبثی امر معروف بیلوب من بعد سایه

مصحح
 یعنی الله تعالی بوسیله
 اسرار خیر و برکت
 که زمان آخده کلام

عنایتکله اولان اوقاتی اعترافات و اعلای مقامات عذابدم انجق
 حال دیگر کون و جگر می پر خون ایدن بود که افنای عمر عزیز و صرف جواهر
 علوم طویل و عریض و سهر لیل و شغل نههار ایلد جمع و تحریر و جلب و
 و تسطیر و تالیف و تصنیف ایتد و کمر کتب خصوصاً زاده ابکار و افکار
 و نتیجه اتمات آنارم اولان تاریخ دنیا که بدی جهاندن مبتدی و سیر
 ملوک شرق و غرب و آناراسا طین عجم و عرب تفصیل اولوب ایلد یومنا
 هذا منتهی و لمشدر تالیف مذکورده جناب امارت ما بلرین واسطه
 عقود و خلاصه نقود و سایه سعادت کزی خلعت مباهات سلاطین دهر
 و مهجه علم سلطنت کزی هلال جبین ملوک عصر اتمشدر اول مصنف عجیب
 حالا قاهرده مقهور و غریب قالدی تحصیل ممکن اولیدی رکاب امیردن
 مفارقت و غیر یله مرافقت عذیم الاحتمال ایدی لله الحمد الحاله هذه قیمت
 و خدمت و حرمت بیلور ولی نعمته واصل اولدم بو مقوله کلمات صادقه
 و عبارات خادعه ایلد فراست و دغل تیموره غالب و شعور و بصیرت سالب
 اولوب تیمور انواع تواریخ مالک و استفسار و استخبار سلف و خلف
 مسککنه سالک اولوب ولباید صاحب معارف و جامع عوارف ایکن بنه
 تاریخ مذکور مشغول و مشغول اولوب تکرار قاضی فی استنطاق و وصف
 بلاد عرب و ملوک و موب و ضیاع و بقاء و مساکن و اوضاع و مسالک
 و دروب و قبایل و شعوب لرینک و بلدی و دشت لرینک احوال و سرگذشت لرین
 امتحاناً استخبار ایتد که قاضی کما هو طرف لساندن کالمعاینه تغییر دلبذیر
 ایلد تیمورک معلومنه مطابق نقل و تفصیل ایتمکدن تیمور قاضی فی تکریم و
 تجلیل ایدوب بنم و بخت نصرک اطنا ب نسبی مرابط انساب ملوکدن بر
 مربوط مربوط دکل ایکن و نر نسب و حسبدن و نر یعسوب بخلدن اولدوغی
 بلز ایکن نر منوال اوزره ادای مدعا ایتدک دید که قاضی حاضر جواب افعال

بدیعه و حرکات عجیبه کردن استنباط ایلله سزى جمله یه تفوق ایتدم
 دیورده جواب اتمکین تیمور بو خوش آمدیدن دخی مسرورا ولوب جماعتنه
 قاضی امامدر کند ویر اقتدا ایدک دیوتنبیه ایتدی بعد تیمور فتح کلار
 وبسط مرام ایدوب کند و وقوف و علن اعلامو چون قاضینک بلد و قوا
 وقصبا تشدن واقع اولان حالات سلف و خلف و تبدیل دول عرب
 و مالک اولد قلری ساز و سلب و اخبار خلایق و مسلك و طریق حتی
 قاضینک اهل و عیال و اطفال و علایقن کالمشاهده نقل و تقریر ایتکین
 قاضی مبهوت و متفکر و غریق بخت و خیر اولدی پس ازان قاضی قاهره یر حجت
 و کتب و اولاد و اهل و عیال نقل ایلله تیمور ملحق اولق شرطیله ما ذونا
 آرزوی ماوی ایلله دفع با ایدوب صفد طرفنه اماله لکام اهتمام و دفع
 دغدغه و آلام و واصل سر منزل امرار اولدی **فصل** تیمور محبت
 علمای اعلام و مقرب سادات کرام و معزز فضلاء لازم الاحترام اولون
 هر برین منزل سینه تنزیل و استحقاقنه مناسب تمجیل و هیبت ایلله مزوج
 انبساط و مصاحبت و انصاف ایلله مخلوط حشمت و عظمت ایلله مجالست
 ایدوب آب ناب احسان سحاب صاعقه بارقهرنده مندرج نفوذ لطفن
 صق عنفنده مندمج ایدر ایدی هر کار و صنعتده صاحب وقوف اهل حرف
 و مکتسلر ایلله معامله معروف ایدوب هنر خودیه بوده کوسخره و مضحکه
 مانع و منجین و حکما و اطباء یه جامع لعب شطرنج ملازم اما شطرنج
 صغیره تنزل ایتوب اکثر کبیره مقید ایدی دفعه شطرنج کبیر طولا اون بر
 خانه و عرضا اون خانه اولوب زوایدی جملین و ذرافتین و طلیعتین و ذبنا
 اولوب کبیره نسبت صغیره لاشی اولفله اکثر لعب کبیره تقید ایدر ایدی
 حیفا مصنف مرحوم زوایدک حرکتلری نه طریق اوزره اولد و غنات
 بیاندن غفلت اغشله و الاشطرنج کبیرک بساطی یقین و ملاعبه سی دخی

تنبین اولفق ممکن ایدی تیمور تتبع تواریخ و قصص انبیا علیهم السلام
 و سایر ملوک و اخبار سلف ایدوب سفر و حضرده مطالعه دن خالی
 اولماغین تگوار ایلله بر مرتبه ضبط عبارت ایتمشیدیکه نقل و قرائت
 برکسته دن خبط واقع اولورسه رد غلط ایدردی لکن اخی اولوب لغت
 فارسی و لسان مغول و زبان ترکی دان و فی الجمله فارسی خوان اولوب اما
 کتابت و عربیه ده بالکلیه نادان ایدی رعاید قواعد چکنیزیه ایتکله
 و جغتای و اهل دشت و خطا و ترکستان جمله اول قاعده یی رعایت
 ایدوب شریعت غرای محمدیه یه تقدیم ایتلریله الشیخ حافظ الدین
 محمد البزاری علیه الرحمه و مولانا الشیخ علاء الدین محمد البخاری قدس
 ستره و علمای اعلام دن بعضیلر تیمور و قاعده چکنیزیه یی شریعت
 اسلامیه یه تفوق ایدن لولک کفرینه حکم ایتدیلر نقلدر شاه رخ اول
 قاعده باطله یی نسخ ایدوب سیاست بلد و حکومت انا حی جدا ول
 شریعت اسلامیه اوزره اجرا ایتدی لکن طوایف مذکور اول داب
 عاطلی مله صریحه و معتقدات صحیحه عدا ایدوب بر مرتبه اصرار ایلله عادت
 اولمشیدیکه منعلری عدیم الاحتمالدر دیومصنف مرحوم انکار اتمشدر
فصل تیمور مغرور ند بیرنده بعید المغرور فکرنده عمیق القهر مستولی اولدوغی
 ممالکدن قلع نوامیس و ممالک آخرده اقامه جواسیس ایدوب جاسوسلوی
 دخی مابین امیر و فقیر و متسبب و ناجر و پهلوان فاجر و کشیکر شربر
 و مکدی و صنایعی و منجم طبایعی و قلندر قوال و حیدری جوال و بحری
 ستیاح و بری ستیاح و سقایی ظریف و غیار عریف و زنان دلالة و خدائره
 خناله و مجربان امور و سال خرده کان دهورا ولوب زمرة صوفیه سمصانیه
 مانند اطلامیس قاهره مغروره و مسعود اجماعی دمشق شامده و هر بر
 مملکتده یومقوله جستاس و حساسی اولوب بونلرک اخبار و تخریر ایتله

بوده نوامیس تمام
 و ذماملر معنا سنددر

مقام مکر و احتیال و بالغ بر کمال اولوب لطایف جیل ایلد آب و آتش
تألیف و هدایت و ضلالت و توفیق و یروب حیل و کیده ساسان و بازید
عابق و حکمت و جدال و ابن سینا به فایق ارباب منطق یونانی مفهم و حکمای
عصر و دهری ملزم اولوب عکس قضایا ایلد جمع متنافیین و تألیف
متعاندین ایدردی مزبور لرحوادث اطراف و اخبار اکثافی بنوره مختبر
و آنها و کورد کلوی و بلد و کلوی آثار و اشعار و اوضاع کبار و صفات
املا ایلد منازل و امصار و بلاد و جهات اقطار و بیوت و حارات
وقوع و قضبات و طرائق و مضائق و اذقه و اسواق و سمرات ذاق
و شرایع و شوارع و مفاوز و مهمام و براری و معالیر و القاب منازل
و فراسخ مراحل اهالی و اکابر و اعیان و اصاغر و امر اکبر و فضلا
و شرفا و لغنیة و فقرانک هر برین اسم و دسمن و خرفت و سببن و شهرت
و نسب و لقب و کسبن علی التفصیل تصویر و تقریر ایدوب سرزده سرز
اقدام و پی دپی افاده و اعلام ایدر لرایدی بو تقریر ایلد تیمور هر مملکت
جزوی و کلی ظاهر و باطن احوالندن خبردار اولوب بر ولایت تازه دخول
یا خود بر غریبه وصول و تفحص حال و تجسس احوال ایدوب فلان و فلان
نه کارده در و فلان و فلان نه حالده در فلانک فلان ایلد اولان
دعواسی نه منتهی و واقعه فلانی نه منجر اولدی دیو سوال اتمکله
مستمع اولان لمبهوت اولوب بواسطه وضع و حرکت کرامت یا صفا
و سواس خناس اولدوغنه حل ایدر لرایدی و بعضی یا مدد مجلس فضلیه
مسئله غریبه القایله مباحث عجیبه و حل مشکلات غریبه ایدوب
اکثر ناس عالم و فاضل یا خدمت علما و فاضل ایتش قیاس ایدر لردی
فصل مزبور صاحب فراست قوی و مالک بصیرت جلیل
اولوب سیواسه تنزیل احوال شدت و باس ایتد و کده مرده عسکرین

کاد احصاره تحریص ایدوب اون سکر کونده بو قلمه نک استخیری میسر اولور
دیو حکم ایتدی اتفاق لیلۀ ثمانیه عشرده مفاطح فتح تسلیم دست فوجی
اولوب قوت استدر اچی جایگیر ضمیمه کبیر و صغیر اولدی بو وضع بدیع اوزده
اول اعرج مستدرج صاحب مطالعات و مستنبط حالات اولوب کاهی
بر مملکت دفعه مبطن و جلبد معطن و کاهی بر امری ظاهر ابراد و باطن عکس
مراد ایدردی **فصل** مشاوره و مطالعه تیمور بیا ننده در مزبور هر بر
ساحه قومه نزول ایتد کده اخفای مقصد و تعمیه مرصدا ایدوب قصد بهام
و طلب توریه و ایهام و تجسس حال عسکر و تفحص مافی الضمیر لشکرا ایدوب
بزوغ عین ذی العیندن مستورا و لمدوغی کبی ظاهر و باطن غریب و قریب
کند ویر محبوب دکل ایدی بنا بران اراده سفر و بر طرفی یا مال سنور خطب و خط
انک مراد ایتد کجه ارکان دولت و اعیان مملکت امرای دشنید و اصحاب رای
سدید دعوت و والد ولدینه محل و مولود والدینه بدل اولماق اوزده بسط
بساط مشاره و اظهار امور خفیه ایدوب هر بری اطلاق عنان کلام و هر
کس نقل معلوم طبق نقله تقدیمه اهتمام ایتسونکه هر کیم حضیض خطایه لغزیه
پای نزول و یا اوج صواب بر کشای وصول و لور ایشه صواب و خطاه معلوم
و کلام رطب و یا بسد مذموم اولوب خطا ایشه مسامحه صواب ایشه
احسان ایلد معامله اولور دیو خطاب و منتظر جواب و لمغین هر کس
علی قدر الطافه حسن مشا و ده یر پیر خرد و خدام حواس اشغال و خل امور معقوده
ناخن افکارین اعمال و تشجید اذهان و تنقید نفوذ فایده و زیان ایدوب اتفاق
ارالری بر محله متفق اولنجه معرض انها به تقدیم ایدر لرایدی تیمور اصفا
ورده و قبول ایلد تفوه و تعرض ایتوب دفع مجلس ایدردی بعد ذلک
ندیم و اصحاب قدیم ما نند سلیمان شاه و قماری و سیف الدین و الله
داد و شاه ملک و الشیخ نور الدینی دعوت و قضیه معهوده بجنش تجدید

بزوغ
یعنی ظهور

و سنجیده میزان عقل سدیداید و بآخرا امر نه مقامه قرار ایتدی
ایسه اول منوال اوزن عسکر ک قاید و قاصد و سابق و ساقی و ساقی
سوقایدوب ضرب کوس رحیل و خلایق مشغول کار تدارک و تحمیل
و سبکباران فریق راه نورد طریق اولوب مأمور اولدقلری طرفی قصد
ایله دریای لشکر مستوج و آتش از دحام ته تیج افطار ارض مضطرب
و سموم غور ملتعب اولوب توجه لری معین اولقله اردوده بولنان
جواسیس ملوک متحد و ملری طرفه بال کشای استیصال اولوب اخبار
ایدنجه اول طرف خلقی اخذ و تدارک مقابله به ادوات جنگ و بیکار
احضار ایدوب سایر طرفلر امین نوایب روزگار اولمشیکن تیمور تکرار
کند و حواشی و متعلقات و غامه عسکر و ملحقا تنک صوب آخره
توجه لری اشارت برله علی القلعه رسید خاطر اولمین سمتی ترک
و تاز و القای ناره دل کداز ایدوب بواسطه اوزن مراد و مسیر
بر فردک معلومی و لمز ایدی از جمله معرکه شامه ابتدا سواریت سوارینه
تاخیره اشارت و بغداد طرفه غریبین اشاعت ایدوب عساکر مصریه
اغفال بعدد ردایله مزبولی محاط کید و صید بی مجال ایتدوکی بوندن
اقدام قید اثر قلعه شد **فصل تیمورک قوه عزیز و جزمی بیاننده در**
مزبور جنود نامحدود دایله بلاد همنده توجه ایتدکه مروری بر قلعه
شاهقهریه واقع اولوب قلعه مذکور نک اقراط یواقت مکنت حلقه
با بنده آویخته و منطقه سیمین مشانت میان برج و بار و سنده بستر
بهرار صمصام پاسبان و کیوان کمان دیدن بانی اولوب شمس استوا
غره جبین سوادندن استعاده نضارت و فطرات سحاب آب روی
حسنندن کسب طراوت و شقه شفق سزادقات مداخل و ابوابندن
استدانه اضاءت ایدوب و نجوم ثواب نکهبان مزاعلی اولقله محترز

اقراط
بعنی کوه لری

ودامن عصمتنه

ودامن عصمتنه اطاله دست ایتدکه سیاوش و افراسیاب عاجز
اولوب بر نوعله مقاتله به سبیل و حوالی سنده مینیت و مقبل و المامقله
درونده اولان مستحفظین سرزمه قلیله ایکن ینه طایفه غیر خایفه
اولوب قلعه لرینه استظها رایدله مقابله و مقاتله به قرار و پروت عسکر
تیمورایسه دورادور مهاوشه و مسافه بعید دن مناوشه به انجق
قادر اولوب یومیته هزاران دردمند مانند کوسفند مذبح منای
منایاده قربان اولورکن تیمور عزمنندن رجوعه جزم و حل حرام حزم
ایتموب نصب کارگاه درزمه اصرار و دمیدم عسکری طایفه سن
مخریص بیکار ایتدکن یوما ما آبکش سحاب فراغ سجال آب ایدوب
باران بی پایان و سیول دریا خروش سیلان ایتدکن بال نفس سوار
ورخن ران کارزار اولوب روسای عسکر و زعمای لشکری دعوت
برله اعصاب عرض لری تقرین وادیم ناموس لری تمزق ایدوب شور
خیشوم خشمی اضطرام و سوراخ دهاندن اطلاق عفاریت دشنام
ایله یا لثام واکله حرام نعمته اقبال و دشمنندن اهل ایدر سزا الله
تعالی نعمتی سزم و بال و احسان غی خبیت و نکال ایتسون اصحاب الذم
و کافر النعم و ساقط الهمم و مستوجب النقم اولاسز اقدام اقدام
ایله رقاب ملوک و وضع پا واجنه اهتمام ایله آفاق جهانه استیلا و حسام
صولتم ایله فتح مغلقات فتوح و صمصام هتم ایله منزهات اقالیم سزم
مفتوح اولوب دولتمه مغرب و مشرقه مالک و غرتمه ضبط طرق
و مسالک و کرمیت عزیمت ایله دنیا نیک منجین اذابه و عمارتن خرابه
ایتدیکرمی عربیه **اَلَمْ اَکْ نَارًا اسْطَلِمْهَا عَدُوکُمْ وَ جَرَدْنَاهَا لِجَاثِمٍ**
مِنْ وَاثِمِهَا وَ بَايَسْطَ خَيْرِ مَنِّكُمْ بَيْنِيهِ وَ قَابِضْ شِرِّ عَنَّا بَيْنَنَا لِيَا
بُومَقُولُهُ تَهْمُهُمْ وَ تَغْفَمُ وَ تَهْدُوهُمْ وَ تَبْرَظُهُمْ ایله جمله بی هدف سهار

تیمور
آن برغنی طلب ایتدکه نصوت انکی
تغفم
اصوات ابطال عندالغفال تردد صوت
تبرطم
ادرسویشدکه طوداغنی قوتله
حرکت ایتدرمت

دشنام ایتمکله هر بری سرفرو و رد جوابه تلک و پویه قادرا و لمیوب
خطابه سکوت ایله جواب ویرملرله نهوین از دیاد و غضبینه اشتداد
و دست یسار ایله سل سیف ایدوب بطونلرین قراب و خونلرین مشرب
ذیبا ایتمکله اقدام ایتدی آنلرایسه کمال شرمسار یله انکسار و ذل نفوس
و نکس رؤس کوسور ملر یله تیمور اهرینه مقبل و مدبر کور مملکه تماسک
غضب و ترک غیظ و عتب ایدوب اغمد سیف مسلول و مرکبندن
نزول یله شطرنج طلب ایتدی ما بین امراده محمد فاوجین نام امیر
مکرم و اکثر و زرادن مقدم مسموع القول مهیب القول صبیح الصوره
ملیح السیرع تیمورت بر ندیم قدیمی و ملغین اکابر عسکر مزبوره التجا و بو
مشکلات حلنده شفاعت استدعا و ادنا لفظ و معنا ایله تربیه لرین
رجا ایدوب **عَرَبِيٌّ فَسَاءَ عِدِيَّاهُ هَلْ مِنْ يَأْتِيكَ مُفْتَقِرًا فَالْجُودُ بِالْجَاهِ فَوْقَ الْجُودِ**
بِالْمَالِ وَأَهْوَنُ مَا يُعْطَى الصَّدِيقُ صَدِيقُهُ مِنَ الْهَيْئَةِ الْمَسُورَةِ أَنْ يَتَكَلَّمَ
مدلولنجه کلمه مرطوبه و تربیه مرغوبه لرین نیازا تملر یله مسؤلرین
قبول و تیموری بوال التزامدن رد ایتمکله و عدا ایدوب مترقب وقت مقاوله
و مترصد فرصت مکالمه اولدی تیمور ایه احصار قلعه ده مصر و مقام
خصامه مستقر تحریر عسکر و سوق لشکوه اقدام و امر فتحه اهتمام
اوزره ایکن بعض احیانده محمد فاوجین وقت فرصت قیاسیله نوازل
بلایه محط و کرکات قضایه مقط اولوب تیموره اطلاع الله بقاء مولانا
الامیر معنا سیله دعا و بوجه اوزره عرض ما فی الضمیر ایتدی که
اصحاب بنده و منعه یا مال ستور فتور اولد قد نصکره فتح قلعه اولد
تقدیرجه ایرادی مصر فنه مقابل و نفی ضررینه معادل اولور می
دبد که تیمور قطعا رد جواب ایتوب در حال قبیح المنظر عرقندن لعل
کلبا طهر مطبخدن او سبخ مسلخدن اسبخ عصا ره قیردوبینه نسبت

محمول است
بمعنی هر که از قضا و ایله
کلوا لیسر جا کلمه کلمه
اینکه جاه ایله بخا مال ایله بخا
زیاده در
محمول است
بمعنی دوست و دوستانه
اهون و برکبی کلمه طیب در

ایله حلیب و تبا شیر هر املک نام بر شخص نام شخصی دعوت ایدوب محمد فاوجین
اثوابن انتزاع و هر املکه اختلاص و هر املک خلق و سلبن محمد خلعت غضب
ایدوب مزبور متعلق خدم و حشم و مباحثان امور متحرک و ثابت و ضابطان
ناطق و صامت و کتاب و تحاب و اموال نامیه و جامده و ملک و عقار و اهل
و دیار و اوقاف و اقطاع و بساتین و ضیاع و ممالیک و اتباع و خیل و جمال و ثقل
و احوال و استروا و شتر حتی زوجات و سراری و عبید و جواری سنه و ابخر غضب
ارام و هر املکه انعام ایدوب محمدی فقر خاص و عام ایتدکن غیر آیات تینات و خالق
ارض و سموات و هر نی و معجزان و هر وی و کرامات و کند و سر و صفاته قسم ایتدی که
هر کیم محمد ایله موکله یا منشارب یا مصاحبه یا مصادقه یا مخالطه یا محالسه یا شفا
بکار رجعت یا ایراد معذرت ایدر سه کند و سن زیرو برون بدتر ایدرم دیوب
محمدی زجر ایله طرد ایتمکله مسلوب النعم مصحوب النعمه نعمتی اقل قلیل و دولت و شوکتی
اذ لذل لولوب دار و دیار زدن دور و احباب و احبابندن مجبور و زهر غم ایله تلخ
کام و ذوایای مجرده نامرد و ناکام و معذب لاله و ملغله مرارت موتی اختیار و وود
اجلی استبشار و هر لحظه بوحیف ایله مضروب سیفا و لغیر راضی اولدی موت تیمور
حالی بو منوال و زره مستمر اولوب بعد سلطان خلیل جالنه مرحمت برله مال و منال
و اهل و عیال و منزل و ما و اسیرد ایله مجدد الحیا و کالاول بقا ایتدی **فصل تیمور**
هیمیت و نخوت بیاند ملوک اطراف و سلاطین اکثاف مانند ملک جمالت شروان
الشیخ ابراهیم و خواجه علی بن مؤید الطوسی و پادشاه خراسان و اسفندیار و وحی
و ابن قزمان و ملوک فارس و ادیجان و ملوک دشت و خطا و ترکستان و امرای
بدخشان و میر میران مازندران و پادشاهان ایران و توران خطبه و سکه زنند
مستقل و زعامت و ریاستلرند مستجمل و اموریالت و سیاستلرند مستکمل
ایکن بارگاه تیمور قدوم ایتدی که هدایای سنیه و تحفه هیه ایله عرض عبودیت
ایدلر ایدی و یاب خد متند منتظر نظر عنایت و ملاقات تیمور و رود ایتدی که

سرافات با دکا هذن مدبصر قدم مسافده توقف ايله رعایت مشروط
تکلف ایدوب منتظر اذن دخول و لود لر ایدی تیمور برینى مراد ایتدیکه خدامدن
بری واروب یا فلان یا فلان دیوند ایتدیکه مطلوب اولان کمنه فی الحال
قیامه سرعت و لبتیک و لبتیک کویان دعوت اجابت و پای چمدی ذیل
سرعتیله متعشرا و لاروق حضوره وارد قد چهره ساي خاك خضوع و بوسه
چین بساط خشوع اولوب تذلل ايله اصفا یقول واستعظا موصول ايله
رجعت ایدوب بوقدرجه التفات ملاقات ايله امثال و اقارن مباهات
ایدر لردی **فصل** بعض توابع تیمور یوما مالعب نزد ایدرکن
نقش کمیتند مناقشه و مناظره لری واقع اولوب بری اثبات دعوا سنه
وسيله ايله سر تیمور یمین ایتکیں خصمی غضبناک و چهره سن بر
طباخه حیدری ايله زخمناک ایدوب یا ابن فاعل و خلفا سا فل محذو
خذک و جبهه جهدک لایق مداس امیر تیمور دکل ایکن تابو مرتبه هتک
برده حرمت و تلویث بساط سلطنت ایدر سنکه اسم و راسن لسیه دهها
آلوب ملوث ایدر سن امیر تیمورک اسامی و القاب و اعضا و اعصابی اندن
اجل و اعلا در که بنم و سنک کبیلر آنی لسانه آله اولملوک مشاوق و مفاز
و اصحاب جاه و مناصبدن اقدم و یکسر و کیکاوس و فراسیاب و سیاوش
اکرم و بخت نصر و شاد ددن اچمدر دیو خصمی توبیخ و لودر ایتدی **فصل**
وقتما تیمور قصد شکار ايله صحرانورد اولوب یمین و یسار و جنوب شمال
اهالیسی سوق صید ایتلرین تنبیه ایتدیکه اجناس اجناد و جمله حفاة و مشاة
صحر و اطواد و اول طرفلرده اولان رعایا و بریا غنی و فقیر و کبیر و صغیری
سرجله جهادی و برادی و کوهسار و پیشه زاردن سوق سباع و جمع و
وضباع ایدوب پیشگاه تیمور ایراد و دایره بند اصطیاد و ملغله صفوف
اخراب مانند بنیان مرصوص و هرطایفه بر طرفک سدیینه مخصوص اولوب

متعشرا
یعنی سورچمک

مانند هاله مدوره محیط قرا و لود قلزنده حیوانات مجموعه موج در موج
متلاطم فوج در فوج متراکم متحیر و متکسر متضیق و متعشر اینن و چنین ايله
مضطرب ناره ناله ايله مله تپ ایکن ضرب طبول و نضوت فرامیر و دق
کوس و زعق نفیر و انواع شهباق و ذفر ايله وادی مترلزل و اصوات
صامت و ناطق متبلیل قوایم قوتلری مرتبط و قوای قدرت لری ساقط اولوب
تلایم و تقارب طنایح و تضارب ايله نور متعاقب شیرا جم و ذیب متصافح
غنم و سر جان مختلط غزالان و تغلب مستحیر اذنت و عقاب غریبی ملاذ و
یربوع کثام ضعیفی معاذ ایدوب مضطرب ایکن تیمور کند و اولاد و احفادی
وامرا و وزرا نک ولید و تلید لری اصطیاده مباشرت ایتلرین امر ایتدیکه
مانند عقبان عقاب و بلای سمان کبی نزول و امر شکار شروع ایدوب
هر بری بر حیوان ايله متدافع و متقارع و متکافح و متصارع اولدیکه صیبا
شتاب و حیواناتک اضطرار لری تیمور مشاهده ایدوب تیمور قهقهه ايله
خنده و شکار لری تشجیع و تاخیر ایدن لری سر زشتی ايله تقریر ایدوب
عربیّه صید الملوك اذنت و تغالب و اذ اربک فصيد الفز لان
مفر اسخه مترنم اولور دی **فصل** معادن خراسان و لعل بدخشان و متاع
هند و الماس سند و لالی هر مز و قطیف و انواع اقمشه لطیف و عنبر سارا
مشک خطا و فضه و ذهب مصفا یی در پی اطراف بلاد و اقطار ارضند زینشکا
تیمور تقدیم و خزینه لرنیه مکمل تسلیم اولور دی هر یور سمرقنده انشاء
بساتین عدیده و دفع قصور شاخه و مفیده ایدوب هر برین ترتیب عجیب
و وضع غریب ايله تاسیس و انواع زخارف و رخا ايله تزیین و ترصیص
ایتدیکه نضکره اشجار زاهر و نخل فاخره غرس ایدوب برین باغ ادر و برین
ذینت دنیا و برین بستان شمال و برین جنت العلیا ايله تشمیه ایدوب
صحایف بنیا نلرین نقوش رنگارنگ و مانند مانی و ارنک نقاشان

زعق
یعنی صوت
شهباق الحار آخر صوت
متبلیل خلط السن

ولید یعنی ولد
تلید یعنی مولودی عجم و لاتی
اولوب عربی نشو و نما اولان دیر

یعنی ایدنا هتک شکار و طاشان
و د کوه در قافین بدک شکارم اولور

ولشکرايدوب تاريخ شمع وثلثين وثمانمايةده اسکندرک ملک ومان
دست زده باز فناد بوده مکينه جور و عنايتي بتوفيق الله تعالى
بومختصر شريف کرده مطالعة ارباب نظر اولدقه پوشيده ضمير
انور لري وليمه که مصنف مرحوم تاريخ مذکور رجالندن اولوب تيمورک
اولاد و احفاد نيك نيجه حال و منتهاي احوالرين استيفاممكنی و لما مغل
تذيله محتاج اولغين سعي فقير ايله تکميل و ختم کتاب باسرههم بيان حالک
ايله ان شاء الله تذيل اولنور **فصل** وزرا و امراي تيمور حد شماردن
افزون و قلر و تحريرون بيرون اولوب شهر لري بوندن اقدام ذکر لري رقم
زده قلم رقم اولانلردن غيري خواجه محمود ابن شهاب سهروردي
و مسعود السمناني و محمد الشاغري و تاج الدين سليمان و علاء الدوله
و احمد الطوسي ایدی **فصل** فارسي و عربي و منشیان ديوان و کاتب
اسراري قاضي زمانه شمس الدين ایدی مزبور فصیح الکلام بليغ الاقلام
اولوب سهم اثر و انشاسی بختيار قايم بلا غتده سنان محمد و مندن انقد
و کلام ثريا نظامي کثير المعنا و قريب الماخذ اولوب فوت تيمور دن صکره طي بساط
خدمت ملوک و طريق عزلته سلوک ايتکين بعض اصحاب بچون دخل امور
حکومت و بوقدر فضل و دانش ايله اختلاط ارباب دولت ايتمز سزد بومستعرض
اولدقه دانا ي خدمتم و مقوم قيمتم کندی حدائت خدمت ايله تضييع
سرمايه حرمت ايتيم ديورده جواب ايتدی و اما محي عبد الجبار بن النعمان
المعزني و صدور مملکتی قطب الدين و خواجه عبد الملك و ابن عمي خواجه عبد
الاول و غيره اولوب قصه خوان و تواريخ شناسي خواجه عبید و طبیبی
فضل الله و ريش طبای شام جمال الدين ایدی تيمور علی الدوام استعجال
معاجين اجمار و بوقدر کبرستن ايله اجتنای با کوره اباکار ايدوب قول
منجمن ايله عمل ايدردي و ريش منجمن احمد الطيب النحاس اولوب

تاريخ ثمانين و ثمانمايةده کند و تقريري و زره ايكونر سنه يره و ارجنه
استخراج زايرجه طالع ايتدوکن مصنف مرحوم ثبت اثر قلوب ساير لريک
اساميلري و محفوظي اولدو غين ايراد ايتشد **فصل**
زمان استيلاي تيمورده سمرقنده نشو و نما بولان علمای اعلامک
بري خلاف صاحب هدايرون خواجه عبد الملك اولوب فاده علوم
و تدريس آداب و رسومه يکانه دهر و لعب شطرنج و نرد و نظم
اشعارده فرید عصر ایدی بري دخی پدر عبد الجبار مذکور نغان الدين
خوارزمي الضر بن نغان ثاني ايله تلقیب اولور ایدی بري دخی خواجه عبد
الاول ابن عم خواجه عبد الملك بري دخی عاصم الدين ابن عبد الملك
اولوب رياست ما وراء النهر بوايکی يره منتهی اولمشیدی و **محقق** لردن
سعد الدين التفتازاني اولوب سال احدى و ستعين و ثمانمايةده سمرقند
مقيم مدرسه دار تعليم اولدي بري دخی السيد الشريف محمد الجرجاني
اولوب فوت تيمور دن صکره شیرازده عالم علم اليقيند عازر عالم عين
اليقين اولدي و **اصحاب** حديث نبويرون الشيخ شمس الدين محمد الجزري
مقدم مصر دن فرار ايله رومده استقرار ايتکين تيموره استصحاب
ايله بلاد شرقه تحريك دکا با تمکين شیرازده لبیک کوی دعوت حق
و عالم ارواحه ملحق اولدي و **مفسرين** خواجه کبير المفسر الحافظ محمد
الزاهد البخاري تفسير کلام قدیم ايدوب سال ثنين و عشرين و
ثمانمايةده مدينه منوره ده دار بقاده مقيم اولدي و **حفاظ** قرآن مجيد دن
صوتاً و قراءه مجود فصیح عبد اللطيف الدامغان و اسد و الشريف
الحافظ الحسيني و محمود الحرق الخوارزمي اولوب مومي اليهک سهار
ترجيعاتي صايب و رنات او نار صوتي مانند نجم ناقب اولغين نغمه
آتشبازی احراق سامان ارواح و ترانه سوزناکی محرق خرمن اشباح

و بمحویل اینستند **فصل** بلد مذکوره ده مظنه خیر و لاندک
بری الشیخ العربیان ایله مسمی بر فقیر ادهمی اولوب مابین اهل بلده
اوچونزاللی سنه سن ایله شهرت یافته ایکن بو قدر کبر عمر ایله مستو
القامه و حسن الجها م اولوب پنجه مین سال خورده مزبوری بو
ترکیبه مشاهده ایتدکلرندن غیری پدر و جد لرندن دخی بوقیا
کورد و کلرین اخبار ایدر لرایدی طلس الحیه صاحب قوت و حدت
کبر سندن اعضا و اعصابنده اثر اولوب امر او و ذرا و اعیان
واهل دیوان و مشایخ و صلحا و ارباب معارف و فضلاک معتقد
اولوب همواره زیارتنه راغب و دعا سنه طالب اولور لرایدی بری
دخی الشیخ ذکر یا نام ولی بنام اولوب معتقد اهل بلد و صاحب
مقامات لایعد و کرامات بچدا ولد و غندن غیری مزار برانواری
فوق جبلده سمرقندن بر منزل مسافده مکان مشهوره و جای
مسجباب الدعوه و لمغله محل مذکور شاهقه ذات قرار و جئات بخری
من تحتها الانهار امن و انش ایله معروف و حضرت قدس ایله محفوظ
اولوب **نقل در** بلد سمرقنده مستحضر نه الشراح بخشا و واده
روح افزار باطنام بر مسجد نورانی اولوب ابتدای عمارتند شیخ مشار
الیه جمله فعله دن اولمغله قطعه طین رسیده جبینی اولوب اوچ کون
اولقواره مستقر ایکن استادان کار و مهندسان راست افکار
تعیین جای محراب چون استصوابه شتاب ایتدکلرند اختلاف ارایله
تخلف و تردد لوی واقع اولمغین شیخ مشار الیه محراب بوفقره اوزره
وضع اولق وجه اصوبدردیو تعیین جای محراب ایتدکه مباشر عمارت
شیخک جبینده اولان طیندن استدلال ایله سبحان الله بر کسه که
اوچ کوندن برو وضو ساز و ادای فریضه نماز ایتیمه بو قدر استادان

دقیقه شناس و معتقد اکابر ناسی تخطیه برله ارشاد ایدردیو شیخی
توبیخ ایتمکین شیخ دخی اوچ کون اوچ کجه دن برو نقض وضو ایتیم
کمنه یه نه دیر سن کل ایتدی ای منکر مدعا یه عالم و انکاره نادم اولوب
بو مکانده و قوف ایله نظر ایله دیمکله مزبور دخی کلام شیخ اوزره
وقوف و مامورا ولدوغی طرفه نظرن مصروف اید بنجه مکة معظمه
مقابلده جامه مشکین فام ایله متبحر و اعلام و اماراتی نوربخشا
دید ناظر اولدوغن مشاهده ایدوب عین الیقین حاصل ایتدو
ساعت شیخ مشار الیه مفقود و دیده دن مستور اولوب هر
چند جست و جوا ولندی ایسه نادیده و ناشینده اولدی اما غرض
بونده درکه مصنف مرحوم شیخک مزار پرانوار لرین تعیین ایتدکدن
صکریه بواسلوب غیبتنه قایل اولمشدر در اللهم مکر بعد زمان ظهور
و محل مذکوره آسوده لحد پر نورا و لمش اوله لر مسجد مرقوم مساجد
معدوده و مقامات مشهوره دن مکان نورانی و جای روحانی
اولوب اخشاب عجیبه دن اسطوانات غریبه اوزره قایم و طاق
ورواقی تفرض متعرضدن سالم اولدوغندن ماعد اوون بش
ذراع حدید ایله مذروع طول و باع رجه صغیر عرض ایله بر ساریه
و شامخه یه حاوی اولوب ساریه مرقوم شجر قطن اولق اوزره نقل
برله خواص عجیبه و تانیات غریبه سی روایت اولور از جمله و جع اسنان
بر جبه سی وضع اولنسه نفی تجربه کوده ثقات در سیر سمرقند ایدو
عجایب و غرایب و ظرایف و علامات و لطایف لرین نقل ایدنلردن
اسطوانه مذکوره استخبار اولندقه کما هو و صفایدر سه رؤیای
صادقه و صادق الکلامدر و الادوایتی کاذبه و منامی اصفاف
احلامدر **فصل** بلد سمرقنده کیل و صاع ایله خرید و فروخت

اقوات اولیوب جمله میزان معاملات ایدر لر رطل سمرقند فرق و قیة
 و هر وقت یوز منقال و هر منقال بر بچ در هم اولوب بو تقدیر جبه
 رطل لری اون رطل دمشق اولمش اولور **محمود خوارزمی** مار الذکر
 مصنف مرحومه مشافهة نقل ایدر که بعض اسفانده تیمور فقیری
 استصحاب اتمکله خدمتده مداوم و لیل و نهار وحدت و کثرتده
 ملازم ایدم بعض ازمانده بر حصن حصینک نصیقنه اقدام و تفرج
 کشتکیران میدان خصام الچون کند و خیمه سینه بر مکان مرتفعه
 قیام و پردرب مکث ایتد که اتفاقا اول اثناده کریبان صحتی گرفتار
 سر پنجه خا و دامن عافیتی دریده کوک کرب و بلا اولوب یومگا ما فقیر
 و ایکی مرد حقیر خدمت تیمورده ایکن ما بین عسکرده نوازل قضا
 مجتنبه و رماح قتال مشتبه اولمغله تیمور احوال و افعال لرنیه اطلاع
 مراد ایدوب بین الرجلین متشیب الرجلین باب خیمه یه قدوم
 و تمیز حروب قروم و مشاهد ضرر و عموم ایدر کن بعض معانی
 رسیده خاطر بیدادی و لمفین فقیری یا محمود دیو دعوت ایتکن اجا
 برله دوان و قیامنه امداد الچون قولتوغنه کرب و منتظر فرمان
 اولدم بعد رفیق دیگری دعوت و تعلیم بعض امور قتال ایل طرف
 عسکره مسارع ایتدروب مانند عظامه بالیه و بالحم علی الباریه
 قعود و رفیق آخری دخی بر خدمت ایل دفع ایتد کد نصکره فقیره نو
 کلام برله یا محمود ضعف حال و قلت احتیاله نظرات تعطیل دست
 و پا و تحلیل عضو و قوامه ثامل ایت بو وقتده ارباب بخت و اصحاب
 کبر و نخوت سلب ربقه اطاعت و مرتب طریق معاندت اولوب بنی
 ترک ایتسه لرنه مانع و حال پریشانه کیم جامع اولور بو قدر ضعف ایل
 جلب خیر و دفع ضرر و ضیعه قادر دکل ایکن حضرت فاعل علی الاطلاق

بسیر خبر

تیسیر و تسخیر عباد و فتح مغلفات بلاد ایدوب هیبت حول و صول
 القای قلوب اهل مشرقین و رعب ذول و جولی انداخته ساکنان ضمایر
 خافقین اتمکله تحقیر ملوک جباریه و تذلیل اکاسه و قیاصه ایتد
 بو فعله کند و دن غیری فاعل مطلق و بو عمله امرندن او زکده عامل محقق
 وار میدر بو فقیر فقیر ذی فاقه و بو طریق سلوکه بی طاقه اولد و غم
 کالبدی فی الحال و الشمس قبل الزوال ظاهر در دیوب کریمه آغاز
 اتمکله فقیر دخی اول سازه کند و یه دمساز اولدم بو معناده نواد
 ارباب و رایتدندر **بیه**
 نیم تنی ملک جهانرا گرفت :: چشم کشا قدرت یزدان ببین
 پای نه و تحت بزر قدر :: دست نه و ملک بزر نکین
فصل تیمور عسکرینک طریق و سلوکلری سیانده طوایف مذکور همواره
 احتساب ایتد و کلری طرفدن مفتوح الباب و خاطر نارسیده اولان
 سمندن کامیاب اولمغله خفیات دفاین و خبیات خزاین و مکان معادن
 مستخر لری اولوب هر بری قطادن آهدی و دخول مهالکده فیل دمان
 و شیر زیاندن اقوا جحر با مور و مدبر حوادث دهور و مقایس عصور
 و مکا بد مکاید و معالج شداید و عمارت اشیا و لابس ملابس باسا
 و ضرا عارف مدخل و مخارج و مدرک مدارک و معارج سبیل داهید
 مصون و نیل طایغردن مأمون اولد قلزندن غیری گاه و بیگاه اولور دیکه
 نزول ایتد و کلری صحاری و مها میده **عربی**
لَا يَفْرَعُ الْأَرَبُ أَهْوَالَهَا وَلَا تَرَى النَّصَبَ بِهَا يَخْرُ
 بفراسنجه و جوش و طيور دمیده اولیوب رام شکار لری اولور دی
 و کاهی اولور دیکه بعض ماکنه مرورده بعضیلری بو خاک طریق مأمولن
 دکلدردیوب دایره سندن نزول و استنشام تراب و جهات اربعه التفات

الزول
العجب

قطا قبل فویر قوشی

بسیر خبر
بسیر خبر
بسیر خبر

برکه بر طرفه رخشان و اعوان و انصاری دخی در عقب دوان اولوب مکان
آخه نزول و حفز زمین ایلده اخراج دفاین رنکین و احرار مغلات و خراین سیمین
ایدلر ایدی کذلک بعضی معموریه مرورد و بعضی قبرستانه عبوده بنش
اماکن و مساکن و اخراج مکان اینمکله اول بقعه اها لیسسی حاله واقف
اولوب سبابه کزید ندامت و بخرع خون حسرت ایدلر ایدی و دخی امور
صعبه ده روایات عجیبه و سهام رایلی اکثر مصیبه اولوب رکوب و تحمل
ماده کا و بقرو و خروا ستر ایلده سفر ایدوب بو مقوله دو اب بی تاب ایلده
نسابق ارباب خیل و نکاون اصحاب خیل ایدلر ایدی اکثر دایه و فرسولرینه
کندم و جو و برنج و دخن و عنب و عدس و یروب کند و لر خیر شیعا ایلده مقنا
اولوب بعضی سفرده اقتضا ایتدیکجه کند و نفسلرینه تناول صبر مصابره
تکلیف و دوایلرین اوراق اشجار ایلده تغلیف ایدلر ایدی **فصل قاضی برهان**
الذین ما الذکرک مصنف مرحوم مشافهه روایتید که طوایف تانا
کبد بلده مشقه سهام شدت و نوت صعبتیلرین امر ایتد کلرند اصحاب
پروبال و اولوالا حقه مال و منال و لایلر فرار و اکثر ماللرین عبون اشرار
اراضی خالیله یه دفن ایلده استتار ایتدیلر از جمله صالحه ساکنلرند
صاحب عیش رضیه مالک اموال و فیه بر تاجر ذی المفاخر اولوب واقعه
فاقعه مذکورده اموال صامته سن وضع قدر رزین و سرپوش ایلده ^{صین}
ایدوب بر برکه عمیقک قعرین حفر و قدر مذکور دی دفن اینمکله ناپیدا
و نایاب و قدیمی و زره اجرای آب ایدوب ترک دار و دیار ایلده و ثوب
و نزدیک رکوب اولدقد زوجه بیچاره سی منکوشلری اخیفا اتمکده غفلت
ایتمشوز علی الطریق حدوث مخالفدن خوف ایدرم استتارینه بر مکان
تداریکله در امان اولمق کرک دیوز و جن آگاه ایدنجه اولدخی شمد نکبر و
تنک وقت و آخر زمان ارتحال ایلده فکر مکانه مجال قالمدی دیوب

سبابه
شهادت بر ماغی

کبد جگر

منکوشلری

منکوشلری خشبه شقفه القا و دیده بدن اخفا ایدوب بعضی رفیق
ایلده راه نورد و طریق اولدیلر ازین جانب طوایف تانا ددن بعضی نابکا
دار مذکورده استقرار و عیش و عشرت ایلده اوقات کذار اولوب یوما ما
اکل و شرب و تمسخر و لعب ایدرکن بر موش کشتنی منکوش معهوددن
بر لولو قطع و مجلس تاتاره وضع ایتمکن طائفه مذکوره لولی مذکور دی
مختطف اولد قلرندن غیر ی بوتقریب ایلده بیدار و بو مقوله خبا یا دن
خبردار اولوب زیر و بالای داری تخریب و حوض و برکه ی بنش و تنقیب
ایدوب منکوش مذکور و قدر ذی قدره رهیا با اولوب مقبوض دست
غدر لری اولدی کذلک هر امر که واصل اولدیلر سهولت ایلده میسر و
صعبه که توجه ایتدیلر محذور و ملری کبی ادنا سبب ایلده مستخر لری اولوب
غایت مقصوده عارج و ایا ملری بو منوال و زره مستدرج اولدی
از جمله اهل دها دن صاحب فروه منهوش و تاج سری طرپوش پر
نقوش و ترکشی جلد اسود و سهام حدیش و روشن مجرد مرکبی بفر و سوج
و عده سی خشب منکسر و جبل و بر بر شخص یوما ما با زنی بال و پری
در دست و قصد صید ایلده جوادینه سوار و شکارگاه طرفه کرم عنان
کذار اولوب طریق اتفاقا ساحل غدیده بر مقدار مرغان آبی یرد و شملکه
باز سست پروازین بر ساعت مقداری دفع و شکار طرفه هر چند
دفع ایتمک مراد ایتدی ایسه طیرانه قدرت و پروازه بی طاقت و لمفله
ناچار زمینه وضع ایدر اولدخی شدت ضعفدن ناشی آهسته آهسته
حرکت برله مابین مرغانه دخول و برین گرفتار سر پنجه اهتمام اینمکله
شخص مر قور کمران مرار اولور **فصل طوایف تانا بلده**
اغصان وجودندن اوراق نعمت سلب و غنم و بفر جسمندن شیر و شربین
حلب ایدوب بلده مذکورده دن قفوله مضبوط دست نهیلری اولان بعض

و مانند با وفا وزای وسین وصاد و دال و طال اولان
 متقارب المخرج حروفی براسلوبین تخریر و تلفظ ایدوب جمله توقیعات
 و مناسبت و مکاتبات و دفاتر و اسامی عساکر و تواریح و اشعار و قصص
 و اخبار و سبجات و اسفار و اموردنیا و بیرون چکنیز خانی بیورسم
 اوزر ضبط ایدوب بوقاعده به مهارت له راقم و بوا ملایه حذاقت ایل
 راسم اولانر ما بینلرند معزز و اسع العیش و معتبر بین الجیش اولور
فصل مابین عسکرده اولان غلاظ شداد عالم تقی و شفی بیاننده
 عساکر مذکور بیننده پنجه قلیل الرحم قاطع الارحام و کافر عیدم الاسلام
 و کفره و فجره و غلاظ و شداد مانند قوم نمود و عادات و لوب تیموره بر مرتبه
 معتقد و ادای امر و نهینه اول غایتده محته ایدیلر که نفوذ بالله مزبوری
 هادی و نصیر و مستکبر و کبر عدا ایدوب دعوی بنوت و الوهیت اینتیه تصدیق
 ایدوب جکوری تحقیق ایدی و بعضیلری طاعت تیموری تقریباً لی الله زعم
 ایدوب بر بلایه گرفتار و یا شدت و دچار اولسه تیموره نذر و بختندن استمداد
 ایل دفع کربته تحصیل استمداد ایدردی ایام حیات تیموره احوالری
 بوموال اوزر مستمر و بعد وفاته دخی بوا اعتقا باطل اوزر مستقر اولوب
 مزارینه نقل نذ و رنینه و تقدیم قرابین سیمینه ایدر لرایدی و بعضیلر تیمور ایل
 مصاحبه ده و اصل مقام مراقبه اولور ایدی **روایتده** که بعض سفر لرده
 عسکریدن برینک کبرستن و مرور سنین ایل اعصاب رقبه سی مغل
 و بیضه قطار سری منزل اولوب حوادث دهر و مشقت سفر ایل غصن
 قاضی خیف و قوایم قدرتی ضعیف اولوب هر حالینه حاله راضی و شاکر کید
 ایکن تیمور جبار مزبورک حالن مشاهده ایدنجه فقیر معبود و مستحق
 ضرب و سب و لایق لوم و عتاب و لیوب بلکه شایسته مرحمت و سزا و
 تقویت ایکن بر کسسه یوقیدر بونک تکه سرین قبا ی جسدندن انداخته

زمین و کوچه صولجان شمشیر آتشین ایدوب بوقدرجه نفوه امتکله
 امرای کبار و کفره نابکار دن لابس ثوب نفقت استشمام رایحه رحمت
 انعامش دولت تیمور نام کفور فی الحال سل شمشیر و قطع راس فقیر مزبور
 ایدوب سرمق طوعن حضور بی نور تیموره احضار ایتدکه تیمورک
 آتش غضبی لامع و بونه امر قاطع در دیومر بوری تو بیج و سر زلش
 ایل لوم ایدنجه قطع فرمان ایتد ککوز سرب دولدر دیو جواب
 ویرمکین تیمور بوقدرجه ادنا اشارتنه امثال اولند و غنه مستجب
 و بومر تبه مطاع و مستباع اولد و غنه متبهم اولدی و بونلرک
 ما بیننده ظرفا و ادبا و اذکیا و شعرا و اهل فضل و تکمیل و علماء
 واجب التخیل و ادبایب تحقیق و کاشفان مکوم و دقیق و مشادک
 علوم و عارف منطق و مفهوم و مقرر اصطلاح صوفیه و ناقل عبادت
 اعیاء العلوم مع هذا مؤمن پالت عقیده و زاهد نورانی سریره اولوب
 بعضیلری دخی صاحب ذکاوت و اقیه و لطافت کافیه و ظرافت شایفه
 و جمال فایق و کمال شایق و حسن رایق ایکن قساوت قلبی بحر و مدردن
 اشد و حدت فعلی ضرب سیفدن احد اولوب عالم عدا و لنور برینک
 مخالف تعذیبه بر مسلم و یا غریب بر تقریب ایل و و شرایسه اول عالم
 محقق و جبرمدقق استخراج مالد تصنیف رساله عذاب و قنون جور
 و عناده استحضار و استنباط مواد عقاب ایدوب کتب خانه علومند
 نقل خطب و مسایل و نقل عبارات رسایل ایتکله مبتلی مسکینی داغ
 جفا ایل سوزان و خون دل ایل کریان ایدوب فقیر گرفتار هر چند
 حضرت آفریده کائنات و آیات ایل مستحیر و مستزعر و ارض و سمانده
 اولان ملک و نبی و صدیق و ولی ایل متشفع اولدی ایه اولظریف
 سفیر صحت ایل تمسخر و تمایل و تفاخر ایدوب ابراد لطایف ایشمار و حاله

دقیق الحاشیه
 و دقیق الاطراف

مناسب نقل تمیل و ذکر نوادر و اخبار ایدردی و کاه غدرد بدتر از کاه بوا مرده
 مامورا ولد و غن سر بند خارا اعتذار ایتمکه حال فقیع متأسف و باکی
 و متأسوه و شاکی و لوب اموال مسلمینه مستولی اولان قاضی مرتشی مانند
 مال ایتامه اطاله دست تعدی ایدوب عرف و قانونه حواله ایتدو کی کبی
 اولدخی عباد الله اولان جورندن قاعده تاتاری کویز کاه ایدر ایدی
فصل بلده دمشق شام جنت مشامده کوچه عجمه اعیان و لایتدن برینک
 خانه سی انواع نقایس و خیرات ایله مملو و اصناف زیب و زینت ایله مجلوا و لوب
 عربیه **فصل** اعلیه تحیه و سلام **خلفت علیها جلالها الايام** استیلای
 تانارده بر مقدار او باش بد معاش خانه مذکور دخول و صاحب منزلی قید و
 ایله مبتلای شد عذاب و انواع شکنجه ایله تضیق و ضرب برله عقاب
 و تغذیه تعمیق چون شد با ایله خشبه سقفه تعلیق ایدوب استخراج نقایس
 و استجلاب حلی عرایس ایتد کد نصرکه احضار لذایذ مطاعم و مشارب
 و تنعم و تفکهدن قضای مارب ایدوب شرب مدام و طرب علی المرام
 مابینده بعض خبیثک عرق کفری و شرابین ظلی حرکت ایتد و کجه در عذاب
 اولان صاحب خانه نی عهد ایله و ثوب و فقیع اشراب ماء ملح و رماد
 و نقدینه اشتداد و پرور ایدی مابینلرند بر عالم مستشف شرب
 مسکردن متعفف اولوب عربیه **عجبت من شیخی و من زهدی و ذکره**
النار و آحواها نیکرة ان یشرب فی فیضة و یشرب
الفضة ان ناهک سغرا سبجه اگر چه شرب مسکرا ایتد ایدی تا هم
 صحبت اولدوغی حرا غزاده لر اراده ماکل مزعفر و احضار شراب ایتدوب
 افراغ افداح و مزج ماء فراح ایدوب تناول و استعمال ایتد کجه شیخ نامر جو
 مانند فاسق محرور و عاقل کچنور ایکن روایح رایحه مست لایعقل
 اولوب کاهی صاحب منزله متوجه و ضحک و هزل ایله متفوه و نمایا ایتد

بغنی اول فصل اول و درین باب
 و درین باب
 و درین باب

المنصف الخفی و من قدر مالک
 مبالان انین کینه
 فصل اول و درین باب
 که کویش طلسه صوابنر باجمکدن
 که ایدر تا الله کویش و شمس
 کویشی عینیه اچب

و بنحیر نامتعارف ایدوب اول ماکل متفکه و متنعیم و بشر مال البخیل بجاد
 ۱ و وارث نغمه سیله متنعیم اولور ایدی **فصل** طایفه مذکور بیننده
 رجال ایله هیجایه و لوج و میدان شدید خروج و تقابل فحول رجال
 و تقابل مردان ابطال ایدر زنان لبوه نظیر و نساء نزه شیر اولوب
 حین ستیزده طعن نیزه سر نیز ورمی نبال خونین ایدر لر ایدی حامله ک
 حین وضع حملده طریقدن بر طرفه کنا رکیه و مولودین وضع بیسز ایله
 کف خلق و در عقب اهلنه ملحق اولور ایدی بوا سلوبده سفر لوده طوغوب
 بیویوب تزوج ایدوب صاحب اولاد و احفاد اولش رجال و افره و نساء
 کثیره و ارایدی **فصل** طوایف مذکور میانده پنجه صلی و عباد و زهاد
 و اجواد مداوم او را دخیرو احسانه معناد تولیت خیراته صاحب اراد دایله
 تخلص ماسور جرمکسور اطفای حریق انقاذ غریق اصطناع معروف و غایبه
 ملهوف اعانت فقیر شفقت صغیر اولوب و لمقوله لره دست رس اولدخی
 همما امکن قوت ید یا خد عمر پاکید مؤکد یا استیهاب یا حسن خطاب
 یا استشفاع یا تعویض یا ابتیاع ایله نجاتنه کوشش ایدوب اول طایفه
 جایفه ایله معادیر و سایر اولد قلمی بالاضطرار یا تخرید بومعنا ایچون
 بالاختیار ایدی **فصل** جمال الدین احمد القاری المجود کند و حالن
 و سرگذشت احوالن بوجه اوزره زبان زد تقریر ایتشد ذکر فقیر هر قدر
 سلطان محمدک حمالیکن تعلیم و اولاد امرای افراء کلام قدیم ایدردم
 تیمور ظلوم سلطان محمد و امیر سیف الدینی بر طریق مرافقت بلاد روم
 مرز بومر طلب ایتد کین خربوران امتثال امر ایله اعداد و لوازم سفر
 و احضار خروا ستر ایدوب سلطان محمد فقیرک استصحابن مراد
 ایتمکه تدارک سفر و قطع علائق و بویاق و بزمله مرافقت موافقت
 ایله دیوتنبیه ایتد کده فقیر ذهابدن استغفا ایله یا مولانا بو حقیق

ناتوان اهل قرآن صاحب فاقه و تدارک سفره عظیم الطاقه و لدوغند
 غیر ضعیف البنیان بخیف الارکان بر شیخ قیاب و توانم اگر چه صحبت عالیه
 غم و غصه یر سالب و خیرات کثیره و افراح و فیه یر جالب و لکن عدم قدرت
 و معدوم قوت ایلد حرکت اقتدارم اولوب ریج اسفار دکلم سیمما بوسفر طویل
 المشقه کثیر المشقه یر استعداد وجود راحت معقادم اولدو و عندن ماعدل طویل
 سفره بر راس خریا استر ربطنه قادر دکلم اما خباب معلا القابلینیه بو حرکت
 حتم و لازم مانند حق ملازم اولوب تخلف و تشوف ممکن دکلد بومقوله هر چند
 ایراد اغذار ایلد معالج و مقدم مقدمات صحیحه النتائج اولدم ایسه پذیرای
 طبعی اولوب ولدخی علی کثیره ایراد و فقیری دیر دیمز منقاد تمکین ناچار
 تدارک زاد و زواده راه و طریق و مومی الیه رفیق اولوب قطع برادی
 و اطوار و نزول و ارتحال بلاد ایدرک افتان و خیزان هزار غصه و قلق ایلد
 اردوی نیموده ملحق اولوب اول جباری لباس خود رانی و طنطنه دارانی ایلد
 کمال تجبر و تکبره مشاهده و کثرت جنود و خیل و حشم و وفوت لشکر و حوشی
 و خدمی هر مرتبه ده که احاد عسکر دن بری گواه و سهو طریق ایلد ضایع کرده رفیق
 اولسه تراحم و تراکم خلا یقین ناشی مکر بردخی یور الجمع اصحاب ایلد متلاقی اولد
 ایدی اول بحر زخارا ایلد فقیر دخی کشت کذا ایدوب لکن چکا چاک حرکت ایلد
 صندوق سینه چاک و عظام ظهر کسیر و مابین ارا ذلد مانند اسیر اولوب
 حصول نصب و تعبا ایلد بدنه علی و طبعه ملطاری و لغین ترفیه حال و تسلیه
 بال بر ملال چون یوما ما طرف فکر طریق اولوب کسب راحت ایلد تلاوت قرآن
 مجید مباشرت ایدوب آزار حزن و تجوید رنگین ایلد قرائت ایدرکن ایکی مرد ضعیف
 مانند عود بالی الخیف اشعثین اغبرین اصفرین جنب فقیرده حاضر و حال
 و اطوار یر ناظر اولوب عیون دامعه و اذان خاشعه ایلد ایات کیمه یر سامع
 اولدیر فقیر دخی قرائت ایلد کامران مرام اولوب جواهریات محفوظه محفوظه سینه

و ذواهر بنیان پیرایه سر شیشه سریره اولمغله عندلیب ناطقه دم بسته
 و زبان ضراعت مناجاته دفع دودست ایتد کده مزبوران کویه خونین ایلد
 آمین کویان اولوب طومار دعا دخی مطوی و لبغه فقیر متوجه و سلام و تحیت
 ایلد متفوه اولوب قرائت فقیری تحسین و ترتیل و تجوید یر هزار آفرین ایتد
 صکره حضرت منزل الکتاب مجری السحاب پیوسته مشکوه قلبکی انوار
 قرآنی یر مظهر ایلد که قلبی منور و حسن تلاوت کله آینه صد و ریزدن دفع
 کدر ایتد دیو فقیری مظهر دعی خیر لری ایتد یر بعد ذلک فقیر توجیه
 خطاب ایدوب بلد و جار و بوسفرده رفیق دلدارم نه اولدوغن و کمر
 اولدوغن استخبار ایلد منتظر جواب اولدیلر اولامحاوره و مکالمه لرنده
 ضمیم جغتای نیمور جبار و طوایف تا تار اشرار دن اولد قلرین فهم ایدن
 مولد و مجید و مسقط راس و وطن عتیق و جدیدی و اهل قرآن و رفیق
 محمد سلطان اولدوغنی بیان ایتدم پس ازان یاسیند ناطق احسان ایلد
 دوما لخال اعتذار اولوب بر نشسته سوال ایدر نخل ایتوب حل مشکل ایتکن
 رجا اولنور دیدیلر سوال عرض و طوای ایدک که مذهب فقیرده استعمال
 ملال حلال دکلد دیدیم اولدوغن کارده اگر چه ناچار ایزلکن هزاران
 مرتبه بیزار ایز اشتغال مالا یعنی ترک مایغیند را متیاز خیر و شر ایتین
 شره جواز کوسور مش اولور الله تعالی نه مائده دن مقنات اولور سیر
 دیدیلر خوان بر الوان سلطان محمد دن دیدیم بوطایفه نک مأکولاتی
 حلال یا حرام و بالمیدر دیدیلر غالبی حرام بلکه جمله مظالم و مائتدن
 زیرا معادات و منهب و غارات و مسلک و اخلاسات و مقصبات در
 دیدیم والله یا امام اسات ادب ایدوب دور و دراز مسایل ایلد سزای
 تصدیع ایتد لکن سزولر اهل علم و ذابکو عفو و حلم و عادت کز جبر کسیر
 و فک اسیر و تیسیر امر عسیر در تفحصه جرمنی عفو ایلد مقابل ایدن

مجید عسماوی

خشونت ايله معامله اتمك كرت سزد يدیلر سوال ايدك لكن تسلسل
 كلام اقام اتمك ديدم اول با ميتعالي همچون كه سزى خزينه دار كنجينه
 كلامي اتمشد ر معالمر حلال و حرامى بيان ايدوب بومرته تهجم ايله بزى
 ملام و هدف سهام و دشنام اتميه سزى را شيخ مرشد اشفق من الوالد
 اولمقله ترك ادب محرك عروق غضب و عتب اوليه ديديدلر بومرته تكلف
 و تضلف بسدر سوال ايدك و هر نه مرتبه تسلسل سلسل كلام ايدركن
 ايدك ديدم يا سيدى بولسا مك مرا فقتندن غيرى سزى شريعه و بوجرا
 اجتناب را و زك ز ريعه يوقميدى ديديلر مرا فقتلوند مضطر و حجتلوند
 مجبر اولوب سلطان محمد فقيرى اكراه ايله همراه ايتدى ديدم آيا خروجدن
 امتناع كوستوريد كنز ارا قه دم واسر ولد ياسبى حر ايد ز لميديدى ديديلر
 لا والله و حاشا لله ديدم يوخسه ضرب و حبس يا مصا دره يا بعض مفاده
 ايد ز لميديدى ديديلر فقير اولمقوله عذاب و عقاب و عتابدن ما مؤن
 الساجيم زيرا حافظ قرآنم مخدوم هر ضرردن حافظدرد ديدم ايمدى اول
 فاعللك غايت فعللى سزى يا دشنام يا ملام يا قطع وظيفه يا منع صلاح
 ما لوفه ايدى ديديلر آنى دخى ايتيوب تغرز و تمتع و رفعت و ترغى تزييل
 و وقار و اعتبار يمي تقليل ايتزلرا ايدى انحق دعوتلرنيه اجابت و طلبلرنيه
 اطاعت و خدعه لريله متخدد اولدم اى كاش كه ممتنع اولوب بوطايف ايله
 مجتمع اولسيدم ديدم بوسكا سچل غدر و عند الله حجت و عذرا و لمز آيا
 وحدت خا نكده جالس و تلاوت ايله نفسكى جابس و مطالعة علم و مباحثه
 اخوان و جلب خصال حلم و مستعد غفران اولوب ديدركزى رايه اجاب
 ايله فزير و معد حصى حلال ايله سيرا يتمكه حماي يقين و سايه ديند بوشرا
 ضرردن مختمى و قوت مقدرا ايله مكنتى اولوب حرام مضطر و زحمت
 سفر ايله در بدر اولمقدن اولى دكلميدى سيما امثال كز دن مسرور و منقول

اهل القرآن خاصة الله و عتقا بين خلق الله و بركا تلري محط سحاب اذناق
 اولوب مدح لوى پيرايه سر شاخ زبان اهل آفا قدر ملوك زمان سلطان
 اهل نصيند را تما سيز لر ملوك سلاطين اهل دين سز طلب رضا ي الهى عزت
 و اخلاط ناسدن فراغت ايتسكن جسم عالمه منزله قلب و داس اولوب
 تسلط شياطين الانس دن امين اولور سز لكن نفس كزى بو و رطيه القا
 ايله طريق عوامه سالك و اقحام مهالك و ضايع كرده احسن المسا لك اولمش
 ابراد ايتد كز اضطرار عند الله اعتذار اولوب فردانه وجه اوزره جواب
 قادر اولور سز اما نيجه حاكزه معاشر القرى يا ملح البلد ما يضلح الملح اذا
 الملح فسد مدلولى ما صدق اولمشدرد ديديلر فقير دخى قضيه مجتس
 اولنشه جمله مز نيجه ده على السويه ايز عربيه **فِي مِثْلِ مَا يَكُ يَا حَاجِمُ الْبَلَاءِ**
أَنَا بِالْقُدُودِ وَأَنْتَ بِالْأَغْصَانِ مفهوبيله جواب و بر دم رد و بدل
 بومقامه رسيدف و طومار كفت و كو بو محله نوزدين اولنجه خر بودان
 كره خونين و هزار عويل و صد چندان آه خزين ايدوب بزمله سزك قضيه
 ما بيننده بعلم مغربين و مسافه مشرقين وارد ركن مقاله محال و ما كليا
 نعم يُقال وَأَيْنَ الْمَسْتَرْمِنِ الْأَعْلَانِ وَإِنَّ الْحَيَاطِينَ هَا أَذَانِ ديديلر
 بو كلام انحق بهت خصم همچون مرهت و مسجع بر كلام بر انتظامد ريوخه
 سز حجه و دعوا كزه محجه اولمز ديدم كرها مضطر و فقر را مجبر ايز دفاتر
 ديوانده مستقلا اسم مز رسوم و عسكرى زمره سنده رسم مز مرقوم اولوب
 تابع اعيان و امر اير اعوان دكل ايز مثلا فرمان پادشاهى يوم عيد يادو
 نوروزده وقت ظهرده ركوب ايله خروج بابنده وارد ايكن بر فرد حركتن
 وقت عصره تا خيرايتسه ضرب و شتم و تشنيع و تعذيب و تذليل و تخفير
 و توبيخ و نشه پيردن قطع نظر قطع راس يا صلب مقرر در بوقدرجه ناخبر
 ايله بر آدم بومرته عذابه مستحق اولنجه يا عذر مقبول يا ما هو الواقع عرض

معنى الكلام
 اهل قرآن اولان علماء ملح بلد در بعضى اهل بلد
 فساد بولورسه عيال اولور صلاح ايدرا قافا فاسد
 اولور لسه عيال اولور صلاح ايدرا بعضى علماء فاسد
 اهل قرآن اولان علماء ملح بلد در بعضى اهل بلد
 فساد بولورسه عيال اولور صلاح ايدرا قافا فاسد
 اولور لسه عيال اولور صلاح ايدرا بعضى علماء فاسد
 اهل قرآن اولان علماء ملح بلد در بعضى اهل بلد
 فساد بولورسه عيال اولور صلاح ايدرا قافا فاسد
 اولور لسه عيال اولور صلاح ايدرا بعضى علماء فاسد

ایسته یا بلا عذر قعود یا طول مدت تخلف یا استنار یا بر مقدار توقف
 ایسته نمرته مبتلای عذاب ابد و گرفتار شکنجه امداد و ملق لازم کلور بومعنا
 چوق کمسنه ده تحقیق و تجربه و هزاران عسکرین سمعاً و نظراً استماع و
 مشاهده ایدوب السعید من انعط بغیر مدلولنجه نصیحت پذیر و یون سبب
 ایله بند و اسیر و لشوز دره اولیدی قلم و حکمکندن تحویل ممکن و میسر
 و حکم فضا ایله آخر مملکت رحلت مقدرا و لیدی اولدخی عیدیم الامکاندر
 زیرا بر محل که وطن و مسکن و مستقر داس و خزر غره غرس و مجمع رجال
 و محط احوال و مألوف دل و معناد خاطر و مکان انتعاش و کسب معاش
 و مدرج آبا و مخرج ابنا و مقام قبایل و عشایر و مسکن غایب و حاضرین
 اوله ترکی بنجه ممکن اولور با خصوص کشت زار قبیله دن بلیل و هدهد
 دکل بر جُد غایب اولور ایسه یا قیلری مختطف شاهین جیف و علف
 شیر شمشیر و سیف اولور اما بر سفره مامور اولدقد اولانه طرف مراد در
 وقاج سنه لک سفر در دیو استخبار ایدوب اکا مناسب احضار زار و زاده
 اینمکه کوشش ایتد و کمرده اکا دخی رضا کوسور لیوب هر بریز بر جراب سویق
 ایله اکتفا اینمکه مجبور و کلفت نفس و علق فرسی دخی بار بار کیر اتمکه
 مامور اولوب مدی الدهر روزه دار و سدر مقی قدر شئی ایله افطار و ستر
 عورت ایدر خرقه ایله استنار حال ایدر زاولدخی جمله کدیمین و عرف جبین
 اولوب کمسنه نلک مال و عرضنه متعرض و بر فردک طریق نفقه سنه ناقض
 دکل ایز و غیر یلک بینمده نسبی و آخرک بزمه سببی یوقدر لکن یا مولانا بو
 بر بلا ی طام و مصیبت عام در دیوب تحریک سرو منکب اینمکه سفید لب
 اولوب هزار کویه دلسوز و سوزن آه ایله جکر دوز اولدیلر فقیر بوجال غریب
 و کیفیت عجیبی مشاهده اید بنجه والله آتش خسرت ایله سوزان و هزار
 ندامت ایله کریان اولوب کبار مشایخی بونله نسبت ایله استصغار و اکابر

جُد جُد
 چکر که به مشابه شد

علمانی انلره قیاساً احتقار ایدوب بعد ذلک تفکر و شدت امر و قابض علی الجمل و اولدیلر
 یقین اینمکه کند و حمله پیشمان و کویه و آه ایله خاطر پریشان اولوب ای برادر لر
 اول بلا ی طام و مصیبت عام ندر دیدم حیل و مواشی و حوامل حواشی و غواشی
 اموری قصم ظهور اینمکه اول واسطه ایلر حرامدن تخاشی اینیوب اموال
 مسلمینه طاله دست یعدی و رعیز دوع عباد الله تجوی ایتشوز د رجبا بوند
 بزه برجات اولوب بولاش سامان سوزنک اطفا سنه سحاب فضل و بجا کریم
 قطره اجازت و ارمیدر تا که آنکله اطفای ناثره غصه و تبرید خای عسره
 ایدر لودیدیلر فقیر دخی لا والله فضل الهی و لطف نامتنا هیدن غیری چاره
 یوقدر لکن قسم که کند و بنفسمه نظر اشترحالمی بکاستمع و امر عیشی بکاتج
 ایتدرب داغ بر بلا ی داغ و غم فوق غم و نصیب علی المنصب ایلدیکونله نقا
 سیر کریم سز و اسمکن ندر نه قطر و نه اقلیم و نه سما و نه زمیندن سز اخبار ایله
 فقیری کامران مرام ایدک که باری کاهی سلام کونه فایز و مصاحبت کنایله انواع
 خیر حایز اولام دیدم یا مولانا الحمد لله که دیدن دیدار یکرایله قریر العین و شرف
 صحبت کنایله زین اولدق معرفت سز و جلب خیر و عدمی باعث خیر و ضیاء و لمر
 و اغلب ظنر فیما بعد صحبت عالیلر ایله مشرف و ملق واقع اولیه اکو اجتماع مقدر ایسه
 بوبنده لوی مشیا علی الوجه لامشیا علی القدم ملاقات ندر نه سعی و کوشش ایدر ایز و
 لکن سیزی حضرت باری تعالی امانت ایندک دیوب الم فراق و داغ افراق ایلر و داغ
 ایتدیلر شیخ موچی ایله یور تیمور سلطان محمدک حال جاتنده اما حی و بعد الموت
 مدرسه سنک اما حی و خطیبی اولوب تاریخ احادی و ثلثین و ثمانماید ده داعی حق
 لبیک ایله اجایت و رختکش دار آخرت اولدی الحمد لله الملك المنان داستان یقور
 کورکان مجردن قطره و اطوار عالیان دن زن مانندی پایان بونوب رشته تسویه
 کشید قلمغله افعال و اقوال زخل و علملان مصون و احوال و اطوار بمر نال و مللک
 مامون اولدق در خواست بارگاه بچوندر الخاتمه ادبای نهاییه نمایان اولد کریمو

یوت
 اوغل معناسنه در
 منلا شاپور یعنی شهرزاده

اعرجت احوالی شد عجز و اخبار و آثاری عجیب آثار و خبر اولوب امور و ظهوری افتاب
 دبع نهاردن اظهر و داب جنود مرد و دی عاد و نمودن اشهر و ولوله کوس خروج
 و عروجی صماخ جهانی سیرایتمکله تقدی و بحر تسی شرقا و غربا عالمگیر اولوب
 ایقاد ایتدوکی نیران فساد عیدم المنود و ترا و تجرا اجرا ایتدوکی سیولفته و اشتداد
 مستحیل الجود و لمغین بوباید مبالغه در اجتناب برله مصنف مرحومک قصیدین
 افصاح و فحوی مرادین ایضاح ایدوب اگر چه مرحوم مختصرین اوضاع دهر و فساد
 عصر دن شکایت ایلد ختم ایتشد لکن فقیر الشکر یزید النعمه مدلولن تفکر یا خود اقل
 مافی الباب بیت گذشتم از سر مطلب تمام شد مطلب مفهوم تذکر برله اولجا
 مورد اللال و اول معنای بی مثالی طائل تحت عدایتمکله شکران ایلد امضا کن مختصر اولفی
 اولفهم ایدو استغفر الله فکر اعتبار و اعوذ بالله ملاحظه کسب اشتهاردن انجمن افاده
 اراده اولوب عادت زمان داتده آداب ادیب کبریا برسیما بویا آمد معارف ادیب ازان
 ناسد ما نند طین ذبایا مثال صیررباب یکن اولجاله ملقفت اولیوب صرف مجاهد
 والله الحمد دستیار دی توفیق دخی مساعده ایتکله بعنایه الله تعالی تعرض حوادث و خط
 ملوان و تکثیر انیاب قطوب نرمان و صدق قارعه دافعه و ظهور مشاغل مانعه
 اولیوب قوافل اهتمام بند نگاه مرابه خطا محال و سودا کو خواش سر منزل مقصود
 بند کشای متاع آمال اولوب عند لبنا دره کوی ناطقه کلزار ما مولد بال نورد
 آدام اولمغین شکر گذاری برله بورسمه نغمه سرا اولمشدد **قطعه**
 بحمد الله بوثالیف لطیفک :: معانی پرور اولدی هر اداسی ::
 ایدوب توفیق حق شدیدا فکر :: وجوده کلدی خاطر مدعاسی ::
 بضاعت کم اضاعت اکثر یکن :: میسر اولدی خواش منتها سی ::
 بور مجموعه در ارباب فهمه :: ویرور بر نشئه تازه اداسی ::
 عروس مجله آرای سخن در :: غدا در روحه روی خوشنما سی ::
 سکر اولطوی مرآت دلدرد :: که روح افزا اولور هر بر نواسی ::

قطوب
اصلا

عجب آینه در

عجب آینه در اهل نهاییه وقایع نامه عبرت نمایی
 اولوب مقبول طبع اهل عرفان اولور سه جایجا عفو خطاسی
 سزاد اولور سه کر مشهور آفاق جهان منتشر صیت و صداسی
فصل فی بیان ماهو واقع بعنایه الملك المعین
 صدق نیت و همت و خلوص غریت برله قضایای عبرت نمای تیمور عریض
 و طویل و حقیر و جلیل ترجمه و تالیف و قلاب فکر ایلد بر مقدار نوادر عبرت
 مصادری جذب و تصنیف ایدوب بدایع معانی رعایت و آداب منطق
 صیانت و مراعات التظیر ملحوظ و شرایط سجع و قوافی محفوظ اولوب
 امثال فایقه و استنمهادات لایقه و استطرادات رایقه و مجازات
 مقبوله و معلومات منقول و منقول و تشبیهات غریبه و استعارات
 عجیبه ایلد دقت و لطایف کلام حاوی و دقت و ظرافت شعر و فصاحت
 ادب و بلاغت فصحا و حقایق حکما و دقایق علمایه محتوی اعلام آیات
 کریمه ایلد خوش طراز و نقوش آثار اکابر ایلد مختصر ممتاز اولوب ظریف
 المعانی لطیف المبانی محفظه نوادر بدیعه و مجموعه نکات غریبه اولوب
 امید اولمغین مخلصان خوش هوا سندن تفکر و تتره مراد ایدن دقیقه
 شناسان پاک اذهان صحایف لطایفه امعان انظار ایتسه اجتنای رطب
 یا نفعه عیش روحانی و النقاظ اذهار فایحه ذوق وجدانی ایتدو کندن غیری
 نفخه عبر و مجتسب خبر ایدن اصحاب اعتبار اخبارین تدبر و تدقیق و آثارین تتبع
 برله تحقیق ایدر سه کشت زار حکما یا نندن لافط سنابل مرهم و حایر خمن اهتمام
 اولوب مقرر در مع ذلک ادای حق تهذیب کلام و تذهیب اوراق مرهم ایتکده بضاعت
 قلیل و نیل مقام کماله پای جهد علیل اولد و غنه انصاف ایلد اعتراف ایدرم زیر ارتباط
 روابط کلام ما نند سمیط در ره هوا ز نظام اولوب لایق تعاق شواهد لفظ و معنا
 و جمع شواهد عبارت و فخر ایه محتاج در اول منزلتیه ایسه هر ماشی و حافی پای

کمال و ملق عظیم الاحتمال در ولا جرم بومقوله صعب المنال دقیق المقال وادی به
سلوک بحر دهن صافی و معدن جواهر علم وافی و هر حاله صاحب رای
صایب و فکر ثاقب و رفاقت توفیق و کشف استار تحقیق و محیط علوم نقلیه
و عقلیه بلکه مالک قوت قدسیه و لغه نیا ز مندر عربی **بیته**
فانی انتفی للنظم دُرّاً و کَرّ تظفر یدی منه بود عه
اول حالت ملکیت بوزمانه ایسه کیمه میسر در که فقیر مقدر اوله انجمن
عنوان اثرده دگری سبق ایدن سبب لازم ایله شروع اولوب انما منه
کوشش امر مختم اولمغین لله الحمد فتح مغلقات لغات و کشف استار
تکات اولوب تزیین ابکار افکار و تحسین عرایس نظار ایله سلك ادبایه
سالمک و طریقین نعم المسالك بیلوب علی قدر الطاقه کماند رهمت آهوی
معانی دقیقه اقتناصه حواله سهم تصور و غواص دقت قصد جواهر
الفاظ دقیقه ایله غوص بحار تدبیر ایدوب پیرایه دست امل اولان متاع ^{جلیل}
و حقیر طبعیه اخلاصه تقدیم اولوب مجازات مشهوره حقایق مجبور دین
اولی و غلط مستعمل صواب مملدن احلا اولمغین اولباید واقع اولان
عبارات تدبیر آرای صاف صفا انصاف از باب کرمه حواله اولمغین بود دخی سریره
اولوالالبابیه ستیر دکلد که مصنفات ذوی الآداب سلف ایله خلف بیننده
بون مدید و امید بعید اولوب فی الجمله قرن اول ثانیدن خیر لوا ولد و غنی بلا
نزاع اولدوغنه بناء لا محاله زمانلری مساعد ساعد استعدا لری اولوب
هر بری منظور و مرغوب ملوک و اکابر و مطلوب ارباب فضل و ماثرو ملتفت
اصحاب جاه و مفاخر اولدوغندن غیری نضارت وقت ایله افهام مدد که
و قرائح متحرکه اولوب غالبینک دخی مخدوملری ارجمند دانش پسند معارف
آشنا فضایل آزما مقرب ادبا و علما مرئی شعرا و ظرفا اولد و قلری بلا قیل
وقالدر فاما الآن شکایت دکل بر طریق حکایت کثرت مشاغل و خطوب

زمان ایله مانند روز مهر جان یا چو کفی میزان اعلا وادنا تک غدا
وعشتی و جمیعت و تلا شیلری یکسان اولوب شداید عصر ایله افهام
جامد و قرائح خامد و حرارت غریزه کوشش و جوشش بارده اولدوغنی
نمایاندر بنا برین سلك تسوید کشیده قلنان اخبار صادقه و عبارات
صدق ناطقه و الفاظ فایقه نک هر چند اصلاح و تنقیح دقت صرف
و تنقید و تصحیح امر از طرف اولندی ایسه دخی سهو و خطا دن خالی
و شاید تکلف ز عاری و لما مغله انکشت نما اولان مواضعی حسن تاویل
ایله مأول یا تصحیح حال ایله مزاول بیورلق مسؤل اصحاب قبولدر التاریخ
بوبر مجموعت عبرت نمادر : ذوی الافهام اولدی اختصاصی
دواء المشک ترکیب سخندر : فرح افراد در ادنا خواصی :
اوله بو مختصر امید وارم : پسند خاطر دانی و قاصی :
بجد الله تمام اولدی تمنا : میسر اولدی تمام و خلاصی :
دیامدی مرتضی تصنیف تاریخ : وقایع نامه تیمور عاصی :

الله

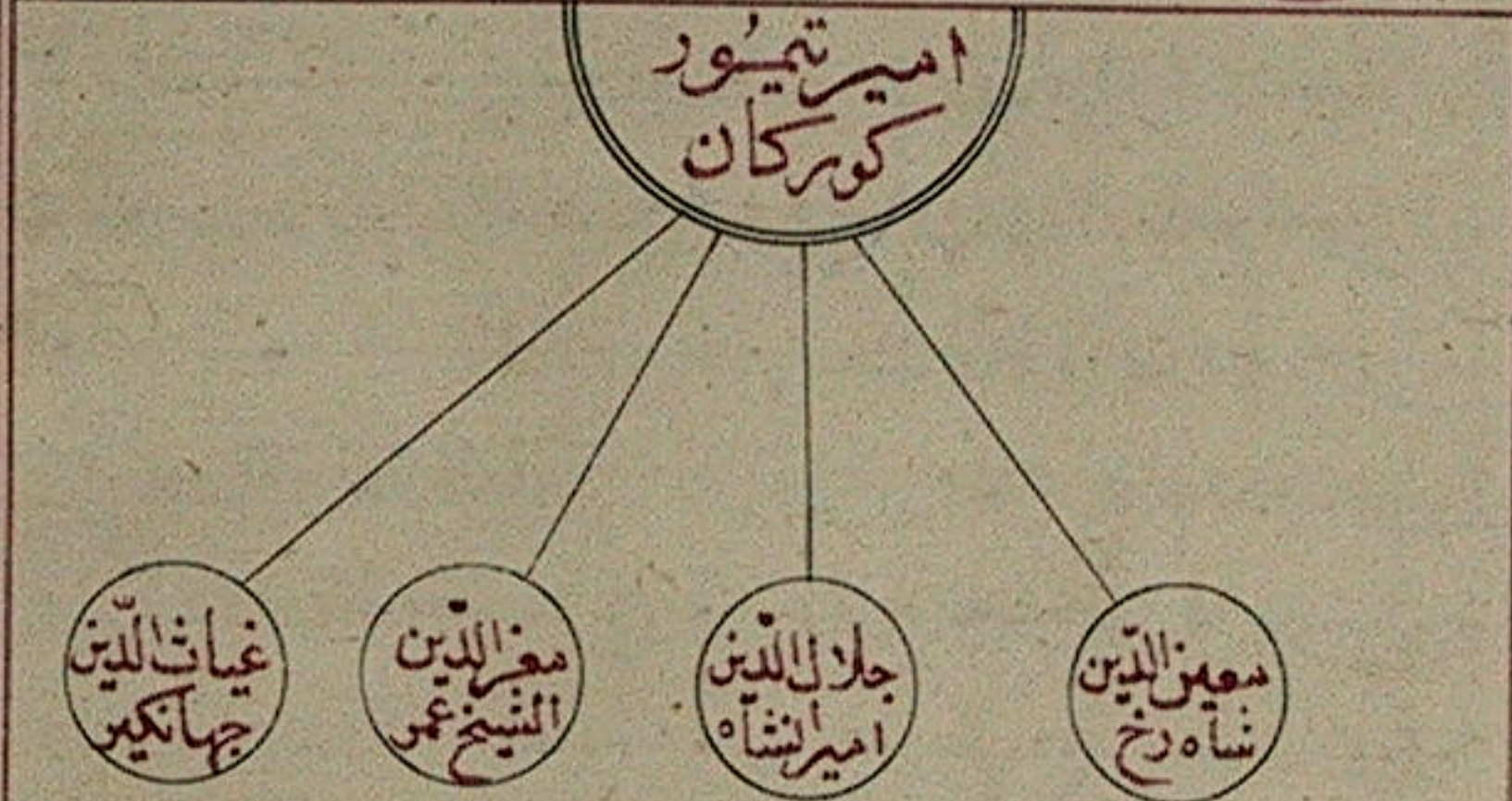
ان شاء الله تعالی رسید دست ذوی الافهام و علماء منشور الاعلام
اولوب مطالع عالمه لری ایله شرفیاب اعتبار و کامران افتخارا و لورسه
نظر افاده و استفاده ایله منظور و عنرات و ذلالتی معذور و کسری
مجبور و عیبی مستورا ولوب رفع خلل و تصریف عمل و عفو ذلل بیورلق
ملتس لطف عظم و درخواست صفح و کرم لری در و الحمد لله حمدا یملا اردان
الامکان و یعطی خیا شیم التوحید فی جمیع الازمان و صلی الله علی سیدنا
محمد صلوة یتلغ قائلها مأمنه و یجعل فی جنة الخلد مسکنه و علی آله واصحابه
الذین استمعوا القول و اتبعوا احسنه و نستغفر الله من حصا ید الالسنه تحریرا
فی صباح یوم الاحد الثانی والعشیرین من شهر ربیع الاول من شهر سنه مایه

وعشر بعد ألف من هجرة من له العز والشرف

الذيل

مصنف مرحومك تاريخ اثر و مرسومي سال اربعين وثمانماية ايله
مختوم اولوب ذكر احوال اولاد واحفاد تيمور استيفا اولما مغلان
شاء الله تعالى نلرك دخي ذكر لري وكيفيت حال ونتيجه مائلري بيان
ذكر اولاد تيمورده وعدا و لمشيدي حالا بتوفيق الله تعالى يفاي وعد
ايله بوجه نمودج جمله نك بيان حاليله مسوده فقير تذييل اولندي

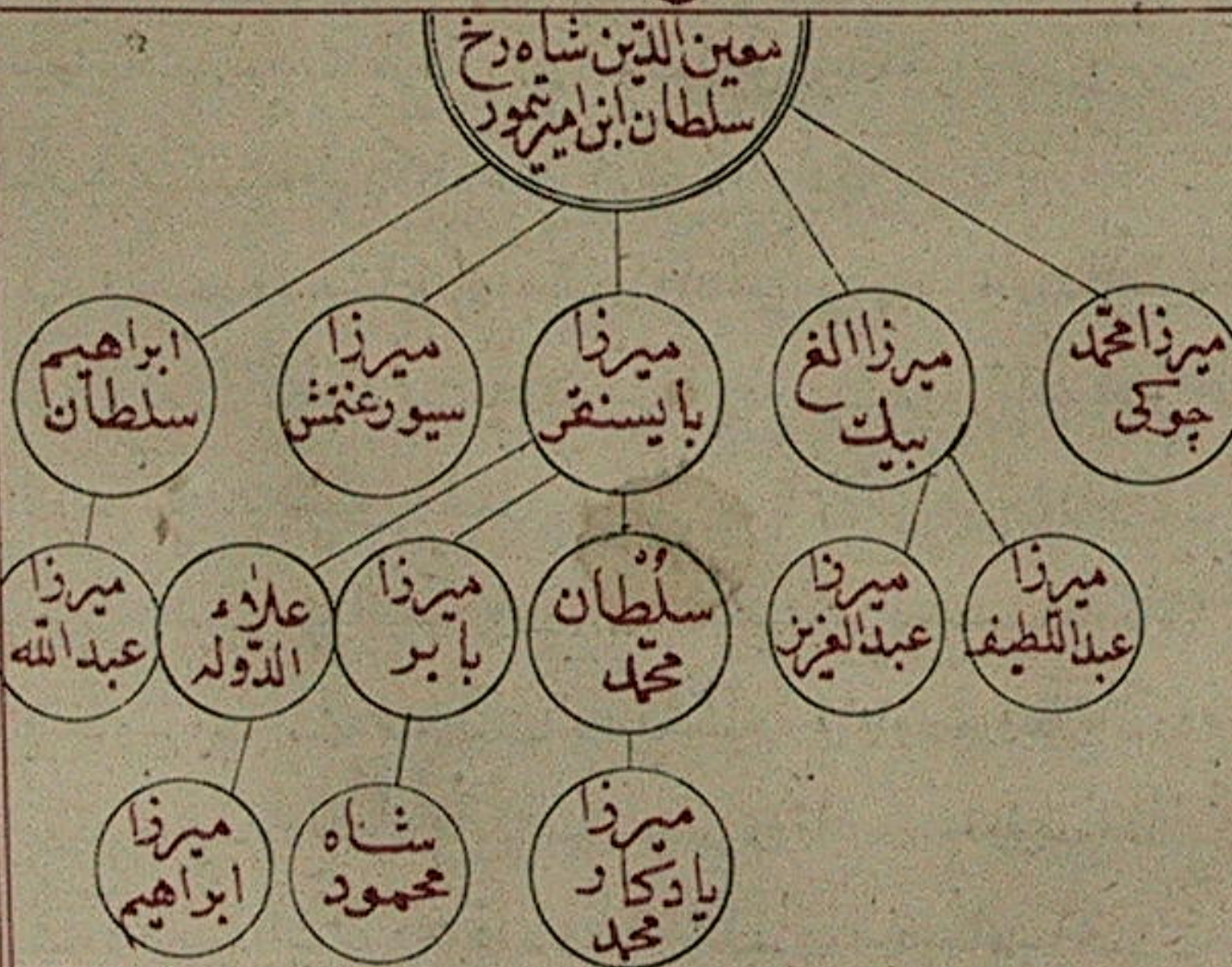
در بيان سلطنت امير تيمور كوركان و اولاد او در ممالك هند و ايران و تودان



وجه محتر او زره تيمورك معين الدين شاه رخ و جلال الدين اميرانشاه و معين
الدين الشيخ عمر و غياث الدين جهانگير نام ولقب دُرّت نقر فرزندى اولوب اما
شاه رخ توجيه پدر ايله سال تسع و تسعين و سبعمائة ده حكومت ممالك خراسان ايله
مسرور الخان اولوب زمان پدرده سكر سنه ممالك مذكوره فرمازان اولدق
صكره فرق اوج سنه دخي بادشاه ايران و تودان اولوب جمعا التى برسنه سلطنت
ايله تاريخ خمسين وثمانماية ده يتمش برسنه عمر ايله نيشا بوده مقبور اولدى
اما اميرانشاه پدرى فرمايله تحت هلاكو خانه كه عراقين وادريجان
وديار بكر و حدود رومدن مملكت شامه واربعة اولان بلاددن عبارتند

حاکم حاسم اولمشیدی تیمور وفاتندن صكره اوج سنه مرو زنده تاريخ عشر
و ثمانماية ده قره قیونلی قره یوسف تركمانيله ادریجانده واقع اولان محاربده
مقتول و دارالبقایه وصول بولدی اما الشيخ عمر تاريخ خمس و تسعين
و سبعمائة ده اصفهان قریبده تیمور آل مظفری عموما استیصال ایدوب
حمالك فارس حكومتنه تعیین پدر ايله متصرف و برسنه حكومتدن صكره
سال است و سبعين و سبعمائة ده خرمانتو نام قلعه جنگنده اصابت
سهم ايله زخم دار و اول زخم ايله رختكش دار قرار اولدى اما جهانگير
تيمورك اوایل خروچنده سال است و سبعين و سبعمائة ده بلده
سمرقنده حل خراجيات و سر نهاده بالين حمات اولدى

ذكر احوال اولاد مغیر الدين شاه رخ سلطان بن تيمور كوركان

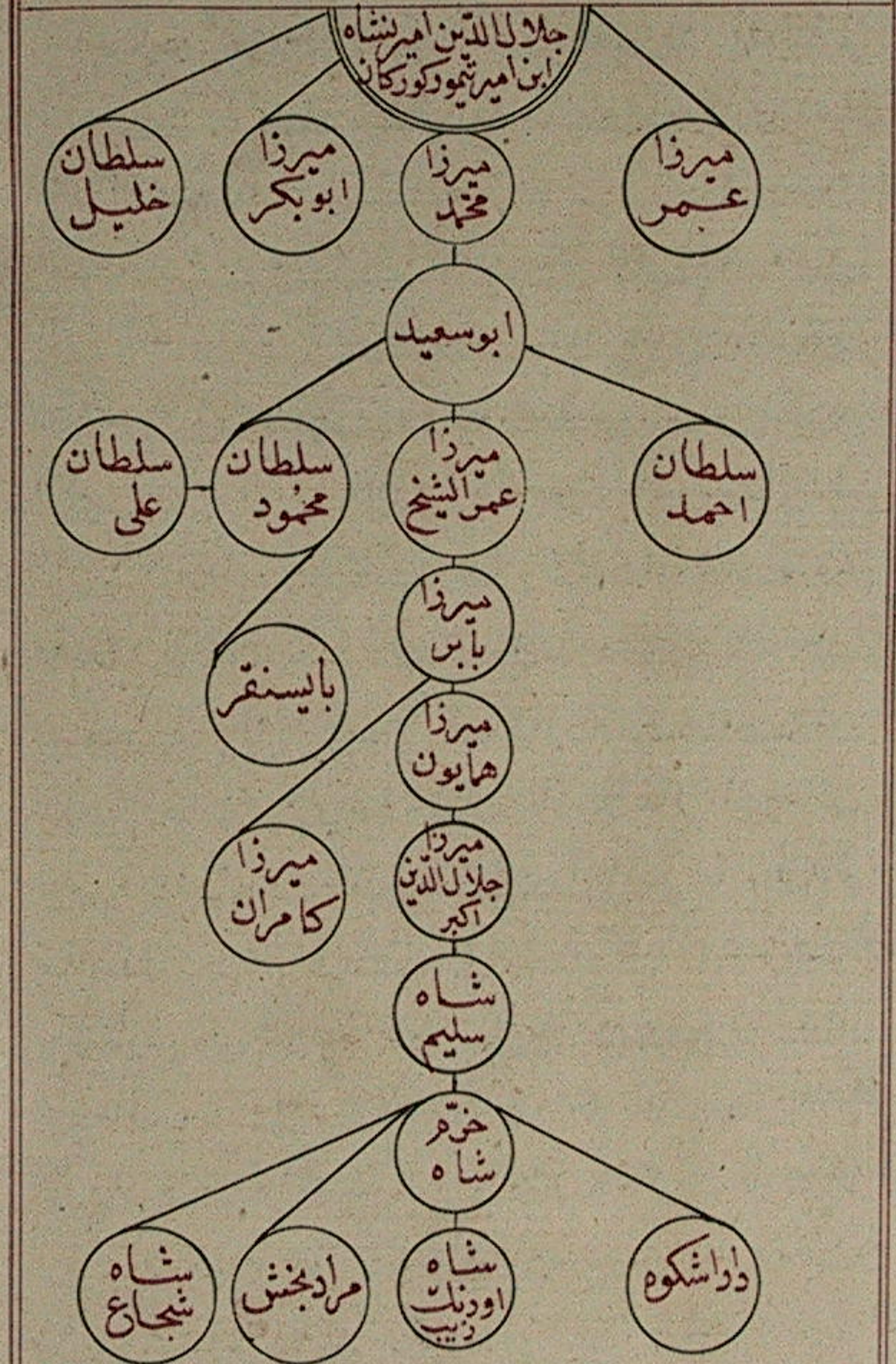


اولاد واحفاد شاه رخ وجه محتر او زره اولوب اما میرزا محمد والدى
یا منده سال ثمان و اربعين و ثمانماية ده منتقل دار آخرت اولدى اما میرزا
اولوغ بیک تاريخ اربع عشر و ثمانماية ده پدرى تعیینی ايله حاکم سمرقند
اولوب فرق برسنه حكومت ايله التى یاشنده اوغلى عبد اللطيف دست

گذردند سال انین و خمسین و ثمانمایه ده صهباکش شهادت اولوب
 منتقل دار آخرت اولدی و میرزا عبد اللطیف دخی قتل پدر در نضکه پادشاه
 ما و راء النهر اولوب انجق آلتی سلطنت ایله برخوردار عمر اولوب امراسند
 برینک غدریله هلاک اولدی میرزا عبد العزیز دخی قتل پدر در مقدم
 برادر عبد اللطیف مباحثه سلا فکش پیمان شهادت اولدی اما میرزا
 بایسنقر پدری تا منده سنه سبع و ثلثین و ثمانمایه ده سن ثلثین ایله
 هیراته ترک حیات مستعار و عازم دارالقرار اولدی و غلی سلطان محمد
 جدی شاه رخ زمانده تاریخ ست و اربعین و ثمانمایه ده حاکم عراقین ایکن
 جدی وفاتند نضکه رفع لوای خروج و ذرعه عدوانه عروج ایدوب عراق
 و فارسه پادشاه مستقل اولد قد نضکه قصد خراسان ایدوب میرزا
 بآریله محاربه و مقابله مکرده لری واقع اولوب بالاخره برادر میرزا
 بایرنده کشته و بندرگاه عدمه بار بسته اولدی و میرزا بایرنده کشته
 شاه رخ حدود نیشابورده مقبور اولد قد اردوسن غارت و استرابا
 طرفه اماله لکام عزیمت ایدوب میرزا اولغ بیک ما و راء النهرده بولمقله
 تاریخ انین و خمسین و ثمانمایه ده واروب پای تخت هیراته زانوزن
 سر بر سلطنت اولد قد نضکه برادر علاء الدوله ایله نصب کارگاه جنگ
 و بیکار ایدوب برسنه سلطنت ایله رختکش دار قرار اولدی و علاء الدوله
 مذکور جدی شاه رخ عراقده ایکن ملک خراسانده قایم مقام اولوب انتقال
 شاه رخ خبری اشاعت بولجده دعوی سلطنت ایله صاحب تخت
 خرابین جدا و لمشیکن برادر میرزا بابرک غلبه و استیلا سنده تاریخ خمس
 و ستین و ثمانمایه ده فرار و رستمدار حدودی بحر قلزمکارنده فرق
 بش سال عمر ایله منتقل دار خلد اولوب نفسی هیراته رفع و کوه
 شاد بیکم مدرسه سنده صندوق حده وضع اولندی

سلطان محمد مر قومت فرزندی یاد کار محمد سلطان ابو سعید غدر
 حسن طویل ایله شهید اولد قد مر بودک امداد و اعانتیله پادشاه
 خراسان اولوب تاریخ خمس و سبعین و ثمانمایه ده سلطان حسین
 بیقرا اقدامیله عازم دار بقا اولدی میرزا بایرنه قور او غلی شاه محمود
 صغیر السن ایکن پدری فوتند نضکه حاشین پدر اولد قد عتی
 زاده سی میرزا ابراهیم تسلطیله منزما استراباده واروب سال
 احدی و ستین و ثمانمایه ده اون برسنه عمر ایله راه عدمه وضع قدم
 ایتدی و میرزا ابراهیم مر بود شاه محمود مر قور غالب اولوب عقبینه
 استراباده متوجه ایکن میرزا جهانشاه ابن قره یوسف خراسان طرفه
 لشکر کش اولغین علی الطريق بر برینه متصادم و متصادف اولوب میرزا
ابراهیم آنک ایله فرار و سال ثلث و ستین و ثمانمایه ده هیراته مرخل
 دارالقرار اولدی اما میرزا سیور غمش والدی شاه رخ منشوریله غریز
 و هنده والی و حاکم مقدم اولوب زمان بدرده تاریخ ثلثین و ثمانمایه
 عمر ثلثین ایله منتقل دار البیقین اولدی اما ابراهیم سلطان پدری
 شاه رخ زمانده یکرمی سنه مقداری فارسده حاکم اولوب حال
 حیات پدرده سنه ثلث و ثلثین و ثمانمایه ده اجل مستی ایله منتقل دار
 بقا اولدی و غلی میرزا عبد الله پدری فوتند نضکه شاه رخ منشوریله
 حاکم فارس اولوب تاریخ سبع و اربعین و ثمانمایه ده میرزا سلطان
 محمد فارسه استیلا ایتدکه جدی شاه رخ فارسه کلوب سلطان
 محمد فرار ایتدکه تکرار مر بود میرزا عبد الله حاکم فارسه تقریر
 ایتدی بعد فوت شاه رخ نوبت ثانیه محمد میرزا فارسه استیلا
 ایله عبد الله اخراج اتمکین سال اربع و خمسین و ثمانمایه ده عبد
اللطیف میرزا مقتول اولغین عبد الله واروب سلطنت ما و راء النهر

ایله جالس سریر و روی ولوب بر سنه سلطنتد نصکره نبیره امیرانشا
سلطان ابوسعید ایله سنه خمس و خمسين و ثمانماید و واقع محاربه زند
اون طقوز سال سن ایله مقتولا ساکن محله خاموشان اولدی
ذکر احوال اولاد جلال الدین امیران شاه ابن امیر تیمور کورگان



اولاد جلال الدین امیرانشاه ذکر اولند و غیا و ذره ددرت نفر اولوب

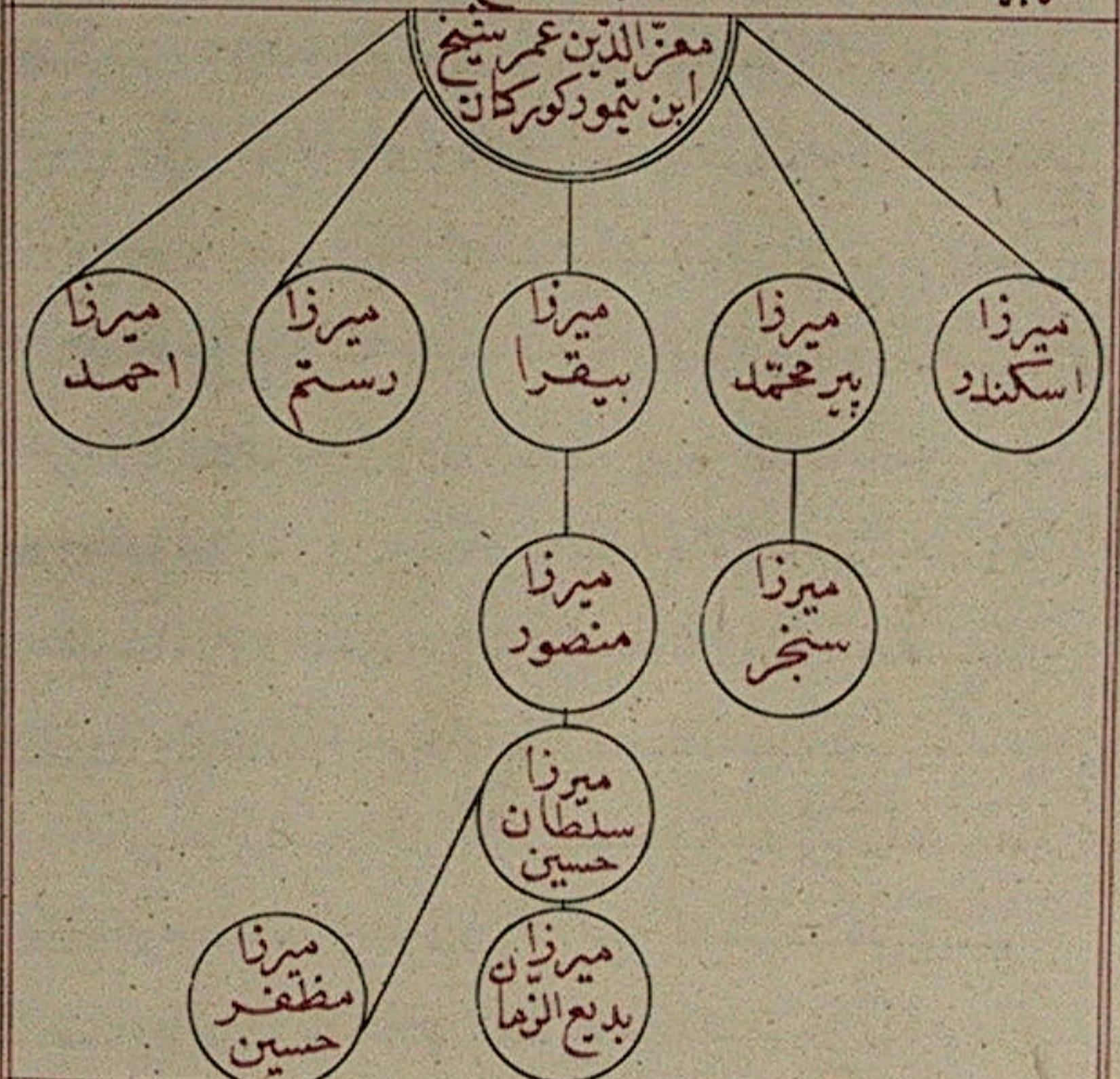
اتما میرزا عمر عهد تیمورده پدری میرانشاه آتدن تکرلنوب دماغی بر
مقدار مختل اولمغله تیمور پدری کند و به سپارش و خدمت و تدابیر
توصیه برله پدرینک حکومتگاهی اولان عراقین و ادربجیان و دیاربکر
حاکم قلمشیدی فوت تیمور د نصکره برادر ی ابوبکر ایله نصب کارگاه
جنگ وجدال ایدوب منزه ممالک خراسان پادشاهی شاه رخ سایه
النجار و برمدند نصکره آنکله دخی اشغال نثره جنگ وجدال ایدوب
مجر و حاکم اسیر و اول جرح ایله سال بسع و ثمانماید ده منتقل دار آخرت
اولدی اتما میرزا محمد ک کیفیت حالی نامعلوم اولوب انجق فرزند
سعدا ختری سلطان ابوسعید ابن سلطان محمد میرزا عبداللہ بن
ابراہیم بن شاه رخ مقتول اولد قد نصکره سمرقند ده بخت پادشاه
جلوس و مساعده بخت سعید ایله خراسان و غزنه و کابل و سیستان
و عراقده فرمانران اولوب سکن سنه پادشاه مستقل اولد قد نصکره
سال ثلث و سبعین و ثمانماید ده دیاربکر و ادربجیان ملکند
فرمانران پادشاهی اولان آل بانید رحسن طویلہ اسیر اولوب
مقتولا عازم دار قرار اولمغله اوغلی سلطان احمد مقار پدرده سریر
سروری به جالس و یکرمی سنه پادشاه ماوراءالنهر اولوب بسع
و سبعین و ثمانماید ده ترک دار غرور و درختکش سرای سرور اولدی
اتما میرزا ابوبکر برادر ی میرزا عمر فرارند نصکره تصدی خدمت
پدر ایدوب نیابته حاکم ادربجیان اولد قد سال عشر و ثمانماید ده
قره یوسف ترکمانیلہ امیرانشاه بیتند واقع اولان جنکده امیرانشاه
عالم عدمه وضع قدم اتمکین میرزا ابوبکر کرمان و سیستان طرفلرینه
فرار و حدود حیرفته حاکم کرمان ایله آتش افروز ستیزا اولوب سال
احدی عشر و ثمانماید ده کشته و طالع و اقبالی برکشته اولدی اتما سلطان

خلیل قوت تیمورده یا نند بولوب تخت تیموری پر زانوزن جلوس اولوب
پادشاه ما وراء التهر و ترکستان اولدی دُرْت سنه سلطنتد نصکوه
بعض امرانک خیانت و اهانته سلطنتدن خلغ اولمغین غمی شاه رخک
منشوریه بعض مناصب و حکومت ری ایلده اوقات کذا اولوب بلده
مذکورده سال ربیع عشر و ثمانیه ده یکریمی سکن سنه سن ایلده ترک عالم
فنا و اختیار داریتدی سلطان محمود ابن ابوسعید برادری سلطان
احمد مذکور وفاتند نصکوه پادشاه ما وراء التهر اولوب الحق ایکی آی
سلطنت ایلده ترک غوغای فنا و عازم دار بقا اولوب اوغلی میرزا بایسنقر
برادری سلطان علی ایلده منازعه لری واقع اولمغین بایسنقر منزه
پدری خدامندن قندهار حاکی میر خسرو وارد قدیم میر مذکور دخی
کافر نعمت اولوب سنه خمس و شصتیه ده خربوری استیصال ایدوب
سلطان علی دخی بایسنقر فرارند نصکوه مسند پادشاهیده برقرار
اولمشیکن سنه مذکورده ده شیبک خان ازبکی طرف دشتدن خروج
ایلده کلوب بلده سمرقندی حصار ایتدکده بازار آشتی پر ترویج و پرو
سلطان علینک والده سن تزویج اتمک حیلده سیله یا ننه کتوردوب
مادر و پسرک ایکسنه دخی خیانت برله اشتراب شربت شهادت ایتدری
خراسان حدودند شیبک خان ازبکی ایلده شاه اسمعیل مابینده
واقع جنگ وجدالده شیبک خان مقبول اولمغین سعی قزلباش ایلده
سلطنت ما وراء التهر میرزا بابر بن الشیخ عمر ابن ابوسعید نایل
اولمشیکن سهل مدته عبید خان ازبکی تحریک لوای انتقام اتمکین
مزبورانهمزام برله وادوب سلطنت غزنیه و بعض بلاد هند ایلده قناعت
واووز دُرْت سنه اول قلمده سلطنت ایلده تاریخ سبع و ثلثین
و شصتیه ده منتقل دار آخرت اولوب ایکی سنه کندود نصکوه پدری

الشیخ عمر دخی دار بقایه سفر ایتدی بعد ذلک سلطنت ما وراء
التهر تیمور یاندن خالی اولوب اول مقامه ازبکیان مستولی اولدی میرزا
بابر تارک تاج و تخت اولدقد فرزند دلبندی میرزا هایون بخت
هایون ایلده جالس مسند سلطنت اولوب معظم ممالک هند و زابلستان
وقندهار و غزنیه و کابلی ضبط ایتدکدن غیری دارالملک هند اولان
شهر دهلی دخی شیخ ایدوب یکریمی آلتی سنه استقلال و ذره سلطنتد
صکرمه سال ثلث و ستین و شصتیه ده تقدیرا وقت شامده زرباندن
نزول ایدرکن لغزیه پای اولوب اول سبب ایلده رهروان عالم بقایه همراه
اولدی برادری میرزا کامران الحق بعض ولایت هند ایلده قناعت
ایدوب اوغلی میرزا جلال الدین اکبر وارث ملک پدر و سلطنت اولوب
مزبورک سلطنتی ممتدا و لمغله بلاد هنددن فوقات جلیله یه نایل
و توسیع ملک ایدوب رختکش دار بقا اولدقد ولد ارجمندی میرزا
سلیم شاه پادشاه هندوستان اولوب اولدخی ما شاء الله سلطنت ایلده
مسرورا ولد قد نصکوه مرتحل دار قرار و لجنه اوغلی شاه جهان خرم جانشین
پدر اولوب بونک اموال و ارزاقی زاید و روزگار بختی مساعد و جلالت
مناقبده جمله اجدادینه غالب و ایامد ولتی متمادی اولوب کبرتن ایلده
اعضا و قواسنه قورطاری اولمغین ولد اکبری دارا شکوهی و وعده
نعبین اتمکین فرزند دیگر مراد بخش بوبازاره رواج و یرمیوب مابینده
منازعات کثیره و فتن و فیه ظهور اتمکین ولد ثالث اورنگ زیب صورت
صلاحدن اصلا حلیه کوشش ایدرکی اولامراد بخش کفر قاردام و قتل
بی آرام ایتدکد نصکوه دارا شکوهی دخی باقی وجهه کان استیصال ایدوب
پدر پری حبس ایلده ازعاج و کندوسی مستقلا صاحب تخت تاج اولد
فیومنا هذا فرق سنه دن متجاوز ذکر ممالک هندده امر معروف

و صلاح و تقوی و عدالت و غزایله موصوف پادشاه عالی دستکاهد
برادر رابع شاه شجاع زمان پدرده بنکاله حاکی ایکن پدر و برادر لک
مابینده واقع اولان مشاجره و مناقشه ایله نفرت و ترک دعوی سلطنت
ایدوب تبدیل جامه و هیئت درویشان ایله تک و تنها عزت و سیاحت
اختیار ایدوب احوالی نیه منتهی ولدوغی معلوم اولدی

در بیان احوال اولاد معزالدین عمر شیخ بن امیر تیمور کورکان



معزالدین الشیخ عمرک وجه مشروح اوزره بش بقرا اولادی اولوب
اقا میرزا اسکندر جدی امیر تیمور دومدن عودتده سنه ست و
ثما نمایه ده قوه باغ قشلا سنده ابکن همدان و نهان و ند حکومتلرین
کندیه سپادش اتمشیدی قوه یوسف ترکمانی خرو جده مزبورک خوفدن
ترک همدان ایدوب فارسده برادری میرزا پیر محمد سنایه سنه الحجا
ایله حاکم یزد اولدی اقا میرزا پیر محمد پدری فوتنده تعیین تیمور

ایله حاکم فارس اولوب بعض ملازملرندن شربتدار حسین نام
خاینک غدیر یله مقتول اولدی بوند نصکوه فارس و اصفهانی دخی
میرزا اسکندر سارالذکر ضبط ایتدکد نصکوه عتی شاه رخه عصیا
وما بینده فتح باب بغی و عدوان ایتمکین شاه دخله نصب معرکه کیر
دارده اسیر مغلوب و سال سبع عشر و ثمانمایه ده مکول اولدی
اقا میرزا بایقر امیرزا اسکندر مکول ایله یکدل اولوب اصفهانه
ایکن برادر دیکور رستم اوزر لرینه کلکده اول مابینده اسکندر
ماسور و مقتول اولوب مزبور اسکندر مکول ولد قد نصکوه شاه
رخ فرمانیله میرزا بایقر حاکم همدان و نهان و ند ایکن عصیان
ایدوب شیرازه عزیمت و حاکی اولان سلطان ابراهیم بن شاه رخ
ایله محاربه و ضبط ولایت ایتدوکی تخدیش سمع شاه رخ اتمکین
اوزرینه واروب تضیق ایتدکد مزبور جرمنه اعتراف ایله استیما
ایتمکین حضورینه کتوروب قندها حاکمه ارسال ایتدی آنده دخی
حرکت ناسراسی ظهور ایتمکین محبوسا نکوراد شاه رخه ارسال ایتدی
شاه رخ دخی بعض خدامله سمرقند طرفنه راهی ایدوب اول دیارده
نتیجه حالی نیه منتهی ولدوغی معلوم اولدی اقا میرزا رستم جد
امیر تیمور فوتند نصکوه حاکم اصفهان اولوب برادری اسکندر سار
الذکر ایله اولان نزاعلرندن صکوه اسکندر مأخوذ و رتبه دعوان
ساقط و لجنه حکومت اصفهانه قرار داده اولدی اقا میرزا احمد
بن الشیخ عمر شاه رخ سنه احدی عشر و ثمانمایه ده سمرقند وارد قد
ایالت و حکومت قلمروا و زجند حکومتیله مزبوری مسرور ایتیشیدی
بعده عتی زاده سی اولغ بک ایله اولان محاربه لرند انکسار ایله فرار
مغولستانه واروب بعد خراسان عودتده عتی شاه رخ طرفند فوق

الغایه احترام اولند قد نصکره قصد حج ایله متوجه بیت الله الحرام
اولوب بعد ذلك نتیجه حالی نه منجر اولدوغی معلوم اولدی اما میرزا
سبحان میرزا احمد تاریخ ثلث وستین و ثمانماید ده هیرات قربند
میرزا ابراهیم بن علاء الدوله بن بایسنقر ابن شاه رخ اتفاقله میرزا
ابوسعید ایله واقع اولان قتللرند مقتولادار عقبایه انتقال
ایتدی اما میرزا منصورک حالی نامعلوم اولوب بحق فرزند فرزند
اختری سلطان حسین بن منصور بن بایقر اولاد الشیخ عمرک
آب روی و ممدوح ملاجامی علیه الرحمه اولوب مرقوم پادشاه خراسان
میرزا یادگار محمدی استیصال ایتدکد نصکره اول مملکتد پادشاه
علی الاستقلال اولوب او توزسکرسنه سلطنت ایله تاریخ احدی
عشر و شصتیمیش سنه عمر ایله تارک تاج و تخت و کند و بناسی
اولان قبه ده سر نهاده بالین راحت اولدی او غلی میرزا مظفر
تاریخ ثلث عشر و شصتیماید ده ما و راء النهر پادشاهی شیک خان
اوزبکی ایله اولان جنکده فرار ایله استرا با د طرفه عزیمت
وا و لطفده منتقل دار آخرت اولدی فرزند دیکری
میرزا بدیع الزمان پدری فوتند نصکره برادری میرزا
مظفر ایله بروجه شراکت پادشاه ایکن شیک خان
محاربه سندن فرار تاریخ مذکورده شاه عجم اولان
شاه اسمعیله الجا ایتشیدی پادشاه روم خسرو
سلیمان رسور سلطان سلیم مرخومت شاه اسمعیل
ایله چلدران جنکی واقع اولوب شاه انکسار ایله فرار ایتدکد
پادشاه مرحوم بلده تبریزه قدومد بدیع الزمانی آنده بولمغین
تکریم و احترامله معاً استنبوله کونورب سهل مدته اولدخی

آنده منتقل

آنده منتقل دار آخرت اولدی

در بیان احوال اولاد غیاث الدین جهانگیر بن امیر تیمور کورکان

غیاث الدین جهانگیر
بن امیر تیمور کورکان

سلطان
محمد

میرزا
پیر محمد

غیاث الدین جهانگیر بن تیمورک وجه محتر و وزره ایکی نفر فرزندی
اولوب اما سلطان محمدی جدی تیمور حال حیاتند ولی عهد ایتشیدی
رومده قشلا یوب اول بهارده سمرقند طرفه عزیمت ایتدکد اجل مسنی
ایله تاریخ خمس و ثمانماید ده محل بند دار فرار و لمغین برادری پیر محمدی
ولی عهد تعیین ایتشیدی تقصیر حالی بوندن اقدام
ثبت اثر اولمغین تکرار محتاج دکلدر فریو
حاکم قندهار و غزنه و حدود دهند
اولوب تاریخ تسع و ثمانماید
امر اسنک خیانت
وغدیر ایله منتقل
دار آخرت
اولد
نم بلخیر